

فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در

حسابداری

(نشریه پژوهشی)

دوره ۴، شماره ۱، (پیاپی ۱۳)

بهار ۱۴۰۴

شاپا: ۱۷۰۷ - ۲۸۲۱



صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
مدیر مسئول: دکتر فرزانه حیدرپور
سرمدبیر: دکتر زهرا پورزمانی
مدیر داخلی: دکتر امیررضا کیقبادی
ویراستار علمی: دکتر زهره حاجیهها
ویراستار ادبی: دکتر امیررضا کیقبادی
نسخه خوان: هلن محمدزاده
ناظر فنی: آقای رضا قاسمی

اعضای شورای تحریریه به ترتیب حروف الفبا:

دکتر زهرا پورزمانی	استاد حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر آریتا جهاننشد	دانشیار حسابداری	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر فرزانه حیدرپور	استاد مدیریت مالی	دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی
دکتر مهدی صالحی	استاد حسابداری	دانشگاه فردوسی مشهد
دکتر یحیی کامیابی	استاد حسابداری	دانشگاه مازندران
دکتر ساسان مهرانی	استاد حسابداری	دانشگاه تهران
دکتر غلامحسین مهدوی	استاد حسابداری	دانشگاه شیراز

آدرس: تهران، انتهای بلوار ارتش، خیابان شهید سوهانی، بالاتر از میدان سوهانک، مجتمع دانشگاهی ولایت، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

تهران مرکزی. کدپستی: ۱۹۵۵۸۴۷۸۸۱ تلفن و دورنگار: ۷۳۶۸۱۴۵۲ (۰۲۱)

وب سایت: jdaa.iauctb.ac.ir

- لیتوگرافی و چاپ: سازمان چاپ و توزیع دانشگاه آزاد اسلامی
- مطالب عنوان شده در مقالات بیانگر نظرات نویسندگان است و لزوماً نظرات نشریه نیست.

این فصلنامه به استناد رای پنجاهمین جلسه کمیسیون تعیین اعتبار نشریات حوزه علوم انسانی و هنر دانشگاه آزاد اسلامی مورخ ۹۹/۷/۱۴ مجوز انتشار گرفته است.

فصلنامه قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری

صاحب امتیاز: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

داوران این شماره عبارتند از :

- دکتر محمد امیری اسرمی
- دکتر مریم امامی میبیدی
- دکتر کاوه آذین فر
- دکتر محمد علی بیداری
- دکتر کاوه پرنندین
- دکتر زهرا پورزمانی
- دکتر رویا دارابی
- دکتر میثم دعایی
- دکتر مجید مرادی
- دکتر ابوالفضل مومنی یانسری
- دکتر زهرا هوشمندی

راهنمای تدوین مقاله در فصلنامه "قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری"

هدف از انتشار فصلنامه "قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری حسابرسی" دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، توان‌افزایی از طریق پیوند میان خدمات آموزشی و پژوهشی بوده است. از این‌رو آخرین یافته‌های علمی و پژوهشی در زمینه حسابداری مالی، حسابرسی، بورس اوراق بهادار و هرگونه نظریه نوین در مباحث ذکر شده، مورد استقبال این فصلنامه قرار خواهد گرفت تا پس از مراحل ارزیابی و تأیید نهایی، برای چاپ استفاده گردد.

بایستی نکات زیر، برای ارسال مقاله‌ها، مورد توجه پژوهشگران محترم قرار گیرد:

- (۱) محتوای مقاله با اهداف نشریه متناسب بوده (تشخیص این مورد بر عهده هیئت تحریریه است) و حاصل مطالعات، تجربه‌ها و پژوهش‌های نویسنده باشد.
- (۲) فصلنامه عمدتاً مقاله‌های پژوهشی را می‌پذیرد.
- (۳) مقاله ارسال شده در هیچ همایشی ارائه نگردیده باشد و قبلاً در هیچ نشریه‌ای چاپ و یا هم‌زمان، به نشریه‌های دیگر فرستاده نشده باشد.
- (۴) فصلنامه در انتخاب، ویرایش، تلخیص یا اصلاح مقاله‌های دریافتی آزاد است.
- (۵) مسئولیت آراء و نظریات ارائه شده در مقاله‌ها برعهده نویسندگان است و چاپ مقاله به معنی تأیید مطالب آن نیست.
- (۶) مقاله روی کاغذ A4 و فقط در یک روی کاغذ چاپ شود.
- (۷) در متن مقاله تا حد امکان از معادل فارسی کلمات لاتین استفاده شود و چنانچه معادل فارسی به‌اندازه کافی رسا نباشد، عین کلمه لاتین در پانویس آورده شود.
- (۸) ارسال سه نسخه چاپی از مقاله تایپ شده، حداکثر در ۱۶ صفحه، با نرم‌افزار MS Word ویرایش ۲۰۰۷ یا ۲۰۱۰، فونت B Nazanin سایز ۱۱ به همراه CD مقاله و چکیده انگلیسی، الزامی است. همچنین ارسال از طریق پست الکترونیکی faar.iau@gmail.com امکان‌پذیر می‌باشد.
- (۹) صفحه اول مقاله باید دربرگیرنده موارد زیر باشد:
عنوان مقاله، مشخصات نویسنده یا نویسندگان شامل نام و نام خانوادگی، عنوان شغلی یا مرتبه دانشگاهی و تخصص، ذکر نام دانشگاه (در صورتیکه عضو هیئت علمی می‌باشید)، آدرس کامل منزل همراه با کدپستی، تلفن تماس (منزل و همراه)، پست الکترونیکی نویسنده (نویسندگان). لازم به ذکر است مشخصات نویسندگان صرفاً در این صفحه درج شود (ذکر کلیه موارد فوق به‌صورت فارسی و انگلیسی الزامی است).
- (۱۰) صفحه دوم مقاله شامل عنوان مقاله، چکیده مقاله (حدود ۱۵۰ و حداکثر در ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر ۵ واژه مرتبط) می‌باشد.

(۱۱) بخش‌های بعدی شامل مقدمه، چارچوب نظری، پیشینه و تحقیقات مرتبط، بیان مسأله و فرضیه‌ها، روش اجرای تحقیق، ارائه و تجزیه تحلیل یافته‌ها، تشریح و ارزشیابی نتایج و نتیجه‌گیری می‌باشد. پی‌نوشت‌ها و یادداشت‌های توضیحی در پایین هر صفحه مربوط به آن پی‌نوشت آورده شود.

(۱۲) جدول به تعداد محدود با شماره و عنوان مشخص در بالا و توضیحات و منبع جدول در زیر آن در اندازه ۱۵*۱۱ و مناسب برای چاپ باشد.

(۱۳) شکل‌ها، نمودارها و تصاویر به تعداد محدود با شماره و عنوان، توضیح و منبع مشخص در زیر آن در اندازه ۱۵*۱۱ و مناسب برای چاپ باشد.

(۱۴) برای ارجاع منابع در متن مقاله به شرح زیر عمل شود:

(۱۵) از " نام خانوادگی نویسنده - تاریخ - شماره صفحه " در متن برای ذکر کارهای دیگران استفاده شود. اگر به دو یا چند اثر یک نویسنده در یک سال اشاره شود، می‌توان بعد از سال از عبارت "الف" و "ب" یا "a" و "b" استفاده کرد.

(۱۶) فهرست منابع استفاده شده (ابتدا منابع فارسی و سپس منابع خارجی) به ترتیب حروف الفبای نام خانوادگی و بدون شماره با توجه به الگوی زیر درج شود:

- کتاب تألیف شده: نام خانوادگی نویسنده، نام، سال انتشار کتاب، عنوان کتاب (نوبت ویرایش یا چاپ)، محل نشر، نام انتشارات.
- کتاب ترجمه شده: نام خانوادگی مؤلف، نام مؤلف، تاریخ ترجمه، عنوان کتاب به فارسی، نام و نام خانوادگی مترجم، محل نشر، ناشر، (تاریخ انتشارات به زبان اصلی).
- مراکز آماری: نام مرکز آماری، نام نشریه آماری، سال‌های استفاده شده، نام اداره یا دفتر منتشر کننده آمار.
- مقاله: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله، نام نشریه، دوره، شماره، ماه، سال.
- منابع اینترنتی: نام خانوادگی نویسنده، نام، عنوان مقاله به‌طور کامل، [تاریخ کامل انتشار مقاله]، [ذکر اصطلاح online]، <آدرس کامل منبع>، [تاریخ کامل دسترسی به مقاله].
- عنوان کتاب و عنوان نشریه به‌صورت Bold تایپ شود.

(۱۷) صفحه آخر مقاله شامل عنوان مقاله، چکیده مقاله (حدود ۱۵۰ و حداکثر در ۲۰۰ کلمه) و واژه‌های کلیدی (حداکثر ۵ واژه مرتبط) به زبان انگلیسی با قلم 11 Times New Roman می‌باشد

فهرست مطالب

۱-۲۶	• تاثیر تفاوت باورهای شغلی چهارگانه دانشجویان بر انتخاب رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی سجاد نقدی، علیرضا فضل زاده، وحید احمدیان، سبا محمدی و الهه سلمانزاده اقدام
۲۷-۵۲	• ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با دلپستگی مالی همراه با نقش میانجی استرس مالی علیرضا هوشمندی، امید پور حیدری و امیرحسین تائبی نقندری
۵۳-۷۲	• تحلیل تصمیم‌گیری مدیران ارشد با تأکید بر نقش سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت و حاکمیت ... محمد گراوند و فرزانه حیدر پور
۷۳-۹۸	• تاثیر عملکرد پایداری بر رابطه میان مدیریت ریسک سازمانی و ریسک مالی شرکت‌ها فرشید احمدی فارسانی، علیرضا آبرود و عبدالناصر درخشان
۹۹-۱۱۸	• ارائه الگوی علی جهت ارتقاء حافظه فعال مدیران پرتفوی رضا آقامحمدی، عبدالرضا تالانه، علی اکبر ارجمندنیا و سیده عاطفه حسینی
۱۱۹-۱۴۴	• تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی با در نظر گرفتن اثر تعاملی راهبرد تدافعی سمیرا براتی منش و مسعود فولادی



تأثیر تفاوت باورهای شغلی چهارگانه دانشجویان بر انتخاب رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی

سجاد نقدی^۱

علیرضا فضل زاده^۲

وحید احمدیان^۳

سبا محمدی^۴

الهه سلمانزاده اقدام^۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

چکیده

با توجه به چالش کمبود دانشجویان باکیفیت در حرفه حسابداری، هدف این مطالعه بررسی تأثیر باورهای شغلی چهارگانه در تصمیم‌گیری دانشجویان جهت تحصیل در رشته حسابداری یا مدیریت مالی می‌باشد. باورهای شغلی چهارگانه شامل وجود شغل جالب، امنیت شغلی، تنوع شغلی و پتانسیل درآمد بالا می‌باشد، همچنین با توجه به اهمیت عوامل شخصیتی بر انتخاب رشته، سن، جنسیت، تحمل فضای مبهم، تحصیلات و شغل اقوام نیز به عنوان متغیرهای کنترلی در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفته‌اند. این پژوهش از نظر گردآوری داده در زمره پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی در سال ۱۴۰۳ می‌باشد که درس اصول حسابداری ۱ و ۲ را گذرانده‌اند. بدین منظور، ۱۸۲ نمونه کامل از پرسشنامه جمع‌آوری گردید و داده‌های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که باورهای شغلی متفاوت در مورد شغل جالب بیشترین تأثیر را بر انتخاب رشته داشته و تأثیر باورهای شغلی متفاوت در مورد امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا نیز معنی‌دار است. بنابراین، اگر باور دانشجویان مدیریت مالی در مورد اینکه رشته حسابداری شامل شغل‌های جالبی است افزایش یابد، احتمال اینکه حسابداری را به‌عنوان رشته اصلی انتخاب نمایند، افزایش می‌یابد.

واژه‌های کلیدی: انتخاب رشته، باورهای شغلی چهارگانه، دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی.

۱ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. S.nagdi@tabrizu.ac.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. (نویسنده مسئول) fazlzadeh@tabrizu.ac.ir

۳ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. v.ahmadian@tabrizu.ac.ir

۴ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. mhdsa14001@gmail.com

۵ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران. elaheslmnzde@gmail.com



۱- مقدمه

با جهانی شدن فعالیت‌ها و معاملات مختلف تجاری، شرکت‌ها و موسسات به حسابداران مستعد بیشتری برای ثبت و پردازش داده‌ها و اطلاعات مالی نیاز دارند (جان^۱، ۲۰۲۴). اما کاهش متقاضیان رشته حسابداری و کیفیت پایین فارغ‌التحصیلان این رشته چندین دهه است که مشکلات اساسی در حرفه ایجاد کرده است، در نتیجه، شکاف بین افزایش تقاضا برای حسابداران با استعداد و کاهش متقاضیان رشته حسابداری، مورد توجه فعالان رشته حسابداری، پژوهشگران و سازمان‌های مربوطه در سراسر جهان قرار گرفته است (کوهن^۲، ۲۰۲۱؛ لیبی و مدسن^۳، ۲۰۱۷؛ کارلسون و نوئل^۴، ۲۰۲۲). به عنوان مثال مطابق با گزارش انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۵ در سال ۲۰۲۱، در سال تحصیلی ۲۰۱۹-۲۰۲۰ در ایالات متحده آمریکا تعداد فارغ‌التحصیلان مقطع کارشناسی حسابداری ۲/۸ درصد، تعداد فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد ۸/۴ درصد و تعداد داوطلبان آزمون حسابداران رسمی ۱۷ درصد با کاهش مواجه بوده است که به نظر می‌رسد این روند در بعضی دانشگاه‌ها در سال‌های ۲۰۲۲ و ۲۰۲۳ نیز ادامه داشته است (هیتگر و همکاران^۶، ۲۰۲۳). با کاهش متقاضیان رشته حسابداری، موسسات و دانشکده‌های حسابداری جهت حفظ جایگاه و موقعیت خود استانداردهای لازم جهت ورود به رشته حسابداری را بازبینی کرده و به صورت پیوسته تغییراتی در برنامه‌های خود لحاظ می‌کنند که این موضوع باعث کاهش کیفیت دانشجویان حسابداری و در نهایت منجر به عدم وجود فارغ‌التحصیلان با استعداد در این حرفه شده و پرورش نیروی انسانی خلاق، جهت برآورده کردن نیازهای جدید حرفه حسابداری را دچار مشکل می‌کند (مالدین^۷، ۲۰۰۰). چالش کاهش دانشجویان حسابداری و فارغ‌التحصیلان این رشته محدود به جغرافیای خاصی نمی‌باشد، در ایران نیز با توجه به گسترش الزامات قانونی و مقرراتی، رشد حجم خدمات، پیچیدگی فعالیت‌های اقتصادی بنگاه‌های تجاری، حرکت ایران به سمت بکارگیری استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و حسابداری و اهمیت یافتن مهارت قضاوت حرفه‌ای، نظارت بیشتر نهادهای نظارتی بر حرفه حسابداری (به‌ویژه حرفه حسابداری مستقل و حسابرسی)، چالش کمبود نیروی انسانی ماهر حسابداری بیشتر احساس می‌شود (مشیرزاده، ۱۳۹۸؛ رضائی و همکاران، ۱۴۰۳). در جهت بررسی شکاف بین تقاضای نیروی انسانی ماهر و کمبود فارغ‌التحصیلان مستعد در رشته حسابداری می‌توان به عوامل موثر بر انتخاب رشته دانشجویان اشاره کرد، زیرا انتخاب رشته تحصیلی یک مرحله مهم در زندگی افراد است که می‌تواند تحت تاثیر عوامل درونی مانند مهارت و انگیزه و عوامل بیرونی مانند خانواده و دوستان قرار بگیرد (پانگوا و همکاران^۸، ۲۰۲۳). در جهت بررسی عوامل موثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی،

¹ Jun² Cohn³ Leiby & Madsen⁴ Karlsson & Noela⁵ AICPA 2021 Trends report⁶ Heitger et al.⁷ mauldin⁸ Panggoa et al.

مطالعات بلی و فنما^۱ (۲۰۱۷) نشان می‌دهد که دانشجویانی که رشته مدیریت مالی و حسابداری را انتخاب می‌کنند از عوامل مشابه استعداد، تحصیلات و معدل برخوردار هستند و توانایی تحصیل در هر دو رشته را دارند. با این حال دانشجویان مدیریت مالی دیدگاه مثبتی نسبت به رشته حسابداری ندارند و اغلب دانشجویان بر این باورند که افراد مستعد، رشته تحصیلی مدیریت مالی را انتخاب می‌کنند، درحالیکه مطالعات دیگر نشان می‌دهد دو رشته حسابداری و مدیریت مالی اغلب در حال رقابت با یکدیگر هستند (هانت و همکاران^۲، ۲۰۰۴؛ گبینگ^۳، ۲۰۱۹). طبق مطالعه جردن و همکاران^۴ (۲۰۲۳)، انتخاب رشته تحصیلی تحت تاثیر تفاوت در باورهای شغلی می‌باشد. تفاوت در چهار باور شغل جالب، پتانسیل درآمد بالا، تنوع شغلی و امنیت شغلی، باعث می‌شود که دانشجویان، رشته حسابداری یا مدیریت مالی را انتخاب کنند. یکی از باورهای شغلی تاثیرگذار بر انتخاب رشته جالب بودن حرفه می‌باشد و هنگامی که فرد از انجام دادن شغلی لذت نبرد، ممکن است تمایلی به انتخاب تحصیلات مربوط به آن حرفه را نداشته باشد (کوینترو و همکاران^۵، ۲۰۱۱). امنیت شغلی به عنوان یکی دیگر از عوامل چهارگانه تاثیرگذار بر انتخاب رشته زمانی تحقق می‌یابد که شغل کافی برای نیروی انسانی فارغ‌التحصیل، وجود داشته باشد و خطراتی مبنی بر خودکارسازی، امنیت شغلی حرفه مربوطه را تهدید نکند که مطالعات وجود تهدید خودکارسازی حرفه حسابداری را نتیجه‌گیری می‌کنند (براون و تگلر^۶، ۲۰۲۱؛ راهایو و همکاران^۷، ۲۰۲۳). مسیرهای شغلی متنوع پیش‌روی حسابداران، ممکن است باور تنوع شغلی در انتخاب رشته حسابداری را تحت تاثیر قرار دهد (گوکولان و همکاران^۸، ۲۰۲۲). نگرش‌ها نسبت به باور شغلی متنوع، ممکن است برای گروهی یک ویژگی مثبت و برای برخی از افراد به دلیل عدم همسویی با ترجیحات قوی و کیفیت‌های موردنظر، یک ویژگی منفی تلقی شود (سلا و میماران^۹، ۲۰۱۱). پتانسیل درآمد بالای حرفه یکی از عوامل تاثیرگذار بر انتخاب رشته دانشجویان است که می‌تواند تحت تاثیر جنسیت نیز قرار گیرد، زیرا دانشجویان مرد از باور پتانسیل درآمد بالا برای یک حرفه، بیشتر تاثیر می‌پذیرند (دیک و رالیس^{۱۰}، ۱۹۹۱). همانطور که شرح آن گذشت، مطابق با پژوهش بلی و فنما^{۱۱} (۲۰۱۷) مبنی بر عدم تفاوت معنی‌دار سطح تحصیلی دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی، هشدار فعالان و محققان حسابداری نسبت به کاهش فارغ‌التحصیلان مستعد رشته حسابداری و اهمیت موضوع انتخاب رشته در میان دانشجویان، هدف مطالعه پیش‌رو، بررسی تاثیر تفاوت در باورهایی است که باعث می‌شود دانشجویان درحالیکه از سطح

¹ Blay & Fennema

² Hunt et al.

³ Gabbing

⁴ Jordan et al.

⁵ Quintero

⁶ Brown & Tegeler

⁷ Rahayu et al.

⁸ Gokoglan et al.

⁹ Sela & Maimaran

¹⁰ Dick & Rallis

¹¹ Blay & Fennema

تحصیلی یکسانی برخوردار هستند، یکی از دو رشته حسابداری یا مدیریت مالی را انتخاب کرده و از انتخاب رشته دیگر، صرف نظر کنند.

برای نیل به هدف این پژوهش نیز، تفاوت باورهای شغلی چهارگانه دانشجویان در ایران مورد آزمون قرار می گیرد. همچنین تاثیر برخی عوامل شخصیتی اعم از سن، جنسیت، تحمل فضای مبهم، تحصیلات و شغل اقوام، به عنوان متغیرهای کنترلی در مدل این پژوهش بررسی می شود. موضوع مورد مطالعه در این پژوهش، باتوجه به چالش کمبود نیروی انسانی باکیفیت در حرفه حسابداری، از اهمیت و ضرورت ویژه ای برخوردار است، زیرا که در این مطالعه با شناسایی تفاوت باورهایی که منجر به عدم انتخاب رشته حسابداری توسط دانشجویان بااستعداد می شود، می توان در تغییر یا اصلاح این باورها گام برداشت. با توجه به کاربردی بودن هدف این پژوهش و اجرای آن در راستای شناخت بیشتر شرایط موجود و یاری رساندن به تصمیم گیری ها، نتایج این مطالعه می تواند برای مؤسسات و آموزشگاه های حسابداری و همچنین صاحبان کار مهم باشد. با توجه به بحران عدم وجود نیروی انسانی با کیفیت در حوزه حسابداری، مؤسسات و کارفرمایان بعد از علت یابی این موضوع باید به دنبال روش های مؤثر برای حل این مشکل باشند.

ساختار مقاله در ادامه به این صورت است که در بخش بعدی مبانی نظری، پیشینه و فرضیه های مطالعه ارائه شده و سپس روش شناسی پژوهش در قالب مدل و متغیرهای مورد استفاده در پژوهش معرفی می شوند. پس از آن به تجزیه و تحلیل یافته ها پرداخته شده و در نهایت نتیجه گیری ارائه می شود.

۲- مبانی نظری

برای پاسخگویی به تقاضای حرفه حسابداری، نیاز به فارغ التحصیلان مستعد حسابداری وجود دارد و اگر فارغ التحصیلان حسابداری واجد شرایط کافی برای برطرف کردن تقاضای حسابداری نباشند، پایداری حرفه حسابداری دچار خطر خواهد شد (مجله اکونومیست^۱، ۲۰۱۴). نتایج حاصل از گزارشات و مطالعات پیرامون رشته حسابداری خطر عدم پایداری رشته حسابداری را هشدار می دهند. از طرفی انتخاب رشته موضوعی مهم برای دانشجویان می باشد که می تواند از عوامل و باورهای متعددی تاثیر بپذیرد. باورهای دانشجویان می تواند از منابع مختلفی اعم از آموزش، ارتباطات با دوستان و افراد ماهر، مجلات تجاری و خبری، رسانه های اجتماعی تشکیل شود. علاوه بر این موضوع، امکان دارد دانشجویان به منابع متفاوتی برای تشکیل باورهای خود تکیه کنند و در نتیجه استفاده از منابع متفاوت برای تشکیل باورها منجر به تفاوت در باورهای دانشجویان و در نهایت تصمیم های متفاوت شود. با در نظر گرفتن مبتنی بودن هر دو رشته حسابداری و مدیریت مالی بر رویدادهای اقتصادی، انتظار می رود، دانشجویان این دو رشته از منابع مشابهی جهت تشکیل باورهای خود استفاده کنند و در انتخاب رشته

¹ The economist



تحصیلی، هر دو رشته مدیریت مالی و حسابداری را در نظر بگیرند (جردن و همکاران^۱، ۲۰۲۳). مطالعات بسیاری نشان می‌دهد دانشجویانی که به انتخاب رشته‌های تجاری و کسب و کار فکر می‌کنند، شرایط شغلی رشته انتخابی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهند (کیم و همکاران^۲، ۲۰۰۲). پس باورهای شغلی، گروهی از باورها هستند که مستثنی از رابطه مذکور مبنی بر تاثیر باورها بر انتخاب رشته بین دو رشته حسابداری و مدیریت مالی نمی‌باشند. از باورهای شغلی تاثیرگذار بر انتخاب رشته دانشجویان می‌توان به باورهای شغلی چهارگانه شامل شغل جالب، امنیت شغلی، تنوع شغلی و پتانسیل درآمد بالا اشاره کرد (جردن و همکاران^۳، ۲۰۲۳). علاقه‌مند بودن به حرفه حسابداری، نیروی محرکه تاثیرگذاری در انتخاب رشته حسابداری می‌باشد، یعنی شغل فرد از جالب بودن کافی برای افزایش انگیزه برخوردار باشد (فورتین و آمرنیک^۴، ۱۹۹۴). زمانی که شغلی برای فرد جالب نباشد، از آن شغل به عنوان حرفه خسته کننده و کسل کننده یاد می‌کند و لذتی از شغل کسب نمی‌کند. حرفه حسابداری از نظر دانشجویان به سه دلیل تکراری بودن فعالیت‌ها، قوانین ثابت و حفظی حسابداری که خارج از حیطه مهارت‌های قضاوتی و مفهومی است و عدم تعامل حسابداران با افراد دیگر، از میزان جالب بودن کمتری برخوردار است. همچنین گروهی از افراد جالب بودن حرفه حسابداری را به لذت بردن از اعداد و قوانین حسابداری نسبت داده‌اند (جردن و همکاران^۵، ۲۰۲۳). فرضیه زیربنایی شغل جالب از این قاعده پیروی می‌کند که اگر شغلی برای دانشجوی جالب باشد، امکان دارد در رشته تحصیلی مرتبط با آن شغل تحصیل کند (ورثینگتون و هیگز^۶، ۲۰۰۴). امنیت شغلی برای یک حرفه بدین مفهوم است که شغل کافی برای فارغ‌التحصیلان مرتبط با رشته، وجود داشته باشد. یکی از عوامل تاثیرگذار بر انتخاب رشته حسابداری، پایداری درآمد است که در نتیجه امنیت شغلی متناسب با رشته تحصیلی حسابداری می‌باشد (براون و تگلر^۷، ۲۰۲۱). همچنین ترس از خودکارسازی فرصت‌های شغلی در حرفه حسابداری امنیت شغلی رشته حسابداری را مورد تهدید قرار داده است. تهدیدات امنیت شغلی حسابداری توسط گسترش فناوری پشتیبانی می‌شود (راهایو و همکاران^۸، ۲۰۲۳؛ هورتادو و گوارا^۹، ۲۰۲۴). افراد حرفه‌ای در حسابداری به عنوان مشاوران مالی توسط کسب و کارها شناخته می‌شوند و رشته تحصیلی حسابداری مسیرهای شغلی و فرصت‌های شغلی متنوعی را فراتر از رشته تحصیلی در دانشگاه، ارائه می‌دهد و حسابداری را در بخش‌های مختلف تجارت و کسب و کارها به دلیل مسیرهای شغلی متنوع به یک گزینه جذاب تبدیل می‌کند (گوکولان

¹ Jordan et al.

² Kim et al.

³ Jordan et al.

⁴ Fortin & Amernic

⁵ Jordan et al.

⁶ Worthington & Higgs

⁷ Brown & Tegeler

⁸ Rahayu et al.

⁹ Hurtado & Guevara (2024)

و همکاران^۱ (۲۰۲۲؛ دماغالهاس و وایلد^۲، ۲۰۱۵). با توجه به اینکه برخی دانشجویان ممکن است تنوع شغلی در رشته تحصیلی را نکته مثبتی تلقی کنند، گروهی از افراد ممکن است تنوع کمتری را برای نشان دادن ترجیحات قوی و همسویی با کیفیت های مورد نظر انتخاب کنند (سلا و میماران^۳، ۲۰۱۱). پتانسیل درآمد بالا به دلیل شوک های درآمدی خانوار، احتمال انتخاب رشته هایی با پتانسیل بالا نسبت به سایر رشته های تحصیلی را افزایش و محدودیت های مالی را برای دانش آموزان کم توان کاهش می دهد (اویتبل و همکاران^۴، ۲۰۱۵؛ اوتو^۵، ۲۰۱۵). ویژگی جنسیت در میزان تاثیرگذاری پتانسیل درآمد بالا به عنوان یکی از باورهای شغلی تاثیرگذار بر انتخاب رشته دانشجویان، نقش بااهمیتی دارد. پتانسیل درآمد بالا بر مردان تاثیر بیشتری نسبت به زنان در انتخاب رشته تحصیلی و در نهایت انتخاب شغل دارد (دیک و رالیس^۶، ۱۹۹۱). در حالی که حسابداری برای شرکت ها حیاتی است، تغییر به سمت حسابداری مدیریت برای توسعه کسب و کار مفیدتر نتیجه گیری می شود، که نشان دهنده روند صعودی ارزش تخصص مدیریت مالی در افزایش سودآوری و رشد شرکت است (مینگ^۷، ۲۰۱۸). مدیریت مالی به دلیل نقش استراتژیک خود در سازمان ها، شامل پیش بینی، جذب سرمایه و تصمیم گیری مالی، پتانسیل درآمد بالایی را در مقایسه با حسابداری ارائه می دهد (باجپای^۸، ۲۰۲۳). تفاوت بین باورهای شغلی مذکور در چهار باور پتانسیل درآمد بالا، جالب بودن حرفه مرتبط، تنوع شغلی و امنیت شغلی دلایلی هستند که باعث می شوند دانشجویان اقدام به انتخاب یک رشته کرده و از انتخاب رشته دیگر صرف نظر کند. زمانی که باور دانشجویان نسبت به هر یک از معیارهای شغلی چهارگانه در دو رشته حسابداری و مدیریت مالی یکسان باشد، بدین مفهوم است که آن عامل تاثیری در انتخاب رشته فرد بین حسابداری و مدیریت مالی نداشته است.

۳-پیشینه پژوهش

باتوجه به مطالعات و بررسی های انجام شده، چندین دهه است که کاهش دانشجویان حسابداری و نیروی کار حرفه ای در زمینه حسابداری، به یک چالش فراگیر تبدیل شده است و این چالش، انگیزه محققان نسبت به بررسی عوامل موثر بر انتخاب رشته حسابداری را افزایش داده است.

آسکاروا و همکاران^۹ (۲۰۲۴)، در پژوهشی با عنوان "عوامل موثر در تصمیم گیری فارغ التحصیلان دبیرستان در مورد آموزش عالی در عصر دیجیتال"، به تجزیه و تحلیل عوامل موثر بر انتخاب رشته دانش آموزان روسیه و

¹ Gokoglan et al.

² De Magalhaes & Wilde

³ Sela & Maimaran

⁴ Avitabile et al.

⁵ Otu

⁶ Dick & Rallis

⁷ Meng

⁸ Bajpai

⁹ Askarova et al.

قزاقستان پس از فارغ التحصیلی از دوره دبیرستان، می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، سه گروه عوامل خانوادگی، اجتماعی و تحصیلی بر انتخاب رشته دانش‌آموزان در مورد آموزش عالی بیشترین تاثیر را دارد. هاسیارا و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با استفاده از روش مصاحبه به بررسی تاثیر رفتارها، عادت‌ها و شغل افراد خانواده به ویژه پدر و مادر، بر باورهای فرزندان پرداختند. نتیجه این مطالعه بر تاثیر انتقال انگیزه‌ای که از طرف خانواده و به ویژه پدر خانواده، به عنوان شخصیت کلیدی خانواده، که در حرفه حسابداری مشغول به فعالیت است، تأکید می‌کند. طبق نتایج این مطالعه نزدیک به ۸۰ درصد افرادی که در رشته حسابداری مشغول به تحصیل یا کار هستند، از تاثیر مثبت انگیزه خانواده به ویژه پدر و مادر که شامل پیشنهاد، توصیه، راهنمایی و آسان سازی مسیر است، برخوردار می‌شوند.

مارسینتاوولی و همکاران^۲ (۲۰۲۲) در کشور اندونزی در مطالعه‌ای با عنوان "درک عوامل محرک برای انتخاب شغل دانشجویان حسابداری به عنوان یک حسابدار حرفه‌ای"، به این نتیجه رسیدند که متغیرهای ارزش ذاتی، چشم‌انداز شغلی، بازار کار و محیط کار، پاداش‌های مالی و ارتباطات، تأثیر مثبت و معناداری بر انتخاب شغلی دانشجویان حسابداری دارند و دانشگاه‌ها با معرفی رشته حسابداری با متغیرهای مورد بررسی می‌توانند انگیزه دانشجویان را در انتخاب رشته حسابداری افزایش دهند. داده‌های این مطالعه با استفاده از پرسشنامه جمع‌آوری شده و با رگرسیون خطی چندگانه مورد آزمون قرار گرفته است.

کارلسون و نوئلا^۳ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای عوامل موثر بر عدم انتخاب رشته حسابداری را با جامعه آماری ۲۲۸ دانش‌آموز سوئدی مورد بررسی قرار دادند. آنها با استفاده از نظریه عمل منطقی، به این نتیجه رسیدند که باورهای رفتاری شامل کسل‌کننده بودن حسابداری، حقوق و مزایای پایین‌تر نسبت به سایر مشاغل، عدم نفع شخصی در حسابداری و همچنین باورهای هنجاری شامل تاثیر معلمان و دوستان بر عدم انتخاب رشته حسابداری مؤثر بوده است.

براون و تگلر^۴ (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای دلایل تغییر رشته دانشجویان سایر رشته‌های تحصیلی به حسابداری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج مطالعه نشان می‌دهد، مشغول به کار شدن در رشته حسابداری، توصیه و راهنمایی افراد ماهر حرفه حسابداری و همچنین مشاوره‌های اساتید مراکز آموزشی حسابداری از دلایلی است که دانشجویان سایر رشته‌های تحصیلی را نسبت به تحصیل در رشته حسابداری علاقه‌مند می‌کند.

گیناوه^۵ (۲۰۲۱) پژوهشی با عنوان "فرصت شغلی، نگرش‌ها، کنترل رفتاری ادراک شده و تمایل به انتخاب رشته حسابداری" با استفاده از پرسشنامه و مصاحبه انجام داد که نتایج آن نشانگر تاثیر مثبت فرصت‌های شغلی

¹ Hasiara et al.

² Marsintauli et al.

³ Karlsson & Noela

⁴ Brown & Tegeler

⁵ Gainau

بر نگرش دانشجویان نسبت به رشته حسابداری می‌باشد که در نهایت، منجر به افزایش انگیزه دانشجویان برای انتخاب رشته حسابداری می‌شود. همچنین کنترل رفتاری ادراک شده تاثیر مثبتی بر انگیزه دانشجویان برای انتخاب رشته حسابداری دارد.

مردیانی و لطفی^۱ (۲۰۲۱) در کشور اندونزی مطالعه‌ای با هدف بررسی ویژگی‌های دانشجویان رشته حسابداری و همچنین دلایل انتخاب رشته حسابداری توسط دانشجویان انجام دادند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد دانشجویانی که رشته حسابداری را انتخاب می‌کنند، انتظار فرصت‌های شغلی زیاد و همچنین انتظار دریافت حقوق بالایی دارند. داده‌های این پژوهش از طریق پرسشنامه جمع‌آوری شده و با استفاده از روش رگرسیون لجستیک مورد آزمون قرار گرفته است.

انگت و همکاران^۲ (۲۰۲۰) در مطالعه‌ای تاثیر جنسیت، سختی، فرصت‌های شغلی و پدیده خودفریبی یا سندرم ایمپاستر^۳ بر انتخاب رشته حسابداری را بررسی کردند که نتایج حاصل از آن نشان‌دهنده تاثیر مثبت فرصت‌های شغلی و سندرم ایمپاستر بر انتخاب رشته حسابداری است. افرادی که دچار سندرم ایمپاستر هستند، یعنی خود را لایق موفقیت نمی‌دانند و هوش و توانایی خود را قبول ندارند و فکر می‌کنند موفقیت آنها حاصل فریبکاری است، بیشتر به دنبال انتخاب رشته حسابداری هستند.

تیکوی و آلبو^۴ (۲۰۱۸) با بررسی تاثیر سن بر انتخاب رشته حسابداری، به این نتیجه رسیدند که تاثیر درآمد بر انتخاب رشته افراد با سنین پایین تر، بیشتر است ولی افراد با تجربه و سن بالا، به خلاقیت در انتخاب رشته توجه بیشتری دارند.

راباباح^۵ (۲۰۱۶) پژوهشی با عنوان "عوامل مؤثر بر انتخاب دانشجویان حسابداری به عنوان یک رشته اصلی" در دانشگاه کویت انجام داد که نشانگر عدم تاثیر رتبه دانشگاه، شخصیت، فرصت‌های شغلی منافع شخصی بر انتخاب رشته دانشجویان می‌باشد.

دالچی و همکاران^۶ (۲۰۱۳) مطالعه‌ای با عنوان "عواملی که بر تصمیم‌گیری دانشجویان ایران برای انتخاب رشته حسابداری تاثیر می‌گذارند" انجام دادند که هدف مطالعه تشخیص عواملی است که باعث می‌شود دانشجویان ایرانی، حسابداری را به عنوان رشته تحصیلی انتخاب کنند. نتایج این پژوهش مسائل مربوط به شغل و درآمد حسابداری را در انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در ایران مؤثر یافت.

¹ Mardiani & Lhutfi

² Enget et al.

³ impostor syndrome

⁴ Ticoi & Albu

⁵ Rababah

⁶ Dalci et al.

ملودین و همکاران (۲۰۰۰) با استفاده از پرسشنامه به بررسی تاثیر فرصت‌های شغلی، جالب بودن رشته، استاد مرتبط با رشته، درآمد و خانواده بر انتخاب رشته حسابداری پرداختند که نتایج حاصل از این بررسی نشانگر مثبت بودن تاثیر این عوامل بر رشته حسابداری است.

سامن و کروکر^۱ (۱۹۹۹) در پژوهشی تحت عنوان "عوامل تاثیرگذار بر انتخاب رشته حسابداری"، به این نتیجه رسیدند که اگر دانشجویان تصور جالبی از رشته حسابداری داشته باشند، احتمال اینکه حسابداری را به عنوان رشته تحصیلی انتخاب کنند، بیشتر است و زمانی تصور جالبی نسبت به رشته حسابداری دارند، که حرفه حسابداری را بر اساس قوانین سخت‌گیر نپندارند. برای گردآوری داده‌های این مطالعه از پرسشنامه استفاده شده و نتیجه آن توسط رگرسیون مورد آزمون قرار گرفته است.

الیاس^۲ (۱۹۹۹) در پژوهشی با هدف بررسی توانایی تحمل فضای مبهم بر انتخاب رشته حسابداری به این نتیجه رسیدند که حسابداران، درجه توانایی تحمل فضای مبهم پایین تری نسبت به سایر افراد جامعه دارند. همچنین زنان حسابدار نسبت به مردان حسابدار از تحمل پایین تری نسبت به وضعیت مبهم برخوردار بودند. آدامز و همکاران^۳ (۱۹۹۴) در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که سه عامل فرصت شغلی مناسب، پتانسیل درآمد بالا و جالب بودن موضوعات رشته بیشترین تاثیر را بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری دارد. روش جمع‌آوری داده‌ها در این مطالعه، پرسشنامه است و جامعه آماری پژوهش ۲۳۸ نفر می باشد که نتایج پرسشنامه توسط رگرسیون مورد آزمون قرار گرفته و نتایج مذکور حاصل شده است.

مطالعه کوهن و هانو^۴ یکی از تحقیقات بنیادی در حوزه انتخاب رشته حسابداری است که در سال ۱۹۹۳ با استفاده از نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده در ویتنام به تشخیص معیارهای موثر بر انتخاب رشته حسابداری یا رشته‌های غیر حسابداری پرداختند. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، عواملی مانند حجم کار حسابداری، مهارت در ریاضیات و احتمال موفقیت، در انتخاب حسابداری به عنوان رشته تحصیلی تاثیر می‌گذارد و همچنین دانشجویانی که رشته حسابداری را شامل موضوعات جالب نمی‌دانند، حسابداری را به عنوان رشته اصلی خود انتخاب نمی‌کنند. بسیاری از مطالعات قبلی تاثیر باورهای چهارگانه شغلی بر انتخاب رشته حسابداری را شناسایی و بررسی کردند. گریوز و همکاران^۵ (۱۹۹۲) از طریق پرسشنامه به این نتیجه رسیدند که امنیت شغلی حسابداری و درآمد آن مهم ترین دلیل دانشجویان برای انتخاب رشته حسابداری است. همچنین مطالعه مالگوی و همکاران^۶ (۲۰۰۵) با بررسی تاثیر باورهای شغلی چهارگانه بر انتخاب رشته دانشجویان، جالب بودن رشته تحصیلی را به عنوان مهم‌ترین باور شغلی انتخاب رشته دانشجویان شناخت. پژوهش‌های انجام شده تنها تاثیر باورهای شغلی را بر

¹ Saemann & Crooker

² Elias

³ Adams et al.

⁴ Cohen & Hanno

⁵ Graves et al.

⁶ Malgwi et al.

انتخاب رشته حسابداری بررسی کردند. اما مطالعه جردن و همکاران^۱ (۲۰۲۳) به بررسی تاثیر تفاوت باورهای شغلی چهارگانه بر انتخاب رشته دانشجویان مدیریت مالی و حسابداری آمریکا پرداخته است که پژوهش‌های قبلی به این موضوع اشاره نکرده‌اند.

برهانی مذهبی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهش کیفی با عنوان "شناسایی و واکاوی محرک‌های تغییر رشته فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها به حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد" در ایران با راهبرد پدیدار شناسی تفسیری، از طریق مصاحبه با فارغ‌التحصیلان کارشناسی سایر رشته‌ها که در مقطع ارشد به حسابداری تغییر رشته داده‌اند، به دنبال واکاوی وضعیت این دانشجویان بعد از تغییر رشته به حسابداری می‌باشند. نتایج مطالعه نقدی و همکاران نشان می‌دهد دانشجویانی که با شناخت کافی تغییر رشته داده‌اند، از تصمیم خود رضایت دارند. شناسایی ۳۵ عامل تاثیرگذار بر انتخاب رشته حسابداری است که شامل بازار کار، درآمد، توصیه دیگران از نتایج دیگر این پژوهش می‌باشد.

منتی و محمدی (۱۴۰۱) با استفاده از پرسشنامه ۱۰ عامل مؤثر در انتخاب رشته دانشجویان جدیدالورود حسابداری در ایران را شناسایی و اولویت‌بندی کردند. در مطالعه منتی برای بررسی فرضیه‌های پژوهش از روش معادلات ساختاری و برای اولویت‌بندی عوامل از آزمون فریدمن استفاده شده است. به ترتیب اولویت، آبرومندی، امکان ادامه تحصیل در مقاطع بالاتر، استقلال، شهرت دانشگاه، عضویت حرفه‌ای، آرمانگرا بودن، پیشرفت شغلی آتی، دانش قبلی حسابداری، اعتبار و موقعیت اجتماعی و چشم‌انداز خوب و فرصت‌های شغلی به عنوان ۱۰ عامل تاثیرگذار در انتخاب رشته حسابداری تشخیص داده شدند.

گنجی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان "بررسی عوامل مؤثر بر تمایل به خروج از حرفه حسابرسی" انجام دادند که نتایج حاصل از این مطالعه نشان‌دهنده ضعیف بودن کمیت و کیفیت متقاضیان ورود به حرفه حسابرسی می‌باشد که با استفاده از آزمون تحلیل عامل اکتشافی، علل این موضوع را فقیرتر شدن حرفه، عدم ارتباط بین دانشگاه و حرفه و حضوری نبودن دانشگاه‌ها در دوران کووید ۱۹ تشخیص داده‌اند.

حسینی و خوئینی (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای توصیفی با عنوان "نقش ارزش‌های فرهنگی در عوامل مؤثر بر انتخاب شغل در حرفه حسابداری" انجام دادند. یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که تأثیر و نفوذ والدین، اساتید و دوستان به انتخاب شغل در حرفه حسابداری توسط دانشجویان با ویژگی‌های فرهنگی فاصله زیاد قدرت و جمع‌گرایی مرتبط است. همچنین عامل باور، بر انتخاب شغل حسابداری توسط دانشجویان در جوامع با ویژگی‌های فرهنگی جمع‌گرایی و اجتناب شدید از عدم اطمینان، تأثیری ندارد.

بادآورن‌نندی و همکاران (۱۳۹۶) در مطالعه‌ای با عنوان "عوامل مؤثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در دانشگاه‌های ایران" به این نتیجه رسیدند که عامل انتظارات از حرفه و راهنما به عنوان معیارهای مهم در انتخاب

¹ Jordan et al.



رشته حسابداری است. در مطالعه نهندی از نظریه رفتار برنامه‌شده جهت گسترش فرضیه‌های پژوهش استفاده شده است.

اجاقی و طالب‌وند (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان بررسی عوامل موثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری به این نتیجه رسیدند که تحصیلات خانواده، راهنمایی خویشاوندان و خانواده، مدرک‌گرایی، دوستان و وابستگان، ارتباط رشته فرد به کامپیوتر و ریاضیات بر انتخاب رشته حسابداری تاثیر زیادی داشته است و تاثیر سایر عوامل مثل نحوه تدریس اساتید، هزینه‌های مالی، مشاوره شاغلین این رشته، تاثیر ضعیفی بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری دارد. مطالعه اجاقی و طالب‌وند در دانشگاه آزاد واحد دزفول انجام شده است.

با توجه به پیشینه پژوهش‌های انجام شده در ایران، مطالعه‌ای در حوزه تاثیر تفاوت باورهای شغلی در ایران بر انتخاب رشته بین دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی صورت نگرفته است. این پژوهش تاثیر تفاوت باورهای شغلی چهارگانه بر انتخاب رشته حسابداری و مدیریت مالی را در ایران بررسی می‌کند.

۴_فرضیه‌ها

انتخاب رشته دانشجویان می‌تواند تحت تاثیر عوامل بسیاری قرار بگیرد. برای برخی افراد درآمدزایی رشته تحصیلی اهمیت بیشتری دارد، در حالیکه بعضی افراد جالب بودن حرفه را ترجیح می‌دهند. تصمیم‌گیری برخی افراد می‌تواند تحت تاثیر عوامل محیطی و شخصیتی مانند شغل اقوام، سن، تحمل پذیری فضای مبهم و... قرار بگیرد. اما درجه تاثیرپذیری در افراد می‌تواند متفاوت از یک دیگر باشد. باتوجه به اینکه افرادی که رشته مدیریت مالی را انتخاب می‌کنند، ممکن است به انتخاب حسابداری نیز فکر کرده باشند و مطالعاتی که یکسان بودن شرایط دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی را نتیجه‌گیری کرده‌اند، این مطالعه قصد دارد تاثیر تفاوت باورهای شغلی اعم از جالب بودن حرفه، پتانسیل درآمد بالا، امنیت شغلی، گوناگونی شغل‌های رشته را بر انتخاب رشته دانشجویان بین دو رشته مدیریت مالی و حسابداری بررسی کرده و میزان تاثیر پذیری از متغیرهای کنترلی که شامل عوامل شخصیتی و محیطی می‌باشد را مورد آزمون قرار دهد. فرضیه‌های پژوهش با توجه به مبانی نظری و مطالعات پیشین به شکل زیر می‌باشد:

فرضیه ۱: باور شغلی متفاوت دانشجویان در مورد شغل جالب، با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است.

فرضیه ۲: باور شغلی متفاوت دانشجویان در مورد امنیت شغلی، با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است.

فرضیه ۳: باور شغلی متفاوت دانشجویان در مورد تنوع شغلی، با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است.



فرضیه ۴: باور شغلی متفاوت دانشجویان در مورد پتانسیل درآمد بالا، با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است.

۵- روش‌شناسی پژوهش

این پژوهش از نظر فرآیند اجرا در زمره پژوهش‌های کمی قرار می‌گیرد و از نظر هدف، کاربردی است. از سوی دیگر، در طبقه‌بندی پژوهش بر مبنای نحوه گردآوری داده‌ها، این پژوهش در زمره پژوهش‌های توصیفی-همبستگی است. اجرای پژوهش‌های توصیفی می‌تواند صرفاً برای شناخت بیشتر شرایط موجود و یا به منظور یاری رساندن به فرایند تصمیم‌گیری باشد. جامعه آماری این پژوهش شامل دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی در سال ۱۴۰۳ می‌باشد که درس اصول حسابداری ۱ و ۲ را گذرانده‌اند. بدین منظور، پرسشنامه طراحی شده در اختیار دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی دانشگاه‌های سطح شهر تبریز قرار گرفت و با حذف نمونه‌های دریافتی ناقص و موارد عودت نشده، در نهایت ۱۸۲ نمونه کامل جمع‌آوری گردید و داده‌های آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در این پژوهش از پرسشنامه جردن و همکاران^۱ (۲۰۲۳) و مک لین^۲ (۲۰۰۹) استفاده شده است که شامل ۴ بخش بر اساس اهداف پژوهش می‌باشد. در بخش اول سوالاتی در مورد ویژگی‌های فردی و محیطی اعضای نمونه از قبیل سن، جنسیت و تحصیلات خانواده پرسیده شد. در بخش دوم از شرکت‌کنندگان در مورد رشته تحصیلی و دلایل انتخاب رشته فعلی خود سوال شد و از آن‌ها خواسته شد دلایل خود را بر حسب گزینه‌های داده شده در پرسشنامه اولویت‌بندی کنند. بخش سوم پرسشنامه، اطلاعاتی در مورد باورهای شرکت‌کنندگان در مورد رشته حسابداری و مدیریت مالی در اختیار محققان می‌گذارد. ابتدا شرکت‌کنندگان با فرض اینکه رشته آن‌ها مدیریت مالی است به ۱۳ سوال تخصصی پاسخ دادند که با مقیاس ۶ نمره‌ای لیکرت (از مقدار ۱ برای کاملاً مخالف و مقدار ۶ برای کاملاً موافق) مورد بررسی قرار گرفت. سپس از آن‌ها خواسته شد تا با فرض اینکه رشته آن‌ها حسابداری است به آن ۱۳ سوال پاسخ دهند. در نهایت در بخش چهارم جهت تحمل ابهام دانشجویان حسابداری و مدیریت مالی از پرسشنامه مک‌لین^۳ (۲۰۰۹) استفاده شده است که شامل ۱۳ تا سوال ۱ تا ۵ نمره‌ای است. نمره ۱۵ تا ۳۰ نشان‌دهنده تحمل ابهام پایین، ۳۰ تا ۴۵ تحمل ابهام متوسط و بالای ۴۵ نشان‌دهنده تحمل ابهام مطلوب است. تحمل ابهام نشانگر احساسات فرد در زمان مواجهه با شرایط نامطمئن و ناپایدار است. افرادی که تحمل بالایی در شرایط مبهم دارند، همیشه به دنبال فضای نامطمئن می‌روند زیرا که شرایط نامطمئن برایشان مطلوبیت ایجاد می‌کند (استینکمپ و وسلز^۴، ۲۰۱۴). ملاحظات اخلاقی پژوهش در خصوص محرمانه ماندن اطلاعات شرکت‌کنندگان، رعایت گردید (کریم‌آبادی و همکاران، ۱۴۰۳). در دو بخش آمار توصیفی و آمار استنباطی

¹ Jordan et al.

² McLain

³ McLain

⁴ Steenkamp & Wessels

نظیر آزمون پیرسون و رگرسیون لجستیک چندگانه صورت می‌گیرد که از برنامه SPSS برای این تحلیل‌ها استفاده شده است. در بخش آمار توصیفی که در جهت تجزیه و تحلیل مقدماتی داده‌ها و خلاصه کردن اطلاعات موجود انجام شده، از سنجش‌های پراکندگی و شاخص‌های مرکزی استفاده شده است. در بخش آمار استنباطی پیش از آزمون فرضیه‌ها، ابتدا آزمون پایایی و روایی انجام شد. سپس تفاضل باورهای شغلی مشارکت‌کنندگان درمورد رشته حسابداری در مقابل رشته مدیریت مالی محاسبه شد. در نهایت همبستگی بین متغیرها و آزمون لجستیک برای بررسی فرضیه‌های پژوهش انجام شده است.

۶- یافته‌های پژوهش

۱-۶_ آمار توصیفی

در جدول ۱ ویژگی‌های فردی و محیطی اعضای نمونه از قبیل جنسیت، سن، تحصیلات خانواده، تجربه از مطالب درس اصول حسابداری و توان تحمل ابهام نشان داده شده است. از ۱۸۲ نمونه انتخاب شده، ۵۹ نفر (۳۲/۴۱٪) رشته مدیریت مالی و ۱۲۳ نفر (۶۷/۵۸٪) رشته حسابداری بوده‌اند. همانطور که در این جدول مشخص شده است، ۲۸/۴ درصد دانشجویان حسابداری را مردان و ۷۱/۵ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین ۳۳/۸۹ درصد دانشجویان مدیریت مالی را مردان و ۶۶/۱۰ درصد را زنان تشکیل می‌دهند. با توجه به میانگین سن مشارکت‌کنندگان می‌توان گفت دانشجویانی که در رشته مدیریت مالی تحصیل می‌کنند میانگین سن کمتری نسبت به دانشجویان رشته حسابداری دارند. همچنین مشارکت‌کنندگان رشته مدیریت مالی درصد بیشتری از مردان را نسبت به رشته حسابداری شامل می‌شود. تقریباً ۵۶/۰۹ درصد از دانشجویان حسابداری نسل اولی بودند که در بین اعضای خانواده خود به دانشگاه می‌روند و والدین آن‌ها مدرک دانشگاهی ندارند. در مقابل ۶۱/۰۱ درصد دانشجویانی که در رشته مدیریت مالی تحصیل می‌کنند، دارای والدینی می‌باشند که مدرک دانشگاهی دارند. در مقایسه با مشارکت‌کنندگانی که در رشته مدیریت مالی بودند، درصد بیشتری از دانشجویان رشته حسابداری دارای والدین، بستگان یا دوستانی هستند که حسابدار باشند. همچنین رشته‌های حسابداری تجربه بهتری را در مطالب اصول حسابداری ۱ و ۲ نسبت به رشته‌های مدیریت مالی نشان دادند. مشارکت‌کنندگان رشته مدیریت مالی به طور قابل توجهی نسبت به مشارکت‌کنندگان رشته حسابداری توان تحمل ابهام بیشتری داشتند.

پس از گردآوری داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیات پژوهش، آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش محاسبه گردید. این آماره‌ها شامل میانگین، میانه، کمترین مقدار و بیشترین مقدار، انحراف معیار، چولگی و کشیدگی می‌باشد. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش، در جدول ۲ آورده شده است. در پژوهش حاضر باورهای هر مشارکت‌کننده در مورد رشته مدیریت مالی از باورهای همان شخص درمورد رشته حسابداری کسر شده است. با فرض پاسخ دادن مشارکت‌کنندگان به همه سوالات پرسشنامه، کمینه و بیشینه می‌تواند بین ۵- و ۵ باشد که در بین پاسخ‌هایی که ما دریافت کردیم کمترین عدد ۵- بود. در ارتباط با بیشینه هم تعداد محدودی از دانشجویان



به یک سری از سوالات پاسخ ندادند که عدد صفر به آن تعلق گرفت و پس از کسر باورهای شغلی بیشینه بدست آمده ۶ شد. در ادامه به منظور بررسی مشخصات عمومی و پایه‌ای متغیرها و همچنین برآورد مدل و تجزیه و تحلیل دقیق‌تر آن از آماره‌های توصیفی شاخص‌های پژوهش استفاده شده‌است. با توجه به نتایج به‌دست آمده، ضرایب چولگی و کشیدگی برای همه شاخص‌های پژوهش در بازه (۲- و ۲-) قرار دارند، پس با توجه به ضرایب چولگی و کشیدگی، فرض نرمال بودن داده‌ها برای این شاخص‌ها تایید می‌شود.

جدول ۱- بررسی جمعیت شناختی نمونه پژوهش

مدیریت مالی	حسابداری	نام متغیر	
۲۱	۲۲	-	سن
۳۳/۸۹	۲۸/۴۰	مرد	جنسیت
۶۶/۱۰	۷۱/۵۰	زن	
۶۱/۰۱	۴۳/۹۰	بله	آیا والدین مدرک دانشگاهی دارند؟
۳۸/۹۸	۵۶/۰۹	خیر	
۴۲/۳۷	۵۶	بله	آیا والدین، بستگان یا دوستان حسابداری هستند؟
۵۷/۶۲	۴۳	خیر	
۶۲/۷۱	۸۹/۴۳	خیلی خوب	تجربه از مطالب درس اصول حسابداری ۱ و ۲
۳۷/۲۸	۱۰/۵۶	خیلی بد	
۴۸/۷۲	۴۴/۸۰	-	تحمل ابهام

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۲- آماره‌های توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	میان	انحراف معیار	بیشینه	کمینه	چولگی	کشیدگی
شغل جالب	-۰/۸۴	۰	۲/۳۱	۶	-۵	۰/۰۵	-۰/۲۳
امنیت شغلی	۱/۶۲	۱	۲/۰۳	۶	-۵	۰/۳۰	۰/۴۱
تنوع شغلی	۰/۲۸	۰	۲/۰۴	۶	-۵	۰/۱۹	۱/۱۷
پتانسیل درآمد بالا	۱/۱۲	۲	۲/۳۵	۶	-۵	-۰/۴۱	-۰/۵۶
تحمل ابهام	۴۲/۹۸	۴۵	۵/۵۶	۶۶	۲۴	۰/۰۱	۱/۷۵

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۶_آزمون‌های پایایی و روایی

برای بررسی روایی صوری و محتوا، پرسشنامه در اختیار ۸ نفر از خبرگان دانشگاهی قرار گرفت که روایی صوری و محتوا سوالات مورد تایید قرار گرفت. روایی محتوا از طریق دوشاخ CVI و CVR مورد ارزیابی قرار گرفت که این شاخص‌ها برای تمام گویه‌ها در محدوده قابل قبول واقع شدند. برای پاسخ به این سوال نظرات ۸ تن از اساتید و خبرگان در این خصوص اخذ شد. در نهایت برای تمام متغیرها مقدار CVR بیشتر از ۰/۶۲ و مقدار CVI بیشتر از ۰/۷۹ بدست آمد. به این ترتیب تمام متغیرها مورد توافق خبرگان قرار گرفتند و برای ادامه پژوهش از آن‌ها استفاده شده است. در پژوهش حاضر پایایی پرسشنامه با استفاده از محاسبه آلفای کرونباخ سنجیده شده است. مقدار بالاتر از ۰/۷ مطلوب ارزیابی می‌شود (رجب دری، ۱۴۰۳). در جدول ۳ ملاحظه می‌شود که ارزیابی این دو شاخص برای همه ابعاد پرسشنامه بالاتر از ۰/۷ است و مطلوب ارزیابی می‌شود. تعداد ۳۰ پرسشنامه در بین جامعه آماری توزیع گردید. بالا بودن آلفا نشانه بالا بودن اعتبار پرسشنامه و اطمینان از پایا بودن آن می‌باشد. در جدول ۳ مقادیر آلفای کرونباخ نشان داده شده است.

جدول ۳- پایایی پرسشنامه

نام متغیر	آلفای کرونباخ
شغل جالب	۰/۹۱
امنیت شغلی	۰/۹۱
تنوع شغلی	۰/۸۵
پتانسیل درآمد بالا	۰/۹۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۴، اطلاعات توصیفی در مورد باورهای شغلی رشته‌های حسابداری و مدیریت مالی و باورهای شغلی متفاوت مشارکت‌کنندگان ارائه می‌شود. همانطور که در جدول ۴ نشان داده شده است، ستون اول باورهای رشته‌های حسابداری و مدیریت مالی درباره رشته خود و ستون دوم باورهای مشارکت‌کنندگان برای رشته دیگر را گزارش می‌دهند. ستون پنجم تفاوت بین باورهای مشارکت‌کنندگان در مورد رشته حسابداری در مقایسه با رشته مدیریت مالی را گزارش می‌کند. اعداد ستون پنجم و ششم می‌تواند بین ۵- و ۵+ باشد. عدد مثبت نشان دهنده حمایت مشارکت‌کننده از رشته حسابداری و عدد منفی نشان دهنده حمایت مشارکت‌کننده از رشته مدیریت مالی می‌باشد. منفی‌ترین عدد ستون ششم (۲/۵۱-) متعلق به شغل جالب است که نشان می‌دهد مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که شغل‌های رشته مدیریت مالی نسبت به شغل‌های رشته حسابداری جالب‌تر هستند. همچنین مثبت‌ترین عدد ستون پنجم (۱/۳۴) متعلق به امنیت شغلی است که نشان می‌دهد حسابداری نسبت به مدیریت

مالی شغل امن‌تری است و دانشجویان براین باور بودند که همیشه می‌توانند با رشته حسابداری شغل پیدا کنند. عدد ۰/۴۴ - متعلق به مدیریت مالی نسبت به عدد ۰/۴۶ نشان می‌دهد که پتانسیل درآمد بالا برای هر دو رشته حسابداری و مدیریت مالی وجود دارد و این باور برای مدیریت مالی قوی‌تر است.

جدول ۴- بررسی باورهای شغلی

نام متغیر	باور درباره رشته خود		باور درباره رشته دیگر		تفاوت در باور شغلی	
	حسابداری	مدیریت مالی	حسابداری	مدیریت مالی	حسابداری	مدیریت مالی
شغل های این رشته جالب هستند.	۴/۷۳	۵/۱۶	۴/۵۱	۲/۶۵	۰/۲۲	-۲/۵۱
من همیشه می‌توانم با این رشته شغل پیدا کنم.	۵/۱۸	۴/۱۸	۳/۸۴	۵/۰۷	۱/۳۴	۰/۸۹
این رشته به من پایه خوبی برای مشاغل مختلف می‌دهد.	۵/۰۵	۴/۳۹	۴/۲۳	۳/۹۸	۰/۸۲	-۰/۴۱
مشاغل در این زمینه پتانسیل درآمد بالایی در آینده دارند.	۴/۹۴	۴/۷۶	۴/۴۸	۴/۳۲	۰/۴۶	-۰/۴۴
اولین کار من بعد از فارغ التحصیلی حقوق اولیه بالایی خواهد داشت.	۲/۹۶	۴/۸۱	۲/۶۷	۴/۱۷	۰/۲۹	-۰/۶۴
من می‌توانم فارغ التحصیل شوم بدون اینکه خیلی سخت کار کنم.	۳/۲۱	۳/۶۱	۲/۴۳	۳/۶۵	۰/۷۸	-۰/۰۴
من برای کار در این رشته نیازی به گرفتن مدرک کارشناسی ارشد ندارم.	۴/۲۳	۳/۳۶	۳/۶۱	۴/۲۶	۰/۶۲	۰/۹۰
مشاغل این رشته تعادل خوبی بین کار و زندگی برقرار می‌کنند.	۳/۶۸	۴/۷۲	۳/۹۴	۳/۹۱	-۰/۲۶	-۰/۸۱
وقتی فارغ التحصیل شوم، افراد مهم زندگی ام به من افتخار می‌کنند.	۴/۷۳	۵/۹۸	۶	۴/۱	-۱/۲۷	-۱/۸۸
مشاغل در این زمینه از اعتبار زیادی برخوردارند.	۴/۶۷	۵/۷۴	۴/۶۸	۳/۸۲	-۰/۰۱	-۱/۹۲
این یک رشته مرد محور است.	۲/۷۱	۲/۲۴	۳/۲۳	۲/۳	-۰/۵۲	۰/۰۶
مشاغل در این زمینه شامل تعامل با افراد زیادی است.	۴/۴۵	۲/۶۷	۴/۲۴	۴/۱	۰/۲۱	۱/۴۳
فناوری، تهدیدی برای مشاغل رشته است.	۳/۴۹	۲/۴۷	۲/۴۷	۳/۷۷	۰/۹۳	۱/۳

منبع: یافته های پژوهشگر

در جدول ۵ همبستگی بین ویژگی‌های فردی و محیطی افراد و چهار باور متفاوت شغلی شامل شغل جالب، امنیت شغلی، تنوع شغلی و پتانسیل درآمد بالا با انتخاب دانشجویان رشته حسابداری در مقابل رشته مدیریت مالی را نشان می‌دهد. همبستگی، ابزاری است که به وسیله آن می‌توان درجه‌ای را که یک متغیر به متغیر دیگر از نظر خطی مرتبط می‌شود، اندازه‌گیری کرد. مقدار ضریب همبستگی بین رشته و شغل جالب برابر با ۰/۶۲ است که شدت همبستگی بین این دو متغیر را نشان می‌دهد و معنادار است. همچنین مقدار همبستگی بین دو متغیر رشته و امنیت شغلی ۰/۱۲ می‌باشد که نشان‌دهنده شدت همبستگی بین این دو متغیر است. همبستگی ویژگی‌های فردی و محیطی مشارکت‌کنندگان با انتخاب رشته اگرچه معنی‌دار است اما به‌طور قابل توجهی کمتر از همبستگی انتخاب رشته با چهار باور شغلی می‌باشد. همچنین، همانطور که در جدول ۵ نشان داده شده، برخی از ویژگی‌های فردی و محیطی با برخی از باورهای شغلی متفاوت مرتبط است. این همبستگی‌ها نسبتاً کم هستند و هیچ کدام بالاتر از ۰/۲ نیستند.

جدول ۵- همبستگی بین متغیرها

متغیر	جنسیت	تحصیلات	ارتباط	تجربه	تحمل ابهام	شغل جالب	امنیت شغلی	تنوع شغلی	درآمد بالا
رشته	۰/۰۵	*۰/۱۹	*۰/۱۲	*۰/۲۹	۰/۳۸	**۰/۶۲	*۰/۱۲	**۰/۴۶	**۰/۴۵
جنسیت	۱	*۰/۱۲	۰/۰۳۸	*-۰/۱۲	۰/۰۵	۰/۰۷	/۰۷۵	۰/۱۰	*۰/۱۴
تحصیلات		۱	-۰/۰۳۲	-۰/۰۳۹	*۰/۱۵	۰/۱۳	۰/۰۵۶	۰/۰۰۳	*۰/۱۵
ارتباط			۱	۰/۰۹	-۰/۰۷	*۰/۱۶	*۰/۱۰	۰/۰۷	۰/۱۰
تجربه				۱	*۰/۱۴	*۰/۲۸	-۰/۱۲	*۰/۱۳	۰/۰۷
تحمل ابهام					۱	-۰/۰۱۶	*۰/۲۷	*۰/۱۴	**۰/۲۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- یافته‌ها

۷-۱- آزمون لجستیک

نیکویی برازش مدل رگرسیونی پژوهش نیز با استفاده از آزمون هاسمر-لمشو بررسی شد که سطح معناداری آن ۰/۱۶ محاسبه شد. اگر مقدار معناداری کمتر از ۰.۰۵ باشد، آماره آزمون هاسمر-لمشو برازش ضعیف را نشان می‌دهد. بی‌معنایی این آماره نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی پژوهش، در تبیین مشاهدات متغیر وابسته از نیکویی برازش مناسبی برخوردارند.

همچنین نتایج آزمون کلی ضرایب مدل نشان می‌دهد که مقدار معناداری زیر ۰.۰۵ است. فرضیه این آزمون معناداری متغیرهای مدل رگرسیونی است. اگر معناداری آزمون از ۰.۰۵ کمتر باشد، فرض صفر رد می‌شود و می‌توان گفت مدل رگرسیونی دارای برازش مناسبی است.

در ادامه رگرسیون لجستیک در نرم افزار Spss انجام شد که در آن متغیر وابسته انتخاب رشته مشارکت‌کننده، متغیرهای مستقل چهار باور شغلی متفاوت و متغیرهای کنترلی شامل ۵ ویژگی فردی و توان تحمل ابهام می‌باشند. به منظور آزمون فرضیه پژوهش، از نتایج برآورد رگرسیون مقطعی سالانه ارائه شده در جدول ۶ استفاده شده است. با توجه به اینکه متغیر وابسته به صورت متغیر مجازی (صفر و یک) است، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از مدل رگرسیون لجستیک استفاده شد.

جدول ۵- آزمون هاسمر-لمشو

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون
۰.۱۶	۸	۱۳/۴۱۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۵- آزمون کلی ضرایب مدل

سطح معناداری	درجه آزادی	آماره آزمون
۰.۰۰	۴	۱۱۳/۲۱۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۶- رگرسیون لجستیک

متغیر	ضریب بتا	خطای استاندارد	والد	نسبت شانس	درجه آزادی	سطح معناداری
شغل جالب	۰/۵۵	۰/۱۲	۱۵/۲۰	۱/۷۳	۱	۰/۰۰
امنیت شغلی	۰/۲۴	۰/۱۸	۱/۴۵	۰/۷۸	۱	۰/۰۴
تنوع شغلی	۰/۶۹	۰/۱۹	۱۰/۶۹	۲/۰۲	۱	۰/۰۷
پتانسیل درآمد بالا	۰/۲۷	۰/۱۱	۴/۶۸	۱/۳۱	۱	۰/۰۲
جنسیت	-۰/۴۰	۰/۴۹	۰/۵۹	۰/۶۶	۱	۰/۴۵
مدرک دانشگاهی	۱/۲۰	۰/۴۷	۵/۸۱	۳/۳۴	۱	۰/۰۰
ارتباط با حسابدار	۰/۰۶	۰/۴۴	۰/۰۴	۰/۹۸	۱	۰/۹۴
تجربه	۰/۱۵	۰/۱۱	۱/۶۰	۱/۱۶	۱	۰/۱۶
تحمل ابهام	۰/۰۳۴	۰/۰۵	۰/۴۷	۱/۰۳	۱	۰/۰۳

متغیر	ضریب بتا	خطای استاندارد	والد	نسبت شانس	درجه آزادی	سطح معناداری
عرض ار مبدا	-۱/۶۷	۲/۱۹	۰/۵۱	۰/۱۸	۱	۰/۱۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که جدول ۶ نشان می‌دهد، ضریب مربوط به متغیرهای شغل جالب، امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین ضریب مربوط به توان تحمل ابهام نیز مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود و می‌توان بیان کرد که باور شغلی متفاوت شامل شغل جالب در مورد حسابداری در مقایسه با مدیریت مالی، با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است. با توجه به مثبت و معنادار بودن امنیت شغلی، فرضیه دوم پژوهش نیز تایید می‌شود و انتظار می‌رود که باور شغلی متفاوت در مورد امنیت شغلی می‌تواند با انتخاب رشته حسابداری دانشجویان در مقابل مدیریت مالی ارتباط داشته باشد. با توجه به اینکه متغیر تنوع شغلی معنادار نیست، فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود و ارتباطی بین باور شغلی متفاوت در مورد تنوع شغلی با انتخاب رشته حسابداری دانشجویان در مقابل مدیریت مالی وجود ندارد. با توجه به مثبت و معنادار بودن پتانسیل درآمد بالا، فرضیه چهارم پژوهش نیز تایید می‌شود و انتظار می‌رود که باور شغلی متفاوت در مورد پتانسیل درآمد بالا می‌تواند با انتخاب رشته حسابداری دانشجویان در مقابل مدیریت مالی ارتباط داشته باشد. به بیان دیگر می‌توان انتظار داشت باورهای شغلی متفاوت شامل شغل جالب، امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا در مورد مشاغل رشته حسابداری در مقابل مشاغل رشته مدیریت مالی به طور قابل توجهی بر احتمال انتخاب حسابداری در مقابل مدیریت مالی به عنوان یک رشته اصلی تأثیر می‌گذارد. نتایج آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان می‌دهد که باور شغلی متفاوت در مورد شغل جالب بیشترین تأثیر را بر انتخاب رشته داشته و باورهای شغلی متفاوت در مورد امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا نیز معنی‌دار است. بنابراین، اگر باور دانشجویان مدیریت مالی در مورد اینکه رشته حسابداری شامل شغل‌های جالبی است افزایش یابد، دانشجویان مدیریت مالی احتمالاً حسابداری را به عنوان رشته اصلی انتخاب می‌کنند.

۲-۷_ باورهای شغلی در حسابداری

در نهایت در این بخش رگرسیون لجستیک در نرم افزار Spss انجام شد که در آن متغیر وابسته انتخاب رشته مشارکت‌کننده، متغیرهای مستقل چهار باور شغلی متفاوت و متغیرهای کنترلی شامل ۵ ویژگی فردی و توان تحمل ابهام می‌باشند. در این بخش بجای ۴ باور شغلی متفاوت حسابداری در مقابل مدیریت مالی از باور شغلی رشته حسابداری استفاده می‌شود. نتایج آزمون‌های انجام شده در جدول ۷ نشان داده شده است.



جدول ۷- رگرسیون لجستیک

متغیر	ضریب بتا	خطای استاندارد	والد	نسبت شانس	درجه آزادی	سطح معناداری
شغل جالب	۰/۶۲	۰/۱۴	۱۸/۵۵	۱/۸۶	۱	۰/۰۰
امنیت شغلی	۰/۴۹	۰/۲۴	۴/۰۵	۰/۶۰	۱	۰/۰۸
تنوع شغلی	۰/۸۳	۰/۲۳	۱۲/۹۷	۲/۳۰	۱	۰/۰۰
پتانسیل درآمد بالا	-۰/۰۸۸	۰/۲۲	۰/۱۵	۰/۹۱	۱	۰/۶۹
جنسیت	-۰/۲	۰/۴۴	۰/۲۰	۰/۸۱	۱	۰/۶۵
مدرک دانشگاهی	۰/۹۲	۰/۴۱	۵/۰۱	۲/۵۲	۱	۰/۰۰
ارتباط با حسابداری	۰/۲۷	۰/۳۹	۰/۴۸	۱/۳۲	۱	۰/۴۸
تجربه از مطلب	۰/۰۸	۰/۰۸	۰/۹۵	۱/۰۹	۱	۰/۳۲
تحمل ابهام	۰/۰۵	۰/۰۴	۲/۱۰	۱/۰۶	۱	۰/۱۴
عرضه از مبدا	-۶/۲۹	۲/۱۹	۸/۲۱	۰/۰۲	۱	۰/۰۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

همانطور که در جدول ۶ نشان داده شده است می‌توان گفت سه باور شغلی متفاوت شامل شغل جالب، امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا در مورد حسابداری در مقایسه با مدیریت مالی، هر کدام با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است. نیکویی برازش مدل رگرسیونی پژوهش نیز با استفاده از آزمون هاسمر-لمشو بررسی شد که سطح معناداری آن ۰/۷۴ محاسبه شد. بی‌معنایی این آماره نشان می‌دهد متغیرهای مستقل مدل رگرسیونی پژوهش، در تبیین مشاهدات متغیر وابسته از نیکویی برازش مناسبی برخوردارند. همانطور که جدول ۷ نشان می‌دهد ضریب مربوط به متغیرهای شغل جالب، تنوع شغلی مثبت و معنادار می‌باشد. همانطور که جدول نشان می‌دهد ضریب مربوط به متغیرهای شغل جالب و تنوع شغلی بالا مثبت و معنادار می‌باشد. همچنین ضریب مربوط به امنیت شغلی مثبت و از معناداری کمی برخوردار می‌باشد. بنابراین می‌توان گفت ۳ باور شغلی (شغل جالب، تنوع شغلی و پتانسیل درآمد بالا) در مورد حسابداری هر کدام با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است به بیان دیگر می‌توان انتظار داشت این ۳ باور شغلی در مورد مشاغل رشته حسابداری به طور قابل توجهی بر احتمال انتخاب حسابداری در مقابل مدیریت مالی به عنوان یک رشته اصلی تأثیر می‌گذارد.

۸- بحث و نتیجه‌گیری

انتخاب رشته تحصیلی یکی از مهم‌ترین تصمیم‌گیری‌های افراد برای ورود به دانشگاه است که می‌تواند تحت تاثیر باورها و عوامل متعددی قرار بگیرد. با توجه به چالش کاهش دانشجویان حسابداری و همچنین کاهش نیروی انسانی با کیفیت در حرفه حسابداری، در دهه گذشته تعدادی پژوهش در مورد انتخاب رشته دانشجویان حسابداری انجام شده است. هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر باورهای شغلی در تصمیم‌گیری دانشجویان جهت تحصیل در رشته حسابداری یا مدیریت مالی می‌باشد. باورهای شغلی مورد بررسی در این پژوهش شامل شغل جالب، امنیت شغلی، تنوع شغلی و پتانسیل درآمد بالا می‌باشد. نتایج حاصل از تحلیل آماری داده‌های مربوط به فرضیه اول نشان داد که ضریب مربوط به متغیرهای شغل جالب، امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا مثبت و معنادار است و باور شغلی متفاوت در مورد شغل جالب بیشترین تأثیر را بر انتخاب رشته داشته دانشجویان داشته است. همچنین ضریب مربوط به توان تحمل ابهام نیز مثبت و معنادار می‌باشد. بنابراین فرضیه اول پژوهش تایید می‌شود و می‌توان بیان کرد که باور شغلی متفاوت شامل شغل جالب در مورد حسابداری در مقایسه با مدیریت مالی، با انتخاب دانشجویان برای رشته حسابداری در مقابل مدیریت مالی مرتبط است. به بیان دیگر، اگر باور دانشجویان مدیریت مالی در مورد اینکه رشته حسابداری شامل شغل‌های جالبی است افزایش یابد، دانشجویان مدیریت مالی احتمالاً حسابداری را به عنوان رشته اصلی انتخاب می‌کنند. همچنین ضریب مربوط به متغیر امنیت شغلی مثبت و معنادار است و فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود. از این رو، می‌توان بیان کرد که باور شغلی متفاوت شامل امنیت شغلی در مورد حسابداری در مقایسه با مدیریت مالی، با انتخاب رشته دانشجویان مرتبط است. با توجه به اینکه تاثیر متغیر تنوع شغلی معنادار نیست، فرضیه سوم پژوهش رد می‌شود و ارتباطی بین باور شغلی متفاوت در مورد تنوع شغلی با انتخاب رشته حسابداری دانشجویان در مقابل مدیریت مالی وجود ندارد. نتایج حاصل از تحلیل آماری داده‌های مربوط به فرضیه چهارم نشان داد که ضریب مربوط به متغیر پتانسیل درآمد بالا مثبت و معنادار است و فرضیه چهارم پژوهش تأیید می‌شود. از این رو می‌توان بیان کرد که باور شغلی متفاوت در مورد پتانسیل درآمد بالا می‌تواند با انتخاب رشته حسابداری دانشجویان در مقابل مدیریت مالی ارتباط داشته باشد. به بیان دیگر می‌توان انتظار داشت باورهای شغلی متفاوت شامل شغل جالب، امنیت شغلی و پتانسیل درآمد بالا در مورد مشاغل رشته حسابداری در مقابل مشاغل رشته مدیریت مالی به طور قابل توجهی بر احتمال انتخاب حسابداری در مقابل مدیریت مالی به عنوان یک رشته اصلی تأثیر بگذارد. نتایج بدست آمده در این پژوهش مطابق با یافته‌های پژوهش جردن و همکاران^۱ (۲۰۲۳) و بلای و فنما (۲۰۱۷) است. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد از نظر باورهای شغلی دانشجویان، اصلی‌ترین دلیل عدم انتخاب حسابداری به عنوان رشته تحصیلی، جالب نبودن شغل حسابداری است. با توجه به اینکه کسب و کارها به طور مداوم تغییرات زیادی دارند، اما حسابداری سال‌هاست که به یک شیوه و با موضوعات تکراری تدریس می‌شود، دانشگاه‌ها، آموزشگاه‌ها و مؤسسات حسابداری برای رفع این موضوع باید تدابیر

¹ Jordan et al.



متفاوتی برای آموزش حسابداری در نظر بگیرند و با تدریس و آموزش موضوعات خاص حسابداری، که جذابیت بالایی نسبت به موضوعات فعلی مورد تدریس دارد، انگیزه دانشجویان را برای انتخاب این رشته افزایش دهند. کارفرمایان نیز برای افزایش انگیزه دانشجویان، با تغییر نگرش جالب نبودن شغل حسابداری، می‌توانند در انتخاب رشته دانشجویان و در پی آن بر افزایش تعداد حسابداران ماهر تاثیر بگذارند. اختصاص دادن نقش‌های متفاوتی به غیر از ثبت و گزارشگری مالی به حسابداران، اعم از دخالت دادن آن‌ها در تیم مدیریت، تجزیه و تحلیل اطلاعات مالی، ارائه راهکارهای مالی در جهت رفع مشکلات مالی و سایر موضوعاتی که باعث می‌شود حسابداری به عنوان یک کار جالب شناخته شود، می‌تواند منجر به انتخاب رشته حسابداری توسط دانشجویان با استعداد و خلاق شود. باتوجه به نتایج بدست آمده دانشجویان بر این باورند که مشاغل مربوط به رشته مدیریت مالی در مقایسه با مشاغل رشته حسابداری جالب‌ترند. این موضوع می‌تواند نقش کلیدی در تصمیم‌گیری دانشجویان مدیریت مالی برای عدم تحصیل در رشته حسابداری داشته باشد. دانشجویان باورهای شغلی خود در مورد رشته حسابداری و مدیریت مالی را از منابع بسیاری از جمله محیط آموزشی، متخصصان حرفه، رسانه‌های اجتماعی و مجلات تجاری بدست می‌آورند که برخی از این منابع، شغل حسابداران را نسبتاً خسته‌کننده نشان می‌دهند. باتوجه به اهمیت این موضوع، تحقیقات بیشتری برای کشف منابع اطلاعاتی که دانشجویان از آنها برای شکل دادن به باورهای خود در مورد مشاغل حسابداری استفاده می‌کنند، پیشنهاد می‌شود تا بتوان قبل از ورود دانشجویان به دانشگاه باورهای شغلی آنها در مورد حسابداری را بهبود بخشید. همچنین نیاز است تا تحقیقات بیشتری برای شناسایی رویکردهای خلاقانه در آموزش حسابداری به کار گرفته شود تا بتوان دید دانشجویان را نسبت به رشته حسابداری توسعه داد. از محدودیت‌های پژوهش حاضر می‌توان به این اشاره کرد که علیرغم کنترل برخی متغیرهای مزاحم، عوامل متعدد دیگری نیز ممکن است بر انتخاب رشته دانشجویان و همچنین نتایج این پژوهش تاثیرگذار باشد، که امکان کنترل آن‌ها در این پژوهش میسر نیست.

تعارض منافع: هیچ گونه تعارض منافع توسط نویسندگان بیان نشده است.

تقدیر و تشکر: بدینوسیله از معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تبریز به خاطر حمایت معنوی در اجرای پژوهش و دانشجویان حسابداری و مدیریت، پاسخگو به پرسشنامه مطالعه، سپاسگزاری می‌شود.

فهرست منابع

اجاقی، محمد امین و طالب وند، مسلم، ۱۳۹۴. بررسی عوامل موثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی. دانشگاه پیام‌نور.
بادآورنهندي، یونس و تقی زاده خانقاه، وحید، ۱۳۹۸. عوامل موثر بر انتخاب رشته دانشجویان حسابداری در دانشگاه های ایران. پژوهش های تجربی حسابداری، ۳(۸)، صص. ۹۳-۱۱۷.



برهانی مؤدهی، محمد، نقدی، سجاد، احمدیان، وحید و فضل زاده، علیرضا، ۱۴۰۲. شناسایی و واکاوی محرک‌های تغییر رشته فارغ‌التحصیلان سایر رشته‌ها به حسابداری در مقطع کارشناسی ارشد. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۳(۴)، صص. ۸۲-۵۵.

حسینی، سید علی و خوئینی، مهین، ۱۳۹۹. نقش ارزشهای فرهنگی در عوامل مؤثر بر انتخاب شغل در حرفه حسابداری. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۳۷(۱۰)، صص. ۸۰-۵۵.

رجب دری، حسین، ۱۴۰۳. رابطه دلهره ارتباطی و خودکارآمدی کار گروهی با نقش میانجی خودکارآمدی ارتباطی با استفاده از رویکرد محرک، ارگانیسم، پاسخ در دانشجویان حسابداری. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۹(۳)، صص. ۱۴۴-۱۲۵.

رضائی، مینا، آقایی چادگانی، آرزو، کمالی، احسان، ۱۴۰۳. تاثیر خودکارآمدی حسابرسان و اندازه موسسات حسابرسی بر قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۱۰(۳)، صص. ۱۶۵-۱۴۵.

کریم آبادی، محمد، حاجیه‌ها، زهره، جهانگیرنیا، حسین و غلامی جمکرانی، رضا، ۱۴۰۳. الگوی آئین رفتار حرفه‌ای حسابرسان مستقل بر اساس دیدگاه انتقادی. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۹(۳)، صص. ۱۲۴-۱۰۵.

مشیرزاده، همایون، (۱۳۹۸/۱۲/۲۷). چالش‌های پیش‌روی حسابداران رسمی. سایت جامعه حسابداران رسمی ایران. منتی، وحید، و محمدی، حسین، ۱۴۰۱. عوامل مؤثر در انتخاب رشته دانشجویان جدیدالورود رشته حسابداری. دانش حسابداری مالی، ۹(۴)، صص. ۱۸۶-۱۵۱.

Adams, S. J., L. J. Pryor, and S. L. Adams, 1994. Attraction and retention of high-aptitude students in accounting: An exploratory longitudinal study. *Issues in Accounting Education*, 9 (1), pp. 45–58.

AICPA, 2021. AICPA 2021 trends report. AICPA-CIMA.

Askarova, N., Shalamova, O. and Voronova, L., 2024. The factors in the decision-making of high school graduates about higher education in the digital era. *International Journal of Evaluation and Research in Education*, 13(4), p. 2039.

Avitabile, C., M. Bobba and M. Pariguana, 2015. High school track choice and financial constraints: Evidence from Urban Mexico. Policy Research Working Paper Series 7427, World Bank, Washington, D.C.

Bajpai, N.Dr.A., 2023. Financial Management. *International Journal of Advanced Research in Science, Communication and Technology*, 3(1), pp. 205–206.

Blay, A.D. and Fennema, M.G., 2016. Are Accountants Made or Born? An Analysis of Self-Selection into the Accounting Major and Performance in Accounting Courses and on the CPA Exam. *Issues in Accounting Education*, 32(3), pp. 33–50.

Brown, V.L. and Tegeler, A.C., 2021. Giving accounting a second chance: Factors influencing returning students to choose accounting. *Issues in Accounting Education*, 37(1), pp. 1–18.

Cohen, J., and D. M. Hanno, 1993. An analysis of underlying constructs affecting the choice of accounting as a major. *Issues in Accounting Education*, 8(2), p. 219.



- Cohn, M. (2021, October,12). Accounting profession having trouble with recruitment. Accounting Today.
- Dalci, I., Arasl, H., Tumer, M., & Baradarani, S., 2013. Factors that influence Iranian students' decision to choose accounting major. *Journal of Accounting in Emerging Economies*, 3(2), pp. 145-163.
- De Magalhaes, J.R.A. and Wilde, H., 2015. An exploratory study of the career drivers of accounting students. *Journal of Business & Economics Research*, 13(4), p. 155.
- Dick, T.P. and Rallis, S.F., 1991. Factors and influences on high school students' career choices. *Journal for Research in Mathematics Education*, 22(4), p. 281.
- Elias, R.Z., 1999. An examination of nontraditional accounting students' communication apprehension and ambiguity tolerance. *Journal of Education for Business*, 75(1), pp. 38-41.
- Enget, K., Garcia, J.L. and Webinger, M., 2020. Majoring in accounting: Effects of gender, difficulty, career opportunities, and the impostor phenomenon on student choice. *Journal of Accounting Education*, 53, p. 100693.
- Fortin, A. and Amernic, J.H., 1994. A descriptive profile of intermediate accounting students. *Contemporary Accounting Research*, 10(S1), pp. 21-73.
- Gabbin, A. L., 2019. Warning signs about the future supply of accounting graduates. *The CPA Journal*, 89 (9), pp. 10-11.
- Gainau, P.C., 2021. Job opportunity, attitudes, perceived behavioral control and intention to major in accounting. *Akrual*, 12(2), p. 143.
- Gokoglan, K., BiLen, A. and Koseer, E., 2022. A research on evaluation of the accounting perspectives of businesses on the accounting profession and the professional members. *International Western Black Sea Journal of Social Sciences and Humanities*, 6(1), pp. 63-76.
- Graves, O.F., Nelson, I.T. and Davis, J.R., 1992. Accounting student characteristics: A survey of accounting majors at federation of schools of accountancy (FSA) schools. *Journal of Accounting Education*, 10(1), pp. 25-37.
- Hasiara, L.O. et al., 2023. The influence of family on student interests in determining careers in accounting professions. *Journal of Social and Humanities*, 13(2), pp. 137-145.
- Heitger, B.W.B.C.Ph.D.; T.V.E.Ph.D.; and D., PhD, (2023, june, 1). How students view the accounting profession. *Journal of Accountancy*.
- Hunt, S.C., Falgiani, A.A. and Intrieri, R.C., 2004. The nature and origins of students' perceptions of accountants. *Journal of Education for Business*, 79(3), pp. 142-148.
- Hurtado-Guevara, R.F., 2024. Impact of accounting automation on the operational efficiency of SMEs. *Getting to Know Research from the University*, 3(1), pp. 19-35.
- Jordan, E.E., Kaplan, S.E. and Samuels, J.A., 2023. Accounting or Finance? The role of differential Career beliefs on undergraduate students' choices of major. *Issues in Accounting Education*, 38(3), pp. 1-19.
- Jun, M., 2024. Research on the design of the curriculum system of applied undergraduate accounting major based on the concept of OBE. *International Journal of New Developments in Education*, 6(1), pp. 92_96.
- Karlsson, P. and Noela, M., 2022. Beliefs influencing students' career choices in Sweden and reasons for not choosing the accounting profession. *Journal of Accounting Education*, 58, p. 100756.
- Kim, D., Markham, F.S. and Cangelosi, J.D., 2002. Why students pursue the business Degree: A comparison of business majors across universities. *Journal of Education for Business*, 78(1), pp. 28-32.



- Leiby, J. and Madsen, P.E., 2017. Margin of safety: Life history strategies and the effects of socioeconomic status on self-selection into accounting. *Accounting, Organizations and Society*, 60, pp. 21–36.
- Malgwi, C.A., Howe, M.A. and Burnaby, P.A., 2005. Influences on students' choice of college major. *Journal of Education for Business*, 80(5), pp. 275–282.
- Mardiani, R. and Lhutfi, I., 2021. Factors that influence students' interest in choosing an accounting major (Case study of new students in the Cimahi City University Accounting major). *JPAK: Journal of Accounting & Financial Education*, 9(1), pp. 74–87.
- Marsintauli, F., Situmorang, R.P. and Suminar, S.R., 2022. Understanding the drivers' factors for choosing an accounting student's career as a professional accountant. *Business Economic, Communication, and Social Sciences Journal (BECOSS)*, 4(2), pp. 133–144.
- Mauldin, S., Crain, J.L. and Mounce, P.H., 2000. The Accounting Principles Instructor's influence on students' decision to major in accounting. *Journal of Education for Business*, 75(3), pp. 142–148.
- McLain, D.L., 2009. Evidence of the properties of an ambiguity tolerance measure: The Multiple Stimulus Types Ambiguity Tolerance Scale-II (MSTAT-II). *Psychological Reports*, 105(3), pp. 975–988.
- Meng, F., 2018. Characteristics of Financial Accounting Transformation to management accounting in big data environment. *Proceedings of the 2nd International Conference on Economics and Management, Education, Humanities and Social Sciences (EMEHSS 2018)* [Preprint].
- Otu, W., 2015. The concept of wealth on career choice: a case study of senior high school students in the Akuapem North district of Ghana. *Research on Humanities and Social Sciences*, 5(21), pp. 22–29.
- Panggoa, N.E. et al., 2023. Factors that Influence Student Interest in Choosing a Major in Higher Education. *Formosa Journal of Applied Sciences*, 2(12), pp. 3497–3504.
- Quintero, D., Karina, A., Koch, D., Gregorio, E., Alimar, B., Yariani B., Luis E., 2011. Vocational Indifference Syndrome: Measurement and analysis. *Educar*, 15(51), pp. 429–438.
- Rababah, A., 2016. Factors influencing the students' choice of accounting as a major: the case of X University in United Arab Emirates. *International Business Research*, 9(10), p. 25.
- Rahayu, I., Nurrina, A. and Maharani, Y., 2023. Determinants of Accounting Students' Career Choice in ERP: An Empirical study. *Journal of Education, Humaniora and Social Sciences*, 6(2), pp. 557–569.
- Saemann, G.P. and Crooker, K.J., 1999. Student perceptions of the profession and its effect on decisions to major in accounting. *Journal of Accounting Education*, 17(1), pp. 1–22.
- Sela, A. and Maimaran, M., 2011. Less is More: Variety as a Preference-Strength Signal. *Social Science Research Network* [Preprint].
- Steenkamp, L.P. and Wessels, P.L., 2014. An analysis of the tolerance for ambiguity among accounting students. *the International Business & Economic Research Journal/the International Business & Economics Research Journal*, 13(2), p. 275.
- The Economist, (2014, September ,12). Generation I. *The Economist*.
- Ticoi, C.-F. and Albu, N., 2018. What factors affect the choice of accounting as a career? The case of Romania. *Accounting and Management Information Systems*, 17(1), pp. 137–152.
- Worthington, A. and Higgs, H., 2004. Factors explaining the choice of an economics major. *International Journal of Social Economics*, 31(5/6), pp. 593–613.



The effect of students four differential career beliefs on choices of accounting versus finance

Sajad Naghdi¹
Alireza Fazlzadeh²
Vahid Ahmadian³
Saba Mohammadi⁴
Elahe Salmanzadeh Aghdam⁵

Received: 2025/March/31

Accepted: 2025/June/04

Abstract

Considering the challenge of the lack of high-quality students in the accounting profession, the purpose of this research is to investigate the impact of four career beliefs on students' decision to study in accounting or finance. The four career beliefs include interesting work, job security, job variety and high earnings potential. Due to the importance of characteristic factors on the choice of major, age, gender, tolerance for ambiguity, education and occupation of relatives have also been investigated as the control variables in the research model. This research is quantitative research in the term of data collection and it is practical in the term of purpose. The statistical population of this research includes students of accounting and finance in 1403 who passed the course of accounting principles 1 and 2. For this purpose, 182 complete samples were collected from the questionnaire and the data were analyzed. The results of the research hypotheses test show that different career beliefs of interesting work influence the choice of major and the effects of different job beliefs on job security and high earnings potential are also Statistically significant. Therefore, if the belief of finance students that the accounting major includes interesting works increases, the probability of choosing accounting as a main major will increase.

Keywords: Choice of major, Four career beliefs, Accounting and finance students.

¹ Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. S.nagdi@tabrizu.ac.ir

² Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. (Corresponding author) fazlzadeh@tabrizu.ac.ir

³ Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. v.ahmadian@tabrizu.ac.ir

⁴ Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. mhdsa14001@gmail.com

⁵ Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, University of Tabriz, Tabriz, Iran. elaheslmnzde@gmail.com



ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی همراه با نقش میانجی استرس مالی

علیرضا هوشمندی^۱

امید پور حیدری^۲

امیرحسین تائبی نقندری^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

چکیده

پژوهش حاضر باهدف استفاده از اصول مالی رفتاری، مفهوم روان‌شناختی استرس مالی را در ساخت رابطه بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی را توضیح داده است. روش پژوهش کاربردی از نوع پیمایشی است. بر همین اساس ۴۵۰ پرسشنامه به‌صورت برخط از سرمایه‌گذاران در بورس اوراق بهادار تهران دریافت و ۴۲۰ پرسشنامه موردپذیرش واقع شد. برای آنالیز داده‌ها از روش معادلات ساختاری (SEM) و نرم‌افزارهای اموس و اس پی اس اس نسخه ۲۶ و ۲۷ استفاده شده است. همچنین برای برآورد مقدار متغیرهای نامعلوم از روش برآورد درست نمایی بیشینه (MLE) استفاده گردیده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی ارتباط مثبت و معناداری به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم وجود دارد. از طرفی یافته‌ها نشان دادند که مدل کامل، برازش بهتری نسبت به مدل غیرمستقیم دارد که نشان‌دهنده میانجیگری استرس مالی است؛ یعنی استرس مالی ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی را به‌صورت جزئی توضیح داده است. نتایج این پژوهش می‌تواند در پایه‌گذاری رویه‌ها و رویکردهای مدون، توسط قانون‌گذاران بازار سرمایه، مدیران و سرمایه‌گذاران موردتوجه قرار گیرد. درواقع عوامل اجتماعی شدن مالی مخصوصاً آموزش‌هایی که در طی دوران تحصیل به افراد داده می‌شود می‌تواند در جهت شناخت و میزان دلبستگی افراد تأثیر بسزایی داشته باشد.

واژه‌های کلیدی: اجتماعی شدن مالی، دلبستگی مالی، استرس مالی

۱ گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. Alireza.hooshmandi@iau.ir

۲ گروه حسابداری، دانشکده اقتصاد و مدیریت، دانشگاه شهید باهنر کرمان، کرمان، ایران. (نویسنده مسئول) opourheidari@uk.ac.ir

۳ گروه حسابداری، واحد کرمان، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمان، ایران. taebi@iauk.ac.ir



۱- مقدمه

سرمایه‌گذاری تا حد زیادی شبیه ورزش‌های حرفه‌ای از جمله فعالیت‌هایی با عملکرد بالا محسوب می‌شود. سرمایه‌گذاران باید از نظر احساسی و روان‌شناختی در بهترین سطح ذهنی ممکن باشند و تفکر شناختی آن‌ها باید عاری از جهت‌گیری یا پیش‌داوری باشد. سرمایه‌گذاران باید از برخی احساسات پایه و غریزی (چون ترس، استرس و نگرانی) که انسان را در طول قرن‌ها از خطرات، مصون نگاه داشته، اما می‌تواند در زندگی مدرن مفید باشد، آگاه بوده و آن احساسات را تحت کنترل خود داشته باشند. چالش‌های روان‌شناختی در سرمایه‌گذاری نه تنها محدود به غریزه ما هستند، بلکه می‌توانند متأثر از همسالان، خانواده و جامعه باشند (نوفسینگر^۱، ۲۰۱۷).

همسالان، خانواده و جامعه از ابعاد اجتماعی شدن هستند. یکی از نتایج اجتماعی شدن در ارتباط با مسائل مالی در افراد شکل می‌گیرد. اجتماعی شدن مالی افراد چه اولیه و چه ثانویه ناشی از به اشتراک‌گذاری دانش و تجربه‌های آنان است که موجب دانش‌افزایی آنان می‌شود (فن و چاتر^۲، ۲۰۱۹). اهمیت ندادن به اجتماعی شدن مالی می‌تواند موجب بروز مشکلات مالی برای افراد شود. افرادی که به‌درستی آموزش‌های لازم و ضروری را در سرمایه‌گذاری چه در خانواده و چه از طریق همسالان، دوستان، شبکه‌های اجتماعی و بخصوص مؤسسات آموزشی نیاموخته باشند، احتمالاً در تصمیم‌گیری‌های مالی خود دچار مشکلات عدیده‌ای خواهند شد و چه بسا سرمایه‌های هرچند ناچیز خود را در بازارهای مالی و بازارهای موازی از دست بدهند. در همین راستا بازار سرمایه در اثر مسائل اقتصادی، سیاسی و اجتماعی، نوسانات زیادی را تجربه کرده است و این امر می‌تواند برای افرادی که دانش مالی کافی نداشته باشند آسیب‌پذیر باشد. در این مسیر آموزش مسائل مالی از دوران نوجوانی ابتدا در خانواده و بعد در جامعه به‌صورت صحیح می‌تواند در تحلیل‌ها و تصمیم‌گیری افراد جهت سرمایه‌گذاری کمک‌کننده باشد. همچنین می‌توان با آموزش‌های لازم از طریق اجتماعی شدن مالی جلوی سوءاستفاده‌های ناشی از عدم تقارن اطلاعاتی که بیشتر مشکلات مالی از همین‌جا بروز می‌کند را گرفت. همین امر موجب رغبت افراد به سرمایه‌گذاری و ماندگاری طولانی‌مدت آن‌ها در بازار سرمایه خواهد شد و از طرفی منتج به افزایش دلبستگی مالی نیز می‌گردد.

دلبستگی از بدو تولد آغاز می‌شود و جزء مهمی از رشد و تکامل انسان است. دلبستگی مالی، وضعیتی است که فرد به طور بیش از حد به پول توجه می‌کند و باعث عدم استفاده صحیح در سرمایه‌گذاری شده و کنترل آن را از دست می‌دهد این مسئله ممکن است منجر به خسارات مالی و روابط نامطلوب شود. نقش اصلی دلبستگی ایجاد امنیت برای فرد است. دلبستگی مالی نشان‌دهنده روابط عاطفی فرد با پول و دارایی‌های خود است. این روابط ممکن است به‌عنوان چسبندگی چشم‌انداز، تلاش برای جلب‌توجه از طرف دیگران خصوصاً در روابط عاطفی یا حتی به‌عنوان یک رفتار کاملاً سالم و قابل قبول در نظر گرفته شود. ضعف در هرکدام از این دو عامل ممکن است منجر به مشکلات مالی و حتی بروز مشکلات روانی شود. به‌طور کلی دلبستگی با ایمن و یا نایمن است. افرادی که

1 Nofsinger
2 Fan & Chatter

فاقد دلبستگی ایمن باشند از امنیت مالی کافی برخوردار نبوده و نمی‌توانند ارتباط با دارایی‌های خود برقرار کنند و این احتمال وجود دارد که باعث از دست دادن ثروت خود شوند (لویکا^۱، ۲۰۱۰). آشنا بودن افراد با سبک‌های دلبستگی بسیار مهم و سازنده است. افراد با دلبستگی ایمن با آسودگی خاطر با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند و عزت‌نفس بالایی دارند. همین موضوع ایجاد یک ارتباط سالم جهت سرمایه‌گذاری صحیح و پربازده را به همراه خواهد داشت. علاوه بر این، افراد با دلبستگی ایمن، خودافشایی بیشتری دارند که همراه با توانایی مصالحه و استفاده از روابط سالم برای ایجاد یک رابطه در سرمایه‌گذاری سالم مشارکت می‌کنند (تیسو و همکاران^۲، ۲۰۲۳). در همین راستا بازار سرمایه در چند سال اخیر با نوسانات زیادی مواجه بوده است و همواره با یکسری مشکلات دست‌وپنجه نرم کرده است. یکی از آن‌ها را می‌توان عدم تقارن اطلاعاتی نام برد. این مشکل یکی از مواردی است که توجه مدیران، سرمایه‌گذاران خرد و کلان و پژوهشگران را به خود جلب کرده است که باعث تلاش آنان جهت مرتفع کردن مشکل طی سالیان متوالی بوده است. ضمناً با توجه به گستردگی روزافزون کانال‌های ارتباط جمعی و پیشرفت تکنولوژی می‌توان بیان کرد که یکی از بهترین گزینه‌های کاهش عدم تقارن اطلاعاتی افشا اختیاری، مربوط به اطلاعات شرکت‌ها از طریق شبکه‌های اجتماعی است. از طرفی اگر افراد از طریق ابعاد مختلف اجتماعی شدن مالی به نحو صحیح و درست آموزش‌های لازم و ضروری را ندیده باشند، باعث افزایش و گسترش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار خواهد شد. این موضوع ضمن کاهش دلبستگی مالی افراد، باعث رفتارهای توده‌ای و انحرافات مالی و رفتاری شدید و گسترده خواهد شد.

لازم به ذکر است، که موضوع این پژوهش که جزء اولین‌های این حوزه به حساب می‌آید، سعی بر این دارد متغیر دیگری را که استرس مالی نام دارد، در این پژوهش مورد بررسی قرار دهد. استرس مالی نقش مهم در زندگی روزمره افراد دارد، بررسی نقش محتمل استرس مالی به عنوان چارچوب تحلیلی بیشتر برای فهم رابطه بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی و تأثیر آن بر سلامت روانی و جسمانی فردی و اجتماعی و تصمیم‌های سرمایه‌گذاری از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. اما نقش دقیق استرس مالی به عنوان یک عامل مسبب در پیامدهای مرتبط با دلبستگی مالی موضوعی است که مورد بحث است. در سال‌های اخیر بسیاری از سرمایه‌گذاران در بازارهای مالی از استرس مالی رنج می‌برند و باعث شده که نتواند نتایج دلخواهی از سرمایه‌گذاری خود داشته باشند. قابل ذکر است هنوز مطالعه‌ای که رابطه بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی و استرس مالی را نشان دهد وجود ندارد، بنابراین نیاز به پژوهش در این حوزه به شدت احساس می‌شود. در این پژوهش برای رفع مشکلات و موانع بازار سرمایه که موجب عدم رونق بازار سرمایه شده است، ریشه در عدم اطمینان و عدم آگاهی افراد در سرمایه‌گذاری دارد. که در این مطالعه برآنیم با استفاده از متغیر استرس مالی به عنوان متغیر پنهان و میانجی، به این سؤال پاسخ دهیم که آیا استرس مالی ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی را بیان می‌کند؟

1 Lewicka
2 Tisu et al.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

تحقیقات متعددی کشف کرده‌اند که مهارت‌های روان‌شناختی مؤثر توسط سرمایه‌گذاران در برابر هزینه‌های بیش‌ازحد و بدهی محافظت می‌کند (کسندزوا و همکاران^۱، ۲۰۱۷؛ فرنچ و همکاران^۲، ۲۰۱۶). باین‌حال، تصمیم‌گیری صحیح و درست بر دارائی و ثروت می‌تواند به‌واسطه مسائل روان‌شناختی دله‌ره‌آور باشد، به‌خصوص برای کسانی که دانش مالی زیادی ندارند. استرومبک و همکاران^۳ (۲۰۲۰) کشف کردند که یک عامل مهم در مدیریت و تصمیم‌گیری بر ثروت، توانایی مالی برای درک اعداد و داشتن نگرش عاطفی نسبت به اعداد است. از طرفی ادبیات لزوم افزایش دانش مالی و رفتار مالی مسئولانه را آشکار می‌کند. به‌عنوان مثال، افرادی که سطح بالاتری از دانش مالی و رفتار مالی سالم دارند، در قبال پرداخت صورتحساب‌ها و خرج کردن، در چارچوب بودجه عمل می‌کنند (حمید و لوک^۴، ۲۰۲۱؛ شی و همکاران^۵، ۲۰۲۳). باین‌حال، این واقعیت باقی می‌ماند که اکثر سرمایه‌گذاران فاقد دانش اولیه در مورد سرمایه‌گذاری هستند و امور مربوط به دارائی و ثروت خود را به‌درستی مدیریت نمی‌کنند (کاپک و همکاران^۶، ۲۰۱۹؛ بات و همکاران^۷، ۲۰۱۸) که ممکن است منجر به استرس مالی شده و دلبستگی مالی آنان را مخدوش نماید.

اجتماعی شدن مالی

اجتماعی شدن اصطلاحی است که در اواسط قرن بیستم وارد ادبیات شد. اسواچ و همکاران^۸ (۱۹۶۹) اجتماعی شدن مالی را به‌عنوان یک اصطلاح بر روی کل فرآیندی که یک فرد طی آن رشد می‌کند، تعریف کردند. اجتماعی شدن مالی به فرایند کسب و توسعه ارزش‌ها، نگرش‌ها، استانداردها، هنجارها، دانش و رفتارهایی اشاره دارد که به دوام مالی و رفاه فردی کمک می‌کند (دانس^۹، ۱۹۹۴). مطالعات نشان داده‌اند که چندین منبع آموزش مالی (شامل والدین، همسالان، رسانه‌ها و مدارس) از طریق تأثیرگذاری بر نگرش مالی، سواد، رفتار و رضایت، تأثیرات قابل توجهی از نظر نقش آن‌ها بر فرایند اجتماعی شدن مالی دارند (یورگنسن و ساولا^{۱۰}، ۲۰۱۰؛ شیائو و پورتو^{۱۱}، ۲۰۱۷؛ سون و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۲). در میان این عوامل، اجتماعی شدن مالی، تأثیر خانواده، به‌ویژه تأثیر والدین،

1 Ksendszova et al.

2 French et al

3 Strömbäck

4 Hamid & Loke

5 She et al.

6 Cupák et al.

7 Butt et al.

8 Swacha et al.

9 Danes

10 Jorgensen & Savla

11 Xiao & Porto

12 Sohn et al.

غالب است (دانس و هابرمین^۱، ۲۰۰۷؛ فن و چاتر^۲، ۲۰۱۹). درحالی که اجتماعی شدن مالی در خانواده هم به طور ضمنی از طریق تعامل روزانه و هم به طور صریح از طریق آموزش و تمرین هدفمند صورت می گیرد، اکثر آن ها به صورت ضمنی رخ می دهند (گودموندسون و همکاران^۳؛ تانگ و همکاران^۴، ۲۰۱۵). اهمیت اجتماعی شدن مالی خانواده بیشتر تأیید شده است، زیرا مشخص شده است که یادگیری ضمنی در تأثیرگذاری بر رفتار مالی نسبت به یادگیری آشکار شایع تر است (ون^۵، ۲۰۱۵). اجتماعی شدن والدین به طور قابل توجهی با رفتار مالی مسئولانه مرتبط است (تانگ و همکاران^۶، ۲۰۱۵).

دلبستگی مالی

ارتباط عمیقی که با اشخاص خاص در زندگی روزمره خودمان برقرار خواهیم کرد تحت عنوان دلبستگی از آن یاد می شود، به طوری که باعث می شود وقتی با افراد موردنظر در ارتباط هستیم، احساس نشاط و شادی کرده و در زمان استرس احساس راحتی با اشخاص موردنظر داشته باشیم (پولمن^۷، ۲۰۲۱). دلبستگی بالبی^۸ (۱۹۶۹) بر آغاز ارتباطی که یک شخص با حفاظت از خود ایجاد کرده، مبتنی خواهد بود و به چگونگی اثرگذاری این ارتباط بر رشد و پرورش او می پردازد. این تئوری بیان کرده است که هر آدمی در آغاز به دنیا آمدن به صورت بالقوه و بالفعل یک دلبستگی ایجاد خواهد کرد و انسانی که با او دلبستگی ایجاد شود، به عنوان یک پشت و پناه امن محسوب می گردد. این دلبستگی به عنوان یک نمونه شروع بر اعتماد، سازش، خودباوری و ارتباط اجتماعی آینده او اثرگذار است و بی نظمی در آن سرانجام بدی را به همراه خواهد داشت. اکثر پژوهش های در ارتباط با دلبستگی با موضوعات فاکتورهای پنج گانه شخصیت بر بعدهای دلبستگی (عباسیان فر و همکاران، ۱۴۰۱)، تصمیمات مربوط به سرمایه گذاری (برون و برون^۹، ۲۰۰۸)، ارتباط بین روش های دلبستگی و صفات شخصیتی و عوامل اجتماعی (لیختنشتاین و همکاران^{۱۰}، ۲۰۱۴)، روش های دلبستگی اجتنابی بر مسیرهای شغلی و خودکفایی (گریفین^{۱۱}، ۲۰۲۰)، نقش روش های دلبستگی بر رابطه مالی زوجین (پولمن^{۱۲}، ۲۰۲۱)، ارتباط با دلبستگی سازمانی (جلیلیان،

1 Danes & Haberman

2 Fan & Chatter

3 Gudmunson et al.

4 Tang & et al.

5 Van

6 Tang et al.

7 Pollmann

8 Bowlby

9 Brown & Brown

10 Lichtenstein et al.

11 Griffin

12 Pollmann

۱۳۹۵؛ بکر و بوتگن^۱، ۲۰۲۳)، دلبستگی کارکنان (تیسو و همکاران^۲، ۲۰۲۳) و بسیاری پژوهش‌های دیگر که نتایج اکثر آن‌ها حرکت از دلبستگی ناایمن به‌سوی دلبستگی ایمن بوده و این تغییرات بسیار ارزشمند است و همچنین عوامل اجتماعی بیشتر از عوامل فیزیکی بر دلبستگی تأثیرگذار است (لوپکا^۳، ۲۰۱۰).

استرس مالی

استرس مالی یک وضعیت روانی است. در شرایط چالش برانگیز مالی، مردم اغلب استرس مالی را تجربه می‌کنند (مولایناتان و شفیر^۴، ۲۰۱۳). که به دنبال نگرانی‌های مربوط به مسائل مالی و اقتصادی ایجاد می‌شود. این نوع استرس ممکن است به دلایل مختلف از جمله بدهی‌ها، عدم توانایی در پرداخت صورتحساب‌ها، فشارهای مالی در زمینه کارآفرینی یا حتی تغییرات ناگهانی در شرایط اقتصادی رخ دهد. استرس مالی ممکن است تأثیرات منفی بسیار زیادی بر روابط، شخصیت و سلامت روان و حتی سلامت فیزیکی داشته باشد، بنابراین، شناخت و مدیریت استرس مالی بسیار حائز اهمیت است (ون دایک و همکاران^۵، ۲۰۲۲). درعین‌حال، تحقیقات کنونی نشان می‌دهد که استرس مالی ممکن است مکانیسم مهمی باشد که از طریق عوامل خارجی بر تصمیمات مالی تأثیر بگذارد و به‌عنوان یک عامل میانجی عمل کند. یعنی اثرات اجتماعی شدن مالی به‌وسیله استرس مالی به دلبستگی مالی منتقل شود و از این طریق به‌صورت مثبت یا منفی بر دلبستگی مالی تأثیر بگذارد. نتایج (بلسکوویچ^۶، ۲۰۱۳؛ لازاروس و فولکمن^۷، ۱۹۸۴) نشان داده است که استرس زمانی رخ می‌دهد که فرد با یک تهدید مواجه شده، و توان مقابله با آن را نداشته باشد. همچنین نتایج آنان نشان داد که پنج عامل اقتصادی، یعنی درآمد، پس انداز، بدهی، نوسانات درآمد و اشتغال، ممکن است با استرس مالی مرتبط باشند.

چارچوب نظری پژوهش تلفیقی از نظریه‌های روانشناسی و جامعه‌شناسی است. چارچوبی از نظریه‌های آلبرت بندورا و جان بالبی است. مشاهدات بر تئوری یادگیری اجتماعی، نشان داده است بخش زیادی از تفکرات و رفتار اشخاص ناشی از عوامل اجتماعی شدن مالی است. به‌عبارت دیگر، آموزش و دانسته‌های مالی مستقیم و غیرمستقیم از محیط بیرونی است که اجتماعی شدن مالی را تشکیل می‌دهد و این امر باعث ایجاد استحکام و تغییر آگاهی، دانش و شیوه تحلیل جهت تصمیمات سرمایه‌گذاری افراد شده است، بنابراین، با افزایش قدرت تحلیل و استنباط مالی افراد، ثروت و سودآوری آن‌ها زیاد می‌شود. بررسی‌های مختلف نشان دادند که دلبستگی مالی تحت تأثیر استرس مالی قرار می‌گیرد، افزایش استرس مالی ممکن است باعث کاهش توجه و تمرکز فرد به سرمایه‌گذاری

- 1 Becker & Büttgen
- 2 Tisu et al.
- 3 Lewicka
- 4 Mullainathan & Shafir
- 5 Van Dijk et al.
- 6 Blascovich
- 7 Lazarus & Folkman

شود و در نتیجه دلبستگی مالی او نسبت به پول و دارایی‌ها کاهش یابد. از نگاه حسابداری مالی و حسابرسی اکثر قضاوت‌ها و تصمیم‌گیری حسابرسان (احمدی و پورزمانی، ۱۴۰۳)، بهینه‌سازی منافع اشخاص (عزیزی و همکاران، ۱۴۰۳)، عملکردهای حسابرسان (کریم آبادی و همکاران، ۱۴۰۳)، تضاد منافع بین مدیران و مالکان (حسینی، ۱۴۰۳)، پیش‌بینی بازده سهام (محمدی لداری و داداشی، ۱۴۰۳)، باورهای دینی بر تردید حسابرسان (مدینه و زارع، ۱۴۰۲)، تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران (ترازودار و همکاران، ۱۴۰۲) و بسیاری از موارد دیگر ناشی از مسائل رفتاری و نگرشی است.

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شوند:

فرضیه اول: بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین اجتماعی شدن مالی و استرس مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین استرس مالی و دلبستگی مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: استرس مالی نقش میانجی بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی دارد.

روش‌شناسی پژوهش

از پارادایم پوزیتیویسم به‌عنوان استراتژی در این مطالعه استفاده شده و روش تحقیق همان پیمایش متداول است. جامعه آماری ما تمام سرمایه‌گذاران در بازار بورس تهران، بازه زمانی مهر و آبان ماه ۱۴۰۲ است. همان‌طور که در شکل ۱ مشخص شده، در این مطالعه از پرسشنامه استفاده شده است. کیفیت و دقت داده‌های به‌دست‌آمده مستقیماً تحت تأثیر طراحی پرسشنامه است که آن را به قسمت مهمی از این مطالعه تبدیل کرده است. دقت در این نظرسنجی به‌صورت کامل انجام شده، تا اطمینان حاصل شود که یافته‌های مطالعه دقیق و قابل‌ملاحظه هستند. نظرسنجی با مجموعه‌ای از سؤالات مرتبط با ویژگی‌های سرمایه‌گذاران در بازار سرمایه ایران آغاز شد. بخش اول سؤالات مربوط به جمعیت شناختی از قبیل سن، جنسیت، تحصیلات و نوع تحلیل سرمایه‌گذاری (فاندامنتال، تکنیکال) و شهر محل زندگی اختصاص دارد. بخش دوم از مقیاس پنج‌درجه‌ای لیکرت برای سنجش متغیر مستقل اجتماعی شدن مالی که شامل، ۷ سؤال، از پرسشنامه سالی (سالی^۱، ۲۰۱۵)، متغیر میانجی استرس مالی شامل ۵ سؤال از پرسشنامه دری (دری^۲، ۲۰۲۲) و متغیر وابسته دلبستگی مالی شامل ۹ سؤال (محقق ساخته) استفاده شد است. پاسخ‌های پرسشنامه مطابق مقیاس لیکرت ۵ طیفی از ۱= کاملاً مخالفم تا ۵= کاملاً موافقم، آماده شد. ضمناً تمام سؤال‌های پرسشنامه مطابق نظر و دیدگاه اساتید دانشگاه و متخصصین فن بررسی و اصلاح گردیده

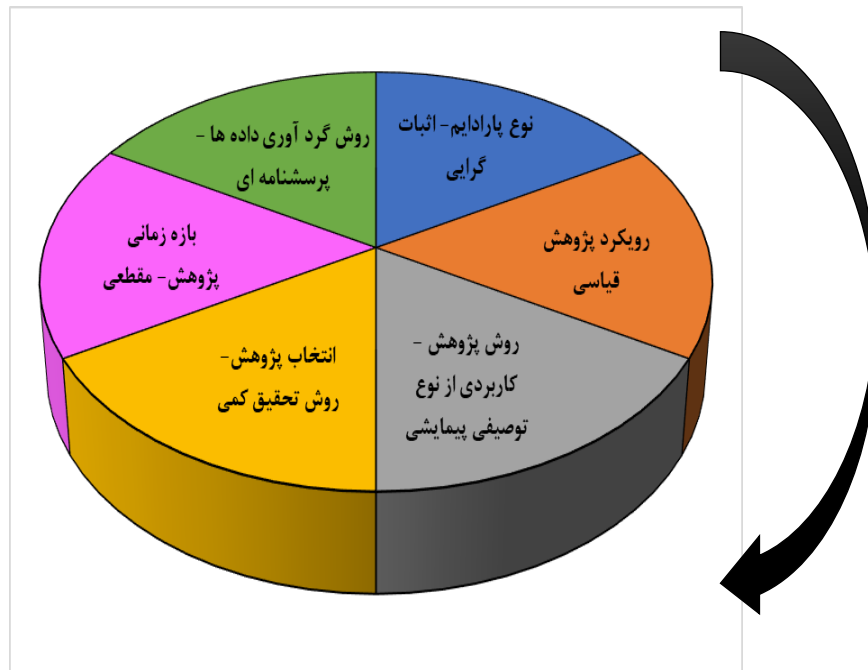
1 Sallie

2 Dare

است. برای آنالیز داده‌های آماری از نرم‌افزارهای اموس نسخه ۲۶ جهت آمار استنباطی و از رویکرد معادلات ساختاری، تحلیل مسیر و از نرم‌افزار اس پی اس اس ۲۷ برای آمار توصیفی استفاده شده است. به علاوه جهت تحلیل داده‌ها در مدل معادلات ساختاری از روش برآورد درست نمایی استفاده شده است. این روش به توصیف این اصل آماری می‌پردازد که برآوردها و پارامترهای مدل جمع‌آوری شده مبین حداکثر شباهت با جامعه واقعی است. با انتخاب این روش فرض بر این است که هیچ داده از دست‌رفته‌ای در مجموعه داده‌های وارد شده به نرم‌افزار وجود ندارد. در روش مذکور سه شرط لازم است. اول نرمال بودن داده‌ها برای هر متغیر، دوم باید ضریب کشیدگی برای هر متغیر مابین ۷- تا ۷+ و سوم ضریب چولگی برای هر متغیر مابین ۲+ و ۲- باشد تا نرمال بودن داده‌ها مشخص شود. ضمناً یکی از الزامات این است که متغیر وابسته از پیوستگی برخوردار باشد. (فیلد^۱، ۲۰۱۳؛ هیر و همکاران^۲، ۲۰۱۳). قبل از ارزیابی روایی و پایایی شاخص‌های اندازه‌گیری، ابتدا باید مقادیر بار عاملی سؤالات مشخص و بررسی گردد. بار عاملی مقدار بین ۰ و ۱ است که باید سه شرط داشته باشد. اول هر سازه با شاخص خودش بایستی همبستگی داشته، دوم، برای شاخص‌ها باید حداقل ۰/۵ و سوم مدل از برازش مناسب برخوردار باشد. همچنین حداقل میانگین واریانس استخراجی باید ۰/۵ باشد. در ادامه، اول با ارزیابی و بررسی پایایی و روایی به کیفیت مدل بیرونی پرداخته شد. برای این منظور از روایی ظاهری، محتوا و روایی همگرا استفاده شده است. روایی ظاهری و محتوا مطابق دیدگاه اساتید دانشگاه و متخصصین خبره اصلاح و در نهایت تأیید شدند. برای بررسی و ارزیابی روایی همگرا از میانگین واریانس استخراجی با کمترین مقدار یعنی ۰/۵ استفاده گردید. همچنین برای پایایی ابزار اندازه‌گیری از آزمون آلفا کرونباخ و پایایی ترکیبی، جهت بررسی و ارزیابی استفاده شد. کمترین مقدار مناسب برای این آزمون‌ها ۰/۷ است (هیز^۳، ۲۰۱۸). برای نمونه‌گیری از فرمول کوکران برای جوامع آماری بسیار بزرگ استفاده شده است. در نهایت لینک سؤالات به تعدادی از کارگزاری‌ها فرستاده شد که در سایت خود در اختیار سرمایه‌گذاران قرار داده تا به پرسشنامه پاسخ دهند. همچنین از گروه‌های واتساپی و تلگرامی که از سرمایه‌گذاران تشکیل شده بود جهت پاسخ به سؤالات استفاده شده است. بر همین اساس ۴۵۰ نسخه پرسشنامه به صورت برخط از سرمایه‌گذاران در بورس دریافت شد؛ که از این تعداد ۴۲۰ پرسشنامه پذیرش گردید. ۳۰ پرسشنامه باقیمانده به دلیل اینکه افراد از هیچ‌گونه تحلیلی استفاده نکرده‌اند از آنالیز حذف شدند. لازم به ذکر است که از تمام ۴۲۰ پرسشنامه با توجه به اینکه طبق فرمول ۱ کوکران حداقل ۳۸۴ بوده، استفاده شده است. تعداد ۳۶ پرسشنامه مازاد، برای اینکه خطای نمونه‌گیری کمتر شود در آنالیز لحاظ گردیده است.

$$n = \frac{t^2 pq}{d^2} = \frac{(1.96)^2 (0.5)(0.5)}{(0.05)^2} = 384 \quad (1)$$

- 1 Field
2 Hair et al.
3 Hayes



شکل ۱- روش شناسی پژوهش

منبع: یافته های پژوهشگر

روش شناسی مدل های مستقیم، غیرمستقیم و میانجی

در این روش روابط بین متغیرها به سه گروه کلی تقسیم می شود که عبارت اند از:

- ۱) مدل ساده: در این مدل، متغیر اجتماعی شدن مالی (مستقل) بر روی متغیر دلبستگی مالی (وابسته) تأثیر مستقیم دارد. (شکل ۲- مدل مفهومی ساده)
- ۲) مدل غیرمستقیم: در این مدل متغیر اجتماعی شدن مالی (مستقل) از طریق متغیر میانجی (استرس مالی) بر دلبستگی مالی (وابسته) اثرگذار است. (شکل ۳- مدل مفهومی غیرمستقیم)
- ۳) مدل میانجی: در این مدل متغیر مستقل هم بر متغیر میانجی و هم بر متغیر وابسته تأثیر دارد. به طوری که متغیر میانجی ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته را به صورت جزئی یا کامل توضیح می دهد. (شکل ۳- مدل مفهومی میانجی)



لازم به ذکر است که برای بررسی متغیر میانجی (استرس مالی) سه شرط لازم است که شامل بررسی مسیرهای a ، b و c که در شکل ۲ و ۳ نشان داده شده است. همچنین باید تمامی مسیرها معنادار باشند (ماتیو و تیلور^۱، ۲۰۰۶)، و برای اینکه مشخص شود میانجی جزئی است یا کلی، از فرمول شمول واریانس فرمول ۲ استفاده شده است.

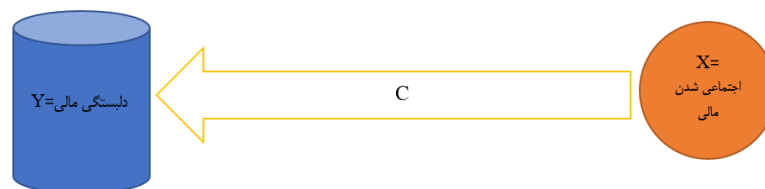
$$VAF = (a \times b) \div [(a \times b) + C] \quad (2)$$

در این فرمول:

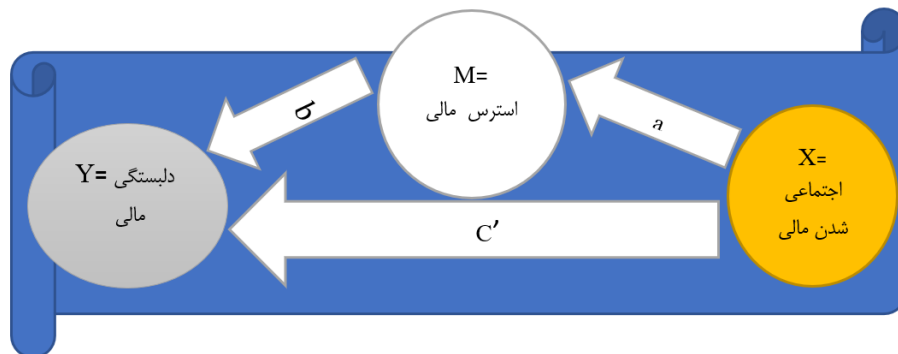
a = ضریب مسیر متغیر مستقل (اجتماعی شدن مالی) به متغیر میانجی (استرس مالی)

b = ضریب مسیر متغیر میانجی (استرس مالی) به متغیر وابسته (دلبستگی مالی)

c = ضریب مسیر مستقیم متغیر مستقل (اجتماعی شدن مالی) به متغیر وابسته (دلبستگی مالی)



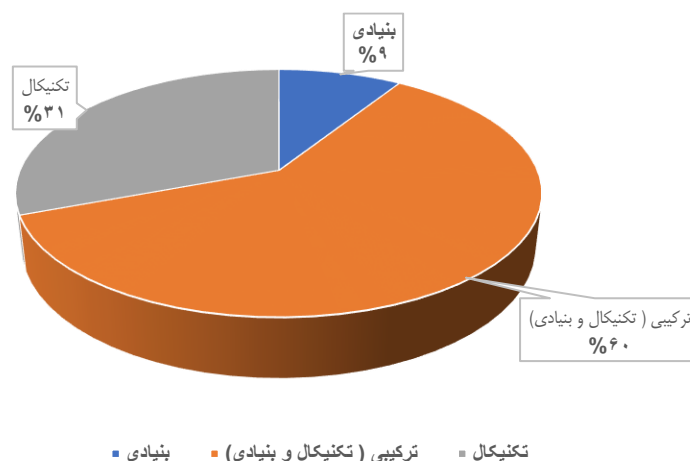
شکل ۲- مدل مفهومی ساده (مستقیم)



شکل ۳- مدل مفهومی غیر مستقیم و میانجی

یافته‌های پژوهش

تجزیه و تحلیل داده‌های جمعیت شناختی با پنج متغیر جنسیت، مدرک تحصیلی، رشته تحصیلی، نوع تحلیل و شهر زندگی انجام شد. از نظر جنسیت ۵۴ درصد مرد و ۴۶ درصد زن هستند. مدرک تحصیلی سرمایه‌گذاران کمتر از ۴ هزارم درصد معادل ۲ نفر دیپلم، ۲۲ درصد فوق‌دیپلم، ۵۶ درصد لیسانس، ۱۵ درصد فوق‌لیسانس و ۷ درصد دکتری دارند. از نظر نوع تحلیل جهت سرمایه‌گذاری مطابق شکل ۴ سرمایه‌گذاران بیشتر از روش ترکیبی برای تحلیل داده‌ها استفاده می‌کنند یعنی هم دنبال عواید سرمایه و هم دنبال سود نقدی هستند که معادل ۶۰ درصد از نمونه است. ۳۱ درصد تکنیکال‌یست هستند و ۹ درصد از تحلیل فاندamental برای سرمایه‌گذاری استفاده می‌کنند. ضمناً پاسخ‌دهندگان بیشتر از شهرهای تهران، شیراز، اصفهان، کرمان، یزد، بندرعباس و تبریز بوده‌اند. نمونه ما از شهرها با فرهنگ‌های مختلف تشکیل شده است. از نظر رشته تحصیلی سرمایه‌گذاران، رشته‌های حسابداری، مدیریت، اقتصاد، مهندسی پزشکی، روانشناسی و زیست‌شناسی بیشترین رشته تحصیلی سرمایه‌گذاران را تشکیل داده است.



شکل ۴- روش‌های تحلیل توسط سرمایه‌گذاران

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۱ مربوط به آمار توصیفی است، همان‌طور که در جدول نشان داده شده است کمترین و بیشترین، انحراف معیار، میانگین، چولگی و کشیدگی ارائه شده است. میانگین اجتماعی شدن مالی (۳/۶۳)، استرس مالی (۳/۲۹) دلبستگی مالی (۴/۱۳) است، که نشان از این دارد که سرمایه‌گذاران بیشتر از میانگین تحت تأثیر ابعاد اجتماعی شدن مالی قرار دارند و استرس مالی باعث شده که سرمایه‌گذاران دلبستگی مالی بیشتری نسبت به دارایی‌ها و

ثروت خود داشته باشند. بر طبق روش‌شناسی پژوهش از آنجایی که ضریب چولگی متغیرها بین ۲+ و ۲- است و ضریب کشیدگی متغیرها بین ۷+ و ۷- است، پس نتیجه می‌گیریم که متغیرهای پژوهش نرمال بوده و معیارهای حداکثر درست‌نمایی بیشینه را دارا هستند.

جدول ۱- آمار توصیفی جمعیت شناختی نمونه‌ها

نام متغیر	کمترین	بیشترین	انحراف معیار	میانگین	چولگی	کشیدگی
اجتماعی شدن مالی	۱	۵	۱/۳۷	۳/۶۳	-۰/۷۱	-۰/۱۴
استرس مالی	۱	۵	۱/۴۰	۳/۷۰	-۰/۶۵	-۰/۹۶
دلبستگی مالی	۱	۵	۱/۱۳	۴/۱۳	-۱/۴۷	۱/۹۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون‌های پایایی و روایی

در این پژوهش از تحلیل عاملی تأییدی جهت سنجش اعتبار و تناسب مدل اندازه‌گیری و مناسب بودن بارهای عاملی استفاده شده است. در جدول ۲ تمام بارهای عاملی در سطح مناسب قرار دارند و آلفا کرونباخ و پایایی ترکیبی و همچنین روایی همگرا نیز در وضعیت مناسب قرار دارند. از پایایی ترکیبی به‌منظور سنجش همسانی درونی بین گویه‌های یک متغیر پنهان همانند آلفای کرونباخ استفاده می‌شود و برای روایی همگرا از میانگین واریانس استخراج‌شده استفاده است. به این معنا است که دست‌کم ۵۰ درصد از واریانس متغیر پنهان را متغیرهای آشکار تبیین کرده‌اند. همانگونه که در بخش روش‌شناسی پژوهش گفته شد سهم تبیین رابطه بین متغیر پنهان و متغیر آشکار به وسیله بار عاملی نشان داده شده است. برای ارزیابی بارهای عاملی باید سه شرط در نظر گرفته شود؛ اول بارهای عاملی نباید از یک، بزرگتر باشند؛ دوم بارهای عاملی نباید منفی باشند و سوم بارهای عاملی نباید کمتر از ۰/۵ باشند. در این پژوهش گویه‌هایی که هر کدام از این سه شرط را داشتند، حذف شدند. بعد از این مرحله به بررسی گویه‌هایی پرداخته شد که بیشترین مقدار شاخص اصلاح را داشتند و بین متغیرهای آشکاری که بیشترین اصلاح را داشتند کواریانس برقرار شد و با برقراری ارتباط بین متغیرها مقدار کای اسکور مدل کاهش پیدا کرد که نشان از برازش بهتر مدل است. شایان ذکر است که در نرم افزار اموس شاخص اصلاح عدد ۴ است و اگر شاخص بیشتر از ۴ باشد باید بین متغیرها کواریانس ایجاد کرد. برای پایایی سازه به منظور اندازه‌گیری همسانی درونی گویه‌های متغیر پنهان از آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد. مقدار گفته شده برای این منظور ۰/۷ است و با توجه به جدول ۲ تمام اعداد از مقدار لازم جهت این منظور برخوردارند. در نهایت برای روایی همگرا از شاخص میانگین واریانس استخراج شده استفاده شد. در این مطالعه همه اعداد مربوط به این شاخص بالای ۰/۵ می‌باشند که نشان از قابل قبول بودن این شاخص دارد (جدول ۲).

جدول ۲- بارهای عاملی معیار روایی و پایایی مدل

متغیرها / ابعاد	سؤالات	بار عاملی	آلفا کرونباخ	پایایی ترکیبی	میانگین واریانس استخراجی
اجتماعی شدن مالی	Q۱	۰/۷۷	۰/۷۲	۰/۸۳	۰/۶۷
	Q۲	۰/۷۴			
	Q۳	۰/۸۵			
	Q۴	۰/۸۴			
	Q۵	۰/۸۷			
	Q۶	۰/۸۸			
	Q۷	۰/۷۵			
استرس مالی	Q۸	۰/۸۱	۰/۷۰	۰/۷۵	۰/۶۱
	Q۹	۰/۷۶			
	Q۱۰	۰/۸۱			
	Q۱۱	۰/۸۷			
	Q۱۲	۰/۶۵			
دلبستگی مالی	Q۱۳	۰/۷۰	۰/۷۵	۰/۸۴	۰/۵۶
	Q۱۴	۰/۸۰			
	Q۱۵	۰/۷۸			
	Q۱۶	۰/۸۵			
	Q۱۷	۰/۷۱			
	Q۱۸	۰/۷۶			
	Q۱۹	۰/۶۹			
	Q۲۰	۰/۷۱			
	Q۲۱	۰/۷۳			
AVE>۰/۵ , CR>۰/۷					

منبع: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه‌های پژوهش و تحلیل مسیر معادلات ساختاری

تحلیل مسیر با سه مدل ساختاری که در بخش روش‌شناسی مدل‌ها گفته شد، قابل بررسی است. طبق نتایج جدول ۳ با توجه به مقادیر آماره t فرضیه‌های ۱ تا ۴ پژوهش در سطح اطمینان ۹۹٪ تأیید شده‌اند. در ادامه اثبات فرضیه‌های پژوهش مورد بحث قرار می‌گیرد.

فرضیه اول: بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ضرایب مسیر مطابق شکل ۵ و جدول ۳ حاکی از آن است که شدت رابطه بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی به صورت مستقیم ۴۹٪ با معناداری ۵/۱۳ که بیشترین ضریب را به خود اختصاص داده است و ضریب غیرمستقیم بین این دو متغیر ۴۷٪ با معناداری ۴/۹۰ است که نشان از ارتباط قوی بین این دو متغیر به صورت مستقیم و غیرمستقیم است. با توجه به خروجی نرم افزار جدول ۳ ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی در سطح ۱ درصد، مثبت و معنادار است که نشان از عدم رد فرضیه اول دارد. این بدین معنا است که هر چه اجتماعی شدن افراد که شامل دانش و اطلاعات است، بیشتر شود، دلبستگی آنها نیز بیشتر می شود. افرادی که از دلبستگی بالا و ایمنی برخوردارند، ممکن است در تصمیم گیری های مالی خود بدلیل اجتماعی شدن، بهتر عمل کرده و بازده سرمایه گذاری های خودشان را افزایش دهند.

فرضیه دوم: بین اجتماعی شدن مالی با استرس مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب مسیر اجتماعی شدن مالی با استرس مالی ۰/۱۶ با معناداری ۲/۲۶ است. با توجه به خروجی نرم افزار جدول ۳ ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با استرس مالی در سطح ۱ درصد، مثبت و معنادار است که نشان از عدم رد فرضیه دوم دارد. با توجه به آموزش و اطلاعات کسب شده از طریق اجتماعی شدن مالی، افراد استرس کمتری در سرمایه گذاری های خود خواهند داشت. چرا که اطلاعات کسب شده که از به اشتراک گذاری بدست می آید، تنها دارایی بزرگی است که در عصر حاضر می تواند استرس مالی را کاهش دهد. بدین صورت می توان عنوان کرد که سرمایه گذاری که اطلاعات مالی دارند در سرمایه گذاری های خود نسبت به دیگران از موفقیت بیشتری برخوردار هستند.

فرضیه سوم: بین استرس مالی با دلبستگی مالی ارتباط مثبت و معناداری وجود دارد. ضریب مسیر استرس مالی به دلبستگی مالی ۰/۱۵ با معناداری ۲/۲۲ است و در سطح ۱ درصد مثبت و معنادار است، که این فرضیه هم مورد قبول است. در بیان این فرضیه باید گفت که هر چه استرس مالی افزایش پیدا کند دلبستگی مالی افراد بیشتر می شود. بدین معنی که افراد نسبت به سهمی که در آن سرمایه گذاری کرده اند تعصب به خرج می دهند و به اصلاح به سهم دلبسته می شوند. سرمایه گذاران برای اینکه دلبستگی کمتری نسبت به سرمایه گذاری های خود داشته باشند باید استرس مالی خود را تحت کنترل و از رفتارهای هیجانی و تعصبات بیجا خودداری کنند.

برای **فرضیه چهارم** که تحت عنوان استرس مالی ارتباط بین اجتماعی شدن مالی و دلبستگی مالی را توضیح می دهد، باید سه شرطی که قبلاً در بخش روش شناسی مدل ها توضیح داده شد، برقرار باشد، ضمن اینکه ضریب مسیر اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی در حضور متغیر میانجی استرس مالی، ۰/۴۷ است، نتیجه می گیریم که میانجی وجود دارد و برای اینکه بدانیم چند درصد متغیر میانجی یعنی استرس مالی ارتباط بین اجتماعی شدن مالی و دلبستگی مالی را توضیح می دهد از فرمول شمول واریانس (VAF) جدول ۴ استفاده شده است. که طبق این فرمول ضریب آن ۰/۰۵ است، که ابتدا ضریب مسیر a و b را در هم ضرب می کنیم و در صورت کسر قرار می دهیم و در مخرج هم ضریب مسیر مستقیم را به آن اضافه می کنیم حاصل تقسیم اگر بین ۰/۲ تا ۰/۸ قرار



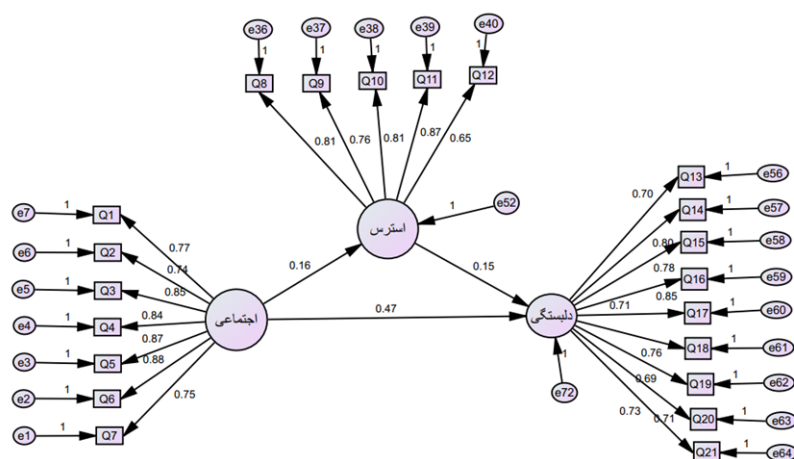
گرفت میانجی جزئی است اگر بیشتر از ۰/۸ شد میانجی کامل و اگر کمتر ۰/۲ شود میانجی وجود ندارد و قابل تفسیر نیست (هیر و همکاران^۱، ۲۰۱۳). در اینجا میانجی بسیار جزئی است. طبق تئوری یادگیری اجتماعی، هر چه اجتماعی شدن مالی بیشتر شود، دلبستگی مالی افزایش پیدا می کند. از طرفی استرس مالی به عنوان متغیر میانجی عمل کرده، باعث افزایش دلبستگی مالی افراد خواهد شد. پس اگر افراد آموزش های درست و صحیح را دریافت کنند، از تعصبات گمراه کننده که ناشی از عدم اجتماعی شدن مالی است جلوگیری کرده، و در سرمایه گذاری های خود می توانند بهترین تصمیم گیری های مالی جهت کسب حداکثر بازده را بگیرند.

با توجه به فرضیه های پژوهش می توان استنباط کرد که یکی از عوامل مهم و تأثیرگذار بر استرس مالی و دلبستگی مالی سرمایه گذاران اجتماعی شدن مالی است. چراکه اجتماعی شدن مالی چه اولیه و چه ثانویه می تواند بر رفتار افراد تأثیر بگذارد. نظریه یادگیری اجتماعی بیان می کند که هر چه اجتماعی شدن مالی از طریق به اشتراک گذاری ایده ها، نظرات و آموزش های مختلف مالی بیشتر شود باعث کاهش استرس مالی و از طرفی باعث دلبستگی مالی ایمن خواهد شد.

جدول ۳- آزمون معناداری فرضیه ها و مسیر آن ها

فرضیه های پژوهش			نام مسیر	ضریب مسیر	سطح خطا	آماره t	نتیجه
اجتماعی شدن مالی	مسیر مستقیم	دلبستگی مالی	C	۰/۴۹	***	۵/۱۳	معنادار است
اجتماعی شدن مالی	←	استرس مالی	a	۰/۱۶	***	۲/۲۶	معنادار است
استرس مالی	←	دلبستگی مالی	b	۰/۱۵	***	۲/۲۲	معنادار است
اجتماعی شدن مالی	مسیر غیرمستقیم	دلبستگی مالی	C'	۰/۴۷	***	۴/۹۰	معنادار است
***سطح اطمینان ۹۹٪ است. N=420, *p<0.05, **p<0.01							

منبع: یافته های پژوهشگر



شکل ۵- مدل پژوهش (خروجی نرم افزار)
منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۴- شمول واریانس

فرضیه	مسیر میانجی	مقادیر	شمول واریانس (VAF)	نتیجه
چهارم	اجتماعی شدن مالی استرس مالی دلبستگی مالی	$a = 0.16$ $b = 0.15$ $C' = 0.47$ $C = 0.49$	$VAF = \frac{(a * b)}{(a * b) + C}$ $VAF = 0.05$ $0.2 < VAF < 0.8$	میانجی جزئی است

منبع: یافته‌های پژوهشگر

برازش مدل‌های اندازه‌گیری و ساختاری روشی برای سنجش میزان سازگاری یک مدل نظری (تئوریک) با یک مدل تجربی است. برای این منظور از شاخص‌های متعددی استفاده می‌شود. با توجه به ارزش‌های عددی شاخص‌های برازش و مقایسه با ملاک قابل قبول در جدول ۵ می‌توان گفت که مدل ساختاری از برازش پذیرفتنی برخوردار می‌باشند. خروجی نرم‌افزار آموس به صورت پیش فرض سه مدل ارائه می‌دهد. مدل مفروض مدلی است که پژوهشگر بر مبنای پیشینه پژوهش و نظریه تدوین می‌کند. بدین معنا که هرگونه رابطه بین متغیرها بر مبنای پژوهش یا نظریه است. در مدل استقلال هیچ رابطه‌ای بین متغیرها وجود ندارد. پژوهشگر برای برازش مدل به مقایسه شاخص‌های برازش بین مدلی که خود ایجاد کرده (مدل مفروض) و مدل استقلال می‌پردازد. پژوهشگر به دنبال اثبات این است که شاخص‌های برازش مدل مفروض بهتر از مدل استقلال است. در مدل اشباع شده همه مسیرهای ممکن بین متغیرهای پژوهش ترسیم می‌شود و می‌توان گفت این مدل نقطه مقابل مدل استقلال است. با توجه به جدول ۵ مدل اشباع شده از نظر کای اسکور (CMIN/DF) دارای کمترین مقدار (صفر) است و مدل استقلال دارای بیشترین کای اسکور است و مدل مفروض دارای مقدار کای اسکور بین مدل اشباع و مدل استقلال است.

جدول ۵- برازش مدل ساختاری

مدل	CMIN/DF	P	GFI	CFI	NFI	RMSEA
مدل مفروض (نظری)	۱/۶۵۰	۰.۰۰۰	۰/۹۳۶	۰/۹۳۴	۰/۸۵۰	۰/۰۳۹
مدل اشباع شده	-	-	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	-
مدل استقلال	۹/۴۸۹	۰/۰۰۰	۰/۵۵۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۴۲
ملاک قابل قبول	کمتر از ۵	-	بزرگتر از ۰/۹	بزرگتر از ۰/۹	بزرگتر از ۰/۹	بین ۰/۰۳ تا ۰/۰۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مقایسه شاخص‌های برازش مدل میانجی و مدل غیرمستقیم در جدول ۶ نشان می‌دهد که مدل میانجی کامل از شاخص‌های بهتری نسبت به مدل غیرمستقیم برخوردار است. بهتر بودن شاخص‌های برازش در مدل کامل از مدل غیرمستقیم به این معناست که متغیر مستقل (اجتماعی شدن مالی) هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم با متغیر وابسته (دلبستگی مالی) ارتباط دارد، ولی اگر مدل غیرمستقیم برازش بهتری از مدل کامل داشته باشد، بدین معناست که رابطه بین متغیر مستقل (اجتماعی شدن مالی) با متغیر وابسته (دلبستگی مالی) از طریق متغیر میانجی (استرس مالی) است. همان‌طور که در جدول ۶ مشخص است تمامی شاخص‌های مدل کامل بهتر از مدل غیرمستقیم است.

جدول ۶- مقایسه شاخص‌های برازش بین مدل میانجی و مدل غیرمستقیم

مدل/شاخص	RMSEA	IFI	TLI	CFI	GFI	CMIN/DF	p	DF	CMIN	AIC
مدل کامل	۰/۰۳۹	۰/۹۳۵	۰/۹۲۳	۰/۹۳۴	۰/۹۳۶	۱/۶۵۰	۰	۱۸۱	۲۹۸/۶۵۷	۳۹۸/۶۵۷
مدل غیرمستقیم	۰/۰۴۷	۰/۹۰۸	۰/۸۹۲	۰/۹۰۷	۰/۹۲۷	۱/۹۱۴	۰	۱۸۲	۳۴۸/۳۰۴	۴۴۶/۳۰۴

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

این مطالعه یکی از اولین مطالعاتی است که اثر اجتماعی شدن مالی بر دلبستگی مالی با توجه به نقش استرس مالی را بررسی می‌کند. یافته‌ها نشان دادند که اجتماعی شدن مالی اثر مستقیم بر استرس مالی و دلبستگی مالی سرمایه‌گذاران دارد. همچنین استرس مالی تأثیر مثبت و معنی‌داری بر دلبستگی مالی دارد. فرضیه اول ارتباط اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی را مورد بررسی قرار داد. طبق نتایج به دست آمده اجتماعی شدن مالی باعث افزایش دلبستگی مالی به میزان زیادی می‌شود. سرمایه‌گذارانی که در فعالیت‌های اجتماعی شرکت می‌کنند و با دیگران ارتباط برقرار می‌کنند، ممکن است به دلبستگی بالاتر نسبت به سهام خریداری شده دچار شوند. این سرمایه‌گذاران ممکن است تحت تأثیر نظرات و رفتارهای دیگران قرار گیرند و تلاش کنند ثروت خود را به نحو مناسب افزایش دهند. اگر افراد با توجه به اجتماعی شدن مالی که تشکیل دهنده نگرش‌ها و رفتارهای مالی است بتوانند تصمیم‌های مالی بهینه و درست با استفاده از تحلیل و درک وقایع بگیرند باعث دلبستگی افراد به سهام و دارایی به شکل ایمن خواهد شد. در نتیجه وقوع نتایج مثبت در اثر اجتماعی شدن مالی، ممکن است باعث افزایش دلبستگی افراد به دارایی‌هایشان شود. این افزایش دلبستگی ممکن است باعث توسعه روابط بین افراد شود. می‌توان این‌گونه استنباط کرد که یکی از معیارهای تشکیل دهنده در تحلیل و تصمیم‌گیری‌های صحیح مالی، اجتماعی شدن مالی است. بر همین اساس امکان اینکه دلبستگی مالی افراد باعث افزایش بازده بیشتر در سرمایه‌گذاری شود، وجود دارد. نتایج این فرضیه در ارتباط با تصمیم‌گیری‌های مالی که ناشی از اجتماعی شدن مالی است با نتایج تحقیق آدیپوترا و همکاران^۱ (۲۰۲۴) و از نظر دلبستگی مالی با نتایج برون و برون^۲ (۲۰۰۸) هم‌راستا است. به گفته آنان از سبک دلبستگی می‌توان برای پیش‌بینی ارتباط بین مشاوران مالی و سرمایه‌گذاران استفاده کرد. جایی که دلبستگی به مشاور مالی می‌تواند در موفقیت سرمایه‌گذاری افراد مؤثر باشد.

فرضیه دوم به ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با استرس مالی پرداخته شده است. طبق نتایج به دست آمده اجتماعی شدن مالی می‌تواند استرس مالی را کاهش دهد. زیرا این فرایند به افزایش اطلاعات و آگاهی درباره

1 Adiputra et al.

2 Brown & Brown

موضوعات مالی، به اشتراک‌گذاری تجربیات و راه‌حل‌های مختلف و حمایت از یکدیگر در مواقع دشوار کمک‌کننده است. داشتن روابط قوی با دیگران می‌تواند به کاهش استرس مالی کمک کند. به‌طور مثال افراد با دسترسی به شبکه‌های اجتماعی، ممکن است حس حمایت و پشتیبانی بیشتر داشته باشند که باعث کاهش استرس آن‌ها در مسائل مالی خواهد شد. همچنین، اجتماعی شدن مالی باعث افزایش قابلیت اطمینان و پشتوانه اجتماعی برای سرمایه‌گذار در برابر رخدادهای نامطلوب و ناخوشایند مالی می‌شود. به‌علاوه، حضور در گروه‌های اجتماعی مالی مانند جلسات گفتگو و آموزش‌های تحصیل شده، فرصت برقرار کردن روابط اجتماعی، باعث افزایش تجارب افراد در سرمایه‌گذاری شده و علاوه بر ایجاد فرصت‌های سرمایه‌گذاری باعث کاهش استرس مالی افراد خواهد شد. نتیجه این فرضیه از نظر اجتماعی شدن مالی با پژوهش لبارون و کلی^۱ (۲۰۲۱) هم‌راستا است. نتایج آنان نشان داده است، برای اینکه افراد بتوانند بر رویدادهای استرس‌زا غلبه کنند، نیاز به اجتماعی شدن مالی و رفتار مالی مناسب دارند. فرضیه سوم به ارتباط بین استرس مالی با دلبستگی مالی پرداخته است. نتایج حاکی از این است که وجود استرس مالی می‌تواند منجر به افزایش دلبستگی مالی شود. زیرا زمانی که سرمایه‌گذار با مشکلات مالی روبرو است و نگران آینده خود، خانواده یا کسب‌وکارش است، احتمالاً به دنبال راه‌حل‌های ساده و فوری برای حل آن مشکلات، به دلیل عدم دانش، نگرش و آموزش‌های لازم خواهد بود. این ممکن است منجر به تمایل بیشتر به پول‌دوستی، جمع‌آوری پول یا حفظ ثروت شخصی و به‌صورت کلی دلبستگی مالی شود. بنابراین، استرس مالی ممکن است باعث افزایش دلبستگی مالی شود و باعث تصمیم‌های نادرست در زمینه پول و سرمایه‌گذاری شود. همچنین ممکن است منجر به عواقب منفی اقتصادی برای فرد شود. بنابراین، توجه به رفع استرس‌های مالی و کنترل آن توجه ویژه‌ای را می‌طلبد. تا دلبستگی مالی ایمن شود و فضای روانشناسانه سالم‌تر برای فعالیت‌های روزانه سرمایه‌گذاران ایجاد شود. البته بیشتر استرس‌های مالی نشأت گرفته از تصمیم‌های احساسی و غیرمنطقی و همچنین عدم دانش مالی کافی است. نتایج این فرضیه با نتایج پژوهش هاکیو و کیتو^۲ (۲۰۰۹)، اندروز و همکاران^۳ (۲۰۲۴) در زمینه استرس مالی هم‌راستا است. به گفته آنان، کاهش استرس مالی ممکن است به افراد در محیط کار و سرمایه‌گذاری کمک کند تا با تمرکز بیشتری برای کسب نتایج بهتر، جهت افزایش بهره‌وری تلاش کنند و در نتیجه به نفع افراد و جامعه خواهد بود.

فرضیه چهارم به ارتباط بین اجتماعی شدن مالی با دلبستگی مالی، با توجه به نقش میانجی استرس مالی پرداخته است. یافته‌ها نشان دادند که استرس مالی به‌صورت بسیار جزئی ارتباط بین متغیر مستقل و وابسته را تبیین می‌کند. با توجه به فرمول شمول واریانس و به دلیل اینکه محاسبات کمتر از ۲۰٪، یعنی ۵٪ به‌دست آمده، پس نتیجه می‌گیریم که استرس مالی این ارتباط را میانجی‌گری نکرده و قابل تفسیر نیست. تحقیقی که هم‌راستای با این فرضیه باشد یافت نشد.

1 LeBaron & Kelley
2 Hakkio & Keeton
3 Andrews et al.

این پژوهش، یافته های تحقیقات (یورگنسن و ساولا^۱، ۲۰۱۰؛ شیائو و پورتو^۲، ۲۰۱۷ از نظر اجتماعی شدن؛ پولمن^۳، ۲۰۲۱ از نظر دلبستگی مالی؛ ون دایک و همکاران^۴، ۲۰۲۲ از نظر استرس مالی) را پشتیبانی می کند. در پژوهش های مزبور رفتار و حالات افراد ناشی از استرس مالی، تحت تاثیر اجتماعی شدن مالی، چه اولیه و چه ثانویه است، و با افزایش آموزش های مطلوب و بهینه، افراد دلبستگی مناسب و ایمنی را جهت سرمایه گذاری خواهند داشت و از رفتارهای توده ای که مشکل بسیاری از سرمایه گذاران است، جلوگیری خواهد شد. از طرفی، تحقیقات مبتنی بر تئوری یادگیری اجتماعی، نشان می دهد که بسیاری از رفتارهای افراد در سرمایه گذاری نشأت گرفته از مسائل نگرشی و روانشناختی است. در نهایت نتیجه می گیریم، سرمایه گذارانی که تحت اجتماعی شدن مالی و آموزش های آن از طرق مختلف هستند، استرس خود را کاهش، و دلبستگی مالی خود را ایمن خواهند ساخت. مطابق با مبانی نظری پژوهش، اجتماعی شدن مالی هم بطور ضمنی و هم بطور صریح رخ می دهد. که در این راستا سهم خانواده از دیگر ابعاد اجتماعی شدن بیشتر است. مشخص شده که سهم اجتماعی شدن بصورت ضمنی بیشتر از اجتماعی شدن بصورت صریح است. یعنی افراد اگر بصورت ضمنی، از طریق تعاملات روزانه در ارتباط باشند، بیشتر درگیر اجتماعی شدن مالی خواهند شد. از طرفی دلبستگی مالی از طریق همین ارتباطات اجتماعی شکل منظم به خود می گیرد. بی نظمی در آن می تواند تبعات بدی برای افراد داشته باشد. با توجه به مبانی نظری استرس مالی نیز می تواند هم بصورت منفی و هم بصورت مثبت بر دلبستگی مالی افراد اثر گذار باشد. پس نتیجه می گیریم، برای اینکه افراد اثرات منفی استرس مالی را کاهش دهند باید اجتماعی شدن چه ضمنی و چه صریح را افزایش دهند تا با کاهش استرس مالی بتوانند دلبستگی مالی خود را متعادل و ایمن کنند.

بر اساس نتایج پژوهش که هم راستا با تئوری های اجتماعی شدن و دلبستگی است، اگر افراد از طریق اجتماعی شدن مالی که شامل آموزش های مختلف چه اولیه از طریق خانواده و چه ثانویه از طریق دوستان، همسالان، شبکه های اجتماعی و موسسات آموزشی، دانش و اطلاعات خود را افزایش دهند، استرس مالی آنان کاهش پیدا خواهد کرد و از طرفی افراد دلبستگی متعادل و ایمنی را تجربه خواهند کرد. با توجه به این مهم، افراد به دنبال کسب سودهای بیشتر و وارد کردن وجوه نقد خود به سمت بازار سرمایه و دیگر بازارهای موازی هستند. تا از این طریق به واسطه تورم ارزش پول خود حفظ کرده و سودآوری خود را افزایش دهند. طبعاً این مهم منجر به دلبستگی مالی سرمایه گذاران خواهد شد. با توجه به دستاوردهای این مطالعه پیشنهاد می شود که شرکتها برای اجتماعی شدن مالی به صورت وسیع از شبکه های اجتماعی که جایگزین مناسبی برای روش های سنتی و متداول است و به جهت پر کردن خلاء تحقیقاتی و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی استفاده کنند. این مهم منجر به ترغیب و اشتیاق سرمایه گذاران در بازار سرمایه خواهد شد. همچنین نتایج این پژوهش می تواند در پایه گذاری

1 Jorgensen & Savla

2 Xiao & Porto

3 Pollmann

4 Van Dijk et al.

رویه‌ها و رویکردهای مدون، توسط قانون‌گذاران بازار سرمایه، مدیران و سرمایه‌گذاران مورد توجه قرار گیرد. در واقع عوامل اجتماعی شدن مالی مخصوصاً آموزش‌هایی که در طی دوران تحصیل به افراد داده می‌شود می‌تواند در جهت شناخت و میزان دلبستگی مالی افراد تأثیر بسزایی داشته و باعث کاهش استرس مالی آنان شود. پیشنهاد می‌شود در مرحله اول تحقیقات بیشتری در مورد انواع سبک‌های دلبستگی انجام شود و در مرحله بعد با کمک عوامل اجتماعی شدن مالی به سرمایه‌گذاران آموزش‌های لازم داده شود تا بتوانند تصمیم‌گیری‌های صحیح و آگاهانه در زمینه سرمایه‌گذاری در بازار سرمایه داشته باشند. در آخر پیشنهاد می‌شود که تأثیر عوامل اجتماعی شدن مالی از جمله، خانواده، دوستان، همسالان و خصوصاً مؤسسات آموزشی و شبکه‌های اجتماعی بر ایجاد نوع سبک دلبستگی سرمایه‌گذاران مطالعات بیشتری انجام شود.

به هر صورت متغیر دلبستگی مالی جدید و نو است و در سطح ملی هنوز تحقیقی راجب آن صورت نگرفته است. بر همین اساس باید تحقیقات زیادی در ارتباط با دلبستگی مالی صورت گیرد. به علاوه این متغیر باعث غنای ادبیات در حوزه مالی و رفتاری خواهد شد. از محدودیت‌های پژوهش می‌توان به پاسخ‌های نادرست داده‌شده به پرسشنامه توسط سرمایه‌گذاران یادکرد و از طرفی این تحقیق به صورت مقطعی صورت گرفته است و افراد باید این محدودیت را در نظر بگیرند که نتایج این پژوهش را نمی‌توان به آینده دور تعمیم داد، چراکه این مسیر همچنان ادامه دارد.

فهرست منابع

- احمدی، زانیار و پورزمانی، زهرا. (۱۴۰۳) نقش هوش عاطفی، سازمانی و معنوی در قضاوت و تصمیم‌گیری حسابرسان در مؤسسات حسابرسی. *مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۹ (۳)، صص ۳۱-۵۰.
- ترازودار، میترا؛ قاسمی، مصطفی و محسنی، عبدالرضا. (۱۴۰۲). ارائه مدلی به منظور شناسایی تأثیر تورش‌های رفتاری و سواد مالی و نقش آن‌ها بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران (مبتنی بر رویکرد گراند تئوری). *مجله دانش حسابداری*، صص ۱۵۹-۱۷۹.
- جلیلیان، حمیدرضا. (۱۳۹۵). بررسی تأثیر عوامل فردی و سازمانی بر دلبستگی سازمانی کارکنان. *فصلنامه مطالعات رفتار سازمانی*.
- حسینی، محمد. (۱۴۰۳). کنش حسابرسان مستقل در مواجهه با تضادهای نمایندگی شرکت‌های برخوردار از روابط سیاسی. *مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۹ (۳)، صص ۷۱-۱۰۴.
- رجب دری، حسین. (۱۴۰۳). رابطه دلهره ارتباطی و خودکارآمدی کار گروهی با نقش میانجی خودکارآمدی ارتباطی با استفاده از رویکرد محرک، ارگانیسم، پاسخ در دانشجویان حسابداری. *مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۹ (۳)، صص ۱۲۵-۱۴۲.

- عباسیان فر، طیبه؛ برومند، زهرا؛ رضائیان، علی و غلامزاده، داریوش. (۱۳۹۱). طراحی و تبیین مدل دلبستگی کارکنان بر اساس مدل پنج عاملی شخصیت. *مجله مدیریت بازرگانی*، ۵۴ (۱۴)، صص ۱۴۲-۱۵۵.
- عزیزی، کیوان؛ ایوانی، فرزاد؛ عبدی، حدیث و دلاوری، سید جواد. (۱۴۰۳). اثر توانایی مدیران بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و رفتار و عملکرد معاملاتی سرمایه‌گذاران. *مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، صص، ۳۰-۱.
- کریم‌آبادی، محمد؛ حاجیه، زهره؛ جهانگیرنیا، حسین و غلامی جمکرانی، رضا. (۱۴۰۳). الگوی آئین رفتار حرفه‌ای حسابرسان مستقل بر اساس دیدگاه انتقادی. *مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۹ (۳)، صص، ۱۲۴-۱۰۵.
- محمدی لداری، معصومه و داداشی، ایمان. (۱۴۰۳). مدل‌های پیش‌بینی بازده سهام؛ برآورد توزیع بازده کل بازار و نوسانات آن بر پایه توزیع لاپلاس. *مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۹ (۳)، صص ۷۰-۵۱.
- مدینه، سید محسن و زارع، ایمان. (۱۴۰۲). تأثیر باورهای دینی بر تردید حرفه‌ای و ارزیابی حسابرسان از خطر تحریف بااهمیت: رویکرد مراتب دین‌داری از منظر اسلام. *مجله دانش حسابداری*، صص ۱۳۲-۱۱۱.
- Adiputra, I.G., Bangun, N.A. and Graceilla, B. (2024). The Influence Of Financial Socialization, Overconfidence And Mental Accounting On Investment Decisions. *Jurnal Manajemen*, 28(1), pp.200-221.
- Andrews, B.D., Rehr, T. and Regan, E.P., 2024. The Link Between Financial Stress, Financial Precarity, and Educational Outcomes at Community Colleges. *Community College Journal of Research and Practice*, 48(4), pp.233-249.
- Becker, L., Ertz, E. and Büttgen, M. (2023). A relational perspective on supervisor-initiated turnover: Implications for human resource management based on a multi-method investigation of leader-member exchange relationships. *Human Resource Management*, 62(4), pp.547-564.
- Blascovich, J., 2013. Challenge and threat appraisal. In *Handbook of approach and avoidance motivation* (pp. 431-445). Psychology Press.
- Bowlby, J. (1969). *Attachment and loss*. Vol. 1. Attachment. New York: Basic Books.
- Brown, D. and Brown, Z.E. (2008). The relationship between investor attachment style and financial advisor loyalty. *The Journal of Behavioral Finance*, 9(4), pp.232-239.
- Butt, A., Donald, M. S., Foster, F. D., Thorp, S., & Warren, G. J. (2018). One size fits all? Tailoring retirement plan defaults. *Journal of Economic Behavior & Organization*, 145, pp 546-566.
- Cupák, A., Kolev, G.I. and Brokešová, Z. (2019). Financial literacy and voluntary savings for retirement: novel causal evidence. *The European Journal of Finance*, 25(16), pp.1606-1625.
- Danes, S.M. (1994). Parental perceptions of children's financial socialization. *Financial Counseling and Planning*, Vol. 5 No. 1, pp. 127-149.
- Danes, S.M. and Haberman, H. (2007). Teen financial knowledge, self-efficacy, and behavior: A gendered view. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 18(2).
- Dare, S. E. (2022). Financial decisions matter: promoting positive financial behaviour, financial satisfaction, and financial well-being. Retrieved from.
- Drever, A.I., Odders-White, E., Kalish, C.W., Else-Quest, N.M., Hoagland, E.M. and Nelms, E.N. (2015). Foundations of financial well-being: Insights into the role of executive function,



- financial socialization, and experience-based learning in childhood and youth. *Journal of Consumer Affairs*, 49(1), pp.13-38.
- Fan, L. and Chatterjee, S. (2019). Financial socialization, financial education, and student loan debt. *Journal of Family and Economic Issues*, 40(1), pp.74-85.
- Field, A. (2013). Chapter 20 Multilevel linear models. *Discovering statistics using IBM SPSS statistics*: Sage Publications Ltd.
- French, D. and McKillop, D. (2016). Financial literacy and over-indebtedness in low-income households. *International Review of Financial Analysis*, 48, pp.1-11.
- Griffin, K.M. (2020). Exploring The Relationship Between Attachment Styles And Career Decision-making Self-efficacy Among African Americans.
- Gudmunson, C.G., Ray, S.K. and Xiao, J.J. (2016). Financial socialization. *Handbook of consumer finance research*, pp.61-72.
- Hair, J.F., Ringle, C.M. and Sarstedt, M. (2013). Partial least squares structural equation modeling: Rigorous applications, better results and higher acceptance. *Long range planning*, 46(1-2), pp.1-12.
- Hakkio, C.S. and Keeton, W.R., 2009. Financial stress: What is it, how can it be measured, and why does it matter. *Economic Review*, 94(2), pp.5-50.
- Hamid, F.S. and Loke, Y.J. (2021). Financial literacy, money management skill and credit card repayments. *International Journal of Consumer Studies*, 45(2), pp.235-247.
- Hayes, A.F. (2018). Partial, conditional, and moderated moderated mediation: Quantification, inference, and interpretation. *Communication monographs*, 85(1), pp.4-40.
- Jorgensen, B.L. and Savla, J. (2010). Financial literacy of young adults: The importance of parental socialization. *Family relations*, 59(4), pp.465-478.
- Ksendzova, M., Donnelly, G.E. and Howell, R.T. (2017). A brief money management scale and its associations with personality, financial health, and hypothetical debt repayment. *Journal of Financial Counseling and Planning*, 28(1), pp.62-75.
- Lazarus, R.S. and Folkman, S., 1984. *Stress, appraisal, and coping*. Springer publishing company.
- LeBaron, A.B. and Kelley, H.H. (2021). Financial socialization: A decade in review. *Journal of family and economic issues*, 42(Suppl 1), pp.195-206.
- Lewicka, M. (2010). What makes neighbor hood different from home and city? Effects of place scale on place attachment. *Journal of environmental psychology*, 30(1), 35-51.
- Lichtenstein, M.B., Christiansen, E., Elklit, A., Bilenberg, N. and Støving, R.K. (2014). Exercise addiction: a study of eating disorder symptoms, quality of life, personality traits and attachment styles. *Psychiatry research*, 215(2), pp.410-416.
- Mathieu, J.E. and Taylor, S.R. (2006). Clarifying conditions and decision points for mediational type inferences in organizational behavior. *Journal of Organizational Behavior: The International Journal of Industrial, Occupational and Organizational Psychology and Behavior*, 27(8), pp.1031-1056.
- Mullainathan, S. and Shafir, E., 2013. *Scarcity: Why having too little means so much*. Macmillan.
- Nofsinger, J.R. (2017). *The psychology of investing*. Routledge.
- Norman, A. S. (2010). Importance of financial education in making informed decision on spending. *Journal of economics and International Finance*, 2(10), 199-207.
- Pollmann, M.M. (2021). Let's Talk About Money: The Role of Attachment Styles in Couples' Financial Communication, Financial Management, and Financial Conflict. *Journal of Financial Therapy*, 12(2), p.6.



- Sallie, N. (2015). The impact of socialisation factors on financial literacy amongst employees in the financial services industry. (Doctoral dissertation, University of Pretoria).
- Santos, M. (2021). High net-worth attachments: emotional labour, relational work, and financial subjectivities in private wealth management. *Journal of cultural economy*, 14(6), pp.750-764.
- She, L., Ma, L., Voon, M.L. and Lim, A.S.S. (2023). Excessive use of social networking sites and financial well-being among working millennials: a parallel-serial mediation model. *International Journal of Bank Marketing*, 41(1), pp.158-178.
- Sohn, S.H., Joo, S.H., Grable, J.E., Lee, S. and Kim, M. (2012). Adolescents' financial literacy: The role of financial socialization agents, financial experiences, and money attitudes in shaping financial literacy among South Korean youth. *Journal of adolescence*, 35(4), pp.969-980.
- Strömbäck, C., Skagerlund, K., Västfjäll, D. and Tinghög, G. (2020). Subjective self-control but not objective measures of executive functions predicts financial behavior and well-being. *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, 27, p.100339.
- Swacha-Lech, M., Swacha, M. and Solarz, M. (2021). The Role of Parental Instruments of Financial Socialization in Forming the Tendency to Repeat Parents' Saving Patterns.
- Tang, N., Baker, A. and Peter, P.C. (2015). Investigating the disconnect between financial knowledge and behavior: The role of parental influence and psychological characteristics in responsible financial behaviors among young adults. *Journal of Consumer Affairs*, 49(2), pp.376-406.
- Tisu, L., Virgă, D. and Taris, T. (2023). Entrepreneurial well-being and performance: antecedents and mediators. *Frontiers in Psychology*, 14.
- Van Campenhout, G. (2015). Revaluing the role of parents as financial socialization agents in youth financial literacy programs. *Journal of Consumer Affairs*, 49(1), pp.186-222.
- Van Dijk, W.W., van der Werf, M.M. and van Dillen, L.F., 2022. The psychological inventory of financial scarcity (PIFS): A psychometric evaluation. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 101, p.101939.
- Zhao, H. and Zhang, L. (2020). Talking money at home: the value of family financial socialization. *International Journal of Bank Marketing*, 38(7), pp.1617-1634.



**The relationship between financial socialization and
financial attachment with the mediating
role of financial stress**

Alireza Hooshmandi¹

Omid Pourheidari²

Amir Hosein Taebi Noghondari³

Received: 2025/March/31 Accepted: 2025/June/04

Abstract

The current research has explained the psychological concept of financial stress in building the relationship between financial socialization and financial attachment by using the principles of behavioral finance. The applied research method is survey type. Accordingly, 450 questionnaires were received online from investors in Tehran Stock Exchange and 420 questionnaires were accepted. Structural equation modeling (SEM) and AMOS and SPSS software versions 26 and 27 were used for data analysis. Also, the maximum likelihood estimation (MLE) method has been used to estimate the value of unknown variables. The findings of the research indicate that there is a positive and significant direct and indirect relationship between financial socialization and financial attachment. On the other hand, the findings showed that the full model has a better fit than the indirect model, which indicates the mediation of financial stress; That is, financial stress has partially explained the relationship between financial socialization and financial attachment. The results of this research can be taken into consideration by the capital market legislators, managers and investors in establishing codified procedures and approaches. In fact, the factors of financial socialization, especially the training given to people during their studies, can have a significant effect on the recognition and level of attachment of people.

Keyword: Financial Socialization, Financial Attachment, Financial Stress

¹ Department of Accounting, Ke.C, Islamic Azad University, Kerman, Iran. Alireza.hooshmandi@iau.ir

² Department of Accounting, Faculty of Economics and Management, Shahid Bahonar University of Kerman, Kerman, Iran. (Corresponding author) .opourheidari@uk.ac.ir

³ Department of Accounting, Ke.C, Islamic Azad University, Kerman, Iran. taebi@iauk.ac.ir



تحلیل تصمیم‌گیری مدیران ارشد با تأکید بر نقش سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت و حاکمیت شرکتی

محمد گراوند^۱

فرزانه حیدر پور^۲

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۵

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

چکیده

با توجه به جهانی‌شدن و رقابت فزاینده، مدیران برای اتخاذ تصمیم‌گیری به اطلاعات نیاز دارند. سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت، ابزارهای تحلیلی جهت بهبود تصمیم‌گیری برای مدیران فراهم می‌نمایند. از سوی دیگر، کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت، نقش مهمی را به‌عنوان ارائه‌کننده اطلاعات در تصمیم‌گیری مدیران و بهبود عملکرد سازمان‌ها ایفا می‌کنند و حاکمیت شرکتی نیز، تصمیمات استراتژیک را تحت تأثیر قرار می‌دهد. هدف پژوهش، تحلیل تصمیم‌گیری مدیران ارشد با توجه به نقش کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی می‌باشد. به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش، از روش کیفی و مصاحبه عمیق استفاده شد. با به‌کارگیری روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۱۵ مصاحبه با اساتید دانشگاه، مدیران و اعضای هیات مدیره شرکت‌های تولیدی طی سال ۱۴۰۲ انجام و با نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. پس از تجزیه و تحلیل داده‌ها و کدگذاری باز و محوری، ۲۵ کد به دست آمد که در قالب ۳ مقوله و ۱۵ مؤلفه طبقه‌بندی گردید. درنهایت، مدل مفهومی ارائه گردید. نتایج نشان داد که کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت و حاکمیت شرکتی بر تصمیم‌گیری استراتژیک مدیران تأثیر می‌گذارد. همچنین پشتیبانی مدیریت ارشد از سیستم‌های حسابداری مدیریت، استفاده از فناوری‌های نوآورانه، کنترل داخلی و اخلاق حرفه‌ای از جمله مواردی هستند که کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت تأثیرگذار هستند.

واژه‌های کلیدی: حسابداری مدیریت، حاکمیت شرکتی، تصمیم‌گیری، پدیدارشناسی.

۱- گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. mohammad.geravand@iau.ir

۲- گروه حسابداری، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) fheidarpour@iau.ac.ir



۱- مقدمه

در هزاره سوم، اطلاعات و دانش به ثروت اصلی سازمان‌ها تبدیل شده و بنگاه‌های تجاری و واحدهای تولیدی برای کسب مزیت رقابتی به دنبال استفاده هر چه بیشتر از این ثروت در تصمیمات خطیر خود در محیط پویای امروز می‌باشند (رهنمای رود پستی و همکاران، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، جهانی شدن و تغییر اقتصادی از اقتصاد مبتنی بر صنعت به اقتصاد مبتنی بر اطلاعات، مدیریت کسب و کار را ایجاب کرده است که بتواند با اولویت دادن به مزیت رقابتی، از طریق بهبود شرایط، به طور مؤثرتر، کارآمدتر و به شیوه‌ای کنترل شده عمل کند. عصر اطلاعات دوره‌ای است که اطلاعات زیادی را در تصمیم‌گیری در بر می‌گیرد (رسمی^۱، ۲۰۲۰). مدیر کسب و کار، مسئول موفقیت سازمان در دستیابی به اهداف تعیین شده می‌باشد. یکی از وظایف مدیر، تصمیم‌گیری است. در عصر دیجیتال کنونی، محیط کسب و کار به سرعت در حال تغییر است؛ بنابراین، سازمان‌ها باید بتوانند خود را با تغییرات محیطی سازگار کنند تا بتوانند به حیات خود ادامه دهند؛ بنابراین تصمیمات استراتژیک باید سریع گرفته شود. برای اتخاذ تصمیمات موفق، پیاده‌سازی یک سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت با کیفیت از نیازهای اساسی سازمان است. یک سیستم اطلاعاتی باکیفیت اطلاعاتی را تولید می‌کند که نهایتاً می‌تواند منجر به تصمیم‌گیری بهتر شود (سانارتا^۲، ۲۰۲۳). اطلاعات به تصمیم‌گیرندگان اجازه می‌دهد تا معتبرترین و معقول‌ترین تصمیمات را اتخاذ کنند (چانگ^۳، ۲۰۲۳). توانایی مدیریت اطلاعات برای شرکت‌ها بسیار مهم است زیرا می‌تواند مبنایی برای کسب مزیت رقابتی باشد. با یک سیستم یکپارچه، اهداف مدیریت به راحتی محقق خواهند شد. موفقیت سیستم اطلاعاتی یک شرکت به نحوه اجرای سیستم، سهولت سیستم برای کاربران و استفاده از فناوری مورد استفاده بستگی دارد. سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت یکپارچه‌سازی هماهنگ از اجزا/زیرسیستم‌های مختلف برای پردازش داده‌ها در اطلاعات حسابداری مدیریت است (زاینا و همکاران^۴، ۲۰۲۲). اطلاعات حسابداری باکیفیت بالا باعث می‌شود تا اطلاعاتی را برای سرمایه‌گذاران جهت کمک در ارزش‌گذاری صحیح دارایی‌ها و تصمیمات سرمایه‌گذاری، فراهم آورد و زیان‌های ناشی از ارزش‌گذاری یا تصمیم‌گیری ناصحیح در سرمایه‌گذاری را کاهش دهد (نادری و همکاران، ۱۳۹۷). مدیریت به یک سیستم اطلاعاتی خوب و یکپارچه نیاز دارد. سیستم‌های اطلاعاتی منابعی برای شرکت‌ها هستند که می‌توانند اطلاعات مورد نیاز مدیران را برای کنترل فعالیت‌هایشان، بهره‌برداری از فرصت‌ها، شناسایی مشکلات و انتخاب و اجرای مناسب فرآیند انطباق به گونه‌ای که انتظار می‌رود شرکت به خوبی به اهداف خود دست یابد، ارائه دهند (جاسریادی^۵، ۲۰۲۲). اطلاعات حسابداری مدیریت را می‌توان به عنوان اطلاعاتی که اقدامات احتمالی و پیامدهای مالی را که عدم قطعیت محیط کسب و کار به طور مؤثر به اندازه

¹ Resmi

² Sunarta

³ Chang

⁴ Zaena

⁵ Jusriadi

گیری تبدیل و تجزیه و تحلیل می‌کند، تعریف کرد. از آنجایی که محیط کسب و کار به سرعت در حال تغییر است، فعالیت‌های تولیدی در نتیجه رقابت شدید بازار امروز پیچیده‌تر شده‌اند که مدیران را بر آن می‌دارد تا اطلاعاتی را مطالبه کنند که دامنه وسیع‌تری دارد تا به آن‌ها در تحمل شدت رقابت بازار و دستیابی به اهداف و مقاصد کمک کند. اطلاعات حسابداری مدیریت به اطلاعاتی گفته می‌شود که دامنه وسیع‌تری دارد که مدیران را برای دستیابی به اهداف و مقاصد و به‌طور متوالی بهبود عملکرد سازمانی پشتیبانی می‌کند. دامنه اطلاعات حسابداری مدیریت شامل، اطلاعات مالی و غیرمالی است. حسابداری مدیریت در چند دهه اخیر در نتیجه ظهور جهانی شدن و پیشرفت تکنولوژی توسعه یافته است. از آن زمان به بعد، حسابداری مدیریت گسترش یافته و حوزه‌های مهم دیگری مانند فرآیند تصمیم‌گیری، اندازه‌گیری عملکرد، کنترل، برنامه‌ریزی استراتژی و فعالیت‌های انگیزشی را در برمی‌گیرد که در ارتباط با اطلاعات حسابداری مدیریت استفاده می‌شود (جعفر و نوردین^۱، ۲۰۲۱). سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت ساختاری است که تکنیک‌های مختلفی را در خود گنجانده است که توسط یک سازمان برای جمع‌آوری، پردازش، مدیریت، گزارش دهی و بازیابی داده‌های مالی برای کمک به مدیران در راستای تصمیم‌گیری عینی استفاده می‌شود (عزیزی مهر و همکاران، ۱۴۰۳). اطلاعات ارائه شده توسط حسابداری مدیریت در صورتی موثر و کارآمد است که بتواند اطلاعات کاربردی را برای تصمیم‌گیری صحیح، دقیق و به موقع پشتیبانی کند. تناسب، دقت و صحت بین اطلاعات موجود در شرکت و نیازهای تصمیم‌گیرندگان، کیفیت تصمیمات اتخاذ شده را بهبود می‌بخشد و در نهایت می‌تواند عملکرد شرکت را بهبود بخشد (هاریات^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). سیستم اطلاعاتی حسابداری مدیریت ترکیبی از منابع انسانی و به کارگیری فناوری اطلاعات برای انتخاب، ذخیره، مدیریت و بازیابی داده‌ها به منظور پشتیبانی از فرآیند تصمیم‌گیری یک شرکت است (رسمی، ۲۰۲۲). نیاز رو به افزایش در حوزه‌های پاسخگویی سیاسی و مالی، مجموعه کاملتر و گسترده‌تری از سیستم‌های مدیریت و حسابداری را می‌طلبد تا بتواند برای تصمیم‌گیری و بهبود پاسخگویی، بازخوردی ارائه نماید. گزارش به گزارشگری مالی در بخش عمومی، با جهانی شدن موضوع بهسازی مدیریت منابع مالی و پاسخگویی در این بخش، افزایش یافته است. برنامه ریزی هزینه‌های آینده و تصمیم‌گیری‌های بزرگ مالی و استراتژیک برای تیم مدیریتی، می‌تواند بسیار حیاتی باشد (خجسته و همکاران، ۱۴۰۲). رویه‌های حاکمیت شرکتی می‌تواند بر تصمیمات استراتژیک شرکت مانند رویه‌های تأمین مالی، تأثیر بالاهمیتی داشته باشد؛ بنابراین، متغیرهای حاکمیت شرکتی مانند ترکیب هیئت‌مدیره، استقلال هیئت‌مدیره و اندازه هیئت‌مدیره می‌تواند تأثیر بااهمیتی بر تصمیمات ساختار سرمایه داشته باشد، هیئت‌مدیره بالاترین عضو سازمان است که مسئولیت مدیریت سازمان و عملیات آن را به عهده دارد و نقش مهمی در تصمیمات استراتژیک مانند ترکیب مالی ایفا می‌کند، هیئت‌مدیره یک شرکت می‌تواند به روش‌های مختلفی سازماندهی شود تا پاسخگوی نیازهای شرکت باشد، اعتقاد بر این است که هیئت‌مدیره شرکت خود تعارضات نمایندگی را کاهش

¹ Jaafar & Noordin² Hariyati

نمی‌دهد بلکه ویژگی‌های آن عوامل مهمی در تعیین اثربخشی سازوکارهای حاکمیت شرکتی هستند (نوراله زاده و همکاران، ۱۴۰۰). حاکمیت شرکتی هسته اصلی سیستم مدرن سازمانی است و کیفیت اطلاعات حسابداری مبنای عملکرد مؤثر مکانیزم حاکمیت شرکتی است. کیفیت اطلاعات حسابداری نه تنها نقش تعیین‌کننده‌ای در مدیریت مالی شرکت ایفا می‌کند، بلکه تأثیر بسزایی در تصمیم‌گیری و توسعه شرکت دارد، بنابراین اهمیت کیفیت اطلاعات حسابداری برای متقاضیان آن بدیهی است (کای^۱، ۲۰۲۲). با توجه به بررسی ادبیات و موارد مطرح‌شده، هدف پژوهش بررسی نقش کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت بر تصمیم‌گیری استراتژیک مدیران با تأکید بر حاکمیت شرکتی می‌باشد و درصدد پاسخگویی به سوالات زیر است:

- (۱) نقش کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت بر تصمیم‌گیری استراتژیک مدیریت چگونه است؟
 - (۲) نقش کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت بر حاکمیت شرکتی چگونه است؟
 - (۳) نقش حاکمیت شرکتی بر تصمیم‌گیری استراتژیک مدیریت چگونه است؟
- در ادامه ابتدا به مبانی نظری و پیشینه پژوهش پرداخته، سپس، روش پژوهش، یافته‌های حاصل از مصاحبه‌ها ارائه‌شده و در نهایت بحث و نتیجه‌گیری و پیشنهادات ارائه می‌شود.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت

جهانی‌شدن و توسعه فناوری محیط کسب‌وکار را تغییر داده و باعث تشدید رقابت در بازار شده است. با توجه به شدت رقابت در بازار، تولیدکنندگان در تلاش برای بهبود عملکرد سازمانی خود هستند. این امر مدیران را بر آن می‌دارد تا اطلاعاتی را مطالبه کنند که دامنه وسیع‌تری دارد تا به آن‌ها در تحمل شدت رقابت بازار و دستیابی به اهداف و مقاصد کمک کند. با استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت، اهداف و مقاصد را می‌توان به‌طور کارآمد و مؤثر دست‌یافت، زیرا دامنه گسترده‌تر اطلاعات حسابداری مدیریت، تولیدکنندگان را برای تصمیم‌گیری بهتر، برنامه‌ریزی استراتژی‌های بهتر و کنترل مناسب حمایت می‌کند. متعاقباً هنگامی که اهداف و مقاصد محقق می‌شود، عملکرد سازمانی بهبود می‌یابد (جعفر و همکاران، ۲۰۲۱). حسابداری مدیریت، فرآیند شناسایی، اندازه‌گیری، انباشت، تجزیه و تحلیل، آماده‌سازی، تفسیر و انتقال اطلاعات مالی مورد استفاده مدیریت برای برنامه‌ریزی، ارزیابی و کنترل سازمان و اطمینان از استفاده مناسب منابع و مسئولیت مدیریت می‌باشد (می‌هالا و اسینسی^۲، ۲۰۱۴). حسابداری مدیریت یک فرآیند دارای ارزش افزوده و بهبود مستمر از برنامه‌ریزی، طراحی، اندازه‌گیری و به کارگیری سیستم‌های اطلاعاتی مالی و غیرمالی است که راهنمای عمل مدیران و مشوق رفتار و پشتیبان و خالق ارزش‌های فرهنگی و اخلاقی لازم برای رسیدن به اهداف عملیاتی، تاکتیکی و راهبردی است (سحری و حیدر پور، ۱۴۰۰). از

¹ Cai

² Mihaila & Sciences

طریق حسابداری مدیریت، افراد اطلاعات را برای تیم مدیریت آماده، جمع‌آوری، پردازش و تولید می‌کنند؛ بنابراین می‌توان بهترین تصمیم‌ها مانند شاخص‌های کلیدی عملکرد کسب و کار و اهداف کوتاه مدت و بلندمدت سازمانی را توسعه داد (چانگ، ۲۰۲۳). چهار هدف اصلی فعالیت‌های حسابداری مدیریت عبارتند از: ۱. ارائه اطلاعات برای مدیران به‌منظور برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، ۲. کمک به مدیران در جهت‌دهی و کنترل فعالیت‌های عملیاتی، ۳. ایجاد انگیزه در مدیران و سایر کارکنان در جهت اهداف عملیاتی و ۴. سنجش عملکرد واحدهای فرعی و سایر کارکنان عملیاتی داخلی (الهاوتمه^۱، ۲۰۲۰). سیستم‌های اطلاعاتی باکیفیت می‌تواند به معنای یک سیستم اطلاعاتی موفق (مدیریت‌شده) یا مؤثر باشد یک سیستم اطلاعاتی باکیفیت معمولاً انعطاف‌پذیر، کارآمد، در دسترس و به‌موقع است. برای دستیابی به کیفیت سیستم اطلاعاتی، نیاز به تعهد مدیریت ارشد و همچنین مشارکت مدیریت ارشد به‌عنوان کاربر در توسعه سیستم‌های اطلاعاتی است (آنگادینی، ۲۰۱۵). اطلاعات باکیفیت، باید دارای ویژگی‌های اثربخشی، کارایی، محرمانه بودن، صادقانه بودن، یکپارچگی، قابلیت دسترس، منطبق و واقعی بودن را دارا باشد (مشایخ و همکاران، ۱۴۰۲). کیفیت سیستم اطلاعات حسابداری به توانایی سیستم برای پردازش داده‌های مالی و تولید اطلاعات حسابداری مفید برای تصمیم‌گیری مربوط می‌شود و در نتیجه موفقیت شرکت را تعیین می‌کند. سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت، به‌عنوان زیرسیستم، سیستم‌های اطلاعات حسابداری بیان می‌شود (مونتیرو و همکاران^۲، ۲۰۲۲). مفهوم کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت شامل ویژگی‌هایی است که می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب یکپارچه در شرکت با استفاده از منابع برای ارائه اطلاعات مربوط به مدیران و کارمندان در یک سازمان، اعم از اطلاعات مالی یا اطلاعات غیرمالی، برای تصمیم‌گیری در سازمان و تحقق اهداف استفاده شود (محمدی و بدرلو، ۱۴۰۱). اندرسون^۳ (۲۰۰۳) بیان کرد که کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت با توانایی آن در ارائه اطلاعات صحیح موردنیاز مدیران در زمان مناسب (به‌موقع) اندازه‌گیری می‌شود. بر اساس تعاریف فوق، مفهوم کیفیت سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت در این مطالعه، مشخصاتی است که می‌تواند به‌عنوان یک چارچوب یکپارچه برای ارائه اطلاعات مرتبط در تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد. بوکیج^۴ (۲۰۱۵) بیان می‌کند که کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی را می‌توان با سهولت استفاده، قابلیت اعتماد و یکپارچگی اندازه‌گیری کرد. در همین حال، چانگ (۲۰۱۲) کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی را با امنیت، سهولت استفاده و کارایی می‌سنجد. در همین حال، هایدمن (۲۰۰۸) به‌طور خاص کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت را با استفاده از ابعاد یکپارچگی، انعطاف‌پذیری، دسترسی رسمی سازی و غنای رسانه‌ای اندازه‌گیری می‌کند (زاینه^۵ و همکاران، ۲۰۲۲). پژوهشگران مختلف از ابعاد یکپارچگی، انعطاف‌پذیری، قابلیت اطمینان و کارایی، دامنه وسیع، تجمیع،

¹ Al-Hawatmeh

² Monteiro

³ Anderson

⁴ Bocij

⁵ Zaena

به‌موقع بودن و ادغام برای کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت استفاده کرده‌اند (نوانتی، ۲۰۱۹؛ ناپیتوپولا^۲، ۲۰۲۰؛ هسانه و همکاران^۳، ۲۰۲۱؛ ارتی و همکاران^۴، ۲۰۲۱؛ جاسریادی، ۲۰۲۲).

۲-۲- حاکمیت شرکتی

حاکمیت شرکتی با بسیاری از جنبه‌های اداری، اقتصادی و اجتماعی مرتبط است. سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۵ حاکمیت شرکتی را به‌عنوان «مجموعه‌ای از روابط بین هیئت‌مدیره یک شرکت، سهامداران آن و سایر ذینفعان؛ که ساختاری را فراهم می‌کند تا از طریق آن اهداف شرکت و ابزارهای آن تعیین و نیز دستیابی به آن اهداف و نظارت بر عملکرد» مشخص شود، تعریف می‌کند. حاکمیت شرکتی نقش اساسی در پیشگیری از بحران ها و ایجاد اعتماد سرمایه‌گذاران به اطلاعات حسابداری مندرج در گزارش های مالی ایفا می کند (الصباحی و اشوارا^۶، ۲۰۲۰). همچنین حاکمیت شرکتی شامل سیستمی از نهادها، سیاست‌ها و قوانین به‌منظور سازماندهی، عملیات و کنترل مؤثر شرکت و درعین‌حال تضمین منافع ذینفعان است. سیستمی از کنترل‌ها، امور مالی و سایر مسائلی است که تضمین می‌کند مدیران یک شرکت، عملیات آن را به‌طور مؤثر و در جهت درست هدایت می‌کنند. موفقیت یا شکست حاکمیت شرکتی تا حد زیادی تحت تأثیر ارزیابی و انتخاب مؤلفه‌ها در سیستم و ابزارهای مدیریتی است. حاکمیت شرکتی از حسابداری مدیریت برای افزایش عملکرد کسب‌وکار و شرکت‌ها استفاده می‌کند (لوی و همکاران^۷، ۲۰۲۱). رابطه بین حاکمیت شرکتی و انتخاب های مدیریتی برای خلق ارزش، موضوعی است که مورد توجه پژوهشگران قرار دارد. شیوه های حاکمیت شرکتی موجب افزایش ارزش شرکت می‌شوند. یک شرکت دارای سیستم حاکمیتی مؤثر می‌تواند ارزش خود را از طریق کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و افزایش کارایی مدیریتی، افزایش دهد (نظیر و افزا^۸، ۲۰۱۸). یکی از ویژگی‌های اصلی حاکمیت شرکتی، ساختار هیات مدیره است که توسط تعداد کل مدیران هیات مدیره، اعضای مستقل، کمیته های آن و ... ارزیابی می‌شود. یکی دیگر از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، دוגانگی وظایف مدیرعامل است که در آن فرد منفرد سمت رئیس و مدیرعامل را دارد. هیئت مدیره شرکت ها به عنوان گروه تصمیم‌گیری، نقطه کانونی تصمیم‌گیری شرکت ها هستند. موفقیت عملیات شرکت ها با ساختار وسایر ویژگی‌های تاکتیکی هیئت مدیره شرکتی که مدیران را تشکیل می‌دهد سنجیده می‌شود؛ بنابراین، ترکیب هیئت‌مدیره از نظرتنوع یکی از موضوعات

¹ Novianty

² Napitupulu

³ Hasanah

⁴ Irti

⁵ Organization For Economic Cooperation And Development (OECD)

⁶ Alasbahi & Ishwara

⁷ Loi

⁸ Nazir & Afza

مهمی است که در سطح جهانی توسط ذینفعان شرکت‌های مدرن با آن مواجه است (میرزا^۱، ۲۰۲۰). اجرای سالم حاکمیت شرکتی هزینه‌هایی را که یک شرکت باید متحمل شود کاهش می‌دهد و مزایای بلندمدتی را به همراه دارد. در واقع، شرایط مطلوب تنها تا زمانی می‌تواند حفظ شود که سرمایه‌گذاران به یک شرکت با مدیریت خوب اطمینان داشته باشند؛ بنابراین، شرکت‌ها باید انطباق حاکمیت شرکتی خود را بهبود بخشند، به طوری که مردم علاقه بیشتری به سرمایه‌گذاری در آنها داشته باشند. استفاده از حاکمیت شرکتی از منافع سهامداران و جامعه محافظت می‌کند و هیئت مدیره نقش نظارت و هدایت مدیریت را در بهینه‌سازی عملکرد یک شرکت ایفا می‌کند (زلفیکار^۲ و همکاران، ۲۰۲۰).

۲-۳- تصمیم‌گیری استراتژیک مدیریت

تئوری تصمیم‌گیری هسته اصلی موفقیت عملیات مدیریت در شرکت‌های صنعتی است که در آن تصمیم‌گیری مبتنی بر تجربه عملی و دانش و مبانی علمی در چارچوب یک سازمان است (الهاوتمه، ۲۰۲۰). تصمیم‌گیری عبارت است از ترکیب دانش، فکر، احساس و تصور به طوری که مجموعه حاصل قابل اجرا باشد. به مفهوم واضح‌تر تصمیم‌گیری به عبارت است از انتخاب یک راهکار از میان دو یا چند راهکار. یک تصمیم، انتخاب یک راه حل یا اقدام از بین مجموعه‌ای از اقدامات ممکن و جانشین‌های دیگر است (هاشمی بهرمان و همکاران ۱۴۰۱). برای رسیدن به اهداف یا نتایج دلخواه، تصمیم‌گیری فرآیندی است که متوجه یک مشکل می‌شود تحقیق برای اینکه بتواند مشکل را حل کند، راه حل‌ها و نتایج احتمالی آن‌ها را ارزیابی می‌کند. نتیجه این تحقیق و در نهایت انتخاب بهترین راه حل تصمیم‌گیری زمانی است که مدیران انتخاب می‌کنند و یکی از گزینه‌هایی را که در حال بررسی هستند اعمال کنند تا بتوانند اتفاق افتاده را مدیریت یا حل کنند (تامر و اینکوریز^۳، ۲۰۱۹). تصمیم‌گیری استراتژیک از چهار عنصر تشکیل شده است: زمینه، محتوا، فرآیند و نتیجه. زمینه به عوامل سازمانی و محیطی مربوط می‌شود. محتوا موضوع تصمیم استراتژیک است و می‌تواند تقریباً هر چیزی باشد. فرآیند را می‌توان به سادگی به عنوان «آنچه افراد درگیر در تصمیم‌گیری انجام می‌دهند» تعریف کرد. نتیجه شامل نتایج یا پیامدهای مهم تصمیم استراتژیک است (چنگ^۴ و همکاران، ۲۰۱۵). انتخاب یک ساختار سازمانی مناسب یک کار اساسی و درعین حال بسیار پیچیده در هر شرکتی است. یک چالش اصلی این است که تشخیص دهیم که چه نوع تصمیماتی باید توسط مدیریت ارشد شرکت اتخاذ شود (گاگینبرگر و رولفینگ^۵، ۲۰۱۶). از آنجاکه تصمیم‌گیری از حساس‌ترین وظایف مدیران سازمان‌ها در عرصه‌های مختلف عملیات به شمار می‌رود، شناخت فرآیند، ساختار،

¹ Mirza

² Zulfika

³ Tamer & Inquiries

⁴ Cheng

⁵ Guggenberger, & Rohlfig-Bastian

سازوکارها و ویژگی‌های تصمیم‌ها برای هدایت و برقراری ارتباط در سازمان‌ها اهمیت فراوان دارد. برخلاف تصمیم‌های جاری (روتین) که بر مبنایی قاعده‌مند و در خلال انجام وظایف متداول یک سازمان انجام می‌گیرند، تصمیم‌های استراتژیک انتخاب‌هایی هستند که جهت‌گیری عمومی شرکت را با تخصیص منابع، تنظیم پیش‌آیندهای مهم یا هدایت اقدام‌های مهم در سطح شرکت، شکل می‌دهند (هاشمی و همکاران، ۱۳۹۹). حسابداری مدیریت شامل مجموعه‌ای از ابزارها و تکنیک‌ها برای حمایت از برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و کنترل در شرکت‌های تجاری است. از این‌رو، حسابداری مدیریت باید برای هیئت‌مدیره در تدوین و کنترل استراتژی یک شرکت ارزش بسیار زیادی داشته باشد (کی ام و اچ ام^۱، ۲۰۱۱). سیستم‌های اطلاعات حسابداری و عناصر آن (افراد، رویه‌ها و دستورالعمل‌ها، داده‌ها، نرم‌افزار، زیرساخت‌های فناوری اطلاعات و کنترل‌های داخلی) عاملی مهم در تصمیم‌گیری‌های واحدهای اقتصادی است (پیری سقرلو و حجازی، ۱۴۰۲) سونارتا و آستوتی^۲ (۲۰۲۳) و رسمی (۲۰۲۰) در پژوهشی رابطه کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری، کیفیت اطلاعات حسابداری و موفقیت در تصمیم‌گیری را مورد بررسی قرار دادند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که کیفیت سیستم اطلاعات حسابداری بر موفقیت تصمیم‌گیری تأثیر مثبت دارد. همچنین، اولیا^۳ (۲۰۲۰) تأثیر کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت بر فرایند تصمیم‌گیری را مورد بررسی قرار داد، نتایج نشان داد که کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت بر فرایند تصمیم‌گیری در صنایع غذایی تأثیرگذار است. نتایج پژوهش، رامادهان^۴ (۲۰۱۸) نشان داد که با پیاده‌سازی یک سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت باکیفیت، می‌توان از طریق کسب اطلاعات مرتبط، دقیق، کامل، به‌موقع و تجمیع اطلاعات، به مدیریت ارشد در تصمیم‌گیری درست کمک کرد. محمدی و بدرلو (۱۴۰۱) تأثیر کنترل داخلی و شایستگی‌های مدیر بر حاکمیت شرکتی مطلوب با تأکید بر نقش میانجی کیفیت سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت را بررسی کردند، نتایج نشان داد که شایستگی‌های مدیریت از طریق نقش میانجی کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت بر حاکمیت شرکتی مطلوب و کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت شرکتی مطلوب تأثیر دارد. نوراله زاده و همکاران (۱۴۰۱) با بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی داخلی و تصمیم‌گیری مدیران به این نتیجه رسیدند که حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی داخلی و تصمیم‌گیری مدیران تأثیر مثبتی دارد. سحری و حیدر پور (۱۴۰۰) در پژوهشی، ویژگی‌های حاکمیت شرکتی با محوریت حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت مورد بررسی قرار داده و نتایج نشان داد که مؤلفه‌های حسابداری مدیریت بر مؤلفه‌های حسابداری مدیریت استراتژیک و ویژگی‌های حاکمیت شرکتی تأثیر معناداری دارند. کردلویی و عوض زاده (۱۳۹۶) سازگاری حسابداری مدیریت استراتژیک و تصمیم‌گیری استراتژیک بانک‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران را بررسی کرد و نتایج نشان داد که

^۱ KM & HM

^۲ Sunarta& Astuti

^۳ Aulia

^۴ Ramadhan

سازگاری حسابداری مدیریت استراتژیک بانک با توجه به سه سطح دستیابی به اطلاعات مشتری، رقبا و صنعت تأثیر مثبت و معناداری بر تصمیم‌گیری‌های استراتژیک مدیریت دارد.

۳- روش‌شناسی پژوهش

پژوهش به لحاظ هدف کاربردی، بر اساس نوع داده کیفی است. جهت دستیابی به اهداف پژوهش، از روش پدیدارشناسی استفاده شد. به‌منظور تحلیل داده‌ها روش تحلیل محتوا، مورد استفاده قرار گرفت. خلاصه روش پژوهش انجام‌شده در جدول ۱ ارائه شده است.

جدول ۱- روش پژوهش

روش پژوهش بر اساس هدف	کاربردی	روش جمع‌آوری داده‌ها	مصاحبه عمیق
روش پژوهش بر اساس نوع داده‌ها	کیفی	روش تجزیه و تحلیل داده‌ها	تحلیل محتوا
روش نمونه‌گیری	گلوله برفی	نرم‌افزار مورد استفاده	مکس کیودا ^۱

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جامعه مورد مطالعه پژوهش را خبرگان، شامل اساتید حسابداری که دروس حسابداری و حاکمیت شرکتی را تدریس کرده باشند، مدیران و اعضای هیات مدیره شرکت‌های تولیدی که دارای تجربه حداقل ۲ دوره تصدی در شغل مربوطه بوده و از دانش مالی برخوردار باشند، تشکیل می‌دهد. از آنجاکه اساتید دانشگاه نگاه نظری و علمی به مسائل دارند و خبرگان صنعت یعنی مدیران و اعضای هیات مدیره دارای تجربه عملی می‌باشند بنابراین از هر دو گروه به‌منظور اطمینان استفاده شده است. به‌منظور پاسخ به سؤال اصلی پژوهش از پروتکل مصاحبه نیمه ساختاریافته استفاده شده که شامل ۹ سؤال در حوزه کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت، حاکمیت شرکتی و تصمیم‌گیری استراتژیک می‌باشد. در این پژوهش از روش نمونه‌گیری گلوله برفی جهت انجام مصاحبه‌ها استفاده شد. نمونه‌گیری تا رسیدن به اشباع نظری ادامه پیدا کرد که در این پژوهش اشباع با انجام ۱۵ مصاحبه اتفاق افتاد. مشخصات خبرگان در جدول ۲ ارائه شده است.

ابتدا با استفاده از روش کتابخانه‌ای، مصاحبه نیمه ساختاریافته طراحی گردید سپس در نرم‌افزار مکس کیودا ۲۰، کدگذاری باز و محوری انجام و مؤلفه‌ها و شاخص‌ها استخراج گردید و در نهایت مدل نهایی ارائه گردید. در پژوهش حاضر، از شاخص کاپای کوهن برای سنجش پایایی کدگذاری مصاحبه‌ها استفاده شد. در این راستا، دو خبره حسابداری که از نحوه کدگذاری اطلاع نداشتند، اقدام به دسته‌بندی کدها نمودند. سپس مفاهیم ارائه‌شده

¹ MAXQDA

با یکدیگر مقایسه گردید و ضریب کاپا توسط نرم‌افزار اس پی اس ۲۶^۱ محاسبه شد. مطابق جدول ۳ نتیجه ضریب کاپای کوهن برای پژوهش حاضر ۰/۸۶۳ در سطح معناداری ۰/۰۰۰ به دست آمد که نشان‌دهنده توافق بالا بین دو پاسخ‌دهنده و نهایتاً تأیید پایایی کدها است. برای دستیابی به روایی، از معیارهای ارزیابی لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) استفاده شد. گوبا و لینکلن از معیار «قابلیت اعتماد»، جهت ارجاع به ارزیابی کیفیت نتایج کیفی استفاده می‌کنند. قابلیت اعتماد، به بیانی ساده، میزانی است که در آن می‌توان به یافته‌های یک تحقیق کیفی متکی بود و به نتایج آن‌ها اعتماد کرد. گوبا و لینکلن (۱۹۸۵) معتقدند که معیار قابلیت اعتماد دربرگیرنده چهار معیار باورپذیری، اطمینان‌پذیری، تأیید پذیری و انتقال‌پذیری می‌باشد. از آنجاکه کدگذاری توسط خبرگان مورد تأیید قرار گرفت. مدل نهایی فاز کیفی، میان چند تن از اساتید دانشگاهی و خبرگان توزیع و بازخورد نتایج ایشان دریافت شد. همچنین، مشارکت‌کنندگان متنوعی انتخاب شدند، بنابراین از روایی برخوردار است.

جدول ۲- مشخصات خبرگان

سمت سازمانی		رشته تحصیلی		مدرک تحصیلی	
هیات مدیره	مدیرعامل	اساتید دانشگاه	حسابداری	مدیریت	اقتصاد
۸	۳	۴	۷	۶	۲
تعداد کل مصاحبه‌شونده‌ها					
				۱۵	

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول ۳- ضریب کاپا

سطح معناداری	ضریب کاپا ^۲	جمع	پاسخگوی اول			
			تصمیم‌گیری استراتژیک	حاکمیت شرکتی	کیفیت اطلاعات حسابداری مدیریت	
۰/۰۰۰	۰/۸۶۳	۷	۱	۰	۶	کیفیت اطلاعات حسابداری مدیریت
		۱۱	۰	۱۱	۰	حاکمیت شرکتی
		۷	۶	۰	۱	تصمیم‌گیری استراتژیک
		۲۵	۷	۱۱	۷	جمع

منبع: یافته‌های پژوهشگر

^۱ SPSS 26

^۲ Kappa

۴- یافته‌های پژوهش

در مجموع ۱۵ مصاحبه انجام شد. ۵۴ درصد مشارکت‌کنندگان را اعضای هیات مدیره و ۲۰ درصد آن را مدیرعامل و ۲۶ درصد را اساتید دانشگاه تشکیل داده است. ۴۶/۷ درصد رشته تحصیلی حسابداری و ۱۳/۳ درصد اقتصاد و ۴۰ درصد مدیریت بودند. ۵۳/۳ درصد دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۴۶/۷ درصد مصاحبه‌شونده‌ها مدرک دکتری تخصصی و حرفه‌ای داشتند. تحلیل داده‌ها با استفاده از رویکرد کدگذاری سه مرحله‌ای صورت گرفت که شامل کدگذاری باز، محوری و گزینشی یا انتخابی می‌باشد. با استفاده از نرم‌افزار مکس کیودا انجام شده است. در ادامه یافته‌های پژوهش به تفکیک ارائه می‌شود:

کدگذاری باز: کدگذاری باز در نظریه‌پردازی داده محور فرآیندی تحلیلی است که طی آن مفاهیم، شناسایی و بر اساس خصائص و ابعادشان بسط می‌یابند (سحری و حیدر پور، ۱۴۰۰). مصاحبه‌های انجام‌شده که اکثر مصاحبه‌شوندگان اجازه ضبط هنگام انجام مصاحبه را داده بودند، ابتدا در قالب ورد^۱ درآمدند و سپس وارد نرم‌افزار مکس کیودا برای تحلیل شدند. در این مرحله ۲۵ کد به دست آمد.

کدگذاری محوری: در مرحله بعد کدگذاری محوری انجام شد. در این مرحله مقوله‌ها ایجاد می‌شود. کدها و شاخص‌های به‌دست‌آمده از کدگذاری باز، با توجه به شباهت و تفاوت‌ها در قالب مؤلفه‌ها طبقه‌بندی شد. در این مرحله در ۳ بعد و ۱۵ مؤلفه طبقه‌بندی شد. این ابعاد و مؤلفه‌ها شامل: ۱- کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت (دامنه وسیع، به‌موقع بودن، یکپارچگی یا ادغام و تجمیع) ۲- حاکمیت شرکتی (استقلال هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، داشتن دانش مالی هیات مدیره، کمیته حسابرسی و تعداد جلسات) ۳- تصمیم‌گیری استراتژیک (تخصیص منابع، خرید یا ساخت، قبول یا رد سفارش خاص، توقف یا ادامه تولید، بودجه‌بندی و انتخاب پروژه‌ها) می‌باشد. کدگذاری محوری در قالب جدول ۴ ارائه شده است.

جدول ۴- کدگذاری محوری

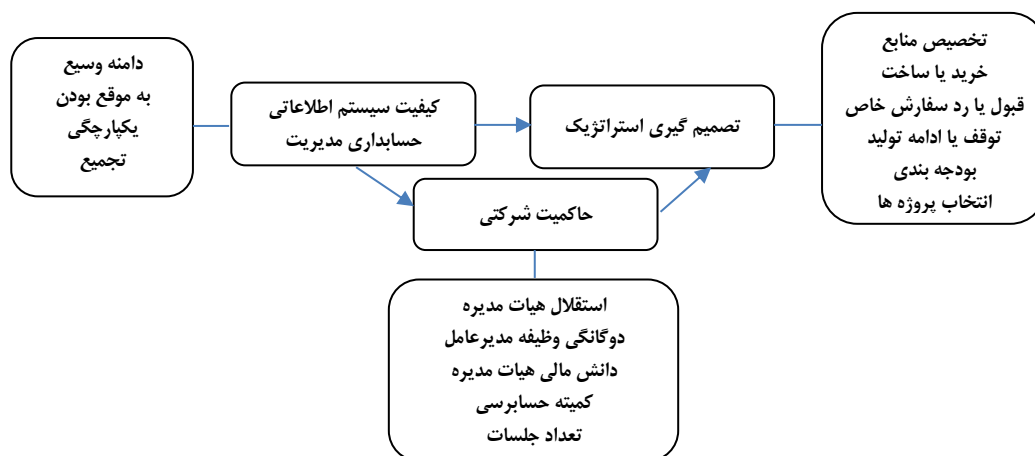
مؤلفه اصلی	مؤلفه فرعی	فراوانی	مصاحبه
کیفیت سیستم اطلاعاتی	دامنه وسیع	۱۴	۱۵، I _{۱۴} ، I _{۱۳} ، I _{۱۲} ، I _{۱۱} ، I _{۱۰} ، I _۸ ، I _۷ ، I _۶ ، I _۵ ، I _۴ ، I _۳ ، I _۱ I
	به‌موقع بودن	۱۵	۱۵، I _{۱۴} ، I _{۱۳} ، I _{۱۲} ، I _{۱۱} ، I _{۱۰} ، I _۹ ، I _۸ ، I _۷ ، I _۶ ، I _۵ ، I _۴ ، I _۳ ، I _۲ ، I _۱ I
	یکپارچگی یا ادغام	۱۲	۱۵، I _{۱۴} ، I _{۱۳} ، I _{۱۲} ، I _{۱۱} ، I _۹ ، I _۸ ، I _۷ ، I _۶ ، I _۵ ، I _۳ ، I _۱ I
	تجمیع	۱۲	۱۴، I _{۱۳} ، I _{۱۲} ، I _{۱۱} ، I _{۱۰} ، I _۹ ، I _۸ ، I _۶ ، I _۵ ، I _۳ ، I _۲ ، I _۱ I
حاکمیت شرکتی	استقلال هیات مدیره	۱۱	۱۵، I _{۱۴} ، I _{۱۳} ، I _{۱۲} ، I _{۱۱} ، I _{۱۰} ، I _۸ ، I _۶ ، I _۵ ، I _۴ ، I _۳ ، I _۱ I
	دوگانگی وظیفه مدیرعامل	۱۰	۱۵، I _{۱۴} ، I _{۱۳} ، I _{۱۲} ، I _{۱۱} ، I _۹ ، I _۷ ، I _۵ ، I _۴ ، I _۳ I
	داشتن دانش مالی هیات مدیره	۸	۱۵، I _{۱۳} ، I _۹ ، I _۸ ، I _۶ ، I _۴ ، I _۳ ، I _۱ I

¹ Word

مؤلفه اصلی	مؤلفه فرعی	فراوانی	مصاحبه
تصمیم‌گیری استراتژیک	کمیته حسابرسی	۸	۱۳, I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۷ , I _۶ , I _۵ , I _۱ I
	تعداد جلسات	۹	۱۴, I _{۱۳} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۳ , I _۲ I
	تخصیص منابع	۱۵	۱۵, I _{۱۴} , I _{۱۳} , I _{۱۲} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۵ , I _۴ , I _۳ , I _۲ , I _۱ I
	خرید یا ساخت	۱۳	۱۵, I _{۱۴} , I _{۱۳} , I _{۱۲} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۴ , I _۳ , I _۲ , I _۱ I
	قبول یا رد سفارش خاص	۱۳	۱۵, I _{۱۴} , I _{۱۳} , I _{۱۲} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۵ , I _۴ , I _۳ , I _۲ , I _۱ I
	توقف یا ادامه تولید	۱۳	۱۴, I _{۱۳} , I _{۱۲} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۵ , I _۴ , I _۳ , I _۲ , I _۱ I
	بودجه‌بندی	۱۵	۱۵, I _{۱۴} , I _{۱۳} , I _{۱۲} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۵ , I _۴ , I _۳ , I _۲ , I _۱ I
	انتخاب پروژه‌ها	۱۴	۱۵, I _{۱۴} , I _{۱۳} , I _{۱۲} , I _{۱۱} , I _{۱۰} , I _۹ , I _۸ , I _۷ , I _۶ , I _۵ , I _۴ , I _۳ , I _۲ , I _۱ I

منبع: یافته‌های پژوهشگر

کدگذاری گزینشی یا انتخابی: در مرحله کدگذاری باز ۲۵ مفهوم شناسایی شد، در مرحله کدگذاری محوری در ۳ بعد و ۱۵ مؤلفه طبقه‌بندی گردید. پس از بررسی و جمع‌بندی نهایی، مدل مفهومی پژوهش ارائه گردید که در شکل ۱ نمایش داده شده است.



شکل ۱- مدل مفهومی پژوهش

منبع: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۵ مؤلفه‌ها و شاخص‌های استخراج‌شده ارائه گردید.

جدول ۵- مؤلفه و شاخص

ابعاد	مؤلفه	شاخص
کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت	دامنه وسیع	اطلاعات مالی
		غیرمالی
		عوامل داخلی
		خارجی
	به‌موقع بودن	دسترسی سریع و بهنگام به اطلاعات
	یکپارچگی یا ادغام	اطلاعات بخش‌های مختلف
	تجمع	تشریح یا فشردگی اطلاعات
حاکمیت شرکتی	استقلال هیأت مدیره	غیرموظف بودن اعضای هیأت مدیره و عدم انجام کار اجرایی
		نداشتن چند شغل
		عدم ارتباط خویشاوندی یا تجاری با مشتریان و تأمین‌کنندگان
	دوگانگی وظیفه مدیرعامل	جدایی بین رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل
	داشتن دانش مالی هیأت مدیره	تحصیلات در حسابداری، مدیریت و اقتصاد
		آشنایی با صنعت
	کمیته حسابرسی	صحت گزارش‌های مالی
		انتخاب حسابرس مستقل
		تعداد جلسات
		استقلال کمیته
	تعداد جلسات	تعداد جلسات برگزارشده در ماه
	تخصیص منابع	تخصیص منابع مالی
تصمیم‌گیری استراتژیک	خرید یا ساخت	خرید یا ساخت مواد اولیه موردنیاز تولید محصول
	قبول یا رد سفارش خاص	ظرفیت بلااستفاده
		قبول سفارش خاص
	توقف یا ادامه تولید	ادامه تولید یا توقف تولید محصول
	بودجه‌بندی	تهیه بودجه
	انتخاب پروژه‌ها	انتخاب از میان چند پروژه

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- بحث و نتیجه‌گیری

تصمیم‌گیری عامل اصلی موفقیت کسب‌وکار است. فرایند تصمیم‌گیری تحت تأثیر عوامل داخلی و خارجی می‌باشد. مدیریت یک شرکت نیازمند انواع اطلاعات به موقع و دقیق مورد نیاز برای تصمیم‌گیری‌های مختلف مدیریتی است. بدون پشتیبانی از داده‌ها و اطلاعات، ممکن است تصمیمات مدیریت اشتباه باشد. کیفیت اطلاعات در دسترس تصمیم‌گیرنده، تأثیر بسزایی بر کیفیت تصمیم اتخاذ شده دارد. هرچه کیفیت آن اطلاعات بالاتر باشد، تصمیم‌گیرنده انتخاب بهتری دارد. اطلاعات باعث افزایش دانش تصمیم‌گیرنده و کاهش خطرات مربوط به تصمیم‌گیری می‌شود (الهاوتمه، ۲۰۲۰). هدف پژوهش حاضر، بررسی نقش کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت بر تصمیم‌گیری استراتژیک با توجه به حاکمیت شرکتی است. به‌منظور دستیابی به هدف پژوهش از روش کیفی، پدیدارشناسی استفاده شد. بدین منظور ۱۵ مصاحبه با مدیران، اعضای هیات مدیره و اساتید حسابداری انجام شد و پس از کدگذاری انجام‌شده، ۲۵ کد به دست آمد و در ۳ بعد، کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت، حاکمیت شرکتی و تصمیم‌گیری استراتژیک و ۱۵ مؤلفه دامنه وسیع، به‌موقع بودن، یکپارچگی یا ادغام و تجمیع (کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت)، استقلال هیات مدیره، دوگانگی وظیفه مدیرعامل، داشتن دانش مالی هیات مدیره، کمیته حسابرسی و تعداد جلسات (حاکمیت شرکتی) و تخصیص منابع، خرید یا ساخت، قبول یا رد سفارش خاص، توقف یا ادامه تولید، بودجه‌بندی و انتخاب پروژه‌ها (تصمیم‌گیری استراتژیک) طبقه‌بندی و مدل مفهومی پس از تأیید خبرگان ارائه گردید. نتایج پژوهش نشان داد که کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت و حاکمیت شرکتی از جمله عوامل داخلی هستند که تصمیم‌گیری استراتژیک مدیران را در شرکت‌های تولیدی تحت تأثیر قرار می‌دهند. نتایج نشان داد که کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت بر تصمیم‌گیری استراتژیک مدیران تأثیر می‌گذارد. به‌عبارت دیگر اگر اطلاعات حسابداری مدیریت دارای ویژگی دامنه وسیع، به‌موقع بودن، یکپارچه و تجمیع باشد، تصمیمات استراتژیک مناسب و خوبی از سوی مدیران اتخاذ می‌شود. نتایج پژوهش با پژوهش سونارتا و آستوتی (۲۰۲۳)، سوارز (۲۰۲۲)، رسمی (۲۰۲۰)، رامادهان (۲۰۱۸)، لین (۲۰۱۴)، پور یوسف و همکاران (۱۳۹۵) به لحاظ ابعاد مرتبط و به‌موقع بودن اطلاعات، تجمیع و دامنه وسیع، ادغام با پژوهش حاضر همخوانی و همسوئی دارد. از میان ابعاد کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت، به موقع بودن اطلاعات بیشترین نقش را در تصمیم‌گیری مدیران داشت. تمامی مشارکت‌کنندگان بیان داشتند که به موقع بودن اطلاعات بیشترین نقش را در استفاده از اطلاعات را دارد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که پشتیبانی مدیریت ارشد از سیستم‌های حسابداری مدیریت و استفاده از فناوری‌های نوآورانه کیفیت سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری مدیریت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نتایج، با پژوهش آتی (۲۰۲۲)، اولیا (۲۰۲۰)، نوانتی (۲۰۱۹) از جهت تأثیر اخلاق حرفه‌ای و پشتیبانی مدیریت ارشد، سیستم‌های فناوریانه هم‌راستا است. همچنین، کنترل داخلی و اخلاق حرفه‌ای از جمله مواردی هستند که بر کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت تأثیرگذار هستند. حاکمیت شرکتی بر تصمیم‌گیری استراتژیک تأثیر می‌گذارد. وجود اعضای



غیرموظف در هیات مدیره، جدایی بین رئیس هیات مدیره و مدیرعامل، تحصیلات در حسابداری، مدیریت و اقتصاد، استقلال کمیته حسابرسی و تعداد جلسات برگزار شده در ماه از جمله عواملی هستند که تصمیم‌گیری استراتژیک را تحت تأثیر قرار می‌دهند. نتایج نشان داد که از میان ابعاد حاکمیت شرکتی، استقلال هیات مدیره نقش و تأثیر بسزایی را بر تصمیم‌گیری استراتژیک مدیران داشت. نتایج پژوهش با پژوهش ماسیکات^۱ (۲۰۲۱)، میرزا (۲۰۲۰)، ناپیتوپولا (۲۰۲۰) به لحاظ نقش استقلال هیات مدیره، دانش مالی، کمیته حسابرسی همسو است. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که مدیران در تخصیص منابع و بودجه‌بندی، از اطلاعات ارائه شده توسط حسابداری مدیریت بیشترین استفاده را می‌کنند؛ بنابراین با توجه به موارد بیان‌شده، پیشنهادات زیر ارائه می‌گردد:

- مدیریت ارشد از طریق تأمین نیروی انسانی، سخت‌افزار، نرم‌افزار و تأمین بودجه موردنیاز می‌تواند نقش مهمی در کیفیت اطلاعات ارائه‌شده توسط حسابداران مدیریت شرکت ایفا کند که نهایتاً منجر به ارائه اطلاعات باکیفیت جهت تصمیم‌گیری استراتژیک از سوی مدیران می‌شود.
 - استفاده از فناوری‌های جدید و به‌روز منجر به ارائه اطلاعات باکیفیت‌تر و به‌موقع می‌شود.
 - نتایج نشان داد که مهم‌ترین عامل در استفاده یا عدم استفاده از اطلاعات حسابداری مدیریت از سوی مدیران برای تصمیم‌گیری استراتژیک به‌موقع بودن اطلاعات است؛ بنابراین پیشنهاد می‌شود که شرایط لازم برای ارائه اطلاعات به‌موقع فراهم شود.
 - استقلال هیات مدیره از جمله مواردی بود که می‌تواند تصمیم‌گیری استراتژیک را تحت تأثیر قرار دهد، بنابراین پیشنهاد می‌شود که از اعضای غیرموظف در ترکیب هیات مدیره استفاده شود.
- مانند هر پژوهشی، پژوهش حاضر با محدودیت‌هایی روبرو است. نتایج پژوهش نشان داد که عوامل داخلی و خارجی بر کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت تأثیر می‌گذارد؛ بنابراین به سایر پژوهشگران پیشنهاد می‌شود که عوامل مؤثر بر کیفیت سیستم‌های اطلاعات حسابداری مدیریت از جمله استفاده از فناوری‌ها را به‌صورت جداگانه موردبررسی قرار گیرد. همچنین، در پژوهش حاضر مکانیزم‌های داخلی حاکمیت شرکتی موردبررسی قرار گرفته است به‌ویژه هیات مدیره بنابراین پیشنهاد می‌شود که سایر متغیرهای حاکمیت شرکتی نیز موردبررسی قرار گیرد.

فهرست منابع

پیری سقرلو، مهدی و حجازی، رضوان. ۱۴۰۲. ارزیابی تطابق سیستم‌های اطلاعاتی حسابداری شهرداری تهران با اصول استاندارد ایزو ۹۲۴۱، *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۲ (۸)، صص. ۱ تا ۳۴

خجسته، علیرضا، رهنمای رودپشتی، فریدون، نیکومرام، هاشم، زمانی مقدم، افسانه، طالب نیا، قدرت اله. ۱۴۰۲. ارائه الگوی تصمیم‌گیری مالی مبتنی بر حسابرسی عملکرد مدیریت، *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۱ (۲)، صص ۶۱-۹۰.

¹ Massicotte



رهنمای‌رودپشتی، فریدون. نیکومرام، هاشم؛ و محمودی، محمد. ۱۳۹۲. سنجش تأثیر سیستم اطلاعات حسابداری مدیریت مبتنی بر پشتیبانی تصمیم و هوش تجاری بر عملکرد مالی واحدهای اقتصادی. (پژوهشگر) فصلنامه مدیریت، ۱۰(۳۲)، صص. ۱۱۱-۱۲۲.

سحری، محمدرضا؛ و حیدر پور، فرزانه، ۱۴۰۰. «ویژگی‌های حاکمیت شرکتی، حسابداری مدیریت استراتژیک و حسابداری مدیریت». فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۲ (۱) صص. ۱۴۹-۱۶۳

عزیزی مهر، علی، طالب نیا، قدرت اله، و کیلی فرد، حمیدرضا، ۱۴۰۳. ارائه الگوی سیستم محاسبه‌داری مدیریت مبتنی بر قابلیت پویای سیستم اطلاعات حسابداری، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳(۲)، صص ۱-۱۳.

محمدی، محمد و بدرلو، شیدا. ۱۴۰۱. تأثیر کنترل داخلی و شایستگی‌های مدیر بر حاکمیت شرکتی مطلوب با تأکید بر نقش میانجی کیفیت سیستم اطلاعات حسابداری. مدیریت چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۵(۵۷)، صص. ۲۵-۱.

مشایخ، شهناز و پارسایی، مونا و عسکرزاده، پریا. ۱۴۰۲. رابطه کیفیت اطلاعات حسابداری و سرمایه‌گذاری حقوقی بر کارایی سرمایه‌گذاری در بانک‌های عضو بازار سرمایه ایران، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۲(۵)، صص. ۵۹-۸۶

نادری، سعید، یعقوب نژاد، احمد و حیدر پور، فرزانه. ۱۳۹۷. «بررسی تأثیر سازوکار حاکمیت شرکتی بر رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و همبستگی نرخ رشد شرکت با صنعت». فصلنامه علمی پژوهشی حسابداری مدیریت، ۱۱(۳۹)، صص. ۸۳-۹۷

نوراله‌زاده، نوروز، تشکری، مرتضی و اسدی، امیرحسین. ۱۴۰۰. بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت حسابرسی داخلی و تصمیم‌گیری مدیران. چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، ۴(۴۴)، صص. ۷۶-۶۴.

هاشمی بهرمان، مریم و پورزمانی، زهرا و بنی مهد، بهمن. ۱۴۰۱. نقش سبک‌های تصمیم‌گیری در مدیریت سود فرصت‌طلبانه، فصلنامه علمی پژوهشی دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، ۱۳ (۵۰)، صص ۲۰۳-۲۱۲

هاشمی، محمدصادق، معینیان، امین و نرگسیان، عباس. ۱۳۹۹. تبیین نقش ساختار مالکیت بنگاه در فرایند تصمیم‌گیری استراتژیک هیئت‌مدیره: مطالعه چند موردی بانک‌های دولتی، شبه خصوصی و خصوصی. مدیریت دولتی، ۱۲(۳)، صص. ۵۸۳-۵۵۰.

Alasbahi, Aiman Hamood Mohammed Ali & Ishwara, P. 2020. Contributions of Corporate Governance to Improving the Quality of Accounting Information: An Overview. *Mukt Shabd Journal*, 4(6), pp.205-225.

Al-Hawtmeh, Omar Mohammad. 2020. The Effect of Managerial Accounting on the Quality of Decision-Making. *The Journal of Social Sciences Research*, 6(5), pp.544-552



- Anggadini, Sri Dewi. 2015. The effect of top management support and internal control of the accounting information systems quality and its implications on the accounting information quality. *Information Management and Business Review*, 7(3), pp.93-102.
- Cai, Han. 2022. Research on the Influence of Corporate Governance on the Quality of Accounting Information Disclosure. *3rd International Conference on Advances in Social Sciences and Sustainable Development*, pp.530-539.
- Chang, Kirk, Lasyoud, Alhashmi Aboubaker, & Osman, Diaeldin. 2023. Management accounting system: Insights from the decision making theories. *Social Sciences & Humanities Open*, 8(1), pp.1-6.
- Cheng, Vincent Ting Pong, & Lok, Peter. 2015. Strategic decision-making criteria and process of top management on technology adoption in the travel agency industry. *Information Technology & Tourism*, 15, pp.189-208.
- Guggenberger, Martin, & Rohlfing-Bastian, Anna. 2016. Delegation of strategic decision-making authority to middle managers. *Journal of Management Control*, 27, pp.155-179.
- Hariyati, H. Nuswantara, D.A. Hidayat, R.A. and Putikadea, I. 2023. Management accounting information system and intellectual capital: a way to increase SME's business performance. *Jurnal Siasat Bisnis*, 27(1), pp.61-75.
- Hasanah, Uswatun, Ningrum, Dwioctavia, & Rahayu, Indri Alya. 2021. The Influence of Organizational Culture on the Quality of Management Accounting Information Systems and Its Impact on Managerial Performance. *JASa (Jurnal Akuntansi, Audit dan Sistem Informasi Akuntansi)*, 5(1), pp.156-167.
- Irti, Ingsun Kumala. Irfan, I. & Sari, Maya 2021. The Influence of Management Accounting Information Systems on Managerial Performance with Decentralization as Moderating Variables in PT. Perkebunan Nusantara II (Persero) Tanjung Morawa. *Budapest International Research and Critics Institute-Journal (BIRCI-Journal)*, 4(4), pp.8204-8214.
- Jaafar, Nur Farzianie. & Noordin, Raman. 2021. The role of management accounting information in improving the performance of the manufacturing industry in Malaysia during the intensity of market competition. *Malaysian journal of business and economics (mjbe)*, 8(1), pp.157-176.
- Jusriadi, Edi. 2022. Moderation of Leadership Style: Management Accounting Information Systems and Management Control Systems on Managerial Performance. *ATESTASI: Jurnal Ilmiah Akuntansi*, 5(1), pp.16-32.
- Loi, Huynh, Duc, Le Doan Minh & HUNG, Nguyen Thanh. 2021. Governance, Audit Committee and Strategic Management Accounting in Listed Companies in Vietnam. *International Conference on Emerging Challenges: Business Transformation and Circular Economy (ICECH 2021)* pp. 1-14
- MK, Mayanja, & Hm. Van der Poll. 2011. Management Accounting: An Instrument for Implementing Effective Corporate Governance. *African Journal of Business Management*, 5(30), pp.12050-12065.
- Mihăilă, Mădălina. 2014. Managerial accounting and decision making, in energy industry. *Procedia-Social and Behavioral Sciences*, 109, pp.1199-1202.
- Mirza, Nauman Iqbal, Malik, Qaisar Ali, & Mahmood, Ch Kamran. 2020. The value of board diversity in the relationship of corporate governance and investment decisions of Pakistani firms. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 6(4), pp.2-16.



- Monteiro, Albertina Paula, Vale, Joana, Leite, Eduardo, Lis, Marcin, & Kurowska-Pysz, Joanna. 2022. The impact of information systems and non-financial information on company success. *International Journal of Accounting Information Systems*, 45, pp.100557.
- Napitupulu, I. H. 2020. Internal control, manager's competency, management accounting information systems and good corporate governance: Evidence from rural banks in Indonesia. *Global Business Review*, 24(3), pp.563-585.
- Nazir, Mian Sajid, & Afza, Talat. 2018. Does managerial behavior of managing earnings mitigate the relationship between corporate governance and firm value? Evidence from an emerging market. *Future Business Journal*, 4(1), pp.139-156.
- Novianty, Ilham Hidayah. 2019. The quality of management accounting information systems from users' ethics, environmental uncertainty, and top management support perspectives (An Empirical Case of Local Government in Indonesia). *Economics and Law*, 20(1), pp.1-10.
- Sunarta, I Nyoman, & Astuti, Partiwi Dwi. 2023. The Influence Quality Accounting Information Systems, Quality Accounting Information, and Decision-Making Success. *Journal of Economics, Finance and Management Studies*, 6(1), pp.358-366
- Tamer, Gülay. 2019. Strategic effects of managers' leadership characteristics and control focus on decision making styles: an application in Istanbul province. *International journal of entrepreneurship and management inquiries*, 3(4), pp.127-145.
- Zaena, Rosye Rosaria. asyari, d. & suryaningsih, Maria. 2022. Quality management accounting information system using the EUCS (end-user computing satisfaction) model. *Iconic Research And Engineering Journals*, 5(11), pp.51-60
- Zulfikar, Rudi, Lukviarman, Niki, Suhardjanto, Djoko, Ismail, Tubagus, Dwi, Astuti, Kurniasih, & Meutia, Meutia. 2020. Corporate governance compliance in banking industry: The role of the board. *Journal of Open Innovation: Technology, Market, and Complexity*, 6(4), pp.2-18.



**Analysis of Senior Managers' Decision-Making with an
Emphasis on the Role of Management Accounting
Information Systems and Corporate Governance**

Mohammad Geravand¹
Farzaneh Haiderpour²

Received: 2025/March/31 Accepted: 2025/June/04

Abstract

Due to globalization and increasing competition, managers need information to make decisions. Management accounting information systems provide analytical tools for managers to improve decision making. On the other hand, the quality of management accounting information systems play an important role as information providers in managers' decision-making and improving the performance of organizations. Corporate governance influences strategic decisions. The purpose of the research is the analysis of senior managers' decision-making with an emphasis of the role of the quality of management accounting information systems and the characteristics of corporate governance. In order to achieve the goal of the research, phenomenological method and in-depth interview were used. Using the snowball sampling method, 15 interviews were conducted with university professors, managers and board members of manufacturing companies during 1402 and were analyzed with MAXQDA 20 software. After data analysis and open and axial coding, 25 codes were obtained, which were classified into 3 categories and 15 components. Finally, the conceptual model was presented. The results showed that the quality of management accounting information systems and corporate governance affects the strategic decision-making of managers. Also, senior management support for management accounting systems, use of innovative technologies, internal control and professional ethics are among the things that influence the quality of management accounting information systems.

Keywords: Quality of Management Accounting Information Systems, Corporate Governance, Strategic Decision Making, Phenomenology

¹. Department of Accounting, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran mohammad.geravand@iau.ir

². Department of Accounting, CT.C., Islamic Azad University, Tehran, Iran. (Corresponding author) fheidarpoor@iau.ac.ir



تأثیر عملکرد پایداری بر رابطه میان مدیریت ریسک سازمانی و ریسک مالی شرکت‌ها

فرشید احمدی فارسانی^{۱✉}

علیرضا آبرود^۲

عبدالنصر درخشان^۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۱

چکیده

مدیریت مطلوب و مؤثر ریسک‌های فراروی شرکت‌ها نقش بسیار مؤثری در کارایی و اثربخشی آن‌ها دارد و در بسیاری از مؤسسات خارجی چارچوبی از پیش تعیین‌شده برای مقابله با انواع ریسک‌های پیش روی شرکت در نظر می‌گیرند که به این عمل در اصطلاح مدیریت ریسک گفته می‌شود. هدف مطالعه حاضر بررسی تأثیر عملکرد پایداری بر رابطه میان مدیریت ریسک سازمانی و ریسک مالی شرکت‌ها است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۲ است و با استفاده از روش غربال‌گری حذف نظام‌مند تعداد ۱۳۲ شرکت به عنوان نمونه نهایی پژوهش در نظر گرفته شده است. نتایج حاصل از آزمون رگرسیون نشان داد که مدیریت ریسک سازمانی به طور معکوس بر ریسک مالی تأثیرگذار است. همچنین، سطح عملکرد پایداری شرکتی بر این رابطه تأثیرگذار است. بنابراین با اجرای برنامه‌های مدیریت ریسک جامع می‌توان از ریسک‌های مالی شرکت در آینده کاست و عملکرد پایداری شرکتی نیز می‌تواند در تقویت این امر مؤثر باشد.

واژه‌های کلیدی: ریسک مالی، عملکرد پایداری شرکتی، مدیریت ریسک سازمانی.

۱ گروه حسابداری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران (نویسنده مسئول) *ahmadi.farshid@pnu.ac.ir

۲ گروه مدیریت، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران. aabroud@pnu.ac.ir

۳ گروه مدیریت، دانشگاه ولایت ایرانشهر، سیستان و بلوچستان، ایران. Nasser_d1978@yahoo.com



۱- مقدمه

بازار سرمایه با حضور شرکت‌ها و بنگاه‌های تولیدی و سرمایه‌گذاری، عرصه‌ای جهت کسب سود و درآمد سرمایه‌گذاران و صاحبان صنایع گوناگون می‌باشد. در این بین بنگاه‌هایی که بهترین عملکرد و تصمیمات را داشته باشند مطمئناً بهترین نتیجه را خواهند گرفت. بسیاری از تصمیمات سلسله‌وار در جهان واقعی نظیر انتخاب سبد سهام، بودجه‌بندی و تأمین مالی پروژه‌های جدید، انتخاب ساختار سرمایه مناسب و استفاده به میزان لازم از بدهی و نقدینگی با ریسک همراه است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۲). به عبارت کلی افراد و مدیرانی که ریسک‌گریز هستند، رویکرد محافظه‌کارانه‌ای دارند و ترجیح می‌دهند که یک بازده مطمئن به دست آورند، بنابراین ریسک جزئی از بازار سرمایه است (کرمی و همکاران، ۱۳۹۹). وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۲) بیان نمودند، ریسک‌ها، مهم‌ترین عامل مؤثر پیش روی شرکت‌ها می‌باشد و نقش اصلی را در کاهش یا افزایش سود ذینفعان و پیش‌بینی بازده سهام بر عهده دارند. از مهم‌ترین ریسک‌هایی که می‌توان به آن اشاره کرد ریسک مالی است که پامان و کورکماز^۱ (۲۰۲۲) به آن اشاره دارند و عنوان نمودند که بیشترین تأثیر را می‌تواند بر تصمیمات و عملکرد شرکت‌ها داشته باشد. ریسک مالی ریسک ناشی از به‌کارگیری بدهی در شرکت است، شرکتی که میزان بدهی آن بیشتر باشد، ریسک مالی آن افزایش می‌یابد (آذین‌فر و همکاران، ۱۳۹۸). ریسک‌های مالی در واقع ریسک مربوط به شیوه تأمین مالی شرکت‌ها و سازمان‌ها می‌باشد. در واقع این موضوع که شرکت از چه منابع سرمایه‌ای استفاده می‌کند و هزینه آن‌ها چقدر است، نقش بسزایی در حیات و ادامه رقابت در بازار خواهد داشت (توکلی و آشتاب، ۱۴۰۰).

مدیریت مطلوب و مؤثر ریسک‌های فراروی شرکت‌ها نقش بسیار مؤثری در کارایی و اثربخشی این مؤسسات دارد و در بسیاری از مؤسسات خارجی چارچوبی از پیش تعیین‌شده را برای مقابله با انواع ریسک‌های پیش روی شرکت در نظر می‌گیرند که به این عمل در اصطلاح مدیریت ریسک گفته می‌شود (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱).

بنابراین سازمان‌ها در محیط کسب‌وکار همواره با خطراتی روبرو هستند که در ادبیات نظری با واژه ریسک نیز شناسایی می‌شود (محمودزاده و همکاران، ۱۴۰۲)؛ از آنجایی که خطرات محیطی و درون شرکتی قادر است عملکرد شرکت را با مشکل روبرو سازد و آن‌ها را از عملکرد پایدار دور نماید، انتظار می‌رود که با مدیریت این ریسک‌ها و خطرات آتی، عملکرد پایدار شرکت گسترش و بهبود یابد (حسینی و همکاران، ۱۴۰۱). می‌توان گفت که مدیریت ریسک بنگاه، فرآیند شناسایی، ارزیابی و انجام اقدامات کنترلی و اصلاح ریسک‌های اتفاقی بالقوه‌ای است که مشخصاً پیشامدهای ممکن آن، خسارت یا عدم‌تغییر در وضع موجود می‌باشد (قادری و تاری وردی، ۱۳۹۹).

مدیریت ریسک واحد تجاری^۲ (ERM) ریسک را مدیریت می‌کند تا اطمینان قابل‌قبولی برای دستیابی به اهداف کوتاه‌مدت و بلند واحد تجاری را فراهم آورد تا عملکرد شرکت در حد مطلوب و حداکثر ارزش را برای سهامداران و ذینفعان فراهم آورد. تغییر شیوه‌های تجاری و گسترش الزامات مدیریت ریسک در سطح جهانی،

¹ Yaman, Korkmaz.² Enterprise Risk Management

منجر به ایجاد یک مفهوم و تکنیک مدیریت فعال جدید، برای بهبود عملکرد سازمانی، محافظت از سرمایه و به حداکثر رساندن سود شده است (آرنا و همکاران^۱، ۲۰۱۱؛ وربانو و ونتورینی^۲، ۲۰۱۱؛ وون و همکاران^۳، ۲۰۱۱؛ ایتگز و همکاران^۴، ۲۰۱۸ و البویرا و همکاران^۵، ۲۰۱۸). هدف از انجام هر فعالیتی در هر واحد تجاری دستیابی به بالاترین سطح اثربخشی و کارایی می‌باشد که در اصطلاح به آن عملکرد^۶ گفته می‌شود. برای تحقق این هدف، می‌بایست تمامی تلاش‌ها را به کار گرفت که یکی از این راهکارها، مدیریت ریسک در هر کسب و کار می‌باشد (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱، گوردون^۷، ۲۰۰۹ و قادری و تاروردی، ۱۳۹۹). بنابراین این سوال در ذهن نقش می‌بندد که آیا مدیریت ریسک تأثیری در کاهش ریسک مالی شرکت دارد؟

عملکرد پایداری شرکت نشان می‌دهد که چگونه یک واحد تجاری، عناصر مرتبط با کارایی اجتماعی، حفظ محیط زیست، رشد اقتصادی و حکمرانی را در عملیات خود گنجانده است (فتحه و حیدری‌نیا، ۱۴۰۳). اکنون، واحدهای تجاری و سایر ذینفعان می‌دانند که این شاخص‌های غیرمالی که قبلاً نادیده گرفته شده بود، نه تنها از منظر مالی (مارگولیس و والاش^۸، ۲۰۰۳؛ یی و ژانگ^۹، ۲۰۱۱ و سیلزمین^{۱۰}، ۲۰۱۳)، بلکه از نظر اجتناب از ریسک، کنترل هزینه، شهرت بازار و بهبود روابط با مشتری (بائی و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۹ و کائو و همکاران^{۱۲}، ۲۰۱۹)، ارتباط نزدیکی با بسیاری از جنبه‌های پیشرفت استراتژیک شرکت دارند (هو و همکاران^{۱۳}، ۲۰۲۱). گزارشگری پایداری به سهامداران و ذینفعان، این اطمینان را می‌دهد که مخاطرات غیرمالی و فرصت‌های مرتبط با فعالیت بخش‌های مختلف سازمان، طبق یک برنامه اصولی مورد شناسایی قرار گیرد (بابایی و همکاران، ۱۴۰۰). چارچوب گزارشگری پایداری را از دیدگاه‌های متنوع و بر اساس رهنمودهای سازمان بین‌المللی می‌توان مورد بررسی قرار داد و اهمیت این نوع گزارشگری تا حدی است که در قوانین برخی از کشورها به صراحت به انجام آن اشاره شده است. از این رو، مقررات دولتی نقش مهمی در افشای گزارش‌های پایداری ایفا می‌کنند. البته، قوانینی که گزارش‌های پایداری را اجباری می‌کند، بحث‌ها پیرامون اعتبار این گزارش‌ها را نیز کاهش می‌دهد (رانک و گابریل^{۱۴}، ۲۰۱۳؛ ژالووال و

¹ Arena et al

² Verbano and Venturini

³ Woon et al

⁴ Etges et al

⁵ Oliveira et al

⁶ Performance

⁷ Gordon

⁸ Margolis and Walsh

⁹ Ye and Zhang

¹⁰ Salzmann

¹¹ Bae et al

¹² Cao et al

¹³ Ho et al

¹⁴ Ruhnke & Gabriel

همکاران^۱، ۲۰۱۴ و برکی و همکاران^۲، ۲۰۱۶). مطرح شدن مفهوم پایداری در قرن اخیر به عنوان یکی از مباحث مهم و جالب توجه راجع به فعالیت شرکت‌ها، در بردارنده تعهدات واحد تجاری نسبت به انجام اصلاحات اصولی جهت ساختن دنیایی عادلانه، همراه با رفاه و آسایش برای همگان می‌باشد که در آن، محیط پیرامون و نیز فرهنگ اصلی مردم حفظ شده و سهم نسل‌های بعد از این منابع نیز باقی بماند (ترول و همکاران^۳، ۲۰۲۰). تأمل در ایجاد یک سیستم یکسان برای گزارشگری پایداری، بحث مهمی را مابین محققان، متخصصان و سیاست‌گذاران آگاه به این پیچیدگی‌ها و احتمالات ناشی از این گزارشگری، به راه انداخته است (فریمن و رید^۴، ۱۹۸۳؛ باتن و همکاران^۵، ۲۰۱۱؛ برون و دیلارد^۶، ۲۰۱۴). از طرفی پایداری شرکتی رویکردی متفاوت در کسب‌وکار است که بر اساس این رویکرد سازمان برای تمامی ذینفعان خود، ارزش بلندمدت می‌آفریند. بنابراین عملکرد پایداری شرکتی با ایجاد محیطی پویا و قابل اتکا در همه جوانب می‌تواند بر پل ارتباطی میان مدیریت ریسک و ریسک مالی تاثیرگذار باشد. بنابراین این سوال در ذهن نقش می‌بندد که آیا عملکرد پایداری شرکتی تاثیری بر رابطه میان مدیریت ریسک بنگاه و ریسک مالی وجود دارد؟ با توجه به وجود غیر قابل انکار ریسک‌های پیش روی شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی که می‌تواند عامل عدم موفقیت آن‌ها در بازار رقابت داخلی و بین‌المللی گردد و همچنین تامین مالی که رکن اصلی ادامه فعالیت شرکت‌هاست، بنابراین پرداختن به این امر که چه عواملی می‌تواند این مهم را تحت کنترل خود قرار دهد از اهمیت بالایی برخوردار است که مدیریت ریسک جامع کسب‌وکار در دهه اخیر مورد توجه بازار سرمایه قرار گرفته که با توجه به نبود یافته‌های قطعی در رابطه با تاثیر مدیریت ریسک بر ریسک مالی و ایجاد شکاف پژوهشی در این رابطه پرداختن به موضوع پژوهش از اهمیت بالایی برخوردار است. همچنین از تاثیر با اهمیت عملکرد پایداری شرکتی در رشد و بقای شرکت‌ها نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. در ادامه ساختار پژوهش ابتدا بسط مبانی نظری، فرضیه‌ها و مبانی تجربی پژوهش ارائه و در ادامه روش شناسی و تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش و نهایتاً یافته‌ها و نتیجه‌گیری پژوهش ارائه شده است.

۲. مبانی نظری، تجربی و فرضیه پژوهش

ریسک مالی در حوزه روابط مالی شرکت به وجود می‌آید و به ریسک ناشی از نحوه تامین مالی شرکت معروف است. ریسک مالی نشان دهنده ریسک عدم توانایی در برآورد مطالبات قبلی شرکت است که بخش عمده‌ای از آن تعهدات مربوط به بدهی را شامل می‌شود. در سالیان اخیر، ریسک مالی از ابعاد مختلف از قبیل ریسک ناشی ساختار صورت وضعیت مالی، ریسک ناشی از ساختار درآمد و سودآوری، ریسک کفایت سرمایه، ریسک نرخ بازده، ریسک

¹ Dhaliwal et al

² Birkey et al

³ Terol et al

⁴ Freeman and Reed

⁵ Bouten et al

⁶ Brown and Dillard

بازار، ریسک نقدینگی و ریسک ارزش بررسی شده است (توکلی و آشتاب، ۱۴۰۰). سازمان‌ها در محیط کسب‌وکار همواره با خطراتی روبرو هستند که در ادبیات نظری به این خطرات ریسک گفته می‌شود (قه‌دیریجانی و اربابیان، ۱۳۹۷ و عبادی و همکاران، ۱۴۰۲). از آنجایی که خطرات محیطی و درون شرکتی قادر است عملکرد شرکت را مشکل روبرو سازد و آن‌ها را از عملکرد پایدار دور نماید انتظار می‌رود که با کنترل و مدیریت این ریسک‌ها و خطرات، عملکرد پایدار شرکت گسترش و بهبود یابد (رستمی و همکاران، ۱۴۰۱). به‌طور کلی، مدیریت ریسک فرآیند سنجش یا ارزیابی ریسک و سپس طرح استراتژی‌هایی برای اداره ریسک است. مدیریت ریسک مالی، از سوی دیگر، تمرکز روی ریسک‌هایی بود که می‌تواند استفاده از ابزار مالی و تجاری را اداره کند. مدیریت ریسک ناملموس، تمرکزش روی ریسک‌های مربوط به سرمایه انسانی، مثل ریسک دانش، ریسک روابط و ریسک فرایندهای عملیاتی است. بدون توجه به نوع مدیریت ریسک تمامی شرکت‌های بزرگ دارای تیم‌های مدیریت ریسک هستند و شرکت‌ها و گروه‌های کوچک به‌صورت غیررسمی، در صورت عدم وجود نوع رسمی آن، مدیریت ریسک را مورداستفاده قرار می‌دهند (تاری وردی و قاردی، ۱۳۹۹). در مدیریت ریسک مطلوب، یک فرایند اولویت‌بندی منظور گردیده که بدان طریق ریسک‌هایی با بیشترین زیان‌دهی و بالاترین احتمال وقوع در ابتدا و ریسک‌هایی با احتمال وقوع کمتر و زیان‌دهی پایین‌تر در ادامه مورد رسیدگی قرار می‌گیرند. در عمل، این فرایند ممکن است خیلی مشکل باشد و همچنین در اغلب اوقات ایجاد توازن میان ریسک‌هایی که احتمال وقوعشان بالا و زیان‌دهی‌شان پایین و ریسک‌هایی که احتمال وقوعشان پایین و زیان‌دهی‌شان بالاست، ممکن است به‌طور مناسبی مورد رسیدگی قرار نگیرند (نبوی چاشمی و همکاران، ۱۴۰۰). اگر مدیریت ریسک به‌درستی انجام شود می‌تواند با کنترل وقایع آینده، از خطرات احتمالی پیش‌گیری کند. در تعریفی دیگر از انجمن حسابداران خبره ایران مدیریت ریسک را به معنای پاسخگویی و بررسی بحران‌ها و تهدیدهای یک پروژه است. این موانع و بحران‌ها باید قبل از وقوع شناسایی و تحلیل شوند. از راه‌حل‌های مناسب و از قبل طراحی‌شده باید تا حد امکان و در صورت بروز آن‌ها خودداری شود. به این ترتیب، ما یک راه کنترل‌شده برای غلبه بر بحران خواهیم داشت که درنهایت منجر به کمترین آسیب یا عواقب ناخوشایند خواهد شد (محمودآبادی و زمانی، ۱۳۹۵). البته، ارزیابی ریسک می‌تواند یک کار پیچیده باشد، زیرا گاهی اوقات تجزیه و تحلیل جزئیات اطلاعات مانند برنامه پروژه، اطلاعات مالی، قوانین امنیتی، پیش‌بینی فروش و بازاریابی و سایر اطلاعات مرتبط ضروری است. با این حال، ارزیابی ریسک یکی از ابزارهای اساسی یک پروژه است و برنامه‌ریزی، هزینه و اعتبار را بهبود می‌بخشد. هدف از مدیریت ریسک مدیریت ریسک با اهدافی مانند شناسایی خطرات بالقوه، کاهش خطرات، تصمیم‌گیری بهتر درباره بحران‌های احتمالی و برنامه‌ریزی در پروژه‌های مختلف انجام می‌شود (قاردی و تاری وردی، ۱۳۹۷). ارزیابی و مدیریت ریسک مناسب‌ترین و ایمن‌ترین راه برای مقابله با موانع و تهدیدهای احتمالی یک پروژه است. ناگفته نماند که با مدیریت صحیح ریسک‌های احتمالی می‌توان هزینه‌های مربوط به عبور از بحران‌ها و موانع را کاهش داد. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده فرضیه اول پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:



فرضیه اول پژوهش: مدیریت ریسک در کاهش ریسک مالی شرکت تأثیرگذار است.

پایداری شرکتی، همه فعالیت‌ها و استراتژی‌هایی را در برمی‌گیرد که نیازهای ذینفعان امروز را برآورده می‌کند و در عین حال منابع انسانی و طبیعی مورد نیاز آیندگان را نیز حفظ می‌کند. این مفهوم با مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکتی ارتباط نزدیکی دارد و در واقع مفهومی بزرگ‌تر از آن است؛ پایداری شرکتی رویکردی است که همه مفاهیم مسئولیت اجتماعی شرکتی، شهروندی شرکتی و حتی حاکمیت شرکتی را در بر می‌گیرد. بر اساس این رویکرد، شرکت‌ها با هر اندازه و مقیاس عملیاتی، باید با مورد ملاحظه قرار دادن پیچیدگی‌های اقتصادی در بلندمدت، محدودیت‌ها را برطرف نموده و با به کارگیری راه‌حل‌های نوآورانه، خلق تأثیرات مثبت اجتماعی و زیست محیطی را در فعالیت‌های کسب و کار خود بگنجانند (اخترشناس و همکاران، ۱۳۹۹). زمانی که شرکت در وضعیت پایداری قرار دارد، ارزش آن در دیدگاه سرمایه‌گذاران بستانکاران و عموم مردم افزایش می‌یابد (اسماعیلی-کیا و اوشنی، ۱۴۰۱). اقتصاد پایدار، نیازمند کسب و کارهایی است که عملکردشان متفاوت با امروز باشد و بتوانند با استفاده از منابع کمتر، ارزش بیشتری خلق نمایند. با توجه به این مسائل حسابداری و گزارشگری مالی سنتی به اندازه کافی نمی‌تواند نیازهای اندازه‌گیری این اثرات را برآورده سازد و نیاز به گزارشگری گسترده‌تر در سازمان‌ها احساس می‌شود، مجموعه متنوعی از ذینفعان، منافع اجتماعی، زیست محیطی و اقتصادی مختلفی را دنبال می‌کنند که موفقیت سازمان را تعیین می‌کنند (فنگ و همکاران^۱، ۲۰۲۰). پایداری قابلیت پایداری ماندن چیزی برای زمان طولانی یا بی‌نهایت مبتنی بر عملکرد در این چهار حوزه کلیدی است. گزارش‌دهی نظام‌مند پایداری به سازمان‌ها برای اندازه‌گیری تأثیراتی که ایجاد می‌کنند یا تجربه می‌کنند، تنظیم اهداف و مدیریت تغییر کمک می‌کند. گزارش پایداری، گزارشی است که توسط یک شرکت یا سازمان در مورد تأثیرات اقتصادی، زیست محیطی و اجتماعی که فعالیت‌های روزانه‌اش ایجاد کرده‌اند، منتشر می‌شود (آلوارز و همکاران^۲، ۲۰۱۸). تئوری مشروعیت در تبیین کیفیت پایداری شرکتی نقش تشریحی قدرتمندی را ایفا می‌کند (ماس و همکاران^۳، ۲۰۱۶). تئوری مشروعیت به عنوان درک و فرض تعمیم یافته‌ای تعریف می‌شود که فعالیت‌های یک نهاد در برخی سیستم‌ها با ساختار اجتماعی از هنجارها، ارزش‌ها و باورها و تعاریف، مطلوب، مناسب و شایسته است. بنابراین مشروعیت بنیادی‌ترین مفهومی است که سازمان برای بقا در اجتماع به آن وابسته است. این تئوری فرض می‌کند که اطلاعات اقتصادی، محیطی و اجتماعی پیوند نزدیکی با یکدیگر داشته و در پاسخ به اطلاعات و عوامل پایداری شرکتی و فعالیت‌های آن مشروعیت می‌بخشند (مولداوسکا و لو^۴، ۲۰۱۶). شرکت‌هایی با عملکرد پایداری شرکتی بالاتر و حفظ حقوق محیط زیست، جامعه و ذینفعان مطمئناً دسترسی بالاتر و کم هزینه‌تری نسبت به سایر رقبا در کسب

¹ Feng et al

² Alvarez et al.

³ Mass et al.

⁴ Moldaveska, Welo.

تامین مالی و امورات شرکت داشته و می‌توانند از طریق ایجاد محیطی با ثبات بالاتر بر پل ارتباطی مدیریت ریسک و ریسک مالی تاثیرگذار باشند. بنابراین با توجه به مطالب بیان شده فرضیه پژوهش به صورت زیر ارائه شده است:

فرضیه دوم پژوهش: عملکرد پایداری شرکتی بر رابطه میان مدیریت ریسک سازمانی و ریسک مالی تاثیرگذار است.

طاها و همکاران^۱ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان عملکرد پایداری شرکت و سودآوری با توجه به نقش تعدیل کننده نقدینگی و نوسان قیمت سهام این گونه بیان کردند که این مطالعه رابطه مثبت معناداری را بین عملکرد پایداری و سودآوری نشان می‌دهد. جات و همکاران^۲ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان سطح سرویس دهی تولید کننده و عملکرد مالی: نقش مدیریت ریسک، این گونه بیان نمودند که با کمال تعجب، تجزیه و تحلیل تأثیر منفی مدیریت ریسک پیشگیرانه بر عملکرد مالی را نشان می‌دهد. با این حال، مدیریت ریسک پیشگیرانه به طور غیرمستقیم عملکرد مالی را با حمایت از مدیریت ریسک واکنشی افزایش می‌دهد. چاندراکانت و راجش^۳ (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان پایداری اجتماعی، حاکمیت شرکتی و عملکردهای پایداری این گونه بیان کردند که حاکمیت شرکتی و پایداری اجتماعی در کشورهای غربی مفهوم سازی شده‌اند و شیوه‌های آنها در سراسر جهان توسعه یافته است. نتایج نشان داد روابط مثبت و معنادار میان پایداری اجتماعی و حاکمیت شرکتی و به نوبه خود بر عملکرد پایداری کلی شرکت‌ها وجود دارد. مصلح‌پور و همکاران^۴ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر شیوه‌های پایدار شرکتی، ابتکار دولت، استفاده از فناوری و فرهنگ سازمانی بر عملکرد پایدار در صنعت خودرو این گونه بیان کردند که افزایش تولید و استفاده از خودرو در سراسر جهان بر رفاه محیطی، اقتصادی و اجتماعی تأثیر منفی می‌گذارد. نتایج نشان داد که ویژگی‌های شیوه‌های پایدار شرکتی، استفاده از فناوری و فرهنگ سازمانی با عملکرد پایدار صنعت خودرو ارتباط مثبت و معناداری دارند. آپریلیا و توبینگ^۵ (۲۰۲۲) در پژوهشی با محوریت تأثیر مدیریت ریسک بر مالکیت مدیریتی، اهرم مالی و ارزش شرکت، این گونه بیان نمودند که اهرم، تأثیر منفی و معنی‌داری بر ارزش شرکت دارد و مدیریت ریسک تأثیر مثبت و معناداری بر ارزش شرکت دارد. مدیریت ریسک نقش تعدیل‌کنندگی بر روابط بین مالکیت مدیریتی و ارزش شرکت و رابطه اهرم مالی با ارزش شرکت ندارد. ماسنجا^۶ (۲۰۲۲) در پژوهشی با عنوان کمیته حسابرسی و اثربخشی مدیریت ریسک سازمانی این گونه نتایج حاصل از پژوهش خود را بیان نمود که نتایج نشان می‌دهد که هر یک از سه متغیرهای کمیته حسابرسی تأثیر مثبت معناداری بر اثربخشی مدیریت ریسک دارند، به‌طور کلی، ویژگی‌های کمیته حسابرسی، فرآیندهای نظارتی خاص مدیریت ریسک و حمایت مدیریت از کمیته به‌طور جمعی کمیته‌های حسابرسی را قادر می‌سازد تا سهم قابل توجهی بر اثربخشی سیاست‌گذاران کمیته حسابرسی، داشته باشند. بابنکو همکاران^۶ (۲۰۲۰) در پژوهشی با عنوان تأمین مالی بدهی و مدیریت ریسک این گونه بیان کردند که شرکت‌هایی که الزامات پوشش بانکی

¹ Taha et al

² Jat et al.

³ Chandracant, Rajesh

⁴ Moslehpour et al

⁵ Masanja.

⁶ Babenko et al.

آن‌ها از طریق بانک اعمال می‌شود و از مدیریت ریسک بالاتری برخوردار هستند، عملکرد بهتری دارند. جیسی و همکاران^۱ (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر عملکرد پایداری شرکتی بر ارزش سهام، ریسک و عملکرد شرکت این‌گونه بیان نمودند که نتایج این تحقیق نشان داده که تغییرات در ویژگی‌های پایداری یک شرکت ممکن است برای ادغام در معیارهای سیاست و تحلیل مالی مناسب باشد. یون و همکاران^۲ (۲۰۱۸) در پژوهشی با بررسی تأثیر عملکرد پایداری بر ارزش شرکت، نتایج پژوهش نشان داد که عملکرد پایداری به طور مثبت و قابل توجهی بر بازار یک شرکت، مطابق مطالعات قبلی در کشورهای توسعه یافته تأثیرگذار است. با این حال، تأثیر آن بر قیمت سهام می‌تواند با توجه به ویژگی‌های شرکت متفاوت باشد.

پاکدلان و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با بررسی ویژگی‌های هیئت مدیره و عملکرد پایداری این‌گونه بیان کردند که بین مالکیت مدیریتی، دوگانگی نقش مدیرعامل و استقلال هیئت مدیره با عملکرد پایداری رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. در حقیقت، در شرکت‌هایی که دارای مالکیت مدیریتی و دوگانگی مدیرعامل، هیئت مدیره مستقل هستند، سطح عملکرد پایداری بیشتر است. شیربندی و همکاران (۱۴۰۲) در پژوهشی با عنوان تأثیر مدیریت ریسک جریان‌های نقدینگی بر ثبات مالی این‌گونه بیان کردند که مدیریت نقدینگی یکی از بزرگ‌ترین چالش‌هایی است که شرکت‌های بزرگ با آن روبرو هستند. دلیل اصلی این چالش این است که بیشتر منابع از محل سپرده‌های کوتاه‌مدت تامین مالی می‌شود. علاوه بر این تسهیلات اعطایی صرف سرمایه‌گذاری در دارایی‌هایی می‌شود که درجه نقد شوندگی نسبتاً پایینی دارند. یافته‌های پژوهش نشان داد که مدیریت ریسک جریان‌های نقدی حاصل از فعالیت‌های عملیاتی، فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و فعالیت‌های تامین مالی بر ثبات مالی، اثر مثبت و معنادار دارد. همچنین نتایج نشان داد که مدیریت ریسک جریان‌های نقدینگی بر ثبات مالی اثر مثبت و معنادار دارد. ابراهیمی شقاقی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با بررسی تأثیر خودشیفتگی و غرور مدیران بر رابطه پایداری شرکتی و عملکرد مالی بیان نمودند که پایداری شرکتی دارای اثر معنادار و مثبتی بر عملکرد مالی شرکت است و همچنین، نقش تعدیل‌گری خودشیفتگی مدیران عامل شرکت‌ها در رابطه میان پایداری شرکتی و عملکرد مالی تأیید شده است. رستمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان تأثیر مدیریت ریسک بر سرعت تعدیل اهرم مالی در مراحل چرخه عمر شرکت‌ها این‌گونه بیان نمودند که مدیریت ریسک تأثیر مستقیم بر سرعت تعدیل اهرم مالی دارد. همچنین مدیریت ریسک در دوره رشد شرکت‌ها با ضریب افزایشی تأثیر مستقیم بر سرعت تعدیل اهرم مالی دارد؛ اما در دوره بلوغ مدیریت ریسک تأثیری بر سرعت تعدیل اهرم مالی ندارد. همچنین مدیریت ریسک در دوره افول شرکت‌ها با ضریب کاهشی و منفی تأثیر معکوس بر سرعت تعدیل اهرم مالی دارد؛ بنابراین با توجه به نتایج حاصل شده، به‌طور کلی شرکت‌ها با مدیریت ریسک‌های پیش روی شرکت قادرند سریع‌تر به سمت اهرم مالی بهینه حرکت کنند و در مراحل گذار از چرخه عمر شرکت‌ها این تأثیر کاهش می‌یابد. عارف منش و همکاران

¹ Giese et al.

² Yoon et al.

(۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان رابطه مدیریت ریسک سازمانی و عملکرد شرکت با نقش مزیت رقابتی و سواد مالی این گونه بیان نمودند که رابطه مزیت رقابتی با عملکرد شرکت به لحاظ آماری معنی دار نیست، اما مدیریت ریسک رابطه مثبت و معنی داری با مزیت رقابتی و عملکرد شرکت دارد. همچنین، رابطه سواد مالی با مزیت رقابتی مثبت و معنی دار است. نقش میانجی گر مزیت رقابتی در رابطه مدیریت ریسک با عملکرد شرکت مورد تایید قرار نمی گیرد، اما نقش تعدیل گر سواد مالی در رابطه مدیریت ریسک با مزیت رقابتی پذیرفته می شود. توکلی و آشتاب (۱۴۰۰) در پژوهشی با عنوان شناسایی عوامل موثر بر ریسک مالی شرکت‌ها این گونه بیان کردند که تایج نشان داد ۵۸/۶ درصد از ریسک مالی را نوسان‌های متغیرهای پژوهش توضیح داده‌اند؛ همچنین با استفاده از مقادیر بارهای عاملی و آزمون ضرایب بتا مشخص شد که نسبت‌های مالی تعهدی مانند حاشیه سود خالص، حاشیه سود عملیاتی، دوره گردش دارایی، نسبت سود انباشته به دارایی، نسبت جاری، نسبت نقدی و نسبت هزینه بهره به فروش خالص و نسبت‌های مالی نقدی مانند نسبت جریان نقد عملیاتی به مجموع دارایی و نسبت جریان نقد عملیاتی به بدهی‌های بلندمدت اهمیت خاصی دارند؛ علاوه بر این نتایج آزمون تی نشان داد تأثیر نسبت‌های مالی، عوامل اندازه، رشد شرکت و استراتژی‌های رقابتی بر ریسک مالی معنی دار است. نبوی چاشمی و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی با محوریت نقش مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت این گونه بیان کردند که برخلاف مدیریت ریسک سنتی که در آن ریسک‌های فردی به طور جداگانه در "سیلوهای ریسک" اداره می‌شوند، مدیریت ریسک سازمانی به شرکت‌ها این امکان را می‌دهد تا طیف گسترده‌ای از خطرات را به شیوهای یکپارچه و گسترده در شرکت مدیریت کنند. نتایج نشان داد که متغیرهای اندازه شرکت، اهرم مالی و متغیر کنترل صنعت رابطه معنی داری در مدل عوامل تعیین کننده مدیریت ریسک سازمانی دارد. همچنین مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت اثر معناداری دارد. امین و صالح نژاد (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر عملکرد پایداری شرکتی بر ارزش افزوده اقتصادی در طی چرخه عمر شرکت پرداختند و نتایج نشان داد سطح عملکرد پایداری شرکت در مرحله بلوغ چرخه عمر به اوج خود می‌رسد. از سوی دیگر عملکرد پایداری شرکتی در مراحل رشد و بلوغ اثر مثبت و معناداری بر ارزش افزوده اقتصادی دارد. قادری و تاری وردی (۱۳۹۹) در پژوهشی به مدل مدیریت ریسک شرکتی و پیامدهای آن در کنترل مؤثر ویژگی‌های سود شرکت پرداختند. نتایج نشان داد مدیریت ریسک سازمانی تأثیر معناداری بر ویژگی‌های سود ندارد. هاشمی و همکاران (۱۳۹۸) با بررسی تأثیر عملکرد پایداری شرکت بر مازاد بازده سهام و سودآوری این گونه بیان نمودند که تأثیر عملکرد پایداری و افشاء در سطح عملکرد اجتماعی- اقتصادی شرکت بر مازاد بازده سهام معنادار و معکوس است. همچنین تأثیر عملکرد پایداری و سطح افشای عملکرد اجتماعی- اقتصادی شرکت بر روی سودآوری معنادار نمی‌باشند. استادی و تدریسی پور (۱۳۹۸) در پژوهشی با عنوان ارائه مدلی برای اندازه گیری رابطه بین ریسک‌های مالی و نسبت‌های مالی این گونه نتایج حاصل از پژوهش خود را بیان کردند که کلیه سازمان‌ها و بانک‌ها در جریان عملیات خود با ریسک‌های گوناگون روبرو می‌باشند که قادر به از بین بردن آن نیستند ولی



می‌توانند آن‌ها را مدیریت کنند که در نتایج آماری مشخص شد که ریسک‌های نقدینگی بیشترین تأثیر را به ترتیب بر نسبت‌های نقدینگی، اهرمی و سودآوری بانک‌ها دارد.

۳. روش شناسی پژوهش

پژوهش ارائه شده از نوع کاربردی و همچنین از نظر روش شناختی به جهت این‌که پس از رخ دادن رویدادی به بررسی آن پرداخته است از نوع همبستگی علی و پس رویدادی می‌باشد. جامعه آماری مورد مطالعه در این پژوهش شرکت‌های بورس تهران بوده و دوره مورد مطالعه از سال ۱۳۹۳ الی ۱۴۰۲ می‌باشد. شرکت‌هایی در حذف نظام‌مند به عنوان نمونه نهایی انتخاب شده که شرایط گفته شده در ادامه را دارا بوده‌اند. به لحاظ این‌که قابلیت مقایسه بتواند صورت پذیرد، سال مالی انتخاب شده توسط شرکت انتهای اسفندماه باشد و همچنین آن‌ها در طول دوره (۱۰ سال) که بررسی صورت پذیرفته است، سال مالی را تغییر نداده باشند، اطلاعات مورد نیاز در پژوهش را افشا و این اطلاعات در دسترس باشد. همچنین شرکت‌ها زیر مجموعه بانک‌ها، بیمه‌ها و شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند. با اعمال شرایط فوق ۱۳۲ شرکت در غربال نهایی از جامعه آماری به عنوان نمونه نهایی لحاظ شده‌اند. تجزیه و تحلیل اطلاعات شرکت‌های نمونه با استفاده از روش داده‌های پانل ترکیبی و با استفاده از نرم‌افزار ایویوز ۱۲ و بهره‌مندی از ابزار خطای قدرتمند استاندارد برای آزمون نهایی فرضیه‌ها انجام پذیرفته است، داده‌های ترکیبی با اعمال بعد زمان و مکان در دوره‌های گوناگون اطلاعات کامل و قابل اتکاتری را در اختیار پژوهشگر قرار داده و رگرسیون با اعمال ابزار خطای قدرتمند استاندارد می‌تواند بهترین گزینه برای بررسی روابط در پژوهش حاضر باشد.

۳-۱. تعاریف عملیاتی متغیرهای پژوهش

۳-۱-۱. متغیر وابسته پژوهش: ریسک مالی (Risk)

ریسک مالی شرکت به تبعیت از پژوهش‌های پیشین همچون استادی و تدریسی پور (۱۳۹۸)، توکلی و آشتاب (۱۴۰۰) و ایزدی‌نیا و علینقیان (۲۰۱۰) از نسبت اهرم مالی شرکت استفاده می‌شود. برای مشخص شدن دقیق ریسک مالی به تبعیت از وقفی و میراییز (۱۴۰۰) از انحراف معیار پنج دوره قبل اهرم مالی شرکت استفاده شده است. هر چه میزان اهرم مالی شرکت بیشتر باشد شرکت از ریسک مالی بالاتری برخوردار است. اهرم مالی از تقسیم کل بدهی به کل دارایی شرکت‌ها حاصل می‌شود (توکلی و آشتاب، ۱۴۰۰).

۳-۱-۲. متغیر مستقل: مدیریت ریسک سازمانی (ERM)

جهت اندازه‌گیری مدیریت ریسک به تبعیت از پژوهش قادری و تازی وردی (۱۳۹۹) از مدل گوردون و همکاران (۲۰۰۹) و زستمی و همکاران (۱۴۰۱) بهره گرفته استفاده شده است. این عوامل بر اساس توانایی آن‌ها در نیل به اهداف تعیین شده شرکت‌ها شناسایی شده‌اند و به صورت زیر می‌باشد:



$${}_{it}ERMI_{it} = \beta_0 + \beta_1 EU_{it} + \beta_2 CI_{it} + \beta_3 FS_{it} + \beta_4 FC_{it} + \beta_5 MBD_{it} + \varepsilon$$

که در مدل فوق ERMI (شاخص های مدیریت ریسک)، EU (عدم اطمینان محیطی)، CI (رقابت صنعت)، FS (اندازه شرکت)، FC (پیچیدگی شرکت) و MBD (نظارت هیئت مدیره) می باشد. در مدل فوق ε جزء خطای مدل می باشد که نشان دهنده انحراف از بهترین مدل پیشنهادی گوردون و همکاران (۲۰۰۹) می باشد، به این صورت که هر چقدر جزء خطای مدل کمتر باشد نشان از مدیریت ریسک بالای شرکت دارد و بالعکس. به همین منظور از خطای مدل قدرمطلق گرفته و در عدد منفی یک ضرب شده است و به عنوان مدیریت ریسک تعریف شده است.

شاخص های مدیریت ریسک (ERMI)

کمیته حمایت از سازمان ها در کمیسیون تردوی معروف به کوزو^۱ در سال ۲۰۰۴ از چهار شاخص زیر جهت مدیریت ریسک سازمانی، کنترل داخلی برای بهبود عملکرد سازمانی و حکمرانی بهتر و کاهش میزان تقلب در سازمان ها استفاده نمود

$$ERM_t = \sum_{k=1}^2 Strategy + \sum_{k=1}^2 Operation + \sum_{k=1}^2 reporting + \sum_{k=1}^2 Compliance$$

استراتژی (Strategy)

اشاره به راه کارهای اتخاذی توسط شرکت ها به منظور ماندن در شرایط رقابتی بازار دارد. در این حالت شرکت سعی می کند وضعیت رقابتی خود را نسبت به سایر شرکت های فعال در این عرصه حفظ نماید. جهت اندازه گیری استراتژی رقابت می توان از دو رابطه زیر استفاده کرد که نحوه محاسبه آنها به صورت زیر می باشد:

$$Strategy_1 = \frac{Sales_{it} - \mu Sales}{\sigma Sales}$$

در مدل فوق، Sales (فروش شرکت)، $\mu Sales$ (میانگین فروش صنعت) و $\sigma Sales$ (احراف معیار فروش شرکت ها در صنعت) است.

$$Strategy_2 = \frac{\Delta\beta - \mu\Delta\beta}{\sigma\Delta\beta}$$

در مدل فوق، $\Delta\beta$ (بتای شرکت در سال t منهای بتای شرکت در سال $t-1$)، $\mu\Delta\beta$ (میانگین بتای صنعت) و $\sigma\Delta\beta$ (انحراف معیار $\Delta\beta$ کل شرکت ها در صنعت) است.

¹ Coso

بهره وری (Operation)

بهره وری به عنوان ارتباط ورودی و خروجی های شرکت در فرآیند عملیات شرکت اندازه گیری می شود. هر اندازه خروجی های شرکت در سطح معینی از ورودی ها بیشتر باشد نشان از عملکرد بهتر شرکت خواهد بود. جهت اندازه گیری بهره وری از دو رابطه زیر می توان استفاده کرد:

$$Operation_1 = \frac{Sales}{Total Assets}$$

در مدل فوق، Sales (فروش شرکت)، Total Assets (جمع کل دارایی های شرکت) است.

$$Operation_2 = \frac{Sales}{Number of Employees}$$

در مدل فوق، Sales (فروش شرکت)، Number of Employees (تعداد پرسنل شرکت) است.

مدیریت ریسک های گزارشگری (Reporting)

در اینجا به پیروی از گوردون و همکاران (۲۰۰۹) منظور از گزارشگری میزان اعتماد به گزارشگری شرکت می باشد، زیرا گزارشگری صحیح ضامن بقا و موفقیت سازمان می باشد. برای اندازه گیری این فاکتور از مدل تعدیل شده جونز برای اندازه گیری ارزش کامل اقلام تعهدی اختیاری و غیر اختیاری استفاده می شود. علت استفاده از هر دو فاکتور اقلام تعهدی (اختیاری و غیر اختیاری) به دلیل این است که هر دو قلم می تواند منفی باشد پس قدرت نسبی آن ها قابل اتکاتر می باشد.

$$Reporting_1 = \frac{\text{قدر مطلق اقلام تعهدی غیراختیاری}}{\text{قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری} + \text{قدر مطلق غیراختیاری}}$$

در این مدل ابتدا کل اقلام تعهدی محاسبه می گردد که حاصل (سود خالص منهای وجه نقد عملیاتی) است و پس از محاسبه کل اقلام تعهدی، پارامترهای $\alpha_1, \alpha_2, \alpha_3$ به منظور تعیین کل اقلام تعهدی غیر اختیاری، از طریق مدل زیر مراحل ادامه می یابد:

$$TA_{i,t} / A_{i,t-1} = \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) / A_{i,t-1} + \alpha_3(PPE_{i,t} / A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

که در مدل فوق TA (کل اقلام تعهدی)، $\Delta REV_{i,t}$ (تغییر در درآمد فروش دوره جاری نسبت به دوره قبل)، $\Delta REC_{i,t}$ (تغییر در حسابهای دریافتنی دوره نسبت به دوره قبل)، $PPE_{i,t}$ (ناخالص اموال، ماشین آلات و تجهیزات)،



$A_{i,t-1}$ (ارزش دفتری دارایی‌ها دوره قبل) و $\varepsilon_{i,t}$ (اثرات نامشخص عوامل تصادفی شرکت) می‌باشد. پس از محاسبه پارامترهای α_1 ، α_2 و α_3 از طریق روش حداقل مربعات طبق فرمول ذیل ارقام تعهدی غیر اختیاری (NDA) به شرح زیر تعیین می‌شود:

$$NDA_{i,t} = \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2(\Delta REV_{i,t} - \Delta REC_{i,t}) / A_{i,t-1} + \alpha_3(PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

و در نهایت ارقام تعهدی اختیاری (DA) پس از تعیین NDA به صورت زیر محاسبه می‌شود:

$$DA_{i,t} = (DA_{i,t} / A_{i,t-1}) - NDA_{i,t}$$

$$Reporting2 = (Material Weakness) + (Auditor Opinion) + (Restatement)$$

که در مدل فوق Material Weakness (برابر با تعداد بندهای اعلام شده در گزارش حسابرسان مستقل)، Auditor Opinion (اگر گزارش حسابرسان مقبول باشد عدد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود)، Restatement (ارائه مجدد صورتهای مالی (در صورت تجدید ارائه عدد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود)).

انطباق (Compliance)

افزایش انطباق با قوانین و مقررات ریسک را کاهش داده و باعث افزایش ارزش شرکت خواهد شد. رعایت استانداردهای پذیرفته شده حسابرسی مستلزم تقبل هزینه های حسابرسی خواهد بود. مطابق با پژوهش (گوردون و همکاران ۲۰۰۹) جهت اندازه گیری متغیر انطباق از دو رابطه زیر می توان استفاده کرد (هزینه های حسابرسی از صورت سود و زیان شرکت ها استخراج شده است):

$$Compliance1 = \frac{\text{هزینه های حسابرسی}}{\text{کل دارایی های شرکت}}$$

$$Compliance2 = \frac{\text{سود (زیان) خالص}}{\text{کل دارایی های شرکت}}$$

عامل عدم اطمینان محیطی (EU)

می توان عدم اطمینان محیطی را افزایش در رویدادهای غیر قابل پیش بینی آتی دانست. این عدم اطمینان محیطی می تواند مشکلات زیادی را برای سازمان ها به وجود آورد. در واقع گزارشگری مالی و سنجش عملکرد در شرکت هایی که عملیات تجاری متغیر و پر نوسانی دارند، پیچیده تر است (قادری و تاری وردی، ۱۳۹۹). هدف از مدیریت ریسک به عنوان زیر مجموعه سیستم کنترل مدیریت، شناسایی و مدیریت رویدادهای نامشخص آتی در

شرکت هاست. لذا، عدم اطمینان محیطی می تواند عاملی تأثیرگذار بر مدیریت ریسک می باشد (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹).

جهت اندازه گیری این عامل از سه پارامتر استفاده می شود:

الف) ضریب تغییرات فروش (CN(Sit))، ب) ضریب تغییرات هزینه سرمایه ج) ضریب تغییرات سود خالص قبل از مالیات (CV(Iit)) و Iit سود خالص قبل از مالیات شرکت در سال t است. با استفاده از سه پارامتر فوق عدم اطمینان محیطی به شرح زیر به دست می آید:

$$EU = \log \left(\sum_{k=1}^3 CV(X_k) \right)$$

$$CV(X_k) = \frac{\sqrt{\frac{\sum_{t=1}^{11} (Z_{k,t} - \bar{Z}_k)^2}{n}}}{|\bar{Z}_k|}$$

در رابطه فوق $CV(X_k)$ (ضریب تغییرات عدم اطمینانی)، t (سال های مورد نظر تحقیق)، X_{kt} (عدم اطمینان k در سال t) و Z_k (متوسط تغییرات عدم اطمینان k در طول n سال) است.

۱ و ۲ و ۳ برای عدم اطمینان (۱) ضریب تغییرات فروش (۲) ضریب تغییرات هزینه سرمایه (۳) ضریب تغییرات سود خالص قبل از مالیات.

برای محاسبه هزینه سرمایه از روش میانگین موزون هزینه سرمایه استفاده می شود.

$$WACC = \left(\left(\frac{E_M}{E_M + D_M} \right) K_S + \left(\frac{D_M}{E_M + D_M} \right) K_D \right)$$

که در مدل فوق DM (برابر ارزش دفتری کل بدهی ها)، EM (ارزش بازار حقوق صاحبان سهام)، KD (نرخ هزینه بدهی بعد از مالیات) حداقل نرخ سود مورد انتظار تسهیلات در عقود مشارکتی منتشر شده توسط بانک مرکزی در قلمرو زمانی تحقیق در نظر گرفته می شود. KS (نرخ هزینه صاحبان سهام) است که به منظور محاسبه نرخ هزینه مورد انتظار سهام عادی از مدل گوردون استفاده شده است که فرمول آن به صورت زیر است:

$$K_S = \frac{D_0(1+g)}{P_0} + g$$

که در مدل فوق D_0 (برابر سود نقدی هر سهم در دوره جاری)، P_0 (قیمت سهم در ابتدای سال) و g (نرخ رشد سود سهام) است.



رقابت صنعت (CI): رقابت صنعت تمرکز صنعت را اندازه‌گیری می‌کند که تمرکز پایین یعنی رقابت بالا. با توجه به وجود رقابت شدید بین شرکت‌های رقیب، هر شرکت سعی در اتخاذ استراتژی مناسب جهت پیشی گرفتن از سایر رقبا را دارد، لذا همیشه احتمال خطر عدم سودآوری پایدار برای شرکت‌ها وجود خواهد داشت (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹).

$$CI = 1 - \sum_{i=1}^n \left(\frac{S_{it}}{TotalS_{st}} \right)^2$$

که در مدل فوق CI (سهم بازار) S_{it} (فروش هر شرکت در سال t) و S_{st} (فروش صنعت در سال t) است. اندازه شرکت (FS): در ادبیات تئوری سازمانی ارتباط بین اندازه شرکت و ساختار سازمانی مورد توجه قرار گرفته است. جهت اندازه‌گیری این عامل از لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها استفاده شده است.

پیچیدگی شرکت (FC): پیچیدگی شرکت باعث کاهش یکپارچگی اطلاعات و مشکلات بیشتر در سیستم کنترل داخلی می‌شود، بنابراین برای کاهش پیچیدگی نیاز به مدیریت ریسک سازمانی قوی می‌باشد (گوردون و همکاران، ۲۰۰۹). پیچیدگی هزینه از اجزاء پیچیدگی شرکت می‌باشند. پیچیدگی هزینه به عنوان وسعت پوشش هزینه‌ها با درآمدها تعریف می‌شود. در سازمان‌هایی با پیچیدگی هزینه کمتر، بهای تمام شده به تناسب درآمدها حرکت می‌کند چنان که سود به آسانی با توجه به تغییرات پیش‌بینی شده در درآمدها، مشخص می‌گردد. اگر بهای تمام شده متناسب با درآمد تغییر نکند سپس فهمیدن مواردی که منجر به پیش‌بینی درآمدها می‌شود، به پیش‌بینی سود نمی‌تواند کمک کند. در نتیجه، پیش‌بینی عملکرد در صورت عدم تغییر سایر موارد، احتمالاً تحت تأثیر پیچیدگی هزینه قرار می‌گیرد؛ بنابراین پیچیدگی هزینه از طریق ارتباط بین درآمدها و سود قبل از بهره و مالیات اندازه‌گیری می‌شود (قادری و تازی وردی، ۱۳۹۹).

$$FC = -1 * \text{CORREL}(\text{revenues \& earnings})$$

نظارت هیئت مدیره (MBD): متغیر نظارت هیئت مدیره از طریق تقسیم تعداد اعضای هیئت مدیره بر لگاریتم فروش‌ها محاسبه و اندازه‌گیری می‌شود.

۳-۱-۳. متغیر تعدیلگر پژوهش: عملکرد پایداری شرکت‌ها (CSP)

به تبعیت از آنتونی و رضایی (۲۰۱۵)، امین و همکاران (۱۳۹۷) و امین و صالح‌نژاد (۱۳۹۹) برای سنجش عملکرد پایداری شرکتی از طریق مجموعه‌ای از نقاط قوت و نقاط ضعف یا نگرانی است که با استفاده از چک‌لیست رتبه‌بندی اجتماعی برای هر هفت بعد شامل اجتماعی، حاکمیتی، محیط زیست، روابط کارکنان، کیفیت محصول، حقوق بشر و تنوع‌بخشی و به تبعیت از آنتونی و رضایی (۲۰۱۵) بر اساس ابعاد پنج‌گانه عملکرد پایداری شرکتی

به ترتیب شامل حوزه‌های اقتصادی، حاکمیتی، اجتماعی، اخلاقی و زیست محیطی طبقه‌بندی می‌شود. در هر حوزه معیارهایی به عنوان نقاط قوت و ضعف مشخص شد که چنانچه شرکت مورد بررسی دارای نقاط قوت باشد کد(۱) و گرنه(۰) است و بالعکس اگر برای شرکت نقاط ضعف برقرار باشد کد(۱) و گرنه(۰) خواهد بود. زیرمجموعه‌های این ابعاد و چک لیست طبق پژوهش صالح‌نژاد و امین(۱۳۹۹) به شرح ذیل است:

جدول (۱): ابعاد عملکرد پایداری شرکت همراه با نقاط قوت و ضعف آنها

ابعاد		نقاط قوت	نقاط ضعف
اجتماعی (SOC)	ارتباطات اجتماعی	(۱) کمک به امور خیریه، (۲) کمک به امور خیریه خارج از ایران، (۳) برنامه حمایت از مسکن، (۴) برنامه حمایت از تحصیل.	(۱) اثرات منفی اقتصادی، (۲) مشکلات مالیاتی.
	تنوع	(۱) استفاده از مدیران اجرایی خانم و یا اقلیت جامعه، (۲) استفاده از خانم‌ها، اقلیت‌ها و افراد معلول عضو هیئت‌مدیره، (۳) منافع خارج از شرکت برای کودکان، سالمندان یا اوقات فراغت، (۴) کارمندان خانم و اقلیت، (۵) به‌کارگیری کارمندان جانباز و معلول.	(۱) مشکلات دادگاهی، (۲) نداشتن خانم در اعضای هیئت مدیره.
حاکمیتی (GOV)		(۱) اعطای پاداش به مدیران ارشد، (۲) شرکت، صاحب ۲۰ تا ۵۰ درصد از سهام شرکت دیگر باشد، (۳) شفافیت بالا.	(۱) اظهارنظر حسابررسی مشروط، (۲) مشکلات شفافیت.
اخلاقی (ETH)	روابط کارکنان	(۱) در نظر گرفتن مزایای غیر نقدی، (۲) توزیع نقدی درآمد، (۳) مشارکت کارکنان، (۴) مزایای بازنشتی، (۵) داشتن برنامه بهداشتی و ایمنی قوی.	(۱) کاهش نیروی کار، (۲) پرداخت جرائم بهداشت و ایمنی، (۳) ضعف در مزایای بازنشتی.
	حقوق بشر	(۱) روابط دوستانه با مردم بومی، (۲) افشای مناسب برای حقوق کارکنان و کارگران.	ندارد.
محیط زیست (INV)		(۱) محصولات و خدمات سودمند، (۲) جلوگیری از آلودگی، (۳) استفاده از مواد بازیافتی در فرآیند تولید، (۴) صرفه جویی در انرژی، (۵) دریافت جایزه و لوح تقدیر در زمینه محیط زیست، (۶) حفظ اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات، (۷) دریافت گواهینامه ایزو ۱۴۰۰۱ توسط شرکت برای سیستم‌های مدیریتی شرکت.	(۱) ایجاد فضولات خطرناک، (۲) مسائل قانونی، (۳) مواد شیمیایی نازک‌کننده لایه اوزون، (۴) تولید کننده مواد شیمیایی کشاورزی، (۵) تغییرات آب‌وهوایی.
اقتصادی (ECO)	کیفیت محصول	(۱) کیفیت بلندمدت محصولات و خدمات، (۲) تحقیق و توسعه/نوآوری، (۳) مزایای شرایط سخت اقتصادی.	(۱) جریمه در رابطه با ایمنی محصول، (۲) پرداخت جرائم و یا دعاوی حقوقی مربوط به قراردادهای بازاریابی و شیوه تبلیغات و ...

منبع: امین و صالح‌نژاد(۱۳۹۹)

جهت محاسبه عملکرد پایداری برای هر شرکت نقاط ضعف از نقاط قوت کسر می‌شود و امتیاز پنج بعد به نام‌های (عملکرد اجتماعی، حاکمیتی، اخلاقی، زیست محیطی و اقتصادی) محاسبه می‌شود. به منظور محاسبه امتیاز کل پایداری شرکتی از رابطه زیر استفاده می‌شود:

$$CSP = \sum (\text{نقاط ضعف} - \text{نقاط قوت})$$

۳-۱-۴. متغیرهای کنترلی پژوهش

به تبعیت از پژوهش‌های گوناگون در زمینه اعتبارهای تجاری مانند افلاطونی و همکاران (۱۴۰۱) و رستمی و همکاران (۱۴۰۱) متغیرهای زیر به جهت کنترل عوامل ناخواسته در مدل پژوهش اعمال شده است.

بازده دارایی‌ها (ROA): نسبت سود خالص تقسیم بر کل دارایی‌ها است.

- اندازه شرکت (SIZE): لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت.

- عمر شرکت (AGE): لگاریتم طبیعی تاریخ تأسیس شرکت از سال موردنظر.

- رشد شرکت (MB): نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری صاحبان سهام می‌باشد.

- سرمایه‌گذاران نهادی (INST): درصد سهام متعلق به سرمایه‌گذاران نهادی مانند بانک‌ها و بیمه‌ها و ...

درصد متعلق به سهامدارانی که بیش از ۵ درصد سهام شرکت را در اختیار دارند.

۳-۱-۵. مدل رگرسیونی آزمون فرضیه‌های پژوهش

$$Risk_{it} = \beta_0 + \beta_1 ERM_{it} + \beta_2 CSP_{it} + \beta_3 ERM_{it} \times CSP_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 INST_{it} + \beta_8 Age + \varepsilon_{it}$$

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است و شاخص خوبی برای نشان دادن مرکزیت داده‌هاست. برای مثال مقدار میانگین برای متغیر بازده دارایی‌ها برابر با (۰/۱۳) صدم می‌باشد که نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها حول این نقطه تمرکز یافته‌اند. به‌طور کلی پارامترهای پراکندگی، معیاری برای تعیین میزان پراکندگی از یکدیگر یا میزان پراکندگی آن‌ها نسبت به میانگین است. از مهم‌ترین پارامترهای پراکندگی، انحراف معیار است. مقدار این پارامتر برای رشد شرکت برابر با ۳/۹۱ و بازده دارایی‌ها برابر با ۰/۱۳ صدم می‌باشد که نشان می‌دهد این دو متغیر به ترتیب دارای بیشترین و کمترین انحراف معیار هستند. کمینه و بیشینه نیز کمترین و بیشترین را در هر متغیر نشان می‌دهد.



جدول (۲): آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	بیشترین	کمترین	انحراف معیار	چولگی	کشدگی
ریسک مالی	Risk	۰/۰۷۶	۰/۲۲	۰/۰۲۱	۰/۰۴۸	۱/۳۱	۴/۳۹
مدیریت ریسک	ERM	-۰/۶۱	-۰/۰۲۴	-۱/۶۰	۰/۴۴	-۰/۶۲	۲/۴۵
عملکرد پایداری	CSP	۶/۴۴	۲۰/۰۰	-۴/۰۰	۲/۶۵	۰/۹۲	۶/۹۳
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۱۳	۰/۴۸	-۰/۰۵۳	۰/۱۳	۰/۸۱	۲/۹۷
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۴۷	۱۸/۸۱	۱۱/۴۹	۱/۴۶	۰/۷۸	۳/۸۱
رشد شرکت	MB	۴/۳۶	۱۵/۸۵	۱/۰۰	۳/۹۱	۱/۷۵	۵/۲۴
عمر شرکت	AGE	۳/۶۰	۴/۲۳	۲/۳۹	۰/۳۷	-۰/۶۷	۲/۶۰
سرمایه‌گذاران نهادی	INST	۰/۶۳	۰/۹۶	۰/۰۰۰۰	۰/۳۰	-۰/۸۵	۲/۴۰

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول (۳): آزمون مانایی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	آماره آزمون	سطح معناداری	نتیجه
ریسک مالی	Risk	-۱۲/۵۳۶۹	۰/۰۰۰۰	مانا است
مدیریت ریسک	ERM	-۱۱/۵۱۴۴	۰/۰۰۰۰	مانا است
عملکرد پایداری	CSP	-۱۲/۳۸۵۲	۰/۰۰۰۰	مانا است
بازده دارایی‌ها	ROA	-۱۷/۸۵۳۵	۰/۰۰۰۰	مانا است
اندازه شرکت	SIZE	-۱۵/۲۵۸۵	۰/۰۰۰۰	مانا است
رشد شرکت	MB	-۱۴/۷۹۸۲	۰/۰۰۰۰	مانا است
عمر شرکت	AGE	-۱۴/۲۳۴۹	۰/۰۰۰۰	مانا است
سرمایه‌گذاران نهادی	INST	-۱۲/۹۱۵۴	۰/۰۰۰۰	مانا است

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به نتایج به‌دست‌آمده در جدول (۳)، مشاهده می‌شود که سطح معنی‌داری متغیرها در آزمون مانایی کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر مانا بودن متغیرها است.

نتایج حاصل در جدول (۴)، نشان می‌دهد که آزمون اف لیمر با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰۰) تایید الگوی داده‌های تابلویی می‌باشد. همچنین آزمون هاسمن در ادامه با سطح معناداری کمتر از ۵ درصد (۰/۰۰۰۰) رویکرد داده‌های با اثرات ثابت را تایید می‌کند. سطح معنی‌داری آزمون ناهمسانی واریانس در مدل پژوهش کمتر از ۵ درصد می‌باشد و بیانگر وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص مدل می‌باشد که در مدل



نهایی با استفاده از دستورالعمل رفع شده است. سطح معناداری آزمون خودهمبستگی سریالی با سطح بالاتر از ۵ درصد نشان می‌دهد که مشکل خودهمبستگی سریالی در مدل وجود ندارد (افلاطونی، ۱۳۹۷).

جدول (۴). نتایج آزمون‌های فروض کلاسیک مدل رگرسیونی پژوهش

مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معناداری	نتایج آزمون
آزمون اف لیمر	۹/۹۸	۰/۰۰۰۰	تایید الگوی داده‌های ترکیبی
آزمون هاسمن	۴۷/۰۴	۰/۰۰۰۰	تایید اثرات ثابت عرض از مبدا
مدل کلی (ناهمسانی واریانس)	۲۱۲/۷۷	۰/۰۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس
مدل کلی (خودهمبستگی سریالی)	۰/۷۷	۰/۸۴	عدم وجود خود همبستگی سریالی

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول (۵). نتیجه آزمون فرضیه‌های پژوهش

$Risk_{it} = \beta_0 + \beta_1 ERM_{it} + \beta_2 CSP_{it} + \beta_3 ERM_{it} \times CSP_{it} + \beta_4 SIZE_{it} + \beta_5 ROA_{it} + \beta_6 MB_{it} + \beta_7 INST_{it} + \beta_8 Age_{it} + \varepsilon_{it}$						
متغیرها	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	معناداری	VIF
مدیریت ریسک	ERM	-۰/۰۳۱	۰/۰۱۲	-۲/۴۹	۰/۰۱۲	۱/۰۳
عملکرد پایداری	CSP	-۰/۱۰	۰/۰۵۳	-۲/۰۰۴	۰/۰۴۷	۲/۳۴
ضریب تعاملی	CSP × ERM	-۰/۲۶	۰/۱۲	-۲/۱۳	۰/۰۳۳	۲/۷۱
اندازه شرکت	SIZE	۰/۰۱۰	۰/۰۰۲	۳/۵۰	۰/۰۰۰۵	۱/۰۷
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۹۹	۰/۰۳۶	-۲۷/۱۶	۰/۰۰۰۰	۱/۰۵
رشد شرکت	MB	۰/۰۶۸	۰/۰۰۹	۷/۱۸	۰/۰۰۰۰	۱/۰۶
سرمایه‌گذاران نهادی	INST	۱/۹۱	۰/۰۰۰۱	۰/۱۳	۰/۸۹	۱/۰۲
عمر شرکت	AGE	-۰/۰۲۶	۰/۰۱۱	-۲/۳۹	۰/۰۱۶	۱/۰۲
عرض از مبدا		۰/۵۷	۰/۰۵۸	۹/۹۵	۰/۰۰۰۰	-
ضریب تعیین				۰/۴۱		
دوربین واتسون				۲/۰۱		
آماره F				۵۰/۹۸۱		
سطح معناداری				۰/۰۰۰۰		

منبع: یافته‌های پژوهشگر

نتایج جدول (۵)، نشان می‌دهد که مدیریت ریسک با ضریب منفی ($-0/031$) و سطح معناداری زیر ۵ درصد ($0/012$) رابطه معکوس با ریسک مالی شرکت دارد؛ بنابراین فرضیه اول پژوهش در سطح خطای ۵ درصد رد نمی‌شود. همچنین تعامل مدیریت ریسک و عملکرد پایداری با ضریب منفی ($-0/026$) و سطح معناداری زیر ۵ درصد ($0/033$) بر ریسک مالی شرکت تاثیرگذار است. در سطح خطای ۵ درصد کلیه متغیرهای کنترلی به جز سرمایه‌گذاران نهادی رابطه معناداری با متغیر وابسته پژوهش دارند. ضریب تعیین برابر با ۴۱ درصد می‌باشد که نشان می‌دهد متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل توانسته‌اند ۴۱ درصد از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. همچنین مقدار دوربین واتسون برابر عدد $2/01$ صدم می‌باشد که نشان می‌دهد بین متغیرها خود همبستگی سریالی وجود ندارد. ضمن این که آماره هم‌خطی (VIF) که کمتر از عدد ۵ می‌باشد نشان می‌دهد بین متغیرها همبستگی شدیدی وجود ندارد.

۵. بحث و نتیجه‌گیری پژوهش

هدف مطالعه حاضر بررسی تاثیر عملکرد پایداری بر رابطه میان مدیریت ریسک سازمانی و ریسک مالی شرکت‌ها است. هدف از ایجاد شرکت‌ها و بنگاه‌های اقتصادی در واقع کسب درآمد و منفعت شدن مالی از آن برای سهامداران می‌باشد، که در این بین مهمترین مشکل و خطری که می‌تواند روبروی شرکت قرار گیرد همان ریسک مالی و عدم توان پرداخت بدهی‌های ایجاد شده از طریق تامین مالی خارجی است. در واقع با ادامه این مورد اگر شرکت نتواند ریسک مورد نظر را مدیریت نماید با بحران‌های شدید مالی و حتی در نهایت ممکن است با ورشکستگی مواجه گردد. بنابراین ریسک مالی و پرداختن به شیوه‌های مدیریت و دفع خطرات مرتبط با آن از اهمیت بالایی برخوردار است، که با مدیریت ریسک جامع قابل انجام می‌باشد. همان گونه که نتایج آماری نشان داد مدیریت ریسک به طور معکوس بر ریسک مالی بنگاه تاثیرگذار است. همچنین، تعامل مدیریت ریسک بنگاه با عملکرد پایداری می‌تواند سطح ریسک مالی شرکت را کاهش دهد. از آنجایی که ریسک و مخاطرات موجود در بازار رقابت جزء لاینفک بازار است، بنابراین شرکت‌ها می‌بایست حتماً برنامه‌های مدون مدیریت ریسک و مقابله با مخاطرات را با تشکیل کمیته‌های ریسک و استفاده از افراد متخصص دنبال نمایند تا بدین طریق بتوانند از ریسک مالی شرکت کاسته و محیطی امن و با ثبات بالا را برای سرمایه‌گذاران فراهم نمایند. پایداری نیز دارای مفهوم گسترده‌ای است که مفاهیم دیگری چون مسئولیت‌های شرکت‌ها در قبال ذینفعان و جامعه را در خود جای داده است و با مفاهیمی چون پایداری رقابت، پایداری گزارشگری و پایداری اجتماعی می‌تواند مورد بررسی قرار گیرد. در حال حاضر، عملکرد پایداری شرکت در سه بعد اقتصادی، اجتماعی و محیطی است که اشاره به مسئولیت شرکت‌ها در قبال جامعه و ذینفعان دارد. شرکت‌هایی که عملکرد پایداری بهتری دارند، نسبت به رقبای خود در طولانی مدت در بازار سهام و نیز عملکرد حسابداری، بهتر عمل می‌کنند و کمتر تحت تاثیر شوک‌های خارجی که بر ایجاد ارزش در داخل سازمان اثر می‌گذارد، قرار می‌گیرند. بنابراین افزایش عملکرد پایداری از اهمیت بالایی برخوردار است و



تعامل آن با مدیریت ریسک می‌تواند بسیاری از مشکلات مالی شرکت و ریسک‌های ناشی از آن را کاهش دهد. نتایج حاصل شده به نوعی مکمل نتایج پژوهش‌های انجام شده در حیطه مدیریت ریسک مانند عسگری رشتیانی و همکاران (۱۳۹۹) و قادری و تازی وردی (۱۳۹۹) می‌باشد. از آنجا که پایداری شرکتی در دهه اخیر مورد توجه مدیران قرار گرفته است، پیشنهاد می‌گردد سازمان بورس با در نظر گرفتن سازوکاری، اهمیت این مورد را با الزام به افشای موارد مربوط به پایداری شرکتی از سوی شرکت‌ها به گونه‌ای نمایان سازد، که سالانه امتیازی به عملکرد پایداری شرکتی تعلق و منجر به انگیزه ارتقای عوامل مربوط به این فاکتور از سوی مدیران گردد. شرکت‌ها می‌بایست با شناسایی خطرات و تشکیل کمیته ریسک و انجام برنامه‌های مدون مدیریت ریسک جامع، با ارتقای بهره‌وری، زمینه را برای ایجاد محیطی کم ریسک فراهم نمایند. به پژوهشگران آتی پیشنهاد می‌گردد جهت مشخص شدن جنبه‌های گوناگون به بررسی موضوع پژوهش در صنایع گوناگون پرداخته و همچنین می‌توانند سطح پایداری شرکتی و میزان وفاداری سهامداران را بررسی نمایند. در انجام این پژوهش، محدودیت‌هایی وجود داشته که ممکن است بر نتایج و یافته‌های پژوهش تأثیرگذار باشد:

- محدودیت‌های اعمال شده برای انتخاب نمونه آماری از بین اعضای جامعه آماری، تعمیم نتایج پژوهش به آن گروه از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران که دارای ویژگی‌های متفاوتی با نمونه موردنظر هستند (شامل شرکت‌های مالی، سرمایه‌گذاری و بانک‌ها) را دشوار می‌سازد.
- بسیاری از شرایط سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران (به‌ویژه شرایط تورمی کشور و عدم تهیه صورت‌های مالی تعدیل شده) بر یافته‌های پژوهش مؤثر است که کنترل آن‌ها از حیطه توان پژوهشگر خارج بوده است.

فهرست منابع

- ابراهیمی شقاقی، مرضیه؛ یاری درمشکاتلو، پریسا و اسلامی مفیدآبادی، حسین. ۱۴۰۱. تاثیر خودشفیفتگی و غرور مدیران بر رابطه پایداری شرکتی و عملکرد مالی. *پژوهش‌های مالی و رفتاری در حسابداری*، ۶(۱)، ۱۰۸-۹۱.
- اخترشناس، داریوش؛ خدابی پور، احمد و پورحیدری، امید. ۱۳۹۹. تدوین مدل عوامل مؤثر بر پایداری شرکتی در ایران. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۷(۶۵)، ۲۰۱-۱۷۵.
- آذین فر، کاوه؛ قدرتی زوارم، عباس؛ نوروزی، محمد. ۱۳۹۸. تأثیر ابعاد ریسک بر قیمت‌گذاری حسابرسی. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۱(۴۴)، ۱۵۵-۱۷۴.
- استادی، بختیار؛ تدریسی پور، پروین. ۱۳۹۸. ارائه مدلی برای اندازه‌گیری رابطه بین ریسک‌های مالی و نسبت‌های مالی. *فصلنامه علمی، مطالعات تجربی حسابداری مالی*، سال ۱۶، شماره ۶۳، صص ۱۰۹-۱۲۷.
- اسماعیلی کیا، غریبه و اوشنی، محمد. ۱۴۰۱. پایداری مالی شرکت و گزارشگری مالی متقلبان: نقش کیفیت ساز و کارهای راهبری شرکتی. *مجله دانش حسابداری*، ۳(۲)، ۸۳-۱۰۴.



- امین، وحید و صالح نژاد، سید حسن . ۱۳۹۹. بررسی تأثیر عملکرد پایداری شرکتی بر ارزش افزوده اقتصادی در طی چرخه عمر شرکت. *دانش حسابداری مالی*، ۷(۲)، ۳۰-۱.
- بابائی، فاطمه؛ رحمانی، علی؛ همایون، سعید و امین، وحید . ۱۴۰۰. رابطه بین عملکرد پایداری شرکتی و ارزش شرکت: با تأکید بر نقش امتیاز افشا و اندازه شرکت. *مجله دانش حسابداری*، ۱۲(۳)، ۲۷-۱.
- پاکدلان، سعید؛ آذربراهمان، علیرضا و رفیعی، صالح . ۱۴۰۲. بررسی رابطه ویژگی‌ها و تخصص هیئت‌مدیره و عملکرد پایداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران. *پیشرفت‌های مالی و سرمایه-گذاری*، ۴(۱)، ۵۴-۲۹.
- توکلی، سامان؛ آشتاب، علی. ۱۴۰۰. شناسایی عوامل مؤثر بر ریسک مالی شرکت‌ها با رویکرد معادلات ساختاری. *مدیریت دارایی و تامین مالی*، ۹(۲)، ۷۷-۹۸.
- حسینی، سیدرضا؛ آذین فر، کاوه؛ داداشی، ایمان؛ فلاح، رضا. ۱۴۰۱. تأثیر مدیریت ریسک بر رابطه بین استراتژی گرایش به بازار و استراتژی گرایش به کارآفرینی با ریسک شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۵(۵۶)، ۱۳۷-۱۶۰.
- رستمی، وهاب، مهرآور، مهدی و کارگر، حامد . ۱۴۰۱. تأثیر مدیریت ریسک بر سرعت تعدیل اهرم مالی در مراحل چرخه عمر شرکت‌ها. *پیشرفت‌های حسابداری*، ۱۴(۱)، ۲۲-۱.
- شیربندی، حسین؛ خلوتی، شکور؛ فرمانی، علی. ۱۴۰۲. تأثیر مدیریت ریسک جریان‌های نقدینگی بر ثبات مالی. *پژوهش در حسابداری و علوم اقتصادی*، سال (۷)، شماره (۱)، صص ۹۱-۱۰۴.
- عبادی، مصطفی؛ آذین فر، کاوه؛ داداشی، ایمان؛ فلاح، رضا. ۱۴۰۲. انواع ریسک در مراحل مختلف چرخه عمر با تأکید بر مالکیت شرکت‌ها. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۵(۲)، ۱۱۱-۱۳۹.
- فتحی، محمدحسین؛ حیدری‌نیا، خدیجه. ۱۴۰۳. تأثیر عملکرد پایداری بر مدیریت سرمایه در گردش (شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران). *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*، ۳(۲)، ۴۹-۶۸.
- قادری، صلاح‌الدین و تاری وردی، یداله . ۱۳۹۹. مدل مدیریت ریسک شرکتی و پیامدهای آن در کنترل مؤثر ویژگی‌های سود شرکت. *پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی*، ۱۲(۴۶)، ۷۷-۱۰۶.
- کرمی، شیوا؛ دهقان، عبدالمجید؛ خدادادی، عباس. ۱۳۹۹. نقش ابعاد تصمیم‌گیری و ریسک‌پذیری بر عملکرد مدیران مالی. *نشریه علمی دانش مالی تحلیل اوراق بهادار*، سال ۱۳، شماره ۴۷، صص ۳۳-۵۰.
- کریمی، محمد شریف؛ امام وردی، قدرت اله؛ دباغی، نیشتمان. ۱۳۹۲. ارزیابی و شناسایی مناسب ترین گزینه سرمایه گذاری دارایی و مالی در ایران (در بازه زمانی ۱۳۸۹-۱۳۸۰). *اقتصاد مالی*، ۷(۲۵)، ۱۷۷-۲۰۷.
- محمودآبادی، حمید و زمانی، زینب . ۱۳۹۵. بررسی رابطه بین ریسک‌پذیری شرکت و عملکرد مالی با تأکید بر سازوکارهای راهبری شرکت. *مطالعات تجربی حسابداری مالی*، ۱۲(۴۹)، ۱۷۰-۱۴۱.

- محمودزاده، میثم؛ کیقبادی، امیررضا؛ نوجوان، مهناز؛ سلطانی، فریبا. ۱۴۰۲. رابطه بین ریسک پذیری، ارزش شرکت و قضاوت از مدیریت سود. *قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری*. ۱۳۹-۱۶۲، (۲)۱.
- میری قهدریجانی، نازنین؛ اربابیان، علی اکبر. ۱۳۹۷. تاثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر گزارشگری ریسک. *پژوهش های حسابداری مالی و حسابرسی*. ۱۰۴(۴۰)، ۱۱۱-۱۳۶.
- نبوی چاشمی، سید علی؛ محمد شریفی، نیکو؛ یداله زاده طبری، ناصر علی. ۱۴۰۰. نقش مدیریت ریسک سازمانی بر عملکرد شرکت در فرآیند ادغام و اکتساب با استفاده از الگوی دومرحله‌ای هکمن. *مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار*، شماره ۴۶، صص ۴۳۵-۴۴۸.
- هاشمی، سید عباس؛ قاسمی، محمدرضا و رفیعی شهرکی، احمدرضا. ۱۳۹۸. تأثیر عملکرد پایداری شرکت بر مازاد بازده سهام و سودآوری. *حسابداری و منافع اجتماعی*، (۲)۹، ۱۱۹-۱۳۸.
- Alvarez, I. G., & Ortas, E. 2018. Corporate environmental sustainability reporting in the context of national cultures: A quantile regression approach. *International Business Review*, 26 (2), 35–337. doi: 10.22103/jak.2018.18657.3631.
- Aprilia, GF; Tobing, R L; Tampobolon, L. 2022. The Moderating Effects Of Enterprise Risk Management (Erm) On Managerial Ownership, Leverage, And Company Growth On Company Value In The Financial Industry Sector Listed On Indonesia Stock Exchange 2015-2019. *Primanomics*(2022): Jurnal Ekonomi & Bisnis. 20(2). Pp113-125.
- Arena, M., Arnaboldi, M., & Azzone, G. 2011. Is enterprise risk management real?. *Journal of Risk Research*, 14 (7), 779-797, available at: <https://doi.org/10.1080/13669877.2011.571775>.
- Babenko, Ilona and Bessembinder, Hendrik (Hank) and Tserlukevich, Yuri. 2020. Debt Financing and Risk Management (August 17, 2020). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3675898> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.3675898>
- Bae, K. H., El Ghoul, S., Guedhami, O., Kwok, C.C., & Zheng, Y. 2019. Does corporate social responsibility reduce the costs of high leverage? Evidence from capital structure and product market interactions. *Journal of Banking and Finance*, Vol. 100, 135-150, doi: 10.1016/j.jbankfin.2018.11.007.
- Birkey, R. N., Michelon, G., Patten, D. M., & Sankara, J. 2016. Does assurance on CSR reporting enhance environmental reputation? An examination in the US context. In *Accounting forum* , 40(3), 143–152. <https://doi.org/10.1016/j.accfor.2016.07.001>.
- Bouten, L., Everaert, P., Van Liedekerke, L., De Moor, L., & Christiaens, J. 2011. Corporate social responsibility reporting: a comprehensive picture?. *Accounting Forum*, 35(3), 187-204. <https://doi.org/10.1016/j.accfor.2011.06.007>.
- Brown, J., & Dillard, J. 2014. Integrated reporting: on the need for broadening out and opening up. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 27 (7), 1120-1156. . <https://doi.org/10.1108/AAAJ-04-2013-1313>.
- Cao, J., Liang, H., & Zhan, X. 2019. Peer effects of corporate social responsibility. *Management Science*, 65(12), 5487-5503, doi: 10.1287/mnsc.2018.3100.
- Chandrakant, R., Rajesh, R. 2023. Social sustainability, corporate governance, and sustainability performances: an empirical study of the effects. *J Ambient Intell Human Comput*, 14, 9131–9143. <https://doi.org/10.1007/s12652-022-04417-4>.



- Etges, A.P.B.d.S., Souza, J.S.d., Neto, F.J.K., & Felix, E.A. 2018. A proposed enterprise risk management model for health organizations. *Journal of Risk Research*, 1-19, available at: <https://doi.org/10.1080/13669877.2017.1422780>.
- Feng, Y., Hassan, A., & Elamer, A. A. 2020. Corporate governance, ownership structure and capital structure: Evidence from Chinese real estate listed companies. *International Journal of Accounting & Information Management*, 28(4), 759-783. doi: 10.22103/jak.2020.18863.3658.
- Freeman, R.E., & Reed, D.L. 1983. Stockholders and stakeholders: a new perspective on corporate governance. *California Management Review*, 25 (3), 88-106. <https://doi.org/10.2307/41165018>
- Gordon, Lawrence A. Loeb, Martin P. Tseng, Chih-Yang. 2009. "Enterprise Risk Management and Firm Performance: A Contingency Perspective", *J. Account. Public Policy* 28, PP. 301-327.
- Ho, L., Bai, M., Lu, Y., & Qin, Y. 2021. The effect of corporate sustainability performance on leverage adjustments. *The British Accounting Review*, 53 (5), 100989, doi: 10.1016/j.bar.2021.100989.
- Maas, K., Schaltegger, S., & Crutzen, N. 2016. "Integrating Corporate Sustainability Assessment, Management Accounting, Control, and Reporting", *J. Clean. Prod.*, 1e12. <https://doi.org/10.1016/j.jclepro.2016.05.008>.
- Margolis, J.D., & Walsh, J.P. 2003. Misery loves companies: rethinking social initiatives by business. *Administrative Science Quarterly*, 48(2), 268-305, doi: 10.2307/2F3556659.
- Masanja, Cosmas Renatus. 2022. Audit Committee and Enterprise Risk Management Effectiveness in Tanzania Social Security Funds. *ORSEA Journal Vol. 11(2)*, 2021.PP106-123.
- Moldavska, A., & Welo, T. 2016. Development of Manufacturing Sustainability Assessment Using Systems Thinking. *Sustainability* 8. <https://doi.org/10.3390/su8010005>.
- Moslehpour, M., Chau, K.Y., Tu, Y.T., & et al. 2022. Impact of corporate sustainable practices, government initiative, technology usage, and organizational culture on automobile industry sustainable performance. *Environ Sci Pollut Res* 29, 83907-83920. <https://doi.org/10.1007/s11356-022-21591-2>.
- Oliveira, K., Méxas, M., Meiriño, M., & Drumond, G. 2018. Critical success factors associated with the implementation of enterprise risk management. *Journal of Risk Research*, 1-16, available at: <https://doi.org/10.1080/13669877.2018.1437061>.
- Ruhnke, K., & Gabriel, A. 2013. Determinants of voluntary assurance on sustainability reports: An empirical analysis. *Journal of Business Economics*, 83(9), 1063-1091. <https://doi.org/10.1007/s11573-013-0686-0>.
- Salzmann, A.J. 2013. The integration of sustainability into the theory and practice of finance: an overview of the state of the art and outline of future developments. *Journal of Business Economics*, 83(6), 555-576, doi: 10.1007/s11573-013-0667.
- Taha, R., Al-Omush, A., & Al-Nimer, M. 2023. Corporate sustainability performance and profitability: The moderating role of liquidity and stock price volatility - evidence from Jordan. *Cogent Business & Management*. Volume 10, 2023 - Issue 1. <https://doi.org/10.1080/23311975.2022.2162685>.
- Terol, A.B., Parra, M. A. , & Fernández, V. C. 2022. A model based on Copula Theory for sustainable and social responsible investments. *Revista de Contabilidad*, 19 (1), 55- 76. <https://doi.org/10.1016/j.rcsar.2015.01.003>
- Verbano, C., & Venturini, K. 2011. Development paths of risk management: approaches, methods and fields of application. *Journal of Risk Research*, 14(5), 519-550, available at: <https://doi.org/10.1080/13669877.2010.541562>.



- Woon, L.F., Azizan, N.A., & Abdul Samad, M.F. 2011. A strategic framework for value enhancing enterprise risk management. *Journal of Global Business and Economics*, 2(1), 23-47. http://eprints.utp.edu.my/11573/1/JGBE_Jan2011_LFW_PG23-47.pdf.
- Yaman, S. and Korkmaz, T. 2022. "The Effects of Capital Structure Decisions on Financial Risk and Failure: A Research on BIST Food Companies¹", Grima, S., Özen, E. and Gonzi, R.E.D. (Ed.) *Insurance and Risk Management for Disruptions in Social, Economic and Environmental Systems: Decision and Control Allocations within New Domains of Risk* (Emerald Studies in Finance, Insurance, and Risk Management), Emerald Publishing Limited, Bingley, pp. 117-148.
- Ye, K., & Zhang, R. 2011. Do lenders value corporate social responsibility? Evidence from China. *Journal of Business Ethics*, 104(2), 197-206, doi: 10.1007/s10551-011-0898-6.
- Yoon, B., Lee, J. H., & Byun, R. 2018. Does ESG performance enhance firm value? Evidence from Korea. *Sustainability*, 10(10), 3635. <https://doi.org/10.3390/su10103635>.



**The effect of sustainability performance on the relationship
between organizational risk management
and financial risk of Firms**

Farshid Ahmadi Farsani¹

Alireza Abroud²

Abdolnasser Derakhshan³

Received: 2025/March/31

Accepted: 2025/June/05

Abstract

The optimal and effective management of the risks faced by companies has a very effective role in their efficiency and effectiveness, and in many foreign institutions, they consider a predetermined framework to deal with all kinds of risks facing the company, which is called risk management. The purpose of this study is to investigate the impact of sustainability performance on the relationship between risk management and financial risk of companies. The statistical population of the research is the companies admitted to the Tehran Stock Exchange in the period from 2014 to 2023, and using the systematic elimination screening method, the number of 132 companies was considered as the final sample of the research. The results of the regression test showed that the company's risk management has an inverse effect on the financial risk. Also, the level of corporate sustainability performance affects this relationship. Therefore, by implementing comprehensive risk management programs, the company's financial risks can be reduced in the future, and corporate sustainability performance can also be effective in strengthening this.

Keywords: Financial risk, Corporate sustainability performance, Organizational risk management.

¹ Department of Accounting, Payam Noor University, Tehran, Iran (Corresponding Author)*. ahmadi.farshid@pnu.ac.ir

² Department of Management, Payam Noor University, Tehran, Iran. aabroud@pnu.ac.ir

³ Department of Management, Velayat Iranshahr University, Sistan and Baluchestan, Iran. Nasser-_d1978@yahoo.com



ارائه الگوی علی جهت ارتقاء حافظه فعال مدیران پرتفوی*

رضا آقامحمدی^۱

عبدالرضا تالانه^۲

علی اکبر ارجمندنیا^۳

سیده عاطفه حسینی^۴

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲

چکیده

پژوهش حاضر با هدف ارائه الگوی علی جهت ارتقاء حافظه فعال مدیران با روش دیمتلفازی به اجرا درآمد. این پژوهش از نظر ماهیت و محتوا از نوع توصیفی می‌باشد. در این پژوهش اطلاعات مربوط به ۱۵ نفر از خبرگان و مدیران صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک است که نمونه آماری را تشکیل می‌دهند. نتایج این پژوهش نشان داد که شش عامل اصلی حجم و پیچیدگی اطلاعات، سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی، استرس و فشار روانی، چندوظیفه‌ای بودن، مهارت‌های شناختی و تحلیلی و تجربه حرفه‌ای بر ارتقاء حافظه فعال مدیران تاثیر دارد. همچنین روش دیمتلفازی نشان داد میزان تاثیر گذاری حجم و پیچیدگی اطلاعات برابر ۱/۶۵۰ و بیشترین تاثیر گذاری را بین عوامل دارد همچنین میزان تاثیر پذیری این عوامل برابر ۰/۵۰۶ که کمترین تاثیر پذیری را بین عوامل دارد. حجم و پیچیدگی اطلاعات در بین همه عوامل بیشترین ارتباط یعنی ارتباط برابر با ۱/۱۴۳ دارد و در نهایت میزان اهمیت این عامل برابر ۲/۱۵۶ است که رتبه اول اهمیت و تاثیر گذاری را به خود می‌گیرد و می‌توان گفت یکی از مهمترین عوامل در این تحقیق است.

واژه‌های کلیدی: حافظه فعال، مدیران پرتفوی، الگوی علی.

* مقاله مستخرج از رساله دکتری رضا آقامحمدی به راهنمایی دکتر عبدالرضا تالانه در دانشگاه آزاد اسلامی واحد فیروزکوه می‌باشد.

(۱) گروه حسابداری، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران. r.ahamohammadi@iau.ac.ir

(۲) گروه حسابداری، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران. (نویسنده مسئول). Abdolreza.talaneh@iau.ac.ir

(۳) گروه روانشناسی، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. arjmandnia@ut.ac.ir

(۴) گروه حسابداری، واحد فیروزکوه، دانشگاه آزاد اسلامی، فیروزکوه، ایران. hosseini.atfeeh@iau.ac.ir

۱- مقدمه

در عصر پیچیده و پرچالش اقتصادی کنونی، عملکرد کارآمد و مؤثر مدیران پرتفوی به عنوان یکی از عوامل کلیدی موفقیت در مدیریت سرمایه‌گذاری و بهینه‌سازی تصمیم‌گیری مالی، بیش از پیش اهمیت یافته است (ایروانی و همکاران، ۱۴۰۲). مدیران پرتفوی نه تنها باید توانایی تحلیل و پیش‌بینی تغییرات بازار را داشته باشند، بلکه نیازمند مهارت‌های شناختی برتری نیز هستند که آنها را قادر به پردازش سریع و دقیق اطلاعات پیچیده کند. در این میان، حافظه فعال به عنوان یکی از مؤلفه‌های اساسی توانایی‌های شناختی، نقش کلیدی در انجام وظایف روزمره و تصمیم‌گیری استراتژیک ایفا می‌کند (روبانی^۱ و همکاران، ۲۰۲۴). حافظه فعال، به‌عنوان قابلیت نگهداری و پردازش همزمان اطلاعات در ذهن، به مدیران این امکان را می‌دهد تا از میان انبوهی از اطلاعات، مفاهیم مرتبط را استخراج و به طور دقیق به موقعیت‌های مالی پاسخ دهند. علیرغم توجه قابل توجه به عوامل تکنیکی و داده‌محور در مدیریت پرتفوی، خلأ علمی آشکاری در بررسی نقش فرآیندهای شناختی، به‌ویژه حافظه فعال، در عملکرد مدیران وجود دارد (عرفای جمشیدی و همکاران، ۱۴۰۳). پژوهش‌های پیشین عمدتاً بر مدل‌سازی‌های ریاضی و الگوریتم‌های پیش‌بینی مالی متمرکز بوده‌اند و کمتر به جنبه‌های انسانی و شناختی که تأثیر مستقیمی بر کیفیت تصمیم‌گیری‌ها دارند، پرداخته‌اند. همچنین، درک محدودی از مکانیزم‌های علی و عوامل مؤثر بر تقویت حافظه فعال در زمینه‌های مالی وجود دارد. این کمبود دانش، نه تنها ظرفیت سازمان‌ها را در تربیت مدیران شایسته کاهش می‌دهد، بلکه خطرات تصمیم‌گیری ناکارآمد در محیط‌های پرریسک را نیز افزایش می‌دهد (اسکوت^۲ و همکاران، ۲۰۱۸).

یکی از چالش‌های کلیدی در این حوزه، عدم وجود یک الگوی جامع علی است که ارتباط بین ویژگی‌های شناختی، عوامل محیطی، و عملکرد حافظه فعال را در چارچوب مدیریت پرتفوی بررسی کند. پژوهش‌های انجام‌شده تاکنون بیشتر بر عوامل بیرونی مانند ابزارهای فناوری اطلاعات و دسترسی به داده‌ها متمرکز بوده‌اند و از بررسی عواملی مانند استرس، چندوظیفه‌ای بودن، و نیاز به تصمیم‌گیری سریع غافل مانده‌اند (آوالدین^۳ و همکاران، ۲۰۲۱). این در حالی است که مطالعات روان‌شناختی نشان می‌دهند که حافظه فعال به‌شدت تحت تأثیر این عوامل قرار دارد و بهبود آن می‌تواند به تصمیم‌گیری مالی دقیق‌تر و کاهش خطاهای شناختی منجر شود. از سوی دیگر، تحقیقاتی که به بررسی رابطه بین حافظه فعال و عملکرد مدیران در حوزه مالی پرداخته‌اند، بیشتر جنبه توصیفی داشته و فاقد رویکردی جامع برای تبیین روابط علی میان متغیرها بوده‌اند (قشقایی و همکاران، ۱۴۰۲). این امر باعث می‌شود نتایج این مطالعات به‌سختی در عمل کاربردی شوند و قابلیت تعمیم‌پذیری محدودی داشته باشند. همچنین، نبود ابزارها و تکنیک‌های کاربردی برای ارتقاء حافظه فعال، چالشی دیگر در مسیر بهبود توانایی‌های شناختی مدیران محسوب می‌شود. این پژوهش با هدف رفع این خلأها و ارائه الگویی علی

^۱ Rubbaniy^۲ Scott^۳ Awaludin

برای ارتقاء حافظه فعال مدیران پرتفوی طراحی شده است (اسلانی و همکاران، ۱۴۰۲). با بهره‌گیری از روش‌های تحقیق ترکیبی و ادغام نظریات شناختی با یافته‌های تجربی در حوزه مدیریت مالی، تلاش خواهد شد تا مکانیزم‌های تأثیرگذار بر حافظه فعال شناسایی و استراتژی‌هایی برای بهبود آن ارائه شود. این الگو نه تنها به شناخت بهتر از فرآیندهای ذهنی مدیران کمک می‌کند، بلکه راهکارهایی عملی برای توانمندسازی آنان در مواجهه با چالش‌های پیچیده بازارهای مالی ارائه خواهد کرد (ابراهیم نژاد و همکاران، ۱۴۰۰). نتایج این تحقیق می‌تواند راهگشای ارتقاء کیفیت مدیریت پرتفوی و کاهش ریسک‌های تصمیم‌گیری باشد و به‌عنوان مبنایی برای توسعه برنامه‌های آموزشی و مداخلات شناختی در این زمینه عمل کند. علاوه بر این، پژوهش حاضر با رویکرد علی خود، به شکاف موجود در ادبیات علمی پاسخ می‌دهد و به بدنه دانش در حوزه روان‌شناسی شناختی و مدیریت مالی افزوده خواهد شد. از این رو هدف اصلی این تحقیق ارائه الگوی علی جهت ارتقاء حافظه فعال مدیران پرتفوی می‌باشد.

۲- چارچوب نظری

حافظه فعال، بخشی از سیستم شناختی است که مسئول نگهداری و پردازش اطلاعات به‌صورت همزمان در ذهن است و در تصمیم‌گیری‌های پیچیده و تحلیلی کاربرد فراوان دارد. مدیران پرتفوی، به دلیل نیاز به تجزیه و تحلیل سریع داده‌های مالی، پیش‌بینی روندهای بازار، و واکنش به شرایط متغیر، به حافظه فعال قوی نیازمندند. این مهارت به آنها کمک می‌کند تا اطلاعات چندمنبعی را تلفیق کرده، تصمیم‌های استراتژیک بگیرند و به تغییرات محیطی پاسخ دهند (کیم^۱ و همکاران، ۲۰۲۳). ضعف در حافظه فعال ممکن است منجر به خطاهای شناختی و تصمیم‌گیری ناکارآمد شود. مدیران پرتفوی اغلب با حجم عظیمی از داده‌ها و محدودیت‌های زمانی مواجه هستند. حافظه فعال، قابلیت مدیریت این فشارها را از طریق تمرکز بر اطلاعات مهم و حذف داده‌های غیرضروری فراهم می‌کند. این ویژگی، به‌ویژه در محیط‌های پرتنش و پویای مالی، اهمیت دوچندان می‌یابد (سوود^۲ و همکاران، ۲۰۲۲). توانایی تقویت حافظه فعال می‌تواند موجب افزایش دقت تحلیل‌ها، کاهش استرس شناختی و بهبود عملکرد کلی مدیران شود. درک عوامل مؤثر بر حافظه فعال، گام مهمی در طراحی مداخلات بهبوددهنده است.

۲-۱- حجم و پیچیدگی اطلاعات

حجم و پیچیدگی اطلاعات به عنوان یکی از مهم‌ترین عواملی که بر حافظه فعال مدیران پرتفوی تأثیر می‌گذارد، شناخته می‌شود. در دنیای امروز، مدیران پرتفوی با سیلابی از داده‌های مالی، اقتصادی و بازارهای جهانی مواجه هستند که پردازش و تحلیل آنها نیازمند ظرفیت بالای حافظه فعال است (حدادزاده و همکاران، ۱۴۰۳). اطلاعات

¹ Kim

² Sood

پیچیده و گسترده باعث می‌شود که مدیران نتوانند تمامی اطلاعات را به‌طور هم‌زمان و با دقت پردازش کنند، به خصوص زمانی که با اطلاعات متناقض یا گیج‌کننده روبه‌رو می‌شوند. این امر موجب افزایش بار شناختی و کاهش توانایی تصمیم‌گیری به موقع می‌شود. برای کاهش این اثرات، استفاده از ابزارهای هوش مصنوعی، تحلیل داده‌ها و سیستم‌های پشتیبانی تصمیم‌گیری می‌تواند به کاهش پیچیدگی و بهبود عملکرد حافظه فعال کمک کند. همچنین، مدیران باید قادر به اولویت‌بندی اطلاعات و فیلتر کردن داده‌های غیرضروری باشند تا حافظه فعال خود را در مواجهه با این حجم از اطلاعات بهینه نگه دارند (ناکرا^۱ و همکاران، ۲۰۲۲).

۲-۲- چندوظیفه‌ای بودن

چندوظیفه‌ای بودن به معنای انجام هم‌زمان چندین وظیفه یا فعالیت در شرایط فشار زمانی است. مدیران پرتفوی معمولاً با این چالش روبه‌رو هستند که نیاز دارند هم‌زمان به تحلیل داده‌ها، برقراری ارتباط با مشتریان، تدوین استراتژی‌های سرمایه‌گذاری و نظارت بر عملکرد پرتفوی بپردازند. انجام این فعالیت‌ها به‌طور هم‌زمان باعث افزایش بار شناختی و فشار بر حافظه فعال می‌شود (تان^۲ و همکاران، ۲۰۲۳). به‌ویژه زمانی که اطلاعات باید در لحظه پردازش و تصمیم‌گیری شود، این موضوع می‌تواند به اشتباهات شناختی و کاهش دقت منجر گردد. تحقیقات نشان داده‌اند که حافظه فعال محدود است و انجام چندوظیفه‌ای موجب کاهش دقت و سرعت پردازش اطلاعات می‌شود. برای بهبود کارایی حافظه فعال، مدیران باید تمرکز خود را روی یک یا چند وظیفه در زمان‌های خاص بگذارند و از ابزارهای کمک‌کننده برای تقسیم وظایف استفاده کنند (نارهواتی^۳ و همکاران، ۲۰۲۱).

۳-۲- استرس و فشار روانی

استرس و فشار روانی از دیگر عواملی هستند که می‌توانند تأثیرات منفی جدی بر حافظه فعال داشته باشند. مدیران پرتفوی معمولاً در معرض شرایط بسیار استرس‌زا و تصمیم‌گیری‌های حساس قرار دارند. فشار روانی ناشی از تصمیمات مالی می‌تواند بر توانایی پردازش و ذخیره اطلاعات تأثیر بگذارد. تحقیقات نشان می‌دهند که استرس بالا منجر به کاهش توانایی حافظه فعال در پردازش اطلاعات پیچیده می‌شود. وقتی افراد تحت فشار قرار می‌گیرند، تمایل به پردازش اطلاعات کمتری دارند و ممکن است تصمیمات اشتباهی بگیرند. بنابراین، مهم است که سازمان‌ها به سلامت روانی مدیران اهمیت دهند و شرایطی را فراهم کنند که مدیران بتوانند در آرامش و بدون فشار زیاد، تصمیم‌گیری کنند. روش‌هایی مانند آموزش مدیریت استرس، تمرینات ذهن‌آگاهی و فضاهای کاری آرام می‌توانند به کاهش فشار روانی و بهبود حافظه فعال کمک کنند (زندى و همکاران، ۱۴۰۳).

¹ Nucera

² Tan

³ Nurhayati

۲-۴- مهارت‌های شناختی و تحلیلی

مهارت‌های شناختی و تحلیلی تأثیر قابل توجهی بر حافظه فعال دارند. مدیران پرتفوی با نیاز به تحلیل دقیق داده‌های مالی، شناسایی روندهای بازار و پیش‌بینی شرایط اقتصادی روبه‌رو هستند. توانایی فرد در پردازش و تجزیه و تحلیل این اطلاعات به‌طور مستقیم بر کیفیت تصمیم‌گیری‌های آن‌ها تأثیر دارد. مهارت‌های شناختی مانند توانایی تفکر انتقادی، حل مسئله و استدلال منطقی موجب بهبود عملکرد حافظه فعال می‌شود. مدیرانی که توانایی تحلیل دقیق اطلاعات و شناسایی الگوهای پنهان در داده‌ها را دارند، معمولاً می‌توانند بهتر اطلاعات را پردازش و ذخیره کنند. به همین دلیل، آموزش‌های مستمر و تقویت مهارت‌های شناختی از جمله استراتژی‌هایی هستند که می‌توانند حافظه فعال را بهبود بخشند و به مدیران کمک کنند که تصمیمات بهتری اتخاذ کنند (انوشه و همکاران، ۱۴۰۲).

۲-۵- سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی

سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی به مدیران پرتفوی این امکان را می‌دهند که داده‌های مالی و اقتصادی را به‌طور مؤثرتر و سریع‌تر پردازش کنند. استفاده از این سیستم‌ها می‌تواند بار شناختی مدیران را کاهش دهد و آن‌ها را قادر سازد که تصمیمات بهتری اتخاذ کنند. سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته می‌توانند داده‌ها را به‌صورت بصری و ساده‌تری ارائه دهند و به این ترتیب حافظه فعال مدیران را تسهیل کنند (میرلوحی و همکاران، ۱۴۰۰). به‌علاوه، این سیستم‌ها می‌توانند اطلاعات را به‌صورت به‌روز و دقیق در اختیار مدیران قرار دهند و آن‌ها را در تجزیه و تحلیل روندها و شناسایی فرصت‌های جدید یاری کنند. برای استفاده بهینه از این سیستم‌ها، آموزش‌های مستمر و بروزرسانی‌های نرم‌افزاری ضروری است تا مدیران بتوانند از آن‌ها به‌طور مؤثر بهره‌برداری کنند (زندى و همکاران، ۱۴۰۳).

۲-۶- تجربه حرفه‌ای

تجربه حرفه‌ای به‌طور مستقیم با بهبود حافظه فعال در ارتباط است. مدیرانی که تجربه بیشتری در مدیریت پرتفوی دارند، معمولاً از توانایی بهتری در پردازش اطلاعات و تصمیم‌گیری برخوردارند. تجربه باعث می‌شود که مدیران قادر به شناسایی الگوها و روندهای بازار شوند و این توانایی به آن‌ها کمک می‌کند تا اطلاعات را سریع‌تر پردازش و اولویت‌بندی کنند. به‌علاوه، تجربه حرفه‌ای به مدیران کمک می‌کند تا در موقعیت‌های پرتنش و استرس‌زا عملکرد بهتری داشته باشند. آن‌ها معمولاً بهتر می‌توانند تصمیمات به موقع و دقیق اتخاذ کنند زیرا با انواع مختلف شرایط



و چالش‌ها آشنا هستند. در نتیجه، کسب تجربه بیشتر از طریق شبیه‌سازی، آموزش‌های تخصصی و کار عملی می‌تواند حافظه فعال را تقویت کند و به مدیران در اتخاذ تصمیمات بهتری کمک کند (نارهواتی^۱ و همکاران، ۲۰۲۱).

۳- پیشینه پژوهش

کرمی و همکاران (۱۴۰۳) در تحقیق خود به ارزیابی تاثیر انگیزش نمایندگی مدیران برانتخاب پرتفوی سرمایه گذاری در چارچوب تئوری چشم انداز پرداختند. تئوری نمایندگی عمدتاً به تضاد منافع موجود بین مدیریت و مالکیت اشاره دارد که ممکن است با وجود مشوق در قرارداد، مدیران رفتار متفاوتی در سرمایه گذاری داشته باشند. براین اساس، در مقاله حاضر ضمن بررسی مفاهیم مالی رفتاری، تئوری پرتفوی رفتاری تبیین شده و سپس به ارزیابی تاثیر انگیزش نمایندگی مدیران برانتخاب پرتفوی سرمایه گذاری در چارچوب تئوری چشم انداز پرداخته شده است. در پژوهش حاضر داده های ده ساله بازدهی شاخص قیمت و بازدهی نقدی بورس اوراق بهادار از ابتدای سال ۱۳۸۹ تا پایان سال ۱۳۹۸ مورد استفاده قرار گرفته و ضمن تفکیک داده های آزمون به دویخش داده های آزمون و ارزیابی براساس بازدهی های سه ماهه هفت سال اول، پرتفوی رفتاری پیشنهادی مبتنی بر انگیزش و تئوری چشم انداز تشکیل و محاسبه بازدهی و ریسک برای ۸۱ پرتفوی پیشنهادی برای دوره سه ساله آتی مورد بررسی قرار گرفته است. آزمون آماری فرضیه های تحقیق در سطح خطای ۵ درصد حاکی از آنست هرچند بازدهی پرتفوی حاصله در دومدل کلاسیک و رفتاری تفاوت معناداری نداشته لیکن ریسک پرتفوی مالی رفتاری کمتر از ریسک پرتفوی کلاسیک بوده است.

ایروانی و همکاران (۱۴۰۲) در تحقیق خود بهارائه مدل حاصل از کارکرد منابع قدرت در سنجش عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی پرداختند. امروزه کارایی و اثربخشی هر سازمان به شکل قابل توجهی به شیوه مدیریت و کاربرد صحیح و مؤثر منابع انسانی بستگی دارد. همچنین مدیران می توانند با افزایش بازدهی پرتفوی و متعاقباً جذب نقدینگی موجود در اقتصاد کشور به ارتقاء فعالیتهای مولد اقتصادی و کارایی بازارهای مالی کمک کنند. پژوهش حاضر با هدف بررسی تأثیر منابع قدرت بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی به اجرا درآمد. این پژوهش از نظر ماهیت و محتوا از نوع همبستگی می باشد. در این تحقیق اطلاعات مربوط به ۶۶ صندوق سرمایه گذاری پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در بازه زمانی ۱۳۹۹/۰۱/۰۱ تا ۱۳۹۹/۱۲/۳۰ است که نمونه آماری را تشکیل داده اند. نتایج این پژوهش نشان داد که قدرت مدیران بر عملکرد صندوق های سرمایه گذاری و کیفیت گزارشگری مالی تاثیر دارد، همچنین متغیر عملکرد شرکت به عنوان متغیر میانجی وارد رابطه بین قدرت مدیران و کیفیت گزارشگری مالی می شود.

احمد (۲۰۲۴)، در تحقیق خود به نقش حافظه فعال و خبرگی در فعالیت های مدیریت سرمایه گذاری پرداختند. برای انجام این پژوهش، رویکرد مروری نظام مند ادبیات با در نظر گرفتن مطالعات پژوهشی منتشر شده

¹ Nurhayati

در بازه زمانی، یعنی ۱۹۸۰-۲۰۲۰ به کار گرفته شد. این مطالعه سعی کرد یک بررسی انتقادی از ۵۹ مطالعه از ۱۱۸ مطالعه شناسایی شده را انجام دهد که در مجلات معتبر منتشر شد تا ادبیات موجود در حوزه مالی رفتاری را که به طور صریح مرتبط با اکتشافی مبتنی بر شناخت و تأثیر آنها بر فعالیت های مدیریت سرمایه گذاری است، ترکیب کند. بررسی و تجزیه و تحلیل نشان می دهد که سرمایه گذاران به طور مداوم بر تعصبات مبتنی بر شناخت مبتنی بر شناسایی و حافظه فعال تکیه می کنند، زمانی که معاملات سهام، منجر به تصمیم گیری های غیرمنطقی می شود، و یک استراتژی سرمایه گذاری که با اجرای اکتشافی مبتنی بر شناسایی ساخته می شود، منجر به بازده بهتری برای سرمایه گذاران نمی شود. اساس سرمایه گذاران نهادی در مقایسه با سرمایه گذاران فردی کمتر تحت تأثیر این سوگیری های رفتاری مبتنی بر نام قرار می گیرند. با این حال، در چارچوب عقلانیت زیست محیطی، اکتشافی مبتنی بر شناخت بهتر عمل می کند و گاهی اوقات بر روش های کلاسیک تسلط دارد. محققان پژوهشی از جامعه مالی رفتاری تأکید کرده اند که اکتشافی مبتنی بر شناخت و تأثیر آنها بر فعالیت های مدیریت سرمایه گذاری، حوزه های با مشخصات بالایی هستند که باید در زمینه مالی رفتاری بیشتر مورد بررسی قرار گیرند. مطالعه سوگیری های مبتنی بر اکتشاف مبتنی بر شناسایی در زمینه اقتصادهای نوظهور مانند پاکستان ناکافی است.

دار^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در تحقیق خود به پیش بینی عملکرد اجرایی و خودکارآمدی مالی، رفاه مالی ذهنی را از طریق رفتارهای مالی مثبت پرداختند. رفاه مالی وضعیت مطلوبی است زیرا به نفع افراد، خانواده ها، سازمان ها و جامعه است و این مزایا فراتر از حوزه مالی است. ما رفاه مالی را به عنوان دو مؤلفه (استرس مالی فعلی و امنیت مالی مورد انتظار آینده) ارزیابی کردیم و از داده های نمونه نماینده بزرگسالان در بریتانیا (n = 411) استفاده کردیم. مطالعه ما بینش های جدیدی را بر اساس فرضیه های از پیش ثبت شده، روش، و طرح تحلیل در چارچوب علوم باز ارائه می دهد. ما فرض کردیم که هم عملکرد اجرایی و هم خودکارآمدی مالی از طریق رفتارهای مالی مثبت با رفاه مالی مرتبط هستند. ما همچنین فرض کردیم که عملکرد اجرایی رابطه غیرمستقیم خودکارآمدی مالی با رفاه مالی را تعدیل می کند و خودکارآمدی مالی رابطه غیرمستقیم عملکرد اجرایی با رفاه مالی را تعدیل می کند. همانطور که پیش بینی شد، نتایج نشان داد که خودکارآمدی مالی از طریق رفتارهای مالی مثبت به طور قوی با رفاه مالی مرتبط است. نتایج ما نشان نداد که عملکرد اجرایی با رفاه مالی از طریق رفتارهای مالی مثبت مرتبط است و همچنین عملکرد اجرایی یا خودکارآمدی مالی به عنوان تعدیل کننده عمل نمی کند. این مطالعه راهبردهای ممکن را برای پزشکان مالی و ارائه دهندگان خدمات ارائه می دهد تا به افراد و خانواده ها کمک کند تا رفتارهای مالی و رفاه مالی خود را بهتر کنند.

¹ Dare

مارنویک^۱ و همکاران (۲۰۲۳)، در تحقق خود به موفقیت در مدیریت پورتفولیو پرداختند. مدیریت پورتفولیو بر دستیابی به استراتژی ها و اهداف سازمانی متمرکز است. اجرای استراتژی ها و اهداف سازمانی ممکن است از ماه ها تا سال ها طول بکشد. رشته مدیریت پورتفولیو ریشه های خود را مدیون مقاله مهمی است که در سال ۱۹۵۲ نوشته شد، که در آن هری مارکوویتز اساس نظریه پورتفولیو مدرن (MPT) را ارائه کرد. MPT امکان تعیین ترکیب خاصی از سرمایه گذاری ها را فراهم می کند که بالاترین بازده را برای سطح معینی از ریسک ایجاد می کند. هدف مدیریت پرتفوی تنوع بخشیدن به سرمایه گذاری ها به گونه ای است که ریسک کل یک سبد را کاهش دهد، اما این امر باید به شیوه و روشی موثر انجام شود. در حوزه مدیریت پورتفولیو، هدف بهینه سازی کل ارزش مالی تمام پروژه های درون یک سبد است، اما در عین حال، قرار گرفتن در معرض ریسک باید به حداقل برسد. سازمان ها باید ساختارهای عملکردی را ایجاد کنند که مدیریت پورتفولیو را در اختیار دارند و ارائه می کنند.

۳-سوالات پژوهش

- (۱) عوامل موثر بر ارتقاء حافظه فعال مدیران کدامند؟
- (۲) بر اساس روش دیمتل فازی چه مدل علی جهت ارتقاء حافظه فعال مدیران پرتفوی پیشنهاد می شود؟

۴-روش شناسی پژوهش

از نظر شیوه گردآوری و تحلیل اطلاعات، این پژوهش توصیفی و از نظر هدف کاربردی و از نظر روش اسنادی می باشد. در این تحقیق از روش دیمتل استفاده شده است. روش دیمتل روشی شناخته شده و جامع برای به دست آوردن یک مدل علی است. روش دیمتل فازی به بررسی روابط بین معیارها می پردازد و توسط ماتریس ارتباط کل معیارهای تاثیرگذار و تاثیرپذیر (یا به عبارتی دیگر معیارهای علی و معلول) را مشخص می سازد. با توجه به اینکه در این تحقیق ارائه الگوی علی مدنظر است لذا از روش دیمتل جهت بررسی سوالات استفاده شده است. جهت جمع آوری داده ها از ابزار پرسشنامه مقایسات زوجی استفاده می شود. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خبرگان و مدیران صندوق های سرمایه گذاری مشترک می باشد که ۱۵ نفر جهت نظر سنجی و تعیین روابط علی و معلولی انتخاب شد. روش انتخاب نمون در این تحقیق بصورت هدفمند و شرایط ورود خبرگان به عنوان نمونه ویژگی های زیر می باشند:

- سابقه کاری بیشتر از ۱۰ سال
- عضو مدیران صندوق های سرمایه گذاری مشترک داخلی باشند.

¹ Mamewick

پرسشنامه این تحقیق بصورت پرسشنامه مقایسات زوجی بر اساس ۶ عامل اصلی حجم و پیچیدگی اطلاعات، سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی، استرس و فشار روانی، چندوظیفه‌ای بودن، مهارت‌های شناختی و تحلیلی و تجربه حرفه‌ای طراحی شد.

۵- یافته‌های پژوهش

واکاوی اطلاعات فرایندی چند مرحله‌ای است که طی آن پس از گردآوری داده‌ها و محاسبه مقادیر متغیرهای مورد نظر برای بررسی سوالات پژوهش، اطلاعات حاصله مورد آزمون قرار گرفته و بر اساس یافته حاصل از نتایج، به جواب سوالات اقدام می‌گردد.

سوال ۱: عوامل موثر بر ارتقاء حافظه فعال مدیران کدامند؟

بر اساس مبانی نظری، حجم و پیچیدگی اطلاعات یکی از عوامل مهم تأثیرگذار بر حافظه فعال مدیران پرتفوی است. این عامل به میزان و نوع اطلاعاتی اشاره دارد که مدیران باید پردازش کنند. اطلاعات پیچیده و گسترده می‌تواند بار شناختی مدیران را افزایش داده و توانایی آن‌ها را در پردازش صحیح اطلاعات محدود کند. سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی به مدیران این امکان را می‌دهند که داده‌ها را به شیوه‌ای سازمان‌یافته‌تر و قابل‌دسترس‌تر پردازش کنند. این سیستم‌ها می‌توانند حجم اطلاعات را کاهش داده و تصمیم‌گیری را تسهیل کنند. استرس و فشار روانی نیز به‌عنوان یک عامل محدودکننده حافظه فعال در نظر گرفته می‌شود. فشار روانی ناشی از مسئولیت‌های تصمیم‌گیری می‌تواند توانایی فرد را در پردازش و نگهداری اطلاعات کاهش دهد. چندوظیفه‌ای بودن یکی دیگر از عواملی است که می‌تواند بر حافظه فعال اثرگذار باشد. مدیرانی که به انجام هم‌زمان چندین وظیفه می‌پردازند، معمولاً با کاهش کارایی حافظه فعال مواجه می‌شوند چرا که پردازش چندین اطلاعات هم‌زمان موجب افزایش بار شناختی می‌شود. مهارت‌های شناختی و تحلیلی در تقویت حافظه فعال نقش مهمی دارند. مدیرانی که توانایی تفکر تحلیلی و پردازش دقیق اطلاعات را دارند، می‌توانند حافظه فعال خود را بهتر مدیریت کرده و تصمیمات مؤثرتری اتخاذ کنند. در نهایت، تجربه حرفه‌ای به‌عنوان یک عامل دیگر بر حافظه فعال تأثیرگذار است. مدیران با تجربه بیشتر قادر به پردازش و ذخیره‌سازی اطلاعات پیچیده به‌طور مؤثرتری هستند زیرا با شرایط و چالش‌های مختلف آشنا هستند و می‌توانند از تجربیات گذشته خود بهره‌برداری کنند.

سوال ۲: بر اساس روش دیمتل فازی چه مدل علی جهت ارتقاء حافظه فعال مدیران پرتفوی پیشنهاد می‌شود؟

در این بخش تحقیق درصدد تعیین روابط علت و معلولی بین عوامل موثر بر ارتقاء حافظه فعال مدیران است لذا در ادامه یافته‌های حاصل هر یک از مراحل دیمتل فازی ارائه می‌گردد.



مرحله ۱: طراحی مقیاس زبانی فازی: برای مقابله با ابهامات ارزیابی بشر، متغیر زبانی "تاثیر" با پنج اصطلاح زبانی مانند {نه، بسیار پایین، پایین، بالا، بسیار بالا} استفاده می‌شود که در اعداد مثبت مثلثی فازی بیان شده است.

جدول (۱) مقیاس های زبانی فازی

گزینه های زبانی	اعداد قطعی	اعداد فازی مثلثی
تاثیر خیلی زیاد	۴	(0/75, 1, 1)
تاثیر زیاد	۳	(0/5, 0/75, 1)
تاثیر متوسط	۲	(0/25, 0/5, 0/75)
تاثیر کم	۱	(00, 0/25, 0/5)
بدون تاثیر	۰	(0,0, 0/25)

منبع: یافته های پژوهشگر

مرحله ۲: محاسبه فازی ماتریس تاثیر مستقیم: بر اساس نظرات کارشناسان با مقیاسهای زبانی از زبان طبیعی و ارتباط میان عناصر بر اساس جدول ۲ ماتریس تاثیر مستقیم فازی $\tilde{D}$ را می توان با فرمول زیر بدست آورد

$$\tilde{D} = [\tilde{d}_{ij}]_{n \times n}; \text{ که } \tilde{d}_{ij} = (d_{ij}^l; d_{ij}^m; d_{ij}^r)$$

در جدول زیر ماتریس فازی تاثیر مستقیم منتج شده از نظرات کارشناسان برای ۶ عامل اصلی ارائه گردیده است.

جدول ۲- ماتریس فازی تاثیر مستقیم برای شش عامل اصلی

چندوظیفه‌ای بودن	مهارت‌های شناختی و تحلیلی	تجربه حرفه‌ای	حجم و پیچیدگی اطلاعات	استرس و فشار روانی	سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	ماتریس D
0.00 0.05 0.30	0.00 0.03 0.28	0.02 0.22 0.47	0.00 0.03 0.28	0.03 0.27 0.52	0.00 0.00 0.25	سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی
0.00 0.02 0.27	0.00 0.05 0.30	0.00 0.25 0.50	0.00 0.08 0.33	0.00 0.00 0.25	0.00 0.03 0.28	استرس و فشار روانی
0.00 0.22 0.47	0.00 0.75 0.75	0.25 0.50 1.00	0.00 0.00 0.25	0.75 1.00 1.00	0.50 0.75 0.98	حجم و پیچیدگی اطلاعات
0.00 0.07 0.32	0.00 0.28 0.28	0.00 0.25 0.25	0.00 0.00 0.25	0.03 0.25 0.50	0.00 0.05 0.30	تجربه حرفه‌ای
0.00 0.03 0.28	0.00 0.25 0.25	0.03 0.23 0.48	0.00 0.02 0.27	0.32 0.57 0.82	0.00 0.25 0.50	مهارت‌های شناختی و تحلیلی
0.00 0.00 0.25	0.00 0.75 0.75	0.25 0.50 0.48	0.00 0.02 0.27	0.53 0.78 0.98	0.03 0.25 0.50	چندوظیفه‌ای بودن

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مرحله ۳: نرمال کردن ماتریس تاثیر مستقیم فازی: بر اساس ماتریس تاثیر مستقیم فازی $\tilde{D}$ می توان ماتریس تاثیر مستقیم فازی نرمال شده $\tilde{N}$ را با استفاده از فرمول زیر به دست آورد.

$$\tilde{N} = [\tilde{e}_{ij}]_{n \times n}; \tilde{e}_{ij} = (e_{ij}^l; e_{ij}^m; e_{ij}^r)$$

در جدول (۴-۵) حالت نرمال شده ی ماتریس فازی تاثیر مستقیم منتج شده از نظرات کارشناسان برای شش عامل اصلی ارائه گردیده است.

جدول ۳- نرمال شده ی ماتریس تاثیر مستقیم فازی برای شش عامل اصلی

ماتریس N	سیستم های پشتیبانی اطلاعاتی			استرس و فشار روانی			حجم و پیچیدگی اطلاعات			تجربه حرفه‌ای			مهارت‌های شناختی و تحلیلی			چندوظیفه‌ای بودن		
سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	0.00	0.00	0.06	0.02	0.08	0.12	0.00	0.01	0.06	0.01	0.06	0.10	0.00	0.01	0.06	0.00	0.01	0.00
استرس و فشار روانی	0.00	0.01	0.06	0.00	0.00	0.06	0.00	0.02	0.07	0.00	0.00	0.06	0.00	0.01	0.07	0.00	0.00	0.00
حجم و پیچیدگی اطلاعات	0.23	0.22	0.22	0.34	0.29	0.22	0.00	0.00	0.06	0.32	0.28	0.22	0.11	0.15	0.17	0.00	0.06	0.10
تجربه حرفه‌ای	0.00	0.01	0.07	0.02	0.07	0.11	0.00	0.00	0.06	0.00	0.00	0.06	0.00	0.01	0.06	0.00	0.02	0.00
مهارت‌های شناختی و تحلیلی	0.00	0.07	0.11	0.14	0.17	0.18	0.00	0.00	0.06	0.02	0.07	0.11	0.00	0.00	0.06	0.00	0.01	0.00
چندوظیفه‌ای بودن	0.02	0.07	0.11	0.24	0.23	0.22	0.00	0.00	0.06	0.02	0.07	0.11	0.11	0.15	0.17	0.00	0.00	0.00

منبع: یافته های پژوهشگر

مرحله ۴: به دست آوردن ماتریس تاثیر کل فازی: هنگامی که ماتریس تاثیر مستقیم فازی نرمال شده N بدست آمد، که ماتریس تاثیر کل فازی $\tilde{T}$ از طریق معادله زیر بدست می آید که I یک ماتریس واحد است:

$$\tilde{T} = N * (I - N)^{-1}$$

در جدول زیر ماتریس تاثیر کل فازی منتج شده از ماتریس تاثیر مستقیم فازی برای شش عامل اصلی ارائه گردیده است.

جدول ۴- ماتریس تاثیر کل فازی برای شش عامل اصلی

ماتریس N	سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی			استرس و فشار روانی			حجم و پیچیدگی اطلاعات			تجربه حرفه‌ای			مهارت‌های شناختی و تحلیلی			چندوظیفه‌ای بودن		
سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	0.00	0.01	1.16	0.02	0.09	0.26	0.00	0.01	0.13	0.01	0.07	0.21	0.00	0.02	0.16	0.00	0.02	0.14
استرس و فشار روانی	0.00	0.02	0.15	0.00	0.01	1.19	0.00	0.03	0.13	0.00	0.01	0.15	0.00	0.02	0.15	0.00	0.01	0.12
حجم و پیچیدگی اطلاعات	0.23	0.25	0.42	0.37	0.38	0.51	0.00	0.01	1.19	0.32	0.31	0.43	0.11	0.17	0.35	0.00	0.08	0.25
تجربه حرفه‌ای	0.00	0.02	0.16	0.02	0.08	0.25	0.00	0.00	0.12	0.00	0.00	1.15	0.00	0.01	0.15	0.00	0.02	0.14
مهارت‌های شناختی و تحلیلی	0.00	0.08	0.23	0.14	0.19	0.35	0.00	0.01	0.14	0.02	0.08	0.23	0.00	0.01	1.17	0.00	0.01	0.15
چندوظیفه‌ای بودن	0.02	0.09	0.26	0.26	0.27	0.43	0.00	0.01	0.16	0.02	0.09	0.26	0.11	0.15	0.30	0.00	0.01	1.16

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مرحله ۵: دی فازی کردن به مقادیر قطعی: با استفاده از روش سی اف سی اس، ماتریس تاثیر کل فازی به ارزش های قطعی به ماتریس تاثیرات کل دیفازی تبدیل می‌شود. در جدول زیر ماتریس دی فازی شده به مقادیر قطعی منتج شده از ماتریس تاثیر کل فازی و با استفاده از فرمول های زیر برای شش عامل اصلی ارائه گردیده است.

$$T^D = \frac{T_l + 2T_m + T_r}{4}$$

جدول ۵- ماتریس دیفازی شده (اعداد قطعی) برای شش عامل اصلی

	سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	استرس و فشار روانی	حجم و پیچیدگی اطلاعات	تجربه حرفه‌ای	مهارت‌های شناختی و تحلیلی	چندوظیفه‌ای بودن
سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	0.293	0.116	0.039	0.089	0.048	0.044
استرس و فشار روانی	0.047	0.303	0.045	0.042	0.047	0.034
محیط اقتصادی و شرایط کلان	0.285	0.412	0.305	0.345	0.202	0.101
تجربه حرفه‌ای	0.050	0.107	0.031	0.290	0.045	0.045
مهارت‌های شناختی و تحلیلی	0.098	0.217	0.040	0.101	0.296	0.045
چندوظیفه‌ای بودن	0.115	0.310	0.047	0.116	0.181	0.294

منبع: یافته‌های پژوهشگر

مرحله ۶: محاسبه ی مقدار آستانه

جمع کل: ۵/۲۲

مقدار آستانه: ۰/۱۴۵۱۲۶



با توجه به مقدار آستانه‌ی حاصل شده، در روابط بین عوامل جدول دیفازی، ارتباط بین ابعاد که مقدار آنها کمتر از حد آستانه است در نظر گرفته نمی‌شود.

جدول ۶- ماتریس دیفازی شده خالص (اعداد قطعی خالص) برای شش عامل اصلی

چندوظیفه‌ای بودن	مهارت‌های شناختی و تحلیلی	تجربه حرفه‌ای	حجم و پیچیدگی اطلاعات	استرس و فشار روانی	سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	
0	0	0	0	0	سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	1
0	0	0	0	1	استرس و فشار روانی	0
0	1	1	1	1	محیط اقتصادی و شرایط کلان	1
0	0	1	0	0	تجربه حرفه‌ای	0
0	1	0	0	1	مهارت‌های شناختی و تحلیلی	0
1	1	0	0	1	چندوظیفه‌ای بودن	0

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول فوق حجم و پیچیدگی اطلاعات بر همه عوامل دیگر به غیر از چندوظیفه‌ای بودن تأثیر خالص می‌گذارد ولی تأثیر خالص نمی‌گیرد و از طرفی حجم و پیچیدگی اطلاعات و چندوظیفه‌ای بودن از هیچکدام از عوامل، تأثیر خالص نمی‌گیرد

مرحله ۷: تعیین میزان اهمیت و تأثیرگذاری و تأثیرپذیری بین ابعاد

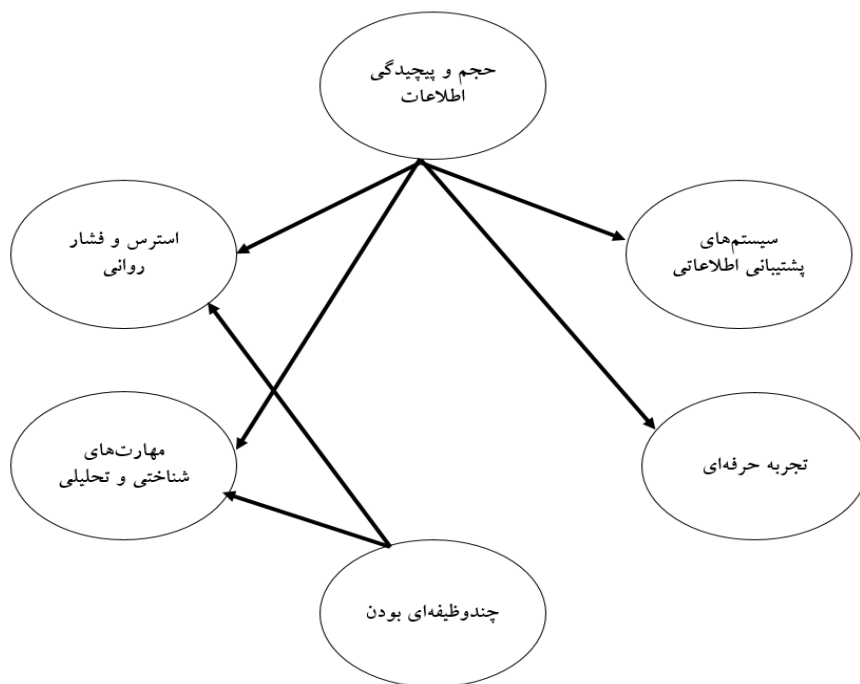
جدول زیر میزان تأثیرگذاری (D) و تأثیرپذیری (R)، میزان ارتباط با بقیه عوامل (D-R) و میزان اهمیت عامل (D+R) بین ابعاد را برای شش عامل اصلی بصورت جدولی ارائه می‌دهد.

جدول ۷- اهمیت و تأثیرگذاری ابعاد (اعداد قطعی) برای شش عامل اصلی

	D	R	D-R	D+R
سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی	0.629	0.887	-0.258	1.517
استرس و فشار روانی	0.520	1.465	-0.945	1.985
حجم و پیچیدگی اطلاعات	1.650	0.506	1.143	2.156
تجربه حرفه‌ای	0.567	0.983	-0.416	1.551
مهارت‌های شناختی و تحلیلی	0.796	0.820	-0.024	1.615
چندوظیفه‌ای بودن	1.063	0.563	0.500	1.626

منبع: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به جدول فوق میزان تاثیر گذاری حجم و پیچیدگی اطلاعات برابر $1/650$ و بیشترین تاثیر گذاری را بین عوامل دارد همچنین میزان تاثیر پذیری این عوامل برابر $0/506$ که کمترین تاثیر پذیری را بین عوامل دارد. حجم و پیچیدگی اطلاعات در بین همه عوامل بیشترین ارتباط یعنی ارتباط برابر با $1/143$ دارد و در نهایت میزان اهمیت این عامل برابر $2/156$ است که رتبه اول اهمیت و تاثیر گذاری را به خود می‌گیرد و می‌توان گفت یکی از مهمترین عوامل در این تحقیق است. لذا برای ارتقا حافظه فعال مدیران باید ۶ عامل اصلی سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی، استرس و فشار روانی، حجم و پیچیدگی اطلاعات، تجربه حرفه‌ای، مهارت‌های شناختی و تحلیلی و چندوظیفه‌ای بودن بهبود داده شود. تا این مرحله این تحقیق نشان داد که اگر بتوان حجم و پیچیدگی اطلاعات را مدیریت کرد با توجه به تاثیرگذاری این عامل می‌توان عوامل دیگر را نیز بهبود داد و در نهایت با صرف هزینه و زمان خیلی کمتر می‌توان موجب ارتقا حافظه فعال مدیران شود. با توجه به تحلیل های صورت گرفته در مورد رابطه ی علت و معلولی بین ابعاد این پژوهش، الگوی کلی ارائه گردیده برای ارتباط بین عوامل با یکدیگر به صورت شکل ۱ ارائه گردیده است.



شکل ۱- الگوی علی منتج شده از تجزیه و تحلیل داده ها
(منبع: یافته های پژوهشگر)

۶- بحث و نتیجه گیری

مدل علی ارائه شده در این تحقیق نشان می‌دهد که حجم و پیچیدگی اطلاعات به عنوان متغیری کلیدی، تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر سایر عوامل موثر بر حافظه فعال مدیران پرتفوی دارد. این عامل با نقش محوری خود، مستقیماً بر سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی و مهارت‌های شناختی و تحلیلی تأثیر می‌گذارد و همچنین بر متغیرهایی نظیر استرس و فشار روانی و تجربه حرفه‌ای، تأثیرات مهمی دارد. در بررسی حجم و پیچیدگی اطلاعات، یافته‌ها نشان می‌دهد که این متغیر به دلیل تأثیرگذاری بالا و تأثیرپذیری پایین، نقشی برجسته در فرآیند تصمیم‌گیری مدیران ایفا می‌کند. پیچیدگی اطلاعات نیاز به سازماندهی و تحلیل بهتر داده‌ها را افزایش داده و در صورت مدیریت صحیح، می‌تواند تأثیر مثبتی بر عملکرد مدیران داشته باشد. به طور خاص، این عامل از طریق تقویت سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی و فراهم کردن ابزارهای کارآمد برای تحلیل داده‌ها، به بهبود کارایی کلی سیستم مدیریتی کمک می‌کند. یکی دیگر از نتایج این تحقیق، تأثیرات متقابل بین استرس و فشار روانی با حجم اطلاعات است. حجم بالای اطلاعات اغلب منجر به افزایش استرس مدیران می‌شود که می‌تواند عملکرد شناختی آنها را مختل کند. از سوی دیگر، فراهم آوردن ابزارهای مناسب و مدیریت کارآمد اطلاعات می‌تواند این استرس را کاهش دهد و به مدیران کمک کند تا با تمرکز بیشتری وظایف خود را انجام دهند. همچنین، افزایش تجربه حرفه‌ای می‌تواند به عنوان عاملی تعدیل‌گر عمل کرده و از تأثیرات منفی استرس بکاهد. سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی نیز تأثیر قابل توجهی بر حافظه فعال مدیران دارند. این سیستم‌ها با کاهش پیچیدگی اطلاعات و تبدیل داده‌های حجیم به اطلاعات قابل استفاده، مدیران را در تصمیم‌گیری‌های سریع و دقیق یاری می‌دهند. از این رو، توسعه و بهبود این سیستم‌ها باید به عنوان یک اولویت استراتژیک در مدیریت حافظه فعال در نظر گرفته شود. علاوه بر این، مهارت‌های شناختی و تحلیلی به عنوان عاملی مهم در این مدل، تحت تأثیر مستقیم حجم اطلاعات و فشارهای مرتبط با چندوظیفه‌ای بودن قرار دارند. تقویت این مهارت‌ها از طریق آموزش‌های مستمر و ارتقای ابزارهای تحلیلی می‌تواند به مدیران در افزایش کارایی حافظه فعال کمک کند. همچنین، توانایی چندوظیفه‌ای بودن به عنوان متغیری وابسته، نیازمند ایجاد تعادل میان مدیریت اطلاعات و کاهش بار شناختی مدیران است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتقای حجم و پیچیدگی اطلاعات می‌تواند تأثیر زنجیره‌ای مثبتی بر سایر عوامل داشته باشد. پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها با تمرکز بر کاهش پیچیدگی اطلاعات از طریق استفاده از فناوری‌های مدرن و فراهم کردن آموزش‌های تخصصی، به بهبود حافظه فعال مدیران کمک کنند. علاوه بر این، ایجاد برنامه‌های کاهش استرس و ارتقای مهارت‌های شناختی باید به عنوان بخشی از استراتژی کلی سازمان در نظر گرفته شود. مدیریت حجم اطلاعات، اگرچه چالش برانگیز است، اما می‌تواند با سرمایه‌گذاری مناسب در زیرساخت‌ها و استفاده از سیستم‌های اطلاعاتی پیشرفته بهبود یابد. پیشنهاد می‌شود که سازمان‌ها به طور مستمر فرآیندهای اطلاعاتی خود را بازبینی کنند و با استفاده از فناوری‌های نوین و هوش مصنوعی، پیچیدگی‌های غیرضروری را کاهش دهند. از آنجایی که حجم اطلاعات تأثیرات گسترده‌ای بر تمامی عوامل دیگر دارد، اولویت‌دادن به مدیریت این متغیر

می‌تواند راهکاری کلیدی برای ارتقای کلی حافظه فعال مدیران باشد. نتایج این پژوهش که بر تأثیر حجم و پیچیدگی اطلاعات بر حافظه فعال مدیران پرتفوی تمرکز دارد، از جنبه‌های مختلف با تحقیقات پیشین قابل مقایسه و تحلیل است. برای مثال، در پژوهش کرمی و همکاران (۱۴۰۳)، تأثیر انگیزش نمایندگی مدیران بر انتخاب پرتفوی سرمایه‌گذاری با استفاده از تئوری چشم‌انداز بررسی شده است. این تحقیق به نقش تصمیم‌گیری مدیریتی و تأثیر ویژگی‌های رفتاری بر بازدهی پرتفوی اشاره دارد که با تأکید پژوهش شما بر تقویت حافظه فعال مدیران برای بهبود عملکرد سرمایه‌گذاری همراستا است. همچنین، ایروانی و همکاران (۱۴۰۲) بر تأثیر قدرت مدیریتی و کیفیت گزارشگری مالی در عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری تأکید کرده‌اند. این پژوهش نیز، با توجه به شناسایی عوامل کلیدی شناختی نظیر حجم و پیچیدگی اطلاعات، تأیید می‌کند که توانمندی‌های مدیریتی از جمله حافظه فعال نقش کلیدی در بهبود عملکرد پرتفوی دارند. علاوه بر این، احمد (۲۰۲۴) در مطالعه خود به نقش حافظه فعال و خبرگی در مدیریت سرمایه‌گذاری پرداخته و تأکید دارد که تقویت حافظه فعال می‌تواند به بهبود تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذاری کمک کند، که مستقیماً با نتایج این پژوهش همسو است. دار و همکاران (۲۰۲۳) نیز به تأثیر رفتارهای مالی مثبت و عملکرد اجرایی بر رفاه مالی اشاره کرده‌اند که ارتباط نزدیکی با نتایج این پژوهش، در مورد اهمیت تقویت مهارت‌های شناختی برای مدیریت اطلاعات و تصمیم‌گیری بهتر دارد. در نهایت، پژوهش مارنویک و همکاران (۲۰۲۳) که به مدیریت پرتفوی و نظریه پرتفوی مدرن پرداخته است، نشان می‌دهد که بهینه‌سازی عملکرد مالی و کاهش ریسک نیازمند استفاده از ابزارهای مدیریتی و تصمیم‌گیری مؤثر است، که در این پژوهش از طریق مدیریت حجم و پیچیدگی اطلاعات و ارتقای حافظه فعال پیشنهاد شده است. بنابراین، این پژوهش در کنار تأیید همراستایی با مطالعات پیشین، با ارائه رویکردی جامع‌تر به اهمیت مدیریت شناختی و حجم اطلاعات، به‌طور مؤثری به ادبیات موجود افزوده است.

۸- پیشنهادات تحقیق

در راستای نتایج این تحقیق پیشنهادات زیر مطرح می‌شود:

- ❖ **ایجاد و پیاده‌سازی سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی پیشرفته:** با توجه به تأثیر بالای حجم و پیچیدگی اطلاعات بر حافظه فعال مدیران، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها از سیستم‌های پشتیبانی اطلاعاتی پیشرفته نظیر ابزارهای هوش مصنوعی و تحلیل داده استفاده کنند. این سیستم‌ها می‌توانند حجم اطلاعات دریافتی را سازمان‌دهی کرده و پیچیدگی داده‌ها را کاهش دهند، که منجر به بهبود تصمیم‌گیری و ارتقای عملکرد مدیران پرتفوی خواهد شد.
- ❖ **برگزاری دوره‌های آموزشی برای تقویت مهارت‌های شناختی و تحلیلی:** به منظور افزایش ظرفیت حافظه فعال مدیران، توصیه می‌شود که دوره‌های تخصصی در زمینه‌های مدیریت شناختی، تحلیل داده و



چندوظیفه‌ای بودن برگزار شود. این آموزش‌ها می‌تواند مدیران را در مدیریت اطلاعات پیچیده و اولویت‌بندی مؤثرتر یاری کند و بهبود عملکرد پرتفوی را تسهیل کند.

❖ **طراحی ابزارهای مدیریت استرس و ارتقای سلامت روانی مدیران:** با توجه به اهمیت استرس و فشار روانی به‌عنوان یکی از عوامل مؤثر بر حافظه فعال، پیشنهاد می‌شود سازمان‌ها از ابزارها و برنامه‌های مدیریت استرس مانند مشاوره‌های روان‌شناختی، تکنیک‌های ذهن‌آگاهی و برنامه‌های ورزشی سازمان‌یافته بهره‌برداری کنند. این رویکرد نه‌تنها باعث افزایش حافظه فعال مدیران می‌شود، بلکه بهره‌وری کلی سازمان را نیز ارتقا می‌بخشد.

فهرست منابع

- ابراهیم‌نژاد، پرویز، برکچیان، فرزین، مرادیان، محمدحسن، و حامدی، نیما. (۱۴۰۰) 'هزینه‌های معاملاتی صندوق‌های سرمایه‌گذاری مشترک در سهام و اثر آن بر عملکرد صندوق‌ها'. پژوهشات مالی، ۲۴(۱)، صص ۳۷-۶۰.
- اسلانی، محمد، ستایش، علی، جنانی، محمدحسن، و همت‌فر، محمود. (۱۴۰۱) 'مقایسه عملکرد پرتفوی‌های سهام انتخابی بر اساس معیارهای تئوری محدودیت‌ها با مدل سنتی تحلیل شبکه'. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۱(۴۱)، صص ۲۱۹-۲۴۸.
- انوشه، مسعود، محمدمیثم، مسعود، علیرضائی، ابوتراب، و مهرانی، علیرضا. (۱۴۰۲) 'تعیین مدل مدیریت عملکرد پرتفوی استراتژیک سازمانی'. پژوهش‌های مدیریت راهبردی، ۲۹(۱۹)، صص ۲۵-۳۹.
- ایروانی، مهناز، فلاح‌شمس، مینا، میرفیض، رضا، رهنمای‌رودپشتی، حسن، خان‌محمدی، محمدحامد، و حاجیها، نرگس. (۱۴۰۲) 'ارائه مدل حاصل از کارکرد منابع قدرت در سنجش عملکرد صندوق‌های سرمایه‌گذاری و کیفیت گزارشگری مالی'. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۲(۴۶)، صص ۳۹۵-۴۱۸.
- حدادزاده، رضا، و عباسیان، علی. (۱۴۰۳) 'استفاده از بتای افت سرمایه در تصمیم‌گیری مدیران برای تشکیل پرتفوی بهینه در بورس اوراق بهادار تهران'. مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۵(۷)، صص ۱-۲۴.
- زندى، آرمان. (۱۴۰۳) 'بررسی رابطه عدم موفقیت حسابرسی صورت‌های مالی بر اثر سرایتی کاهش کیفیت حسابرسی'. مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۶(۳)، صص ۵۱-۶۶.
- عرفای جمشیدی، شهرام، رهبر، فریبرز، شعبانی، امید، و اسکندری، کامبیز. (۱۴۰۳) 'طراحی مدل تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط در ایران (در راستای بهبود مدیریت بهره‌وری)'. مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۸(۱۲)، صص ۹۷-۱۳۸.

قشقایی، حمید، صالحی، امیرحسین، الهکرم، محسن، و محمودی‌راد، رضا. (۱۴۰۲) 'بررسی عملکرد استراتژی معاملاتی معکوس در بورس اوراق بهادار تهران براساس معیارهای ریسک شرکت'. پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ۱۰(۴)، صص ۱۱۷-۱۴۰.

میرلوحی، مجتبی، تهرانی، رضا، عباسیان، عزت‌الله، و جابری‌زاده، علی. (۱۴۰۰) 'مقایسه عملکرد الگوریتم ژنتیک فازی و جست‌وجوی شکار فازی در بهینه‌سازی پرتفوی فازی با استفاده از مدل میانگین واریانس در بورس اوراق بهادار تهران'. دانش سرمایه‌گذاری. مجله قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری، ۷(۵)، صص ۱۹-۳۶.

کرمی، عباس، عبدی، رضا، رضایی، حامد، پاک مرام، عسگر، و عسگر، حسین. (۱۴۰۳). ارزیابی تأثیر انگیزش نمایندگی مدیران بر انتخاب پرتفوی سرمایه‌گذاری در چارچوب تئوری چشم‌انداز. دانش سرمایه‌گذاری، ۱۳(۴۹)، ۱۷۰-۱۵۳.

Ahmad, Maqsood. (2024). The role of recognition-based heuristics in investment management activities: are expert investors immune?—A systematic literature review. *Qualitative Research in Financial Markets*, 16(3), 401-422.

'Allocation on Portfolio Performance with Diversification as an Intervening Variable'. *International Journal of Science and Society*, 3(3), pp. 30-39.

Dare, S. E., van Dijk, W. W., van Dijk, E., van Dillen, L. F., Gallucci, M., & Simonse, O. (2023). How executive functioning and financial self-efficacy predict subjective financial well-being via positive financial behaviors. *Journal of Family and Economic Issues*, 44(2), 232-248.

Kim, Sang, and Yoon, Anna. (2023) 'Analyzing active fund managers' commitment to ESG: Evidence from the United Nations Principles for Responsible Investment'. *Management Science*, 69(2), pp. 741-758.

Marnewick, C. (2023). Portfolio management success. In *Portfolio Management* (pp. 105-137). Auerbach Publications.

Nucera, Federico, and Uhl, Bernd. (2022) 'The impact of volatility scaling on factor portfolio performance and factor timing'. *Journal of Asset Management*, 23(6), pp. 522-533.

Nurhayati, Indah, Endri, Endri, Suharti, Titi, Aminda, Reza Suci, and Muniroh, Luthfi. (2021) 'The impact of COVID-19 on formation and evaluation of portfolio performance: A case of Indonesia'. *Investment Management and Financial Innovations*, 18(3), pp. 63-73.

Rubbaniy, Ghazi, Maghyereh, Aktham, Cheffi, Walid, and Khalid, Ahmed Ali. (2024) 'Dynamic connectedness, portfolio performance, and hedging effectiveness of the hydrogen economy, renewable energy, equity, and commodity markets: Insights from the COVID-19 pandemic and the Russia-Ukraine war'. *Journal of Cleaner Production*, 452, p. 142217.

Scott, Robert, and Webb, David. (2018) 'Market timing and stock selection: A comprehensive analysis'. *Financial Analysts Journal*, 74(3), pp. 95-112.



- Sood, Kulbir, Seth, Nitin, and Grima, Simon. (2022) 'Portfolio performance of public sector general insurance companies in India: A comparative analysis'. In: Managing Risk and Decision Making in Times of Economic Distress, Part B. Emerald Publishing Limited, pp. 215-230.
- Tan, Yunan, Yang, Wei, Suntrayuth, Supachai, Yu, Xuejun, Sindakis, Stavros, and Showkat, Shabir. (2023) 'Optimizing Stock Portfolio Performance with a Combined RG1-TOPSIS Model: Insights from the Chinese Market'. Journal of the Knowledge Economy, pp. 1-24.



Presenting a causal model for improving the working memory of portfolio managers

Reza Aghamohammadi¹

Abdolreza Talaneh²

Ali Akbar Arjmandnia³

Seyedeh Atefeh Hosseini⁴

Received: 2025/April/31 Accepted: 2025/June/05

Abstract

The present study was carried out with the aim of presenting a causal model for improving the working memory of managers using the fuzzy DEMATEL method. This research is descriptive in nature and content. In this research, the information is related to 15 experts and managers of mutual funds, which constitute the statistical sample. The results of this research showed that six main factors: volume and complexity of information, information support systems, stress and psychological pressure, multitasking, cognitive and analytical skills, and professional experience have an effect on improving the working memory of managers. The DEMATEL method also showed that the effect of volume and complexity of information is 1.650 and has the highest effect among the factors. The effect of these factors is 0.506, which has the lowest effect among the factors. The volume and complexity of information have the highest correlation among all factors, that is, the correlation is equal to 1.143, and finally the importance of this factor is equal to 2.156, which ranks first in importance and influence, and it can be said that it is one of the most important factors in this research.

Keywords: Working memory, portfolio managers, causal model

¹ Department of Accounting, Fi.C., Islamic Azad University, Firouzkooh, Iran.r.aghamohammadi@iau.ac.ir

² Department of Accounting, Fi.C., Islamic Azad University, Firouzkooh, Iran.(Corresponding author).
Abdolreza.talaneh@iau.ac.ir

³ Department of Psychology, Faculty of Psychology and Educational Sciences, University of Tehran, Tehran,
Iran.arjmandnia@ut.ac.ir

⁴ Department of Accounting, Fi.C., Islamic Azad University, Firouzkooh, Iran.hosseini.atefeh@iau.ac.ir



تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی با در نظر گرفتن اثر تعاملی راهبرد تدافعی

سمیرا براتی منش^۱
مسعود فولادی^۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۳/۱۶

چکیده

توانایی تسهیل و ارتقای فرآیندهای اقتصادی، مدیریت ریسک‌ها و خنثی نمودن شوک‌ها را پایداری مالی گویند. پژوهشگران تاکنون تأثیر عوامل مختلفی مانند حقوق صاحبان سهام، جمع کل دارایی‌ها، سود خالص، تأمین مالی و غیره را که اکثر از عوامل درون شرکتی هستند بر پایداری مالی بررسی نموده‌اند. اما در این میان ریسک مهم برون‌سازمانی دیگری که غالباً از عدم ثبات و عدم جامع و کامل بودن قوانین اقتصادی تصویب شده از جانب دولت‌ها نشأت می‌گیرد و می‌تواند عملکرد تولید و پایداری مالی شرکت‌ها را تحت‌الشعاع قرار دهد؛ و تاکنون مورد توجه پژوهشگران ایرانی قرار نگرفته است، مبحث عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی دولت و راهبرد شرکت‌ها برای رویارویی با چنین شرایطی است. بنابراین، هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی با در نظر گرفتن اثر تعاملی راهبرد تدافعی است. این پژوهش از نظر هدف کاربردی و از نظر روش توصیفی-همبستگی است. پژوهشگر با استفاده از داده‌های ترکیبی ۱۲۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ و به کمک رگرسیون خطی چندگانه دریافت که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، نتایج پژوهش نشان داد اتخاذ راهبرد تدافعی کسب و کار از جانب شرکت‌ها باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد.

واژه‌های کلیدی: پایداری مالی، عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی دولت، راهبرد کسب‌وکار، راهبرد تدافعی

^۱ گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (شاهین شهر)، ایران. Samira161373@gmail.com

^۲ گروه حسابداری، واحد شاهین شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان (شاهین شهر)، ایران. (نویسنده مسؤل) Foladim57@iaua.ac.ir

۱- مقدمه

امروزه رقابت در بازار به شکل قابل‌ملاحظه‌ای در حال افزایش است و سرعت تغییرات، کسب‌وکار و بنگاه‌های اقتصادی را تحت فشار بی‌سابقه‌ای قرار داده که نه تنها به دنبال کسب موفقیت و پایداری مالی در حیطه فعالیت خود باشند، بلکه به دنبال حفظ آن در آینده نیز باشند (الشهی و همکاران، ۲۰۱۸). پژوهشگران متعددی مانند وو و همکاران (۲۰۲۱)؛ شی و همکاران (۲۰۲۰) و اقبال و همکاران (۲۰۱۹) اذعان داشته‌اند که پایداری مالی در حال حاضر به موضوعی داغ و علت عمده نگرانی در سراسر جهان تبدیل گشته و توجه شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران به سمت ضرورت پایداری مالی جذب شده است (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

در دنیای امروز آنچه شرکت‌ها را از چند دهه قبل متمایز می‌نماید، محیط ناپایدار و رقابت روزافزون شرکت‌ها با شرکت‌های رقیب چه در سطح داخلی و چه در سطح بین‌المللی است. از طرفی، با توجه به هدف غائی هر سرمایه‌گذار و بنگاه اقتصادی از به جریان انداختن سرمایه خود، که همانا کسب حداکثر سود و بازدهی از آن می‌باشد، اهمیت بحث عملکرد مالی واحد اقتصادی و مهم‌تر از آن پایداری این سود و عملکرد مالی مطلوب، بیش از پیش برای سرمایه‌گذاران و به تبع آن مدیران واحدهای اقتصادی روشن‌تر شده است (اونگساکول و همکاران، ۲۰۲۱).

واحدهای تولیدی و اقتصادی فعال در صنایع کشور، زمانی پایدار هستند که اعتماد زیادی به آن‌ها وجود داشته باشد، طوری که این مؤسسات بتوانند بدون مشکل و بدون دریافت تامین مالی و کمک خارجی، تعهدات و وظایف اصلی خود را انجام دهند. پایداری مالی در سطح واحد اقتصادی به وضعیتی گفته می‌شود که بحران‌های مالی سیستماتیک در سطح شرکت، بحران در شرایط اقتصادی کلان و عدم ثبات و نا اطمینانی در سیاست‌های اقتصادی دولت، سودآوری و روند تولید ثروت در واحد اقتصادی را تهدید ننماید (کانگ و همکاران، ۲۰۱۵).

شرکت‌ها در محیطی فعالیت می‌نمایند که سیاست‌های اقتصادی کلان از جانب دولت‌ها به صورت مداوم در حال تغییر است. دولت‌ها مجبورند به طور مداوم قوانین اقتصادی و مالیاتی را برحسب شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر فضای داخلی و بین‌المللی، تعدیل یا تغییر دهند (ون و همکاران، ۲۰۲۰). عدم قطعیت در سیاست‌های اقتصادی چه در سطح دولت خاص و چه در سطح بین‌المللی می‌تواند عملکرد و ثبات مالی شرکت‌ها را تحت اشعاع قرار دهد. به عنوان مثال در سطح داخلی، هنگامی که واحدهای اقتصادی به دلیل افزایش سطح نقدینگی کشور و به تبع آن افزایش تورم دچار سردرگمی در مواضع و تصمیمات خود در همه زمینه‌ها از جمله میزان ذخیره وجوه نقد، تهیه مواد اولیه، میزان تولید محصول و سیاست‌های سرمایه‌گذاری میشوند، ریسک تصمیم‌ها و سرمایه‌گذاری‌های آن‌ها به شدت بالا رفته و این شرایط به طور مستقیم و غیرمستقیم بر عملکرد و ثبات مالی واحد اقتصادی تأثیر می‌گذارد. از طرفی، عدم قطعیت در سطح قوانین و سیاست‌های اقتصادی بین‌المللی مانند تحریم‌ها، تهدیدات نظامی، افزایش یا کاهش تعرفه بر ورود کالاها از جانب کشورهای مقصد و غیره سبب میشود تا شرکت‌ها در صادرات و عملکرد خود با اختلال مواجه شوند و تبعات خسارت باری مانند کاهش حجم فروش، سودآوری،



عملکرد مالی ضعیف و عدم پایداری مالی را تجربه نمایند (دیویس و همکاران، ۲۰۱۹). پژوهش‌های اخیر در حسابداری مدیریت توجه بیشتری را به رویکردهای راهبردی که مبتنی بر شناخت، اندازه‌گیری و مدیریت محرک‌های کلیدی ایجاد ارزش برای سهامداران است، مبدول داشته‌اند. به نظر می‌رسد عاملی که می‌تواند به‌عنوان عنصر تعدیلگر، اثرات منفی عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر عملکرد مطلوب و پایداری مالی واحدهای تولیدی و اقتصادی را کاهش دهد، نوع دیدگاه و راهبرد انتخابی مدیران و شرکت‌ها در مواجهه با شرایط نا اطمینانی است. عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی نه تنها بر رشد پایدار مالی یک واحد تولیدی و اقتصادی تأثیر می‌گذارد، بلکه موجودیت آن را نیز تهدید می‌کند. بنابراین، راهبرد کسب‌وکار در برابر چنین عدم قطعیت‌هایی می‌تواند نقش مهمی بر رشد مالی پایدار شرکت‌ها ایفا نماید. تصمیم به سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری به استراتژی سرمایه‌گذاری اتخاذ شده توسط شرکت‌ها بستگی دارد. شرکت‌ها پس از تجزیه و تحلیل منابع و محیط عملیاتی راهبردهای خود را تدوین می‌نمایند (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

باتوجه به موارد با اهمیت ذکر شده در فوق و تحریم‌های روزافزونی که از جانب ایالات متحده آمریکا بر کشور ایران و به تبع آن ناپایداری سیاست‌های اقتصادی کلان کشور و در نهایت آثار جبران‌ناپذیری مانند کاهش تولید، عدم رقابت‌پذیری، عدم صادرات محصول، کاهش سودآوری و عدم ثبات و پایداری مالی برای شرکت‌های تولیدی فعال در اقتصاد کشور ایران داشته است، این پژوهش به بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخته است و از طرفی تأثیر برگزیدن راهبردی تدافعی بر تعدیل شرایط نابسامان و عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی دولت جهت دستیابی به عملکرد مالی مطلوب و پایدار را مورد بررسی قرار داده است.

۲- مبانی نظری پژوهش

۲-۱- پایداری مالی

مفهوم پایداری مالی نزدیک به دو دهه است که در مبانی نظری اقتصادی وارد شده است. برخی از محققان نظیر بورو (۲۰۰۶) پایداری مالی را عدم وجود بحران‌های مالی بیان کرده و از دیدگاه کلان، محدود ساختن خطرات ناشی از زیان واقعی در گستره سیستم مالی تعریف می‌کند. باوجود اهمیت بحث پایداری مالی، تعریف واحد و پذیرفته شده‌ای در مورد پایداری مالی وجود ندارد (هالر و همکاران، ۲۰۱۸). ایده اصلی کمیسیون برونلند (۱۹۸۷) زمینه‌ساز توسعه مفهوم پایداری مالی بود که نشان می‌دهد؛ شرکت‌ها باید از نظر مالی مدیریت شوند تا موفقیت مالی فعلی را بدون به خطر انداختن موفقیت مالی آینده، از جمله موفقیت نسل‌های آینده، تضمین نمایند (گانتر و گانتر، ۲۰۱۷).

در تعریفی دیگر آمده است که پایداری مالی بیانگر شرایطی است که شرکت‌های موجود در یک کشور بتوانند در برابر تکانش وارده مقاومت کنند و عدم توازن‌های مالی را به حداقل برسانند و باعث جلوگیری از ایجاد اختلال



در عملکرد و وظایف نظام مالی شرکت شوند. از طرفی، پایداری مالی به شرایطی گفته می‌شود که دور نمای سیاست مالی شرکت‌ها امکان بازپرداخت بدهی‌های شرکت را فراهم کند (اوزیلی، ۲۰۱۸). از توضیحات فوق در مورد پایداری به‌طور کلی چنین برمی‌آید که شرکت‌های دارای پایداری مالی باید هرکدام دارای ویژگی‌های زیر باشند:

الف: شرکت برای مدت نامحدود تأسیس شده است و مگر اینکه ورشکستگی اتفاق بیفتد. در صورت فعالیت شرکت ارزش مورد انتظار سود خالص به‌صورت واقعی حفظ می‌شود.

ب: احتمال ورشکستگی شرکت در نتیجه وقفه در جریان پرداخت‌ها به سرمایه‌گذار در سطح قابل‌قبولی محدود می‌شود (احتمال ورشکستگی صفر برای سرمایه‌گذار وجود ندارد؛ زیرا هیچ شرکتی نمی‌تواند این الزام را برآورده کند).

پ: نوسانات سود خالص برای سرمایه‌گذار قابل قبول است؛ به این معنا که از دیدگاه سرمایه‌گذار، به‌احتمال فراوان سود خالص حداقلی برآورده می‌شود (گلیبئر و همکاران، ۲۰۲۲).

۲-۲ - عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی

اقدامات دولت در جهت سامان دادن یا تغییر وضعیت اقتصادی کشور از طریق قوانین و راه‌حل‌های مختلف اقتصادی در جهت نیل به اهداف خاص اقتصادی را سیاست اقتصادی می‌نامند. ابزارهای عمده‌ی دولت‌ها برای اعمال سیاست‌های مالی و اقتصادی، متغیرهای بودجه‌ی دولت، کنترل سطح نقدینگی، قوانین مالیاتی، نرخ ارز و سایر ابزارهای اقتصادی می‌باشند که با تغییر دادن مناسب این اهرم‌های سیاستی، دولت می‌تواند عرضه و تقاضای کل در اقتصاد را در توازن نگه دارد تا سطح تولید، قیمت‌ها و اشتغال دچار نوسان نگردد. ثبات در سیاست‌های دولت علی‌الخصوص سیاست‌های اقتصادی برای شاخص‌های کلان اقتصادی بسیار با اهمیت است (کائو و همکاران، ۲۰۲۰). عدم اطمینان سیاست اقتصادی به عدم توانایی شرکت‌ها در بررسی دقیق و در نظر گرفتن چگونگی تغییر سیاست‌های اقتصادی یک کشور یا حوزه خاص در طول فرآیند توسعه، از جمله عدم اطمینان در مورد سیاست‌های مالی، پولی و تجاری اشاره دارد (بیکر و همکاران، ۲۰۱۶).

۲-۳ - راهبرد کسب و کار و راهبرد تدافعی

چندلر راهبرد را به این شرح تعریف می‌کند: راهبرد تعیین اهداف اساسی و بلندمدت یک سازمان و گزینش اقدامات و تخصیص منابع لازم برای دستیابی به این اهداف است (چندلر، ۱۹۶۲). راهبرد برنامه‌های مقیاس بروز و آینده‌نگر برای تعامل با محیط رقابتی به‌منظور بهینه کردن دستیابی به هدف‌های سازمان و به عبارتی برنامه بازی موسسه می‌باشد، که اگرچه همه نیازهای انسانی، مالی و مواد در آینده را به تفصیل بیان نمی‌کند؛ ولی چارچوبی برای تصمیم‌گیری فراهم می‌سازد و آگاهی شرکت درباره نحوه رقابت در برابر کی، چه موقع، کجا و برای چه را نشان



می‌دهد(پیرس و رابینسون؛ خلیلی شورینی، ۱۳۸۰).

سازمان‌هایی که از راهبرد تدافعی پیروی می‌کنند، به دنبال افزایش کارایی فرایندهای کسب‌وکار و در نتیجه حداکثر کردن سود خود هستند. این سازمان‌ها در تلاش برای کسب ثبات و حفظ سهم فعلی خود بوده و تمایلی به حضور در بازارهای جدید و تولید محصول یا خدمات جدید و نوآورانه نشان نمی‌دهند. تدافعی‌ها به‌منظور حصول اطمینان از دستیابی به کارایی موردنظرشان از کنترل متمرکز و فناوری تک‌هسته‌ای و ثابت بهره می‌گیرند(خانلری و کفائی، ۱۳۹۳).

۴-۲- تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی با در نظر گرفتن اثر تعاملی راهبرد تدافعی

بر طبق "نظریه سهامداران" تنها یک هدف و مسئولیت برای شرکت‌ها وجود دارد و آن‌هم استفاده از منابع در دسترس و در عین حال کمیاب در جهت به دست آوردن منافع و افزایش این منافع در چارچوبی معین و یک بازار رقابت آزاد است. بنابراین می‌توان این‌گونه عنوان نمود که هدف اولیه هر شرکتی افزایش ثروت سهامداران است، لذا شرکت‌ها به دنبال انجام فعالیت‌هایی هستند تا بتوانند میزان ثروت سهامداران خود را افزایش دهند اما این روند سودآوری بنگاه اقتصادی در درازمدت باید دارای ویژگی ثبات و پایداری باشد (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

مطابق با تعریف مالی و حسابداری، پایداری مالی شرکت‌ها هنگامی رخ خواهد داد که ریسک‌های ناشی از زیان واقعی در نظام مالی به حداقل برسد. چون که یک نظام پایدار مالی، روشی است که عملکرد اقتصادی و انباشت ثروت را افزایش می‌دهد و همچنین می‌تواند مانع از ایجاد اختلال‌های سوء تأثیر مخرب بر سیستم‌های مالی گردد. به نظر می‌رسد یکی از عواملی که احتمالاً می‌تواند اثر قابل توجهی بر عملکرد مالی، ثبات و پایداری مالی واحدهای اقتصادی داشته باشد، عدم اطمینان نسبت به سیاست‌ها و قوانین اقتصادی وضع شده توسط دولت است (احسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ میرزا و احسن، ۲۰۲۰؛ اقبال و همکاران، ۲۰۱۹).

در بسیاری از اوقات سیاست‌های اقتصادی تعیین شده به‌وسیله دولت، از هماهنگی و ثبات درونی لازم برخوردار نیست که نتیجه چنین حالتی سردرگمی فعالین اقتصادی خواهد بود. در چنین حالتی، در هنگام اجرای سیاست‌های اقتصادی، دولت‌ها مجبور می‌شوند مدام اشکالات ناشی از این‌گونه سیاست‌ها را با قوانین اقتصادی جدید جایگزین نمایند که این امر منجر به بی‌ثباتی و عدم اطمینان در سیاست‌های کلان اقتصادی می‌گردد (شن و همکاران، ۲۰۲۱).

بر طبق تعریف گولن و آیون (۲۰۱۶) عدم اطمینان در سیاست‌های اقتصادی به‌عنوان وضعیتی تعریف می‌شود که در آن شرایط اقتصادی را نمی‌توان به‌درستی تحلیل و پیش‌بینی نمود و اینکه نمی‌توان تخمین زد که دولت چه زمانی و چگونه به تغییر در سیاست اقتصادی فعلی روی می‌آورد. بنابراین، سیاست‌های اقتصادی نقش مهمی در تعیین عملکرد و رشد شرکت دارند؛ زیرا این سیاست‌ها بر اقتصاد کلان کشور تأثیر می‌گذارند و اقتصاد نیز



شرایط و محیط عملیاتی را برای شرکت‌ها شکل می‌دهد. عدم اطمینان در سیاست‌های اقتصادی دولت عدم تقارن اطلاعاتی میان سرمایه‌گذاران و شرکت‌ها را افزایش داده و در نتیجه سبب افزایش ریسک شرکت، افزایش هزینه سرمایه و کاهش ثبات در عملکرد مالی شرکت می‌گردند (احسن و همکاران، ۲۰۲۱؛ اقبال و همکاران، ۲۰۱۹؛ میرزا و احسن، ۲۰۲۰). علاوه بر این، عدم اطمینان سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت به دلیل ویژگی برگشت‌ناپذیر بودن سرمایه‌گذاری، سبب کاهش میزان سرمایه‌گذاری‌های شرکت و در نتیجه کاهش رشد سودآوری و عملکرد ضعیف و ناپایداری در عملکرد مالی شرکت می‌گردد (وانگ و همکاران، ۲۰۱۴). در دیدگاه مقابل، نایت (۱۹۲۱) عنوان می‌نماید که شرایط نا اطمینانی حاصل از عدم ثبات در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت، فرصت‌های جدیدی پیش روی کارآفرینان قرار می‌دهد که سبب افزایش سودآوری و رشد بنگاه تولیدی و اقتصادی می‌گردد. بنابراین، به نظر می‌رسد یکی از عواملی که می‌تواند اثر منفی عدم قطعیت در سیاست‌های اقتصادی وضع شده توسط دولت بر پایداری مالی واحدهای اقتصادی را تعدیل نماید، راهبرد انتخاب شده توسط واحدهای اقتصادی در شرایط عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی است (میرزا و احسن، ۲۰۲۰).

نمازی و همکاران (۱۳۹۶) راهبرد راه و روش تحقق مأموریت سازمانی عنوان می‌نمایند به گونه‌ای که سازمان عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) و عوامل داخلی (نقاط قوت و ضعف) را بررسی، تهدیدها را به فرصت تبدیل و از نقاط قوت داخلی و فرصت‌های خارجی به‌خوبی بهره‌برداری نماید و نقاط ضعف داخلی را از بین ببرد (برزیده و همکاران، ۱۳۹۷). تصمیم به سرمایه‌گذاری یا عدم سرمایه‌گذاری بستگی به راهبرد شرکت‌ها در این زمینه دارد و شرکت‌ها پس از تجزیه و تحلیل منابع خود، محیط عملیاتی و شرایط کلان اقتصادی، راهبردهای خود را طراحی می‌نمایند. بررسی راه‌حل‌های راهبردی می‌تواند به شرکت‌ها کمک نماید تا با انتخاب و تدوین راهبرد مناسب تجاری (تدافعی، تحلیلی و تهاجمی) در شرایط عدم اطمینان و عدم قطعیت سیاست‌های کلان اقتصادی و دورنمای نامشخص وضعیت کلان اقتصادی کشور، رشد و پایداری مالی خود را حفظ نمایند (ون و همکاران، ۲۰۲۰؛ شی و همکاران، ۲۰۲۰؛ میرزا و احسن، ۲۰۲۰). از مهم‌ترین عوامل ایجاد و تشدید نا اطمینانی اقتصادی را می‌توان سیاست‌های دولت‌ها عنوان کرد که با توجه به افق زمانی محدود خود سیاست‌های مورد نظر را طراحی می‌کنند (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱).

ادبیات مدیریت شامل گونه‌شناسی متعددی از راهبردها (به‌ویژه راهبرد کسب‌وکار) است و به توصیف این موضوع می‌پردازد که شرکت‌ها چگونه در بازارهای مربوط به عملیات خود به رقابت می‌پردازند. شی و همکاران (۲۰۲۰) استدلال می‌نمایند که عدم اطمینان در سیاست‌های اقتصادی کلان یک کشور می‌تواند شرکت‌ها را به سمت راهبرد عملیاتی چند سطحی سوق دهد. اما شواهد حاکی از آن است که در شرایط عدم قطعیت؛ نوع راهبرد انتخاب شده توسط اکثر مدیران و بنگاه‌ها از نوع راهبرد تدافعی است. در توصیف اثر این راهبرد بر شدت اثر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی می‌توان این‌گونه بیان نمود که فعالان و بنگاه‌های اقتصادی در رویارویی با شرایط



عدم قطعیت و نا اطمینانی نسبت به تحولات آینده اقتصاد دیگر قادر به تصمیم‌گیری برای آینده از جمله تخمین قیمت مواد اولیه به دلیل تورم روزافزون و تحلیل درست سرمایه‌گذاری نبوده؛ لذا سعی می‌نمایند با برگزیدن سیاست و راهبردهای تدافعی در کسب‌وکار خود بیشتر به تولید چند محصول خاص و محدود اما باکیفیت و با هدف کسب مزیت رقابتی تمرکز نمایند، و از این طریق سودآوری، رشد و پایداری مالی خود حتی در شرایط عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی را تضمین نمایند (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

هدف سرمایه‌گذاران از انجام سرمایه‌گذاری، به حداکثر رسانیدن ثروت خود می‌باشد و در جهت تحقق این هدف سعی می‌کنند در دارایی‌هایی که نرخ بازده بالا و ریسک نسبتاً پایین‌تری دارند، سرمایه‌گذاری کنند (محمودزاده و همکاران؛ ۱۴۰۲).

فرمول راهبرد در شرایط عدم اطمینان بسته به تیپ و ویژگی‌های شخصیتی مدیران ممکن است متفاوت باشد. مطالعات پیشین نشان می‌دهد که عدم قطعیت و نا اطمینانی حاصل از سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت، ریسک تجاری و بازار شرکت‌ها را افزایش می‌دهد (میرزا و احسن، ۲۰۲۰)؛ ریسک‌پذیری شرکت را کاهش می‌دهد (ون و همکاران، ۲۰۲۰) و به تبع چنین رویدادی، غالباً مدیران واحدهای اقتصادی راهبرد تدافعی جهت سرمایه‌گذاری و تولید خود در پیش می‌گیرند. راهبرد تدافعی بر کارایی در تولید و توزیع کالا و خدمات تأکید نموده و ترکیب محدودی از کالاها یا خدمات را توصیه می‌کند. به عبارت دیگر، مدیران تمرکز خود را بر کسب مزیت رقابتی در آن بازار محدود می‌کنند. شرکت‌های پیرو راهبرد تدافعی ممکن است چندین محصول تولید نمایند، اما به احتمال بالا محصولات آن‌ها مرتبط است. این‌گونه بنگاه‌ها به منظور حداکثر نمودن کارایی تولید بر تقویت قابلیت‌های فنی و اجرایی فناوری انتخاب شده تمرکز می‌نمایند (همبریک، ۲۰۰۳؛ چن و همکاران، ۲۰۱۶). انتخاب چنین راهبردی (راهبرد تدافعی)؛ سبب حفظ جایگاه رقابتی و رشد شرکت و در پی آن افزایش سودآوری و پایداری در عملکرد بنگاه اقتصادی خواهد شد (سو و همکاران، ۲۰۲۰؛ احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

مدیریت ریسک سازمانی، از طریق کاهش هزینه‌های تأمین مالی ناشی از کاهش بحران مالی، کاهش مشکلات عدم تقارن اطلاعاتی، بهبود فروش‌ها و کاهش هزینه‌های عملیاتی برای شرکت ایجاد ارزش می‌کند (امری اسرمی و همکاران؛ ۱۴۰۲).

۳- پیشینه پژوهش

۳-۱- پژوهش‌های خارجی

احسن و همکاران (۲۰۲۱) طی پژوهشی به بررسی "تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی با در نظر گرفتن اثر تعاملی راهبرد تدافعی" در چین پرداختند. نمونه آماری پژوهش آن‌ها شامل داده‌های ۹۷۵ شرکت چینی در طی دوره زمانی ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۷ بود. آن‌ها با استفاده از اقدامات مبتنی بر شاخص عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی؛ رشد مالی پایدار شرکت و راهبردهای شرکت را مورد بررسی قرار داده و دریافتند که عدم



قطعیت در سیاست‌های اقتصادی به رشد مالی پایدار شرکت آسیب می‌رساند و بر آن تأثیر منفی و معنادار دارد. آن‌ها همچنین دریافتند، که یک راهبرد تدافعی کسب‌وکار به طرز مثبت، اثر منفی عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت را تعدیل می‌نماید. نتایج مطالعه آن‌ها می‌تواند راهنمایی برای شرکت‌ها برای تدوین راهبرد برخورد مؤثر با عدم قطعیت در سیاست‌های اقتصادی باشد.

احسن و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهشی به "بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر پایداری مالی با توجه به نقش واسطه‌ای حاکمیت شرکتی" در کشور چین پرداختند. نمونه آماری پژوهش آن‌ها شامل ۹۷۵ شرکت چینی در دوره زمانی بین سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد، اما این در حالی است که شاخصه‌های حاکمیت شرکتی مانند مالکیت، استقلال هیئت‌مدیره و تنوع جنسیتی هیئت‌مدیره اثر منفی عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی را به طرز قابل‌ملاحظه‌ای تعدیل و کم می‌نمایند. آن‌ها همچنین دریافتند که تمرکز مالکیت سهام و نبود تنوع جنسیتی در هیئت‌مدیره شرکت‌ها اثر منفی عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی را افزایش می‌دهد.

میرزا و احسن (۲۰۲۰) طی پژوهشی با عنوان "پاسخ راهبردی شرکت‌ها به عدم قطعیت سیاست اقتصادی به بررسی رابطه عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و راهبرد تجاری شرکت‌ها" در کشور چین پرداختند. جامعه آماری پژوهش آن‌ها شامل ۱۹۸۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پکن در طی سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر نوع راهبرد شرکت‌ها تأثیر معنادار دارد و همچنین ریسک بازار شرکت‌ها را نیز افزایش می‌دهد. آزمون‌های بیشتر پژوهش آن‌ها نشان داد که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی ریسک تجاری شرکت‌هایی که راهبرد تهاجمی را در مقابله با چنین شرایطی برمی‌گزینند افزایش می‌دهد اما از طرفی ریسک تجاری شرکت‌های با راهبرد تدافعی در شرایط نا اطمینانی اقتصادی کاهش می‌یابد.

ون و همکاران (۲۰۲۰) به بررسی "تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر ریسک‌پذیری شرکت" در کشور چین پرداختند. نمونه آماری پژوهش آن‌ها شامل ۶۸۹ شرکت (۸۲۶۸ مشاهده) در طی دوره زمانی بین سال‌های ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۸ بود. نتایج پژوهش آن‌ها نشان داد که عدم قطعیت و ثبات در سیاست‌گذاری اقتصادی دولت میزان ریسک‌پذیری شرکت‌ها را به طرز قابل‌توجهی کاهش می‌دهد. باین‌حال، چنین شواهدی عمدتاً در مورد شرکت‌های دولتی صدق می‌کند. علاوه بر این، سطح محدودیت‌های تأمین مالی در یک شرکت یک عامل اساسی تعدیل‌گر اثر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر ریسک‌پذیری شرکت‌ها به شمار می‌رود.

اقبال و همکاران (۲۰۱۹) طی مطالعه‌ای به بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر سودآوری شرکت‌ها در ایالات متحده آمریکا پرداختند. نمونه آماری پژوهش آن‌ها شامل ۳۱۷ شرکت تولیدی در طی سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ بود. آن‌ها از روش تخمین گشتاورهای تعمیم‌یافته برای حل مشکل درون‌زایی مدل استفاده



نمودند، زیرا نتایج گزارش نشده وجود ناهمگونی و خودهمبستگی را در تخمین‌ها به روش حداقل مربعات معمولی و اثر ثابت نشان می‌داد. آن‌ها با استفاده از چهار شاخص عملکرد شرکت مانند بازده دارایی، بازده حقوق صاحبان سهام، حاشیه سود خالص و کیوتوبین، متوجه شدند که تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر عملکرد شرکت بر روی هر چهار شاخص قابل‌توجه و منفی است.

۳-۲- پژوهش‌های داخلی

با توجه به بررسی‌های محقق؛ پژوهشی مشابه به موضوع این مطالعه در ایران انجام نشده است. لذا در ادامه به تعدادی از پژوهش‌های مرتبط و یا نزدیک به موضوع مطالعه حاضر اشاره خواهد شد.

قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) طی مطالعه‌ای به "بررسی ناطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی، واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود و افشای اختیاری" پرداختند. این پژوهش از نوع توصیفی، همبستگی و پس‌رویدادی بود که در ۱۳۸ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی بازه زمانی ۱۳۸۸-۱۳۹۷ مورد بررسی قرار گرفت. متغیرها از سایت مرکز آمار و بانک داده‌های اقتصادی و مالی وزارت اقتصاد و همچنین نرم‌افزار ره‌آورد نوین و گزارش هیئت‌مدیره استخراج شده و به روش رگرسیون چندگانه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است. پژوهش نشان داد که ناطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی سرمایه‌گذار تأثیر مثبت و معنادار دارد. به علاوه، ناطمینانی سیاست اقتصادی بر افشای اختیاری تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین شواهد قابل اتکایی مبنی بر تأثیرگذاری ناطمینانی سیاست اقتصادی بر واکنش سرمایه‌گذار به شگفتی سود به‌طور معنادار یافت نشد. تأثیرگذاری منفی ناطمینانی سیاست اقتصادی بر افشای اختیاری مدیریت بیانگر دیدگاه فرصت‌طلبی مدیران شرکت می‌باشد که موجب می‌شود ناطمینانی سیاست اقتصادی در جهت رسیدن به منافع شخصی مدیران استفاده شود.

صبوری و کریم‌پور (۱۴۰۰) در پژوهشی به "بررسی اثرات مشترک عدم قطعیت سیاست اقتصادی و ویژگی‌های شرکت بر ساختار سرمایه (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)" پرداختند. جهت تحلیل فرضیه‌های پژوهش، جامعه آماری را از بین سال‌های ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ و به مدت ۵ سال انتخاب نموده و شامل شرکت‌های بورسی بوده‌اند که نمونه آماری با روش حذفی و به تعداد ۹۰ شرکت انتخاب شد. با توجه به تحلیل مدل رگرسیونی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد فرضیه اصلی مورد تأیید قرار گرفته است و مشخص شد که عدم قطعیت سیاست اقتصادی و ویژگی‌های شرکت بر ساختار سرمایه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران تأثیر مشترک و معناداری دارد. با نتایج به دست آمده مشخص شد که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر اهرم مالی و ساختار سرمایه اثر مستقیم و مثبت دارد اما ویژگی‌های شرکتی بر اهرم مالی و ساختار سرمایه اثری معکوس و منفی دارد. به عبارتی دیگر، عدم قطعیت سیاست اقتصادی به میزان ۱۰/۷۹ باعث افزایش ساختار سرمایه و ویژگی‌های شرکتی به میزان ۵/۲۰ منجر به کاهش آن می‌شود.



حیدری و همکاران (۱۴۰۰) در پژوهشی به بررسی "رابطه عدم اطمینانی سیاست‌های کلان اقتصادی، رقابت اطلاعاتی و نقدینگی" پرداختند. دوره مورد بررسی پژوهش آن‌ها، دوره‌ای هشت‌ساله شامل سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۷ بود. جامعه آماری این پژوهش، کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بود. در این مطالعه از روش داده‌های ترکیبی برای تجزیه و تحلیل اطلاعات استفاده شد. نتایج پژوهش نشان داد که اثر متغیر مستقل نا اطمینانی سیاست‌های کلان اقتصادی بر نقدینگی سهام تأثیر منفی و معناداری دارد و حاکی از این موضوع است که افزایش نا اطمینانی منجر به افزایش ریسک مالی و کاهش بازده و نقدینگی سهام می‌گردد. همچنین نتایج پژوهش نشان داد که اثر متغیر مستقل رقابت اطلاعاتی بر نقدینگی سهام تأثیر مثبت و معناداری دارد و حاکی از این موضوع است که افزایش رقابت اطلاعاتی منجر به افزایش شفافیت و اعتماد سهامداران و کاهش ریسک مالی و افزایش بازده و نقدینگی سهام خواهد شد. نتایج تحقیق نشان داد که اثر متغیر تعاملی مستقل نا اطمینانی سیاست‌های کلان اقتصادی و رقابت اطلاعاتی بر نقدینگی سهام تأثیر مثبت و معناداری داشته است. حمیدیان و همکاران (۱۳۹۹) در مطالعه‌ای به "بررسی واکنش سرمایه‌گذاران به سود غیرمنتظره در شرایط عدم اطمینان بازار" پرداختند. بدین منظور نمونه‌ای شامل ۱۶۲ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در دوره زمانی ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ انتخاب شد. برای محاسبه عدم اطمینان بازار از دو روش فرمول محاسباتی و گارچ استفاده شد. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد زمانی که عدم اطمینان بالایی در بازار وجود دارد (نسبت به عدم اطمینان پایین)، واکنش سرمایه‌گذاران به اعلام سود سالانه شرکت‌ها بیشتر است. در شرایط عدم اطمینان بالا، سرمایه‌گذاران نسبت به اخبار بد سود (زیان غیرمنتظره) واکنش بیشتری از خود نشان می‌دهند که این واکنش با رویکرد محافظه‌کاری همخوانی دارد.

براساس مبانی نظری و پیشینه پژوهش، فرضیه‌های تحقیق حاضر به شرح زیر ارائه می‌گردد:

فرضیه اول پژوهش: عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد.

فرضیه دوم پژوهش: راهبرد تدافعی کسب و کار باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد.

۴- روش پژوهش

این پژوهش از منظر هدف، کاربردی است. هدف تحقیقات کاربردی توسعه دانش کاربردی در یک زمینه خاص می‌باشد. همچنین از منظر طرح تحقیق توصیفی است. تحقیق توصیفی شامل مجموعه روش‌هایی است که هدف آن‌ها توصیف کردن شرایط یا پدیده‌های مورد بررسی است. داده‌های مورد نیاز در این تحقیق از طریق گزارش‌های شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران به عنوان اصلی‌ترین منبع اطلاعاتی گردآوری شده و سپس فرضیه‌های طرح شده بر اساس مدل‌های همبستگی تحلیل رگرسیون از طریق نرم‌افزار آماری ایویوز ۱۰ آزمون شدند.



۴-۱- جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

جامعه آماری این پژوهش شامل تمامی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی نیز یک دوره زمانی ۱۰ ساله براساس صورت‌های مالی سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ شرکت‌های نمونه است. نمونه آماری این پژوهش به روش حذف سیستماتیک انتخاب می‌گردد و شامل شرکت‌هایی است که از ویژگی‌های زیر برخوردار هستند:

جدول (۱): روش انتخاب نمونه پژوهش

ردیف	شرایط و محدودیت‌ها	تعداد	مانده
۱	کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس در تاریخ ۱۳۹۰/۱۲/۲۹	۳۴۷	۳۴۷
۲	شرکت‌هایی که پس از سال ۱۳۹۰ در بورس پذیرفته شده‌اند یا قبل از سال ۱۳۹۹ از بورس خارج شده‌اند	(۵۱)	۳۰۱
۳	شرکت‌هایی که طول سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ وقفه معاملاتی بیش از ۳ ماه داشته‌اند	(۶۴)	۲۳۷
۴	شرکت‌های تحت بررسی جز شرکت‌های واسطه‌گری، سرمایه‌گذاری و مالی	(۷۱)	۱۶۶
۵	شرکت‌هایی که سال مالی آن‌ها به ۲۹ اسفند منتهی نمی‌گردد و یا تغییر سال مالی داده‌اند	(۳۳)	۱۳۷
	جمع کل جامعه آماری در نظر گرفتن پیش‌فرض‌ها		۱۲۸

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۵- مدل و متغیرهای پژوهش

برای آزمون فرضیه اول پژوهش از مدل رگرسیونی شماره (۱) به شرح زیر استفاده می‌گردد (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

مدل (۱)

$$SF_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 EPU_{i,t} + \beta_2 LEV_{i,t} + \beta_3 SIZE_{i,t} + \beta_4 CPI_{i,t} + \beta_5 Ownership\ Concentration_{i,t} + \beta_6 Board\ Size_{i,t} + \beta_7 Board\ Independence_{i,t} + \varepsilon$$

که در این مدل

SF: پایداری مالی، EPU: عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، LEV: اهرم مالی، SIZE: اندازه شرکت، CPI: شدت سرمایه؛ Ownership Concentration: تمرکز مالکیت، Board Size: اندازه هیئت‌مدیره و Board Independence: استقلال اعضای هیئت‌مدیره است.

برای پذیرش فرضیه اول پژوهش، پس از برازش مدل رگرسیونی شماره (۱) و در صورتی که ضریب متغیر عدم قطعیت در سیاست‌های اقتصادی منفی و معنادار باشد، فرضیه اول پژوهش تأیید و حاکی از آن است که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، برای آزمون فرضیه دوم پژوهش از مدل رگرسیونی شماره (۲) به شرح زیر استفاده می‌گردد:

مدل (۲)

$$SF_{i,t} = \alpha_0 + \beta_1 EPU_{i,t} + \beta_2 EPU_{i,t} * FBDS_{i,t} + \beta_3 LEV_{i,t} + \beta_4 SIZE_{i,t} + \beta_5 CPI_{i,t} + \beta_6 Ownership\ Concentration_{i,t} + \beta_7 Board\ Size_{i,t} + \beta_8 Board\ Independence_{i,t} + \varepsilon$$

در این مدل

$EPU_{i,t} * FBDS_{i,t}$: اثر تعاملی راهبرد تدافعی کسب‌وکار بر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی است.

برای پذیرش فرضیه دوم پژوهش، پس از برازش مدل رگرسیونی شماره (۲) و در صورتی که ضریب متغیر اثر تعاملی راهبرد تدافعی کسب‌وکار بر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی مثبت و معنادار باشد، فرضیه دوم پژوهش تأیید و حاکی از آن است که راهبرد تدافعی کسب‌وکار باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد.

۱-۵- متغیر وابسته

پایداری مالی شرکت^۱: در این پژوهش به پیروی از پژوهش دارابی (۱۳۹۶) از شاخص SF و به صورت زیر برای محاسبه پایداری مالی شرکت استفاده شده است:

رابطه (۱)

$$SF = \frac{(ROA_{i,t} + Capital\ Ratio_{i,t})}{\sigma ROA_{i,t}}$$

که در آن:

$ROA_{i,t}$: نرخ بازده دارایی‌ها است و از طریق نسبت سود خالص به کل دارایی‌های شرکت i در سال t محاسبه می‌شود.

$Capital\ Ratio_{i,t}$: شاخص کفایت سرمایه است و از طریق نسبت داراییهای ثابت به کل دارایی‌های شرکت i در سال t محاسبه می‌شود.

$\sigma ROA_{i,t}$: انحراف معیار نرخ بازده دارایی‌های شرکت i در طی سه سال گذشته است.

در این رابطه اندازه این معیار افزایش یابد، مقدار احتمال ناپایداری (شکست) کاهش یافته و به بیان دیگر شرایط مالی شرکت پایدارتر خواهد بود (دارابی، ۱۳۹۶).



۲-۵- متغیر مستقل

متغیر مستقل در این پژوهش عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی است. در این پژوهش برای محاسبه شاخص عدم قطعیت سیاست‌های کلان اقتصادی دولت به پیروی از پژوهش میرزایی و شیخ (۱۳۹۹) از طریق شاخصه‌های مخارج دولت، درآمد عملیاتی به‌عنوان شاخصی از مدیریت بخش مالی اقتصاد و از حجم نقدینگی به‌عنوان شاخصی از بخش پولی و از حاشیه نرخ ارز به‌عنوان شاخصی از سیاست ارزی استفاده شده است. لازم به ذکر است که این شاخصه‌ها (مخارج دولت، درآمد عملیاتی دولت، حجم نقدینگی و نرخ ارز) از طریق مراجعه به سایت بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استخراج شده‌اند. در ادامه مراحل ساخت این شاخص به تفصیل شرح داده می‌شود (میرزایی و شیخ، ۱۳۹۹):

ساخت شاخص عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی شامل پنج مرحله و به‌صورت زیر است:

- الف- آزمون ضریب لاگرانژ برای اطمینان حاصل نمودن از وجود اثرات آرچ و گارچ در متغیرها.
- ب- برآورد معادله میانگین و واریانس متغیرهای مذکور با استفاده از الگوهای آرچ و گارچ.
- ج- تعیین ضریب اهمیت هر متغیر با توجه به اثر متغیر بر متغیر وابسته.
- ت- رتبه‌بندی سری زمانی نوسانات استخراجی از مرحله قبل.
- ث- ترکیب نوسان‌های متغیرهای سیاستی و ساخت شاخص.

در ادامه توضیح مربوط به هر یک از مراحل ذکر شده است:

الف- آزمون ضریب لاگرانژ

قبل از تخمین مدل‌های آرچ و گارچ، انجام آزمون ضریب لاگرانژ برای اطمینان از وجود اثرات آرچ جهت تخمین مدل لازم می‌باشد. جهت انجام این آزمون، ابتدا مدل میانگین در نظر گرفته شده برای مدل‌های آرچ و گارچ به روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده می‌شود و سپس آزمون ضریب لاگرانژ برای پسماندهای این مدل انجام می‌گردد. فرض صفر این آزمون بیان می‌نماید که جملات اخلال وابسته به هم نیستند و رد این فرضیه به معنای آن است که وجود اثرات آرچ در الگو مجاز است. برای مثال، معادله میانگین زیر در نظر گرفته شود:

مدل (۲)

$$Y_t = C + bY_{t-1} + U_t$$

با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی این معادله برآورد شده و سپس آزمون ضریب لاگرانژ برای پسماندهای U_t انجام می‌شود.

مدل (۳)

$$\hat{U}_t = a_0 + a_1 \hat{U}_{t-1} + \dots + a_q \hat{U}_{t-q} + w_t$$

فرض صفر این آزمون بیان می‌نماید که پسماندها مستقل از یکدیگر توزیع شده‌اند و آماره آزمون دارای توزیع X^2 با درجه آزادی q است.

مدل (۴)

$$H_0 = a_0 = a_1 = \dots = a_q$$

تأیید فرض مقابل به منزله وجود ناهمسانی واریانس در این متغیرهای سری زمانی و لزوم استفاده از روش آرچ و گارچ است. همچنین، در صورت تأیید نشدن فرض مقابل، استفاده از روش میانگین متحرک خودهمبسته کفایت می‌کند. آزمون فوق برای معادله میانگین مربوط به مخارج دولت، درآمدهای مالیاتی، حجم نقدینگی و حاشیه نرخ ارز که هر کدام تابعی از مقادیر با وقفه هستند، صورت گرفته و وجود الگوی آرچ و گارچ در هر کدام باید به تأیید برسد.

در ابتدا برای تخمین معادله میانگین هر کدام از متغیرها از یک الگوی خود رگرسیون مرحله اول به شکل زیر استفاده می‌گردد:

مدل (۵)

$$Y_t = C + bY_{t-1} + U_t$$

که متغیر Y متغیر سیاست‌گذاری مورد نظر است که تابعی از یک ضریب ثابت C و یک وقفه خود متغیر Y_{t-1} است. این معادله برای هر چهار متغیر مخارج دولتی، درآمدهای مالیاتی، حجم نقدینگی و حاشیه نرخ ارز برآورد خواهد شد. سپس برای بررسی اثرات آرچ در پسماندهای متغیر از آزمون ضریب لاگرانژ استفاده می‌شود.

ب- برآورد الگوی آرچ و گارچ

پس از اطمینان حاصل کردن از وجود اثرات آرچ یا وابستگی جملات پسماند در معادلات فوق، به برآورد الگوهای آرچ و گارچ برای این متغیرها پرداخته می‌شود. پس از برآورد الگوهای مناسب آرچ و گارچ برای شاخصه‌های سیاست‌های اقتصادی دولت (مخارج دولتی، درآمدهای مالیاتی، حجم نقدینگی و حاشیه نرخ ارز) و اطمینان حاصل نمودن از معنادار بودن ضرایب و تخمین مناسب الگو، مبادرت به استخراج واریانس این مدل‌ها با استفاده از مدل واریانس هر متغیر می‌شود.

ج- تعیین ضریب اهمیت هر متغیر

آنچه مسلم است، این است که میزان تأثیر نوسان هر یک از شاخصه‌های سیاست‌های اقتصادی دولت (مخارج دولتی، درآمدهای مالیاتی، حجم نقدینگی و حاشیه نرخ ارز) در شاخص کلی یکسان نیست و در ترکیب واریانس‌ها،



نمی‌توان از وزن‌های یکسان برای متغیرها استفاده نمود. برای این کار از روش رگرسیون غلتان استفاده می‌شود. در این روش ابتدا جز دورانی هر یک از متغیرهایی که در ساخت شاخص ترکیبی بکار می‌روند را با جز دورانی متغیری که شاخص ترکیبی برای توضیح آن ساخته می‌شود، به‌صورت جداگانه در یک رگرسیون وارد می‌شود:

مدل (۶)

$$Y_t = b_0 + b_1 X_{j,t-k} + U_t$$

که در آن:

Y_t : جز دورانی که شاخص ترکیبی برای توضیح آن ساخته می‌شود.

X_j : جز دورانی متغیر انفرادی زام.

j : تعداد متغیرهای انفرادی که برای ساخت شاخص انفرادی با هم ترکیب می‌شوند.

K : اندیس نشان‌دهنده وقفه متغیر.

پس از انجام هر رگرسیون، ضریب تعیین محاسبه و اوزان مرتبط با هر متغیر انفرادی به‌صورت زیر محاسبه می‌گردد:

رابطه (۲)

$$C_j = R_j^2 / \sum_{j=1}^4 R_j^2$$

R_j^2 : ضریب تعیین حاصل از مدل (۶) که به روش رگرسیون غلتان برای هر یک از شاخص‌های سیاست‌های اقتصادی دولت (مخارج دولتی، درآمدهای مالیاتی، حجم نقدینگی و حاشیه نرخ ارز) به‌صورت جداگانه برآورد شده است (J نماد هر یک از شاخص‌های سیاست‌های اقتصادی دولت است). بنابراین در این روش، وزن هر سری در درون شاخص ترکیبی بستگی به این دارد که جز دورانی آن سری، تا چه اندازه دورانی متغیری که شاخص ترکیبی برای آن ساخته می‌شود را توضیح می‌دهد. پس از تعیین وزن هر متغیر انفرادی، سری زمانی شاخص ترکیبی براساس میانگین وزن‌های متغیرهای انفرادی به دست می‌آید.

ت- رتبه‌بندی سری زمانی نوسانات متغیرها

واریانس‌های استخراج شده از معادلات آرچ و گارچ شاخصی از نوسان‌های متغیرهای مربوطه است. در این مرحله از ساخت شاخص عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی دولت، واریانس‌های چهار متغیر سیاست‌های اقتصادی دولت (یعنی مخارج دولت، درآمد عملیاتی دولت، حجم نقدینگی و نرخ ارز) را بین صفر و یک رتبه‌بندی می‌نمایند. بدین معنا که به بزرگ‌ترین واریانس عدد یک و به کوچک‌ترین واریانس عدد صفر اختصاص داده می‌شود. برای انجام این رتبه‌بندی از فرمول زیر استفاده می‌گردد:

رابطه (۳)

$$\frac{X_t - \min(X_t)}{\max(X_t) - \min(X_t)}$$

روش بالا یک روش واسطه‌ای است که چهار سری زمانی واریانس را در فاصله صفر و یک توزیع می‌نماید و به عبارت دیگر چهار سری زمانی را قابل ترکیب کردن می‌نماید.

ث- ترکیب سری زمانی واریانس‌ها و ساخت شاخص

مرحله نهایی در ساخت شاخص عدم اطمینان سیاست اقتصادی، ترکیب سری زمانی واریانس‌ها (قسمت ت) با توجه به وزن هر کدام (قسمت ج رابطه ۲) است. برای انجام این مرحله با ضرب ضریب هر متغیر در رتبه‌بندی سری زمانی آن و جمع جبری آن‌ها، شاخص عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی محاسبه می‌گردد.

۳-۵- متغیر تعدیلگر

راهبرد تدافعی شرکت (FBDS): در این پژوهش جهت محاسبه متغیر راهبرد کسب‌وکار از روش بنتلی (۲۰۱۳) و مرادی و سپهوندی (۱۳۹۴) استفاده می‌شود. بدین صورت که برای به دست آوردن امتیازات ترکیبی از پنج نسبت نرخ رشد فروش شرکت نسبت به سال قبل، نسبت هزینه تبلیغات به کل فروش، نسبت هزینه‌های اداری، عمومی و فروش به فروش کل شرکت، نسبت نرخ رشد تعداد کارمندان شرکت نسبت به سال قبل و نسبت دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها استفاده می‌شود. تمامی متغیرها براساس میانگین سه‌ساله (دیدگاه میان‌مدت) محاسبه خواهند شد. ابتدا شرکت‌ها بر اساس پنج نسبت به ترتیب از بالا به پایین در پنج گروه تقسیم می‌شوند. بدین ترتیب که شرکتی که در بالاترین پنجک قرار دارد، امتیاز پنج و شرکتی که در پنجک چهارم قرار گرفته است عدد ۴ و به همین ترتیب به جهت هماهنگی در امتیاز دهی با سایر متغیرها برای پنجک‌های پایین‌تر امتیاز کمتر اختصاص داده می‌شود. سپس از امتیازهای حاصله برای تشخیص نوع راهبرد شرکت؛ به شرح زیر استفاده می‌گردد:

الف: امتیاز ۵ تا ۱۰ شرکت‌های دارای راهبرد تدافعی.

ب: امتیاز ۱۰ تا ۲۰ شرکت‌های دارای راهبرد تحلیل گرایانه.

ج: امتیاز ۲۱ تا ۲۵ شرکت‌های دارای راهبرد تهاجمی.



۴-۵- متغیرهای کنترلی

اهرم مالی: کل بدهی‌ها تقسیم بر کل دارایی‌های شرکت (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).
اندازه شرکت: (لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت) (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).
شدت سرمایه: نسبت دارایی‌های ثابت (اموال، ماشین آلات و تجهیزات) به کل دارایی‌های شرکت (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).
تمرکز مالکیت: نسبت سهام در اختیار بزرگ‌ترین سهامدار شرکت به کل سهام شرکت (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).
اندازه هیئت‌مدیره: تعداد اعضا هیئت‌مدیره شرکت (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).
اعضا مستقل هیئت‌مدیره: نسبت اعضا مستقل هیئت‌مدیره به کل اعضا هیئت‌مدیره (احسن و همکاران، ۲۰۲۱).

۶- یافته‌های پژوهش

۱-۶- آمار توصیفی داده‌ها

آمار توصیفی در پایان‌نامه برای خلاصه کردن داده‌ها و توصیف الگوهایی که در داده‌ها مشاهده می‌شود بکار می‌رود. آمار توصیفی می‌تواند به پژوهشگر کمک کند تا داده‌های خود را خلاصه نماید و روندها را شناسایی نماید. در این پژوهش میانگین متغیرهای پایداری مالی و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی در این پژوهش به ترتیب اعداد (۱۳/۳۵۸) و (۰/۱۵۰) را نشان می‌دهد. همچنین، در این پژوهش میانه متغیرهای پایداری مالی و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی در این پژوهش به ترتیب اعداد (۱۰/۰۹۸) و (۰/۰۹۵) را نشان می‌دهد. در این پژوهش با توجه به نتایج آمار توصیفی (جدول ۲) چولگی متغیرهای پایداری مالی و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی به ترتیب اعداد (۱/۴۱۱) و (۱/۵۵۵) را نشان می‌دهند و حاکی از نرمال بودن توزیع داده‌ها است. در علم آمار کشیدگی نشان دهنده ارتفاع یک توزیع است و مقدار کشیدگی برای توزیع‌های نرمال عددی بین صفر تا سه است. کشیدگی متغیرهای پایداری مالی (۲/۳۳۲) و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی (۳/۰۴۷) است که دارای توزیع نرمال هستند. سایر متغیرهای پژوهش نیز مانند موارد فوق قابل تفسیر است.



جدول (۲): آمار توصیفی برای متغیرهای پژوهش

عنوان فارسی متغیرها	عنوان لاتین متغیرها	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار
پایداری مالی شرکت	SF	۱۳/۳۵۸	۱۰/۰۹۸	۴۷/۹۰۵	-۰/۰۴۶	۱۲/۵۶۹
عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی	EPU	۰/۱۵۰	۰/۰۹۵	۰/۵۴۲	۰/۰۱۴	۰/۱۶۰
اهرم مالی	LEV	۰/۵۷۸	۰/۵۷۵	۰/۹۹۴	۰/۱۹۶	۰/۲۱۶
اندازه شرکت	SIZE	۱۴/۵۹۷	۱۴/۳۳۹	۱۷/۹۷۹	۱۲/۲۵۹	۱/۴۸۳
شدت سرمایه	CPI	۰/۲۶۳	۰/۲۲۵	۰/۶۳۰	۰/۰۴۷	۰/۱۶۸
تمرکز مالکیت	OWNERSHIP_CONCENTRATION	۰/۷۰۷	۰/۷۶۱	۰/۹۵۰	۰/۲۷۲	۰/۱۹۰
اندازه هیئت‌مدیره	BOARD_SIZE	۵/۰۷۱	۵/۰۰۰	۷/۰۰۰	۳/۰۰۰	۰/۲۵۷
اعضا مستقل هیئت‌مدیره	BOARD_INDEPENDENCE	۰/۴۸۶	۰/۴۱۲	۰/۸۰۰	۰/۲۰۰	۰/۱۴۹

منبع: یافته‌های پژوهشگر

جدول (۳): شاخص‌های توصیف کننده متغیرهای مجازی پژوهش

نام متغیر	تعداد	اندازه‌گیری	درصد
راهبرد تدافعی شرکت	۱۲۸۰	تدافعی	۳۸/۸
		سایر	۶۱/۲

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۲-۶- آمار استنباطی

پیش از برآورد مدل‌ها لازم است تا آزمون اف لیمر به منظور بررسی استفاده از روش داده‌های تابلویی با اثرات ثابت در مقابل روش داده‌های ترکیبی برای مدل‌های پژوهش انجام شود. نشان این آزمون نشان داد که احتمال آزمون اف لیمر برای هر دو مدل اول و دوم پژوهش (۰/۰۰۰) و کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین از روش داده‌های تابلویی در برآورد مدل‌های پژوهش استفاده می‌شود. اگر بر طبق نتیجه آزمون اف لیمر جهت هر کدام از فروض پژوهش، رویکرد متغیرهای پنل مورد قبول واقع گردد، جهت تشخیص نوع روش تخمین مدل، رویکرد هاسمن مورد استفاده قرار می‌گیرد. احتمال آزمون هاسمن به ترتیب برای مدل اول پژوهش؛ مقدار آماره کای اسکوئر (۲۴/۰۸۳) و مقدار احتمال (۰/۰۰۰) و همچنین برای مدل دوم پژوهش مقدار آماره کای اسکوئر (۳۱/۹۲۸) و مقدار احتمال (۰/۰۰۰)

را نشان می‌دهند و با توجه به سطح معناداری کمتر از ۰/۰۵، از روش اثرات ثابت در برآورد مدل‌های پژوهش استفاده شده است.

با توجه به نتایج آزمون بروش بروش پاگان جهت بررسی ناهمسانی واریانس برای مدل‌های پژوهش به ترتیب برای مدل اول آماره (۸۹/۲۸۱) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) و همچنین برای مدل دوم پژوهش به ترتیب آماره (۸۷/۷۵۱) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) را نشان داد، که می‌توان دریافت که مدل‌های پژوهش دارای ناهمسانی واریانس هستند و لذا از روش حداقل مربعات تعمیم‌یافته برای برآورد مدل‌های پژوهش استفاده شد. در ادامه برای بررسی نبود خودهمبستگی جمله خطا (باقیمانده‌ها) از آزمون بروش گادفری استفاده شد و نتایج حاصل از سطح معناداری آزمون بروش گادفری برای مدل‌های پژوهش به ترتیب برای مدل اول آماره (۱۳۱/۸۶۳) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) و همچنین برای مدل دوم پژوهش به ترتیب آماره (۱۲۸/۶۰۷) و سطح معناداری (۰/۰۰۰) را نشان داد، که با توجه به کوچکتر بودن سطح معناداری این آزمون از عدد ۰/۰۵ برای مدل‌های پژوهش، فرض مقابل مبنی بر خودهمبستگی مرتبه اول سریالی؛ برای هر دو مدل پژوهش تأیید شد. همچنین، در هنگام برآورد مدل پژوهش، وقفه اول جز خطا برای برطرف نمودن مشکل خودهمبستگی جمله خطا لحاظ شده است.

۳-۶- نتایج آزمون فرضیه اول پژوهش

مقدار آماره اف و مقدار احتمال برای مدل اول به ترتیب برابر (۲۲/۴۳۰) و (۰/۰۰۰) می‌باشد، که نشان‌دهنده معنادار بودن مدل در حالت کلی می‌باشد (زیرا مقدار احتمال این آماره کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد). در مدل اول مقدار ضریب تعیین تعدیل‌شده برابر ۰/۷۱۵ است که نشان می‌دهد این مدل بیش از ۷۱ درصد تغییرات در متغیر وابسته یعنی پایداری مالی را تبیین نموده است.

فرضیه اول این پژوهش عنوان می‌نماید که: عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد. برای تایید فرضیه اول انتظار می‌رود در سطح معناداری مورد نظر، ضریب برآوردی و سطح معناداری متغیر عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی منفی و معنادار باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری برای ضریب متغیر عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی (۰/۰۳۱) و کمتر از ۰/۰۵ است. همچنین، با توجه به ضریب این متغیر که عدد منفی (۰/۸۵۲-) را نشان می‌دهد؛ فرضیه اول پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود و بیانگر این مطلب است که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد، لذا فرضیه اول در سطح معناداری ۰/۰۵ درصد تأیید می‌گردد.



جدول (۴): نتایج حاصل از آزمون مدل اول پژوهش (فرضیه اول پژوهش)

نام متغیر	ضریب بتا	خطای استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی	-۰/۸۵۲	۰/۳۹۴	-۲/۱۵۹	۰/۰۳۱
اهرم مالی	-۱۴/۰۳۶	۱/۶۲۴	-۸/۶۴۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۲۲۵	۰/۲۲۴	-۱/۰۰۵	۰/۳۱۴
شدت سرمایه	۲/۵۵۹	۱/۵۱۵	۱/۶۸۹	۰/۰۹۱
تمرکز مالکیت	۰/۱۶۲	۰/۳۹۹	۰/۴۰۶	۰/۶۸۴
اندازه هیئت‌مدیره	-۱/۲۵۰	۰/۵۹۸	-۲/۰۹۰	۰/۰۳۶
اعضا مستقل هیئت‌مدیره	-۰/۰۸۹	۰/۰۸۲	-۱/۰۸۴	۰/۲۷۸
وقفه اول جز خطای مدل	۰/۱۹۹	۰/۰۳۲	۶/۰۷۱	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	۳۰/۸۴۴	۴/۱۴۵	۷/۴۴۰	۰/۰۰۰
آماره اف (۲۲/۴۳۰)	آزمون دوربین واتسون (۱/۹۴۲)			
سطح معناداری آماره اف (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین تعدیل شده (۰/۷۱۵)			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۴-۶- نتایج آزمون فرضیه دوم پژوهش

مقدار آماره اف و مقدار احتمال برای مدل دوم به ترتیب برابر (۲۰/۵۲۲) و (۰/۰۰۰) می‌باشد، که نشان‌دهنده معنادار بودن مدل در حالت کلی می‌باشد (زیرا مقدار احتمال این آماره کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد). در مدل دوم مقدار ضریب تعیین تعدیل شده برابر ۰/۶۹۷ است که نشان می‌دهد این مدل بیش از ۶۹ درصد تغییرات در متغیر وابسته یعنی پایداری مالی را تبیین نموده است.

فرضیه دوم این پژوهش عنوان می‌نماید که: راهبرد تدافعی کسب‌وکار باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد. برای عدم رد فرضیه دوم انتظار می‌رود در سطح معناداری مورد نظر، ضریب برآوردی و سطح معناداری متغیر اثر تعاملی راهبرد تدافعی کسب‌وکار بر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی مثبت و معنادار باشد. با توجه به اینکه سطح معناداری برای ضریب متغیر اثر تعاملی راهبرد تدافعی کسب‌وکار بر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی (۰/۰۰۱) و کمتر از ۰/۰۵ است، فرضیه دوم پژوهش در سطح اطمینان ۰/۹۵ رد نمی‌شود. همچنین، با توجه به ضریب این متغیر که عدد مثبت (۷/۱۳۷) را نشان می‌دهد؛ بیانگر این مطلب است که راهبرد تدافعی کسب‌وکار باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد، لذا فرضیه دوم در سطح معناداری ۰/۰۵ درصد تأیید می‌گردد.



جدول (۵): نتایج حاصل از آزمون مدل دوم پژوهش (فرضیه دوم پژوهش)

نام متغیر	ضریب بتا	خطای استاندارد	آماره تی	سطح معناداری
عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی	-۲/۳۸۸	۰/۶۷۰	-۳/۵۶۰	۰/۰۰۰
اثر تعاملی راهبرد تدافعی کسب و کار بر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی	۷/۱۳۷	۲/۱۸۵	۳/۲۶۶	۰/۰۰۱
اهرم مالی	-۱۳/۳۲۶	۱/۷۴۷	-۷/۶۲۴	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	-۰/۲۰۵	۰/۲۳۳	-۰/۸۷۸	۰/۳۸۰
شدت سرمایه	۳/۴۹۷	۱/۹۴۸	۱/۷۹۵	۰/۰۷۲
تمرکز مالکیت	۰/۵۵۸	۰/۵۹۶	۰/۹۳۵	۰/۳۴۹
اندازه هیئت‌مدیره	-۱/۲۰۴	۰/۶۴۵	-۱/۸۶۷	۰/۰۶۲
اعضا مستقل هیئت‌مدیره	-۰/۲۴۵	۰/۰۸۸	-۲/۷۷۰	۰/۰۰۵
وقفه اول جز خطای مدل	۰/۲۰۲	۰/۰۳۲	۶/۱۸۶	۰/۰۰۰
عرض از مبدأ	۲۹/۶۶۸	۴/۳۷۶	۶/۷۷۸	۰/۰۰۰
آماره اف (۲۲/۵۲۲)	آزمون دوربین واتسون (۱/۹۵۱)			
سطح معناداری آماره اف (۰/۰۰۰)	ضریب تعیین تعدیل‌شده (۰/۶۹۷)			

منبع: یافته‌های پژوهشگر

۷- بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی تأثیر عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی با در نظر گرفتن اثر تعاملی راهبرد تدافعی است. نتایج حاصل از آزمون فرضیات پژوهش نشان داد عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد. همچنین، راهبرد تدافعی کسب و کار باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد. نتایج حاصل از فرضیات پژوهش حاضر با نتایج پژوهش احسن و همکاران (۲۰۲۱) و میرزا و احسن (۲۰۲۰) هم‌جهت است. نتایج حاصل از فرضیه اول را می‌توان این‌گونه تفسیر نمود که عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی به دلیل نابرابری و ناپیوستگی سیاست‌های اقتصادی دولت غالباً به دلیل آثار منفی تحریم‌های بین‌المللی وضع شده علیه کشور ایران رخ می‌دهد که با توجه به ماهیت پویایی اقتصاد بین‌الملل و شرایط حاکم بر اقتصاد کشور، نیاز به سیاست‌گذاری‌های به موقع نسبت به تعدیل سیاست‌ها و شرایط اقتصادی کاملاً احساس می‌شود. از طرفی، شتاب و سرعت تصمیم‌گیری دولتی در مواجهه با چنین شرایطی غالباً به موقع و به صورت کامل انجام نمی‌پذیرد که تبعات سنگینی بر تولید و ثبات در عملکرد



مالی شرکت‌های فعال در بازار ایران برجای گذاشته است. به‌عنوان مثال، افزایش نرخ ارز و تورم طی چندسال گذشته، سبب افزایش قابل‌توجه هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی (هزینه تأمین مواد اولیه، هزینه دستمزد و غیره) شده است. در شرایط جاری حاکم بر فضای اقتصادی ایران و افزایش قابل توجه در سطح عمومی قیمت‌ها سبب شده است تا نقدینگی اقتصاد نتواند خدمات مالی مورد نیاز و متناسب با سطح فعالیت‌های اقتصادی را ارائه دهد و در چنین شرایطی فعالیت‌های اقتصادی کسب‌وکارها به دلیل تنگنای نقدینگی و تأمین مالی دچار انقباض خواهد شد. یکی از مسیرهای ایجاد انقباض از مسیر سرمایه در گردش بنگاه‌های اقتصادی و افزایش نرخ بهره اقتصادی است که در نهایت ثبات عملکرد تولید محصول، سرمایه‌گذاری و پایداری مالی واحد اقتصادی را به مخاطره می‌اندازد. تحریم‌های فعلی بیشتر، موارد اقتصادی را هدف گرفته و قطعاً کسب‌وکارها در این‌چنین شرایطی با مشکلات زیادی مواجه می‌شوند. در شرایط عدم قطعیت تولیدکنندگان باید راهبرد و برنامه‌هایی داشته باشند تا بتوانند با چالش‌ها و مشکلات ناشی از عدم قطعیت‌ها فائق آیند. با توجه به نتایج حاصل از فرضیه دوم و نتایج آمار توصیفی به نظر می‌رسد بیش از ۳۸ درصد شرکت‌های فعال در بازار سرمایه ایران در مواجهه با عدم قطعیت حاکم بر فضای اقتصادی کشور، راهبرد تدافعی را به‌عنوان یک تاکتیک دفاعی و خنثی نمودن اثرات منفی چالش‌های عدم قطعیت برای کسب‌وکار خود برگزیده‌اند و در چنین شرایطی ترجیح می‌دهند افزایش هزینه‌ها را از طریق فروش دارایی‌ها یا تعدیل کارکنان جبران نموده و سیاست تولید محصولات پرتقاضا (عدم تنوع) با منابع محدود را اتخاذ نموده‌اند و از این طریق جایگاه و موقعیت خود در بازار محصول را حفظ نموده و پایداری مالی نسبی برای خود فراهم آورند.

فرضیه	عنوان	نتیجه آزمون
اول	عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر پایداری مالی شرکت تأثیر منفی و معنادار دارد.	تأیید
دوم	راهبرد تدافعی کسب‌وکار باعث تضعیف رابطه منفی بین عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی و پایداری مالی شرکت می‌گردد.	تأیید

منبع: یافته‌های پژوهشگر

فهرست منابع

امری اسرمی، محمد، جلالی، فاطمه، کاظمی حاجی، فهیمه. (۱۴۰۲). 'اثر قدرت و دانش مالی مدیرعامل بر رابطه بین ریسک سازمانی و عملکرد شرکت'. قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲(۷)، ۶۷-۸۶.
پورفخاریان، پروین، ایزدی نیا، ناصر و حجت اله هادی پور هفشجانی، (۱۳۹۹)، "بررسی تأثیر رقابت در بازار محصول بر رابطه بین مسئولیت‌پذیری اجتماعی شرکت و نگهداشت وجه نقد"، پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۱۰(۴)، ص ۱۵۱-۱۷۶.



- برزیده، فرخ، جوانی قلندری، موسی و عابد، عظیمی. (۱۳۹۷). "تأثیر استراتژی‌های تجاری بر کارایی سرمایه‌گذاری". مجله دانش حسابداری، ۹ (۳۵)، ص ۱۵۳-۱۸۴.
- پیرس و رابینسون (۱۳۸۰). "برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک"، ترجمه سهراب خلیلی شورینی، چاپ اول، تهران: انتشارات یادواره کتاب.
- حمیدیان، نرگس، عرب‌صالحی، مهدی و هادی، امیری. (۱۳۹۹). "بررسی واکنش سرمایه‌گذاران به سود غیرمنتظره در شرایط عدم اطمینان بازار"، مجله مدیریت دارایی و تأمین مالی، ۸ (۲۸)، ص ۴۱-۵۶.
- حیدری، محمدرضا، رمضانی ورزنده، ابوالفضل و علیرضا، مؤمنی. (۱۴۰۰). "عدم اطمینانی سیاست‌های کلان اقتصادی، رقابت اطلاعاتی و نقدینگی"، پژوهش‌های معاصر در علوم و تحقیقات، ۳ (۲۵)، ص ۱۵۰-۱۶۳.
- خانلری، امیر و امید، کفایی. (۱۳۹۳). "بررسی تأثیر استراتژی کسب‌وکار بر موفقیت سیستم برنامه‌ریزی منابع سازمانی در شرکت‌های ایرانی"، نشریه مدیریت صنعتی، ۶ (۱۳)، ص ۲۳۱-۲۵۲.
- دارابی، رؤیا. (۱۳۹۶). "عوامل تعیین‌کننده پایداری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۳۶، ص ۱۷-۳۴.
- قاسمی، قاسم، خدای پور، احمد و کاظم، شمس‌الدینی. (۱۴۰۰). "بررسی نا اطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی، واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود و افشای اختیاری. دانش حسابداری مالی، ۸ (۳۰)، ص ۲۵-۴۷.
- قربانی، بهزاد، پورطاهر اقدم، فرزانه، رهنما رودپشتی، فریدون. (۱۴۰۱). "تأثیر محافظه‌کاری حسابرس و وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲۱ (۲) ص ۱-۲۱.
- صبوری، نرگس و عنایت، کریم پور. (۱۴۰۰). "بررسی اثرات مشترک عدم قطعیت سیاست اقتصادی و ویژگی‌های شرکت بر ساختار سرمایه (مطالعه موردی: شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار). فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری"، ۵ (۲۶)، ص ۱۱۹-۱۳۶.
- مرادی، محمد و سعیده، سپهوندی. (۱۳۹۴). "تأثیر استراتژی‌های رقابتی بر پایداری عملکرد مالی و ریسک"، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۷ (۲۵)، ص ۷۵-۹۰.
- محمودزاده، میثم، کیقبادی، امیررضا، نوجوان، مهناز، سلطانی، فریبا. (۱۴۰۲). "رابطه بین ریسک‌پذیری، ارزش شرکت و قضاوت مدیریت از سود"، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۲ (۵)، ص ۱۳۹-۱۶۲.
- میرزایی، حجت‌اله و محمدصادق، شیخ. (۱۳۹۹). "اثر نا اطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر بار مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، فصلنامه راهبرد اقتصادی، ۷ (۲۴)، ص ۹۵-۱۱۹.
- نمازی، محمد، دهقانی، سعدی، قوهستانی، علی‌اصغر و سمانه، رنجبر. (۱۳۹۶). "خودشیفتگی مدیران و استراتژی تجاری شرکت‌ها"، دانش حسابرسی و حسابرسی مدیریت، ۶ (۲۲)، ص ۳۷-۵۱.
- Ahsan, T., Al-GAMRH, B., & Mirza, S. S. (2021), "Economic policy uncertainty and sustainable financial growth: Does business strategy matter?", Finance Research Letters, 43, 2, PP. 1-7.

- Ahsan, T., Mirza, S.S., Al-Gamrh, B., & Bin-Feng, C. (2021), "How to deal with policy uncertainty to attain sustainable growth: the role of corporate governance", *Corporate Governance*. 21 (1), PP. 78–91.
- Alshehhi, A., Nobanee, H. and Khare, N. (2018). The impact of sustainability practices on corporate financial performance: Literature trends and future research potential. *Asian Journal of Sustainability and Social Responsibility*, 10(2), 494.
- Baker, S.R., Bloom, N., & Davis, S.J. (2016), "Measuring economic policy uncertainty", *The Quarterly Journal of Economics*, 131 (4), PP. 1593–1636.
- Bentley, K.A., Omer, T.C., & Sharp, N.Y. (2013), "Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemp. Contemporary Accounting Research*", 30 (2), PP. 780–817.
- Borio C. (2006), "Monetary and financial stability: here to stay?," *Journal of Banking & Finance*, 30(12), PP. 3407–3414.
- Cao, H., Guo, L. and Zhang, L. (2020). Does oil price uncertainty affect renewable energy firms' investment? Evidence from listed firms in China. *Finance Research Letters*. 33, 101-205.
- Chandler, A. D. (1962), "Strategy and structure. Massachusetts, The M.I. T. Press.
- Chen, Y., Eshleman, J.D., & Soileau, J.S. (2016), "Business strategy and auditor reporting", *Journal of Practice and Theory*, 36(2), PP. 63-86.
- Davis, S.J., Liu, D., & Sheng, X.S. (2019), "Economic policy uncertainty in China since 1949: the view from mainland newspapers", Working paper, August.
- Günther T., & Günther E. (2017), "Finanzielle Nachhaltigkeit – Messung, finanzielle Steuerung und Herausforderungen. In: Hoffjan A, Knauer T", Wöhrmann A (eds) *Controlling – Konzeptionen. Instrumente, Anwendungen, Schäffer-Poeschel, Stuttgart*, PP. 79–90.
- Gleißner, W., Günther, T. W., & Walkshäusl, C. H. (2022), "Financial sustainability: measurement and empirical evidence", *Journal of Business Economics*, 92 (3), PP. 467-516.
- Haller A., Van Staden, C.J., & Landis C. (2018). "Value added as part of sustainability reporting: reporting on distributional fairness or obfuscation?". *Journal of Business Ethics*, 152(3), PP. 763–781.
- Davis, S.J., Liu, D. and Sheng, X.S. (2019). Economic policy uncertainty in China since 1949: the view from mainland newspapers: Working paper, August.
- Gulen, H. and Ion, M. (2016). Policy uncertainty and corporate investment. *The Review of Financial Studies*. 29 (3), 523–564.
- Gleißner, W., Günther, T. W. and Walkshäusl, C. H. (2022). Financial sustainability: measurement and empirical evidence. *Journal of Business Economics*, 92 (3), 467-516.
- Hambrick, D.C. & Mason, P. A. (1984), "Upper echelons: the organization as a reflection of its top managers", *The Academy of Management Review*, 9 (2), PP. 193-206.
- Iqbal, U., Gan, C. and Nadeem, M. (2019). Economic policy uncertainty and firm performance. *Journal of the Asia Pacific Economy*. 27 (10), 765–770.
- Knight, F. H. (1933), "Uncertainty and Profit (first publ). London: London School of Economics.
- Kang, W., Lee, K. and Ratti, R.A. (2015). Economic policy uncertainty and firm-level investment. *Journal of Macroeconomics*. 39, 42–53.
- Mirza, S.S. and Ahsan, T. (2020). Corporates' strategic responses to economic policy uncertainty in China. *Bus. Strategy Environ*. 29 (2), 375–389.
- Ongsakul, V., Treepongkaruna, S., Jiraporn, P. and Uyar, A. (2021). Do firms adjust corporate governance in response to economic policy uncertainty? Evidence from board size. *Financ. Res. Lett.* 39, 101-126.



- Ozili, P.K. and Thankom, A.G. (2018). Income smoothing among European systemic and non-systemic banks. *The British Accounting Review*, 21(2), 23-46.
- Shen, H., Liu, R., Xiong, H., Hou, F. and Tang, X. (2021b). Economic policy uncertainty and stock price synchronicity: evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, J. 65, 101485.
- Shi, Q., Qiu, W. and Fan, Y. (2020). Economic policy uncertainty and the distribution of business operations between parent companies and their subsidiaries. *Emerging Markets Finance and Trade*, 56 (2), 427-456.
- Su, X., Zhou, S., Xue, R. and Tian, J. (2020). Does economic policy uncertainty raise corporate precautionary cash holdings? Evidence from China. *Accounting & Finance*, 60 (5), 44-64.
- Wang, Y., Chen, C.R. and Huang, Y.S. (2014). Economic policy uncertainty and corporate investment: evidence from China. *Pacific-Basin Finance Journal*, 26 (1), 227-243.
- Wen, F., Li, C., Sha, H. and Shao, L. (2020). How does economic policy uncertainty affect corporate risk-taking? Evidence from China. *Finance Research Letters*, 25(5), 205-225.
- Wu, C.C., Ho, S.L. and Wu, C.C. (2021). The determinants of bitcoin returns and volatility: perspectives on global and national economic policy uncertainty. *Finance Research Letters*, 45, 105-125.
- Wu, C.C., Ho, S.L., & Wu, C.C. (2021), "The determinants of bitcoin returns and volatility: perspectives on global and national economic policy uncertainty", *Finance Research Letters*, 45, PP. 105-125.
- Wu, J. & Chen, Z. (2022), "Corruption culture and corporate social responsibility: evidence from China", *Asia-Pacific Journal of Accounting & Economics*, 29 (1), PP. 650-680.



The effect of economic policy uncertainty on financial stability considering the interactive effect of defensive strategy

Samira Barati Menesh¹

Masoud Foladi²

Received: 2025/April/31

Accepted: 2025/June/05

Abstract

The ability to facilitate and promote economic processes, manage risks and neutralize shocks is called financial stability. So far, researchers have investigated the effect of various factors such as equity, total assets, net profit, financing, etc., most of which are internal factors, on financial stability. But in the meantime, there is another important extra-organizational risk that often originates from the instability and lack of comprehensiveness and completeness of the economic laws approved by governments and can overshadow the production performance and financial stability of companies; And so far, it has not been noticed by Iranian researchers, the issue is the uncertainty of the economic policies of the government and the strategy of companies to face such conditions. Therefore, the aim of the current research is to investigate the effect of uncertainty of economic policies on financial stability by considering the interactive effect of defensive strategy. This research is applied in terms of purpose and descriptive-correlation in terms of method. Using the combined data of 128 companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2010 to 2019 and with the help of multiple linear regression, the researcher found that the uncertainty of economic policies has a negative and significant effect on the financial stability of the company. Also, the results of the research showed that the adoption of a defensive business strategy by companies weakens the negative relationship between the uncertainty of economic policies and the company's financial stability.

Keywords: financial stability, uncertainty of government economic policies, business strategy, defense strategy

¹ Department of Accounting, Shahi.C., Islamic Azad University, Isfahan (Shahin Shahr), Iran.
Samira161373@gmail.com

² Department of Accounting, Shahi.C., Islamic Azad University, Isfahan (Shahin Shahr), Iran. (Responsible author): Foladim57@iau.ac.ir

Content

• The effect of students four differential career beliefs on choices of accounting versus finance Sajad Naghdi, Alireza Fazlzadeh, Vahid Ahmadian, Saba Mohammadi & Elahe Salmanzadeh Aghdam	26
• The relationship between financial socialization and financial attachment with the mediating ... Alireza Hooshmandi , Omid Pourheidari & Amir Hosein Taebi Noghondari	51
• Analysis of Senior Managers' Decision-Making with an Emphasis on the Role of Management ... Mohammad Geravand & Farzaneh Haiderpour	71
• The effect of sustainability performance on the relationship between organizational risk ... Farshid Ahmadi Farsani , Alireza Abroud & Abdolnasser Derakhshan	98
• Presenting a causal model for improving the working memory of portfolio managers Reza Aghamohammadi, Abdolreza Talaneh, Ali Akbar Arjmandnia & Seyedeh Atefeh Hosseini	118
• The effect of economic policy uncertainty on financial stability considering the interactive effect of ... Samira Barati Menesh & Masoud Foladi	144



In the Name of God



Judgment and Decision Making in Accounting

License Holder: Islamic Azad University-Central Tehran Branch

Executive Director: Dr. Farzaneh Heidarpour

Editor-in-Chief: Dr. Zahra Pourzamani

Managing Director: Dr. Amir Reza Keyghobadi

Editors: Dr. Zohreh Hajiha & Dr. Amir Reza Keyghobadi

June 2025

Volume 4. No. 14

ISSN: 2821-1707

Editorial Board:

Dr. S. Mehrani

Professor of Accounting, Tehran University.

Dr. Z. Pourzamani

Professor of Accounting, Islamic Azad University-Central Tehran Branch

Dr. Y. Kamyabi

Professor of Accounting, Mazandaran University.

Dr. F. Heidarpour

Professor of Financial Management, Islamic Azad University-Central Tehran Branch.

Dr. A. Jahanshad

Associate Professor of Accounting, Islamic Azad University-Central Tehran Branch.

Dr. Gh. Mahdavi

Professor of Accounting, Shiraz University.

Dr. M. Salehi

Professor of Accounting, Ferdosi University of Mashhad.

- **Postal Code:** 1955847881
- **Tel& Fax:** (+9821)73681452
- **Web:** jdaa.iauctb.ac.ir
- **E-mail:** jdaa@iauctb.ac.ir & jdaa.iau@gmail.com
- Opinions Expressed in this quarterly do not necessarily reflect the views of The Journal and University

Address:

Tehran- End of Artesh Blvd- Shahid
Sohani Street- above Sohanak Square-
Velayat University Complex- Azad
University- Central Tehran Branch
Tehran, Iran.